۲



# نسیم همبستگی

## از تعاون تا انسجام اسلامی

سید حسین اسحاقی

بسم الله الرحمن الرحیم

# نسیم همبستگی: از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست ----- ۵
نسیم همبستگی: از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی ----- ۱۲
مشخصات کتاب ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
دیباچه ----- ۱۴
پیش گفتار ----- ۱۹
فصل اول: کلیات و مسائل اساسی اتحاد و انسجام ----- ۳۶
۱. اهمیت و ضرورت اتحاد و به هم پیوستگی اسلامی ----- ۳۶
۲. وحدت اسلامی در قرآن ----- ۳۸
۳. هم دلی و همراهی مسلمانان در حدیث ----- ۴۱
۴. راه های نزدیک سازی اندیشه های فکری و عقیدتی ----- ۴۴
۵. اختلاف زدایی و ایجاد وحدت اجتماعی ----- ۴۷
۶. اصلاح ذات البین در جهان اسلام ----- ۴۹
۷. تفرقه و دوگانگی، عامل از هم گسیختگی اجتماعی ----- ۵۱
۸. تفرقه و اختلاف، درد کهنه جامعه اسلامی ----- ۵۴
۹. عوامل پیدایش تفرقه ----- ۵۸
الف) کفر و بی ایمانی ----- ۵۸
ب) بی بهره بودن از خردورزی ----- ۵۸
ج) جدایی روحی و جسمی ----- ۵۹
د) دوستی با کافران و دشمنان ----- ۶۰
ه) اختلاف نظری اهل علم ----- ۶۲
و) رهبران ناشایسته ----- ۶۲
ز) تلاش استعمارگران برای تفرقه افکنی ----- ۶۴
ح) اثرگذاری دانشمندان غیرمسلمان ----- ۶۵

ط) همکاری حاکمان با استعمارگران برای تضعیف قدرت اسلامی ---------- ۶۶

۱۰. هم زیستی مسالمت آمیز ملت های جهان ---------- ۶۷

فصل دوم: اتحاد ملی و هم بستگی اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ---------- ۶۹

اشاره ---------- ۶۹

۱. ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی و پرهیز از اختلاف ---------- ۷۰

۲. اتحاد اصناف و مذاهب ---------- ۷۴

۳. دسته بندی وحدت ---------- ۷۶

۴. بایسته های وفاق ملی ---------- ۷۸

اشاره ---------- ۷۸

الف) برنخاستن اختلاف ها از انگیزه نفسانی ---------- ۸۰

ب) جایز بودن وفاق در اصول و اختلاف در روش ---------- ۸۱

ج) پای بندی همگانی به قانون ---------- ۸۳

۵. حدود اختلاف ورزی ---------- ۸۴

۶ . اتحاد و پرهیز از اختلاف های ملی ---------- ۸۴

۷. اندیشه فراملی ---------- ۸۷

۸ . خطرهای ملی گرایی افراطی ---------- ۸۹

۹. رهایی ملت های اسلامی در پرتو اتحاد ---------- ۹۳

۱۰. شاخص های اتحاد و هم بستگی ---------- ۹۷

اشاره ---------- ۹۷

الف) تشکیل حکومت اسلامی ---------- ۹۸

ب) برقراری روابط حسنه دولت اسلامی با دولت ها و ملت های مسلمان ---------- ۱۰۰

ج) حمایت از جنبش های آزادی بخش ---------- ۱۰۲

د) تلاش برای رفع اختلاف میان امت اسلامی ---------- ۱۰۳

ه) پرهیز از تفرقه میان مذاهب اسلامی و بهره مندی علما از تجربه ها و اندوخته های علمی یکدیگر ---------- ۱۰۵

و) هشیاری در برابر توطئه های مخالفان وحدت اسلامی ---------- ۱۰۶

ز) آزادی سیاسی و دینی پیروان مذاهب اسلامی ---------- ۱۰۸

ح) مبارزه با ملی گرایی افراطی ---------- ۱۰۹
ی) تعیین روز جهانی قدس ---------- ۱۱۲
ک) تعیین هفته وحدت در پرتو انقلاب اسلامی ---------- ۱۱۴
ل) صدور فتوای تاریخی درباره نویسنده کتاب آیات شیطانی؛ عامل اتحاد مسلمانان ---------- ۱۱۵
م) هم بستگی مذاهب اسلامی؛ آرمان حضرت امام ---------- ۱۱۶
ن) دعوت دولت های اسلامی به اتحاد و هم بستگی ---------- ۱۱۸
فصل سوم: اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیدگاه رهبری ---------- ۱۲۰
اشاره ---------- ۱۲۰
۱. اتحاد ملی ---------- ۱۲۱
۱- اشاره ---------- ۱۲۱
۲- اهمیت وحدت ملی ---------- ۱۲۳
۳- مفهوم وحدت ملی ---------- ۱۲۵
۴- اصول وحدت ملی ---------- ۱۲۵
۵- هشیاری در برابر توطئه ها ---------- ۱۲۷
۶- راه های تأمین وحدت ملی ---------- ۱۲۹
۷- هم دلی در نهادها و دستگاه های داخلی ---------- ۱۳۱
۸- وحدت رمز موفقیت ---------- ۱۳۲
۹- وحدت کلمه، ضامن سلامت و اتحاد مردم ---------- ۱۳۳
۱۰- پرهیز از اختلاف و حفظ وحدت ---------- ۱۳۵
۱۱- وحدت حوزه و دانشگاه، وسیله ای برای دست یابی به هدف مشترک ---------- ۱۳۹
۱۲- هماهنگی میان مسئولان و اعضای دولت و دیگر قوای کشور ---------- ۱۴۰
۱۳- انسجام میان مسئولان ---------- ۱۴۸
۱۴- حفظ وحدت از وظایف فعالان سیاسی ---------- ۱۵۳
۱۵- پرهیز از برخوردهای جناحی و تکیه بر ویژگی های مشترک ---------- ۱۵۴
۱۶- وحدت کلمه مسئولان و دوری از تشنج سیاسی ---------- ۱۵۷
۱۷- تأکید بر وحدت کلمه ---------- ۱۵۸

۱۸- وحدت شیعه و سنّی ---------- ۱۶۱
اهمیت وحدت تشیع و تسنن ---------- ۱۶۱
اختلاف تشیع و تسنن در گذشته و حال ---------- ۱۶۱
مفهوم وحدت تشیع و تسنن ---------- ۱۶۲
مفهوم وحدت اسلامی ---------- ۱۶۴
محور وحدت تشیع و تسنن ---------- ۱۶۸
۱۹- اشاره ---------- ۱۶۹
۲۰- اهل بیت علیهم السلام ---------- ۱۷۱
۲۱- ولایت ---------- ۱۷۲
۲۲- توجه به وحدت شیعی ---------- ۱۷۴
۲۳- خطر طایفه ای و ناسیونالیستی ---------- ۱۷۴
۲. انسجام اسلامی ---------- ۱۷۵
۱- غفلت مسلمانان از نقطه قوت ---------- ۱۷۵
۲- دفاع از سرمایه های دنیای اسلام ---------- ۱۷۶
۳- حاکمیت اسلامی ---------- ۱۷۸
۴- فلسطین، مسئله دنیای اسلام ---------- ۱۷۹
۵- مشکلات مجموعه عظیم امت اسلامی ---------- ۱۸۰
۶- حرکت های تفرقه انگیز در دنیای اسلام ---------- ۱۸۲
۷- گناه تاریخی ---------- ۱۸۲
۸- قدرتمندان، عامل جنگ های مذهبی ---------- ۱۸۳
۹- اختلاف، مانع سیادت و حاکمیت اسلام ---------- ۱۸۴
۱۰- جنگ زرگری ---------- ۱۸۴
۱۱- محور وحدت جهان اسلام ---------- ۱۸۴
۱۲- توحید مبنای وحدت اسلامی ---------- ۱۸۵
۱۳- انقلاب شیعی یا اسلامی؟ ---------- ۱۸۷
۱۴- تفرقه شیعه و سنّی، سمّ مهلک دنیای اسلام ---------- ۱۸۷

۱۵- غدیر، مایه برادری مسلمانان ۱۹۲

۱۶- بیداری مسلمانان ۱۹۴

۱۷- وحدت بین گروه های جهادی افغانستان ۱۹۴

۱۸- ایجاد اختلاف در عراق ۱۹۵

۱۹- ضرورت اتحاد مسلمانان ۱۹۶

۲۰- برادری اسلامی ۱۹۷

۲۱- وظیفه جامعه تشیع و جامعه تسنن ۱۹۸

۲۲- دشمن شناسی ۱۹۹

۲۳- درس آموزی از تجربه ها و ضرورت اتحاد مسلمانان ۲۰۰

۲۴- وظیفه علما، روشن فکران ۲۰۱

۲۵- حج، فرصتی برای اتحاد اسلامی ۲۰۲

۲۶- دنیای اسلام، نیازمند تقریب ۲۰۷

۲۷- وضعیت گذشته و امروز مجمع التقریب ۲۰۷

۲۸- ۲۰۸

۲۹- تقریب عملی مهم تر از همه نتایج تقریب ۲۰۹

۳۰- توجه به مشترکات اسلامی به عنوان پایه های تقریب ۲۰۹

۳۱- نیاز دنیای اسلام ۲۱۰

۳۲- جلوگیری از نشر آثار تفرقه انگیز ۲۱۰

۳۳- تهیه منشور وحدت ۲۱۱

فصل چهارم: گذری بر هم گرایی و واگرایی در جهان اسلام ۲۱۴

اشاره ۲۱۴

ناهم سازگرایی در دوران بنی امیه ۲۱۵

ناهم سازگرایی در روزگار عباسیان ۲۱۷

پیدایش فرقه ها و نحله های جدید ۲۱۹

هم سازگرایی اسلامی در زمان سلجوقیان ۲۲۱

جایگاه شیعیان در زمان سلجوقیان ۲۲۳

یورش صلیبیان در پی ناهم سازگری اسلامی ---- ۲۲۵
نقش مغولان در هم سازگری و ناهم سازی ---- ۲۲۸
آغاز برتری غرب بر جهان اسلام ---- ۲۳۲
فصل پنجم: اندیشه تقریب؛ راهی برای ایجاد هم بستگی میان مذاهب اسلامی ---- ۲۴۱
اشاره ---- ۲۴۱
منشور تقریب ---- ۲۴۲
جمعیت دارالتقریب ---- ۲۴۳
موانع تقریب در جهان اسلام ---- ۲۴۸
۱. فرقه سازی به وسیله بیگانگان ---- ۲۴۸
۲. عصبیت و مذهب ---- ۲۴۹
۳. بدعت، جهل، خرافه و تقلید ---- ۲۵۰
۴. عوامل داخلی استعمار ---- ۲۵۰
نتایج و آسیب های نفی تقریب ---- ۲۵۱
آثار منفی دشمنی در میان مسلمانان ---- ۲۵۲
مشترکات مذاهب اسلامی و برقراری مفاهمه میان مذاهب ---- ۲۵۳
اقدامات دارالتقریب ---- ۲۶۰
۱. گشودن باب اجتهاد و جواز پیروی از دیگر مذاهب اسلامی ---- ۲۶۰
۲.پیدایش فقه مقارن ---- ۲۶۰
۳. ایجاد ارتباط و هم بستگی میان رؤسای شیعه و سنّی ---- ۲۶۰
۴.شرکت و همکاری با کنگره های اسلامی در راه هم بستگی ---- ۲۶۱
۵.انتشار مجله رساله الاسلام ---- ۲۶۱
۶ . معرفی مذاهب در کشورهای دیگر و جواز پیروی از مذاهب مختلف ---- ۲۶۲
پیش تازی علما در ایجاد وحدت ---- ۲۶۷
آرزوی تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی ---- ۲۷۰
پایانه ---- ۲۷۴
نتایج و آموزه ها ---- ۲۷۴

تقوا، ملاک وحدت ----- ۲۸۲
وحدت؛ یک اصل اسلامی ----- ۲۸۳
اهمیت جماعت در اسلام ----- ۲۸۳
اصل عدالت برای همه ----- ۲۸۳
سیره ائمه علیهم السلام ----- ۲۸۴
گزین گویه ها ----- ۲۸۴
کتاب نامه ----- ۲۸۹
درباره مرکز ----- ۲۹۵

# نسیم همبستگی: از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی

## مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : نسیم همبستگی: از اتحاد ملی تا انسجام اسلامی/ حسین اسحاقی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۳۱۶ ص.

فروست : پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۱۶۸. ویژه سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ ۲.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴۰-۷۰-۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۱۳] - ۳۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : وحدت اسلامی

موضوع : همبستگی -- ایران

موضوع : دوستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP ۲۳۳/۵/الف۴۶ن۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۰۳۴۵۴

ص: ۱

## اشاره

## دیباچه

آن روز که خورشید نبوت در آسمان کعبه رخ نمود، کسی باور نداشت که این سفیر الهی برای بشر خفته درس ها و گفتنی های بسیار دارد. محمدامین صلی الله علیه و آله، با ره توشه ایمان، عصمت و صداقت، طریق هدایت بشر را در پیش گرفت و با سر دادن ندای توحید، روح معنویت را در دل تشنگان حقیقت دمید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله با درایت خویش سکان رهبری امت اسلامی را در دست گرفت و با شعار «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.» (حجرات:۱۰) تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان را به اتحاد و برادری تبدیل کرد. مهاجر و انصار با هم برادر شدند و زنگار کینه جاهلیت را از دل زدودند. پیامبر رحمت برای حفظ و پایداری این برادری، پیام وحی را به گوش امت رساند که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا». (آل عمران:۱۰۳)

حال اگر باورها یکی باشد، آرمان ها یک افق را بنگرد و تعالی، انگیزه مشترک زیستن گردد، آن سان که باید جمعیت عظیم مسلمان آن گونه باشند، الفت و یک دلی حاکم قلب های بی شمار می شود. اگر مردمان به ریسمان محکم ایمان چنگ زنند و بر گرد تفرقه نگردند، آن سان که دستور صریح قرآن است، اتحاد و انسجام پرتوگستر سرزمین های اسلام می شود.

رفع اختلاف ها، زدودن غبار کینه ها و محکم کردن پیوندها و پیمان ها از گران قدرترین سرفصل های آموزه های اجتماعی اسلام است. آیین اسلام که فرهنگ هم دلی، هم سویی و فریادرسی است، پیوسته به غم زدایی، دل جویی و صلح دادن میان مردمان توصیه می کند. در این فرهنگ، عالمان دین گستر و مصلحان اجتماعی که فراتر از مرز خودساختن، به دیگران پرداختن را پیشه خود دارند، ارزشی افزون تر از عابدان و عارفان به خود پرداخته می یابند و بدین گونه است که آشتی دادن میان دو تن، از نماز و روزه یک سال پاداشی فراتر می گیرد. این سخن امیر مهربانی حضرت علی علیه السلام است که:

به ریسمان الهی چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید. همانا من از رسول خدا شنیدم که می فرمود: آشتی دادن افراد و رفع اختلاف از آنان از نماز و روزه یک سال برتر است همانا هلاک کننده و از بین برنده دین،

ناسازگاری و اختلاف افراد با یکدیگر است.(۱)

امروزه وحدت اسلامی به مفهوم حقیقی آن - که همه تفاوت های طبقاتی، نژادی، رنگی و جغرافیایی و غیره را در می نوردد - آرزوی مسلمانان در سرتاسر کره خاکی و ندای قرآن عزیز است و همه غیرتمندان را نهیب می زند که در هر کجا هستند برای تحقق اهداف آن بکوشند؛ از طرف دیگر نیز کابوسی است که خواب خوش استکبار جهانی را پریشان کرده و بر وحشتش می افزاید؛ وقتی آرزوی وحدت اسلامی چنین بلایی به سر استکبار می آورد می توان حدس زد که تحقق آن، چه مشکلاتی برایش ایجاد خواهد کرد.

اگر جهان اسلام از این سو تا آن سوی اقیانوس، با آن قدرت و نیروی بالنده و سترگی که همه اسباب بزرگی و قدرت را در خود دارد، برخیزد، می توان پیش بینی کرد که آنها، چه واکنشی نشان خواهند داد. سرزمین جهان اسلام دارای مساحتی بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر و جمعیت آن فراتر از یک میلیارد مؤمنی است که مرگ در راه خدا را عین سعادت می دانند؛ همچنین بیش از ۲۵۰ میلیون نفر نیروی کار کارآمد و دستان توانمند دارد و از نظر قدرت نظامی ظاهری نیز نزدیک به ۱۰میلیون نیروی آموزش دیده نظامی و دارای بیش از یک صد بندر استراتژیک بر سواحل دریاها و اقیانوس های مختلف است و بر بخش عمده منابع نفتی، مس، اورانیوم و مانند آن در جهان، کنترل دارد.

در کنار این جنبه مادی، جنبه های معنوی عظیمی نیز در این امت وجود دارد که در رسالت بزرگ آن، یعنی آیین اسلام نهفته و حاوی کامل ترین پروژه حل مشکلات بشری و پایان بخش تناقض میان منافع فردی و منافع جامعه ای است که تمامی ایدئولوژی های بشرساخته، نه تنها در حل آن ناتوان بوده بلکه آن را تشدید نیز کرده اند.

آری، استکبار جهانی از چنین وحدتی که خیزش بزرگ اسلامی نویدبخش آن است، وحشت دارد و بر ما مسلمانان است که این بیم و هراس استکبار را همچنان پابرجا و حتی تشدید کنیم و بر حرکت در این مسیر، پای فشاریم و عزم خود را برای تحقق این وحدت بزرگ جزم کنیم؛ از این روست که انقلاب اسلامی، تحقق وحدت اسلامی را سر



---

۱- . من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۳.

لوحه شعارهای خود قرار داده و با تمام توان برای تحقق آن، قدم بر می دارد و موانع و دشواری های ساخته و پرداخته استکبار برای ممانعت از تحقق آن را، از پیش پا بر می دارد، همه تهمت ها، تبلیغات زهرآگین و اقدامات مزدوران استکبار جهانی برای برانگیختن اختلاف های فرقه ای و تعصب های مذهبی و طایفه گرایی و هر آنچه را که قلم های مزدور به منظور انگیزش قوم گرایی ویرانگر و شعارهای ملی تفرقه انداز و از این قبیل رواج می دهند، به یک سو می نهد.

بر همین پایه است که رهبران انقلاب اسلامی، پیگیر این خط پرشکوه وحدت طلبانه شده با تمام توش و توان خود و در دیدارها، سخنان، نوشته ها، مقالات و موضع گیری هایی که در محافل فقهی و سیاسی به عمل می آورند و کنفرانس ها و نشست های بین المللی که برگزار می کنند نیز نهادهای تخصصی که پایه گذاری می کنند، از آگاهی و درک عمیق خود از اسلام بزرگ و آشنایی با ویژگی های امت اسلامی و نیز وضعیتی که این امت را فرا گرفته و سرانجام توجه جهانی خویش به انسان و اسلام در هر کجا، الهام می گیرند؛ تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای نیز گامی در این راه به شمار می رود.

حملات همه جانبه علیه انقلاب و رهبران آن نیز گویای کین و نفرت کفر جهانی نسبت به آنان و رسالت بزرگ جهانی است که این رهبران همواره آن را نشان داده بر آن تأکید کرده اند.

ما - آشکارا و با روشنی تمام - بر این باوریم که راه حقیقی ما، همان راه وحدت بزرگ اسلامی است؛ بنابراین هرگز از فراخوانی به این راه و لبیک گویی به فراخوان رهبر کبیر انقلاب برای تحقق این هدف بازنخواهیم ایستاد؛ و افزایش یورش آنان علیه ما، عزم ما را بیش از پیش جزم می کند، شکیبایی ما را بر تحمل آزار و اذیت، افزون می گرداند و ایمان ما را به پیروزی حتمی، راسخ تر می سازد.

ناگفته نماند هرجا که رذیلت ها فرصت حضور بیابند، اختلاف ها و کشمکش ها رخ عیان می کنند. خودخواهی، خود برتر بینی، منفعت پرستی، آز و کینه و حسد و هرچه در حریم اخلاق نباشد، سرچشمه

نزاع است و فرجامی جز پایمال کردن باورهای دینی، سست شدن بنیان های اجتماعی و آسیب دیدن ارزش های فرهنگی ندارد. اگر انسان ها دل به تسلیم و سر به بندگی بسپرند و در پرتو نعمت اسلام حلقه برادری تشکیل دهند، اختلاف ها رنگ می بازد و نزاع ها مجال ظهور نمی یابد.

سیره گران سنگ امامان معصوم علیهم السلام در بذل مهروزی و رفتار کریمانه انان در گذشت و خطاپوشی و همچنین توصیه های گسترده اسلام به گشاده رویی و محبت، حلم و مدارا، صبر و صلح، و بدی را با نیکی پاسخ دادن همه نشان از نگاه ژرف اسلام به اتحاد و انسجام و پرهیز از اختلاف و نزاع است. قرآن کریم نیز مؤمنان را به دوری از ستیزه و پاسداشت شکیبایی امر کرده و می فرماید:

و از خداو پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.(انفال: ۴۶)

رسول اعظم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می فرماید:

آدمی آن گاه به حقیقت و کمال ایمان می رسد که از مجادله و بحث های اختلاف افکن و خصومت آمیز بپرهیزد، هرچند حق با او باشد.(۱)

از سوی دیگر، دشمنان قسم خورده اسلام و پیامبر، پیوسته به دنبال ایجاد شکاف در صفوف به هم پیوسته مسلمانان بوده و هستند و هر روز بر آتش فتنه های تفرقه انگیز میان مسلمانان، دامن می زنند. امروزه با ناکامی آنان در عرصه های نظامی و سیاسی، این توطئه ها چنان افزایش یافته است که اتحاد و هم بستگی ملی و انسجام اسلامی از ضروری ترین نیازهای جهان اسلام به شمار می رود. بنابراین، مقام معظم رهبری به منظور بیدرای و بسیج امت اسلامی، سال جاری را سال «اتحاد ملی و انجام اسلامی» نامیده است. این امر، رسالت همه



---

۱- . محدث قمی، سفینه البحار، ماده مراء.

فرهنگ سازان جهان اسلام را بیش از پیش سنگین کرده و بر ماست که با تدبیر و برنامه ریزی دقیق و جامع، گام هایی اساسی در تحقق این امر مهم برداریم. بر همین اساس، وظیفه رسانه ملی که همواره از پیشگامان تقویت و گسترش اتحاد و انسجام بوده، دو چندان گشته است. پژوهش حاضر توسط جناب آقای سیدحسین اسحاقی، و بررسی و بازبینی جناب آقای حسین بهرامیان تهیه شده است امید که مورد استفاده و بهره برداری بهینه قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

## پیش گفتار

خداوند متعال در کریمه قرآنی می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا؛ به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید». (آل عمران: ۱۰۳)

حضرت امام خمینی رحمه الله در تبیین این آیه می فرماید:

لکن دستور خدا دستور «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ» است. اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امر مجتمع باشید و متفرق نباشید. امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا آمده اند که همه را در راه حق مجتمع کنند.(۱)

بی تردید، اتحاد و انسجام اسلامی یکی از موضوع های اساسی، محوری و بسیار مهمی است که ضرورت آن در هیچ برهه ای از تاریخ اسلام بر هیچ اندیشمند دل سوزی پوشیده نبوده است. در آموزه های دینی به مسئله وحدت و انسجام اسلامی توجه فراوانی شده است، به گونه ای که یکی از فرازهای شکوهمند سیره و سنّت نبوی صلی الله علیه و آلهو ائمه هدی علیهم السلام را همین موضوع حیاتی تشکیل می دهد. همچنین یکی از دغدغه های اساسی علمای دینی، تلاش برای تحقق این سیره پسندیده است. آثار و اندیشه های مصلحان ژرف اندیش و علمای بیدار شیعه و سنّی همچون شیخ محمد عبده، کواکبی، شلتوت، آیت الله العظمی بروجردی، سید جمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری و در زمان معاصر، حضرت امام خمینی رحمه الله در راستای تقریب مذاهب و وحدت جوامع اسلامی باید اسوه و الگویی برای تمام مردم



---

۱- . روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۱.

مسلمان به ویژه فرهیختگان و دانشمندان اسلامی باشد.

خلف صالح حضرت امام خمینی رحمه الله نیز با تیزبینی و ظرافت خاصی، جان زمان را به زیور اتحاد ملی و انسجام اسلامی آراست. امروزه دشمنان اسلام با شدت تمام در پی ایجاد تفرقه در مرزهای میهن اسلامی و جهان اسلام هستند.

بی شک، سخنان رهبر فرزانه انقلاب در آغازین روز سال، بهترین و نیکوترین پیام ها را در خود دارد و عالی ترین راه ها را به امت اسلامی نمایانده است. بسیار شایسته است که دیگر بار سخنان معظم له را با نگاهی دقیق تر مرور کنیم. باشد که نکته های جدیدی از رهنمودهای ایشان، چراغ راه ما برای ایجاد جامعه ای منسجم و به هم پیوسته شود. گران سنگی پیام ایشان سبب شد قلم در بازنویسی پیش گفتار از نوشتن باز ایستد. ازاین رو، بی هیچ سخن دیگری، سخنان گهربار ایشان را ارمغان راه خویش می سازیم.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمدللّه ربّ العالمین و الصّلاه و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداه المهدیّین والمعصومین سیّما بقیّه اللّه فی الأرضین.

رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنا وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ.

عید امسال دو تبریک دارد؛ هم تبریک عید نوروز است، هم تبریک ورود ماه ربیع المولود است که ولایت نیّر اعظم و نبی مکرم، حضرت محمدبن عبداللّه صلی الله علیه و آله در آن وارد است. خود عید نوروز هم جزو اعیاد بابرکت برای ما ایرانی هاست.

مردم، سال را با یاد خدا شروع می کنند و از خداوند متعال، تحول به احسن الحال را مسئلت می کنند. امسال علاوه بر اینها، ذخیره معنوی توسلات و توجهات ماه محرم و صفر هم بر برکات این عید افزوده است. شما جمع حاضر در این صحن هم که مشرّف به زیارت بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلامهستید، برکات بیشتری دارید. برای من

ص: ۹

هم فرصتی است تا برخی از مسائلی را که در آغاز سال برای ما ان شاءاللّه مفید خواهد بود، مطرح کنم.

اول سال، فرصت خوبی است برای تقویت عزم ملی، برای برکت بخشیدن به عمر خود در این سال. اگر همه آحاد ما مردم ایران از اول سال، عزم خود را بر این متمرکز کنیم که با تلاش خود، با حرکت خود، سال پُرباری برای خود فراهم کنیم، خدای متعال هم یقینا کمک خواهد کرد. البته جان مایه این عزم ملی و بزرگ، نیت پاک و تصمیم بر جلب رضای الهی است؛ تصمیم بر پیمودن صراط مستقیم و آن گاه شناختن موقعیت خود و وضع خود، جایگاه خود در شرایط کنونی عالم و چالش هایی که پیش روی ملت قرار دارد و شناختن خطوط اساسی برای مواجهه با چالش ها. این، شرط موفقیت یک ملت زنده است؛ وضع خود را، جایگاه خود را، شرایط خود را درست بشناسد و برای این شرایط، برنامه ریزی داشته باشد و عزم و تصمیم قاطع بر مواجهه با آنچه که در این راه برای انسان به طور طبیعی پیش بیاید. من از این فرصت استفاده می کنم، در این ساعتی که در خدمت شما هستم، در این باره ها قدری صحبت می کنم.

آنچه که اساس مطلب برای ما ایرانی هاست – که همیشه باید این را مدنظر داشته باشیم – این است که ملت ما و مجموعه ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می کنیم، احساس می کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگو شدن در میان ملت های مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه های معنوی ارتقا پیدا کند؛ استقلال ملی داشته باشد؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه ظرفیت های خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملت در آن

صورت می شود الگو برای همه جوامع مسلمان و حتی غیرمسلمان. ملت ایران می خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، باایمان و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته. این، هدف ملت ایران است.

در این هدف، اختلافی هم وجود ندارد؛ دعواهای جناحی و اختلافات سیاسی در اینجا همه برطرف می شود. این هدفِ مورد قبول همه آحاد ملت ایران است. کشوری آباد داشته باشیم، ملتی آزاد و سربلند داشته باشیم، از ظرفیت های ملی خودمان به خوبی استفاده کنیم، بتوانیم پیشرو باشیم، پرچم عدالت اجتماعی را در دست داشته باشیم، پرچم ایمان اسلامی را در پیشاپیش همه ملت های مسلمان به دوش بگیریم. این چیزی است که همه ملت ایران طالب و عاشق آن هستند و می توانیم به این هدف دست پیدا کنیم. هم شناخت ظرفیت های ملی به ما این امید را می دهد، هم تجربه ها این را تأیید می کند.

ملت ایران یک ملت بااستعداد است، بااستقامت است، برخوردار از غیرت دینی و غیرت ملی است، به اسلام عمیقا ایمان دارد، به میهن خود عشق می ورزد. اینها چیزهایی است که به ما این امیدواری و این اعتماد را می بخشد که ملت ما قادر است به این هدف دست پیدا کند و برسد؛ دور از دست رس نیست. تجربه هم همین را به ما نشان می دهد.

ببینید ما بر اثر سلطه حکومت های فاسد و وابسته، در طول سال های متمادی، از میدان رقابت های جهانی بیرون مانده بودیم. ملت ایران که یک روز پیشاهنگ دانش و فرهنگ بود، بر اثر سلطه پادشاهان جبار و قدرت های منقطع از مردم، وضعش به جایی رسید که از حدود دویست سال قبل به این طرف که مسابقه علمی و سیاسی در دنیا آغاز شد، بیرون از میدان مسابقه قرار گرفت. وقتی ملتی در مسابقه ملت ها وارد نیست، به طور طبیعی، توانایی های او تحلیل می رود و موفقیت های او ناچیز می شود. شما یک تیم ورزشی را در نظر بگیرید که قدرت دارد، نشاط دارد، میل به کار

دارد، [ولی] او را نمی گذارنـد وارد میدان رقابت های ورزشـی بشود. به طور طبیعی، توانایی های او کم می شود و تحلیل می رود. با ملت ما این کار را کردند.

در عین حـال که سـال هـای متمـادی، قـدرت های وابسـته، قـدرت های فاسـد، قـدرت های بی کفایت و پادشاهان ظالم چنین وضـعی را برای ملت ما به وجود آوردنـد، به مجرد اینکه به وسـیله انقلاب اسـلامی، دروازه ورود به این جاده برای ملت ما باز شد و ملت ما وارد میدان رقابت های جهانی و مسابقات جهانی شد، پیشرفت های بزرگی به دست آورد. ملت ما، هم در زمینه هـای علمی، هم در زمینه هـای سیاسـی، امروز در جهـان یک ملت دارای نشان و شـناخته شـده است؛ یک چهره است در میان ملت هـا. در زمینه های علمی، ما به نسـبت این زمان پیشـرفته هستیم. البته عقب مانـدگی های دویست ساله را در ظرف بیسـت سال و سی سال نمی شود جبران کرد، اما در این بیست و چند سال، ما با سرعت بسیار بیشتری نسبت به همین مدت زمانی جلو رفته ایم. امروز شـما نگاه کنید؛ جوانان ما در زمینه انرژی هسته ای، در زمینه سلول های بنیادی، در زمینه ضایعات نخاعی و در ده ها زمینه دیگر - که اگر ملت ما از آنها به روشـنی آگاه بشوند، شادمان خواهند شد - پیشـرفت داشته اند. برجستگان علمی کشور ما امروز توانسته اند در دنیا بدرخشند و تحسین جهانیان را جلب کنند.

در میدان رقابت های سیاسـی هم همین طور. امروز دولت جمهوری اسـلامی ایران در زمینه های سیاسی - چه در سطح منطقه، چه در سـطح بین المللی - سـخن او جزو سـخن های پُرطرفدار است؛ سخن او یک سخن شنیدنی است. مسئولین کشور ما، هم در مجـامع جهانی، هم در مسافرت هایی که به کشورهای دیگر می کننـد، هم در موضع گیری هایی که می کننـد، برجسـته و شاخصند. این چنین وضعی برای ملت ما نشان دهنده استعداد این ملت در پیشروی و در ورود به این میدان هاست.

ملت مـا توانسـته است در فرهنگ سیاسـی بین المللی، مفاهیم جدیـدی را وارد کنـد. دنیا، مردم سالاری دینی را نمی شـناخت. امروز مردم سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه ملت های اسلامی است. دنیا، تعریف

نظام سلطه را نمی شناخت. این را ملت ما تعریف کرد و در فرهنگ سیاست بین المللی وارد شد. مسئله دین محوری سیاست، قانون، مدیریت کشور، اینها همه مفاهیم جدیدی است که ملت ما توانسته است اینها را وارد کند. پس ما در مسابقات جهانی – مسابقه علمی، مسابقه سیاسی، مسابقه صنعتی، مسابقه اقتصادی و مسابقه فرهنگی – می توانیم وارد شویم و در کوتاه مدت، امید به موفقیت داشته باشیم و در بلندمدت، امید به سرآمد شدن داشته باشیم. این، وضع ملت ماست.

و اما این راهی که ملت ایران می خواهد برود، یک راه آسفالته بی مانع نیست. ما در این راه، چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است.

دشمن درونی خطرناک تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی، خصلت های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود – نه به شخص خود و نه به ملت خود – اینها بیماری است. اگر این دشمن های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این میکروب ها را در درون جامعه ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره هستید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است.

در طول سال های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمده ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری ها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست. اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت. اینها مثل موریانه ای که در درون پایه بنا بیفتند، بنا را ویران می کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار گیرد، میوه را فاسد می کند.

ص: ۱۳

باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوش بین به آینده، علاقه مند به پیشرفت و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می کند. بحمداللّه امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمن ها را در درون خود، در جای خود، در فرهنگ عمومی جامعه خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی تواند به ما صدمه و لطمه ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه بین المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم می کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران با آن ملت دشمنی می کنند؛ روی او فشار می آورند و سعی می کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده امریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روش ها تغییر می کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هر چه توانسته اند، فشار وارد آورده اند، اما عبث؛ [چون] فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی شان، نه تهدید نظامی شان، نه فشار سیاسی شان، نه جنگ روانی شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی تر هستیم. این نشان دهنده این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است، اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت های مسلمان و ملت های منطقه - ملت های آسیا، ملت های افریقا، ملت های امریکای لاتین، ملت های منطقه خاورمیانه - یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت و ایستاده در مقابل زورگویی هاست؛ ملت ایران را این طور شناخته اند. آنها ملت ایران را تحسین و ستایش می کنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که این قدر مورد ستایش ملت هاست، از نظر قدرت های زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی

است، متهم به حمایت از تروریسم است! این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت ها و خواسته قدرت ها، این تناقض، تهدیدکننده نظام سلطه جهانی است. روزبه روز اینها دارند از ملت ها دور می شوند؛ این یک رخنه فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روزبه روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی می تواند حقایق را پنهان کنند؛ همیشه که نمی توانند حقایق را پنهان کنند؛ ملت ها روزبه روز بیدارتر می شوند.

شما نگاه کنید؛ رئیس جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای افریقا، به کشورهای امریکای جنوبی مسافرت می کند، ملت ها برای او شعار می دهند، به نفع او تظاهرات می کنند، اظهار حمایت می کنند. رئیس جمهور امریکا هم به کشورهای امریکای جنوبی - یعنی حیات خلوت امریکا - مسافرت می کند، ملت ها پرچم امریکا را به مناسبت آمدن او آتش می زنند. این معنایش تزلزل پایه های لیبرال دموکراسی ای است که امروز غرب و جلوتر از همه امریکا، مدعی پرچم داری آن هستند. تناقض در خواست آنها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روزبه روز بیشتر می شود. دم از دموکراسی می زنند، دم از حقوق بشر می زنند، دم از امنیت جهانی می زنند، دم از مبارزه با تروریسم می زنند، اما باطن شریر آنها حکایت از جنگ طلبی آنها می کند؛ حکایت از پای مال کردن حقوق ملت ها می کند؛ حکایت از میل وافر و اشتهای سیری ناپذیر آنها بر منابع انرژی جهانی می کند؛ این را ملت ها می بینند. روزبه روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی امریکا - که پیش قراول لیبرال دموکراسی است - در دنیا در نظر ملت ها دارد کم و کمتر می شود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر می شود. ملت ها می فهمند که امریکایی ها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ می گویند؛ یک نمونه آن، رفتار آنها با کشور خود ماست.

ایران در زمان طاغوت - زمان رژیم پهلوی - یک سره در مشت امریکایی ها بود. امریکایی ها بر سراسر ایران مسلط بودند. پایگاه نظامی در ایران به وجود می آوردند. برای تسلط بر تحرک کشورهای عرب منطقه؛ می خواستند اینها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران هم پیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتوری ها بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه می کردند؛ در سرتاسر کشور - در همین شهر مشهد، در تهران و در همه شهرهای کشور - اختناق و شدت عمل مأموران جلاد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت

ما را تاراج می کردنـد؛ اموال عمومی و ثروت های ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج می دادنـد؛ ملت ایران را از حضور در مسابقه علمی و صنعتی دنیا مانع می شدنـد؛ ملت را تحقیر می کردنـد. آن ایران، متحـد درجه یک امریکا در این منطقه بود؛ زمام دارانش هم محبوب امریکا بودند؛ هیچ اعتراضـی هم به نقض حقوق بشـر و نقض دموکراسـی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردم سالاری واضح - که مردم سالاری ما در دنیا بسـیار کم نظیر اسـت - بـا این ارتبـاط مسـتحکم بین مردم و مسـئولان کشـور؛ این ایران از نظر امریکـایی هـا، از نظر دولت امریکـا و سیاسـت مـداران امریکا یک کشور نامطلوب به حساب می آیـد. این نشان دهنده جهت گیری اسـتکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عـالم است. البته امریکـایی ها از این دشـمنی سودی نبرده انـد و باز هم نخواهنـد برد. ملت ایران روزبه روز قوی تر می شود و ارزش های انقلاب روزبه روز برجسته تر و تازه تر می شود.

ما در مقابل این دو دشـمن، وظایفی داریم. اول دشمن را باید شناخت. بعد باید نقشه او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارنـد. ما سیاست های پنـج ساله خودمان را تعریف می کنیم؛ افق چشم انـداز بیست ساله را تعریف می کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشـخص کنیم. دشـمن ما هم همین طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سـیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

من برنـامه هـای اسـتکبار جهـانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاـصه می کنم: اول، جنـگ روانی؛ دوم، جنـگ اقتصادی و سوم، مقابله با پیشـرفت و اقتدار علمی. دشـمنی های اسـتکبار با ملت ما در این سه قلم عمده خلاصه می شود. البته اینها را باید دسـتگاه های تبلیغاتی و رسانه ها و شخصـیت های سیاسـی بیشتر برای مردم توضیح بدهند. من اجمالاً سرفصل و خلاصه ای از مطالب را به شما عرض می کنم.

جنـگ روانی یعنی چه؟ هـدف جنـگ روانی، مرعـوب کردن است. کی را می خواهنـد مرعـوب کننـد؟ ملت که مرعوب نمی شود؛ توده عظیم مردم که مرعوب نمی شوند. چه کسی را می خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت های سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را؛ اینها را می خواهنـد مرعوب کننـد. کسانی که قابل تطمیعنـد، آنها را می خواهند تطمیع کنند؛ اراده عمومی را می خواهند تضعیف کنند؛ درک مردم از واقعیت های جامعه خودشان را

می خواهند تغییر دهند؛ هدف جنگ روانی این است. یک نفر که بیمار نیست؛ صد بار به او بگویند آقا! شما کسالت دارید، شما مریضید، یک مقدار احساس بیماری می کند. به عکس، اگر کسی دچار بیماری هم باشد، صد بار به او بگویند شما حالتان خوب است، احساس صحت می کند. با تلقین می خواهند واقعیت های کشور ما را در نظر ملت ما دگرگون کنند. ملت ما ملتی است بااستعداد، دارای قابلیت، دارای ظرفیت، دارای ثروت های عظیم طبیعی؛ چنین ملتی می تواند پیشرو باشد. دلیلی ندارد که این ملت، ناامید باشد، اما آنها می خواهند واقعیت ها را تغییر دهند و ملت را ناامید کنند؛ می خواهند اعتماد ملت را به مسئولان ضعیف کنند. اینکه مردم به دولت و مسئولانشان اعتماد داشته باشند، برای یک کشور خیلی نعمت بزرگی است. می خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی اعتماد کنند، هم به خودشان، هم به مسئولینشان. مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید کنند؛ در تبلیغات، جای مدعی و متهم را عوض کنند. امروز امریکا متهم است و ملت ها مدعی امریکایند. ما امروز مدعی امریکا هستیم. امریکا متهم است به دست اندازی به استکبار، به مستعمره پروری، به جنگ طلبی، به اشغال نظامی، به فتنه انگیزی. ما طلب کاریم، ما مدعی هستیم. آنها می خواهند خودشان را در جایگاه مدعی بگذارند و ملت ایران را در جایگاه متهم قرار دهند. در خود امریکا وضع حقوق بشر اسف بار است و ناامنی وجود دارد. در یک سال - سال ۲۰۰۳ - سیزده میلیون بازداشت شهروندان امریکایی را خودشان گزارش کردند! مجوز شکنجه می دهند، مجوز شنود تلفن می دهند. بعد از حادثه بیست شهریور چند سال قبل، اینها چند میلیون نفر را بازجویی کردند. یک چنین فضای ناامنی در داخل امریکا؛ در خارج هم که زندان های ابوغریب و شکنجه ها و زندان گوانتانامو و زندان های مخفی ای که در اروپا و در نقاط دیگر دارند. آنها باید جواب بدهند. آنها متهمند، آنها نقض حقوق بشر می کنند؛ آن وقت می شوند مدعی حقوق بشر، و ملت ایران را یا هر جا را که میلشان بکشد، می خواهند به محاسبه بکشند که شما نقض حقوق بشر کرده اید! تروریسم را آنها دارند ترویج می کنند. این کارها جنگ روانی است که آنها دارند انجام می دهند.

یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما، اختلافات قومی، اختلافات مذهبی - شیعه و سنّی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و

رقابت های صنفی را ترویج و تبلیغ می کنند. در داخل، مزدوران و ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در اینجا به شکل های گوناگون عمل می کنند. اینها شایعه پراکنی می کنند. در مسئله عراق، ایران را متهم می کنند. کسانی که آمده اند عراق را اشغال کرده اند، ملت عراق را تحقیر کرده اند، زنان، مردان و جوانان عراقی را به انواع مختلف مورد اهانت قرار داده اند، همین حالا هم نظامی امریکایی و انگلیسی در عراق با کمال بدرفتاری دارد عمل می کند، اینها ایران را متهم می کنند که در امور عراق دخالت می کند. آن روزی که دولت امریکا و خیلی از دولت های غربی از صدام بعثی معدوم حمایت می کردند، ملت ایران آغوشش را بر روی آزادگان عراقی باز کرد؛ آزادمردان عراقی به اینجا آمدند و ما آنها را از شر صدام حفظ کردیم؛ امروز همان ها در عراق به قدرت و حکومت رسیده اند. تروریسم در عراق با تحریک سرویس های جاسوسی امریکا و انگلیس و اسرائیل است. این برادرکشی ها در عراق ناشی از جنگ شیعه و سنّی نیست؛ شیعه و سنّی قرن ها در عراق با هم زندگی کرده اند و جنگی هم نداشته اند. خانواده های عراقی بسیاری هستند که بعضی شان شیعه اند، بعضی شان سنّی؛ با هم ازدواج کرده اند، با هم زندگی می کردند. این ترورها را آنها به وجود آورده اند؛ آنها هستند که از ناامنی ها سود می برند.

در مورد نفوذ شیعه و ترویج تشیع از سوی ایران و هلال شیعی و از این حرف ها، شایعه پراکنی می کنند. یکی از شعبه های جنگ روانی اینها این است: اولاً ـ بین ملت ایران اختلاف بیندازند. ثانیا بین ملت ایران و ملت های دیگر مسلمان اختلاف بیندازند. سیاست امریکا این بوده است که همسایه های ما را در خلیج فارس از نظام جمهوری اسلامی بترسانند. البته بعضی از آنها آگاهانه و هشیارانه توطئه را فهمیده اند، بعضی هم ممکن است اشتباه کنند و در دام این توطئه امریکایی بیفتند. ما به سوی همسایه های خلیج فارس - که منطقه عمده نفتی دنیا متعلق به این مجموعه است - همیشه دست دوستی دراز کرده ایم؛ الان هم با آنها دوستیم و دست دوستی دراز می کنیم و اعتقاد ما این است که کشورهای حوزه خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترک داشته باشند و

بایـد با هم همکاری کنند. برای دفاع از این منطقه مهم نباید امریکا و انگلیس و بیگانگان و دیگران طمع ورزان بیایند؛ خود ما باید امنیت این منطقه را حفظ کنیم و این با همکاری کشورهای خلیج فارس ممکن است.

من به همین مناسـبت به عناصـر سیاسـی داخلی هم دوسـتانه نصیحت می کنم؛ مراقب باشند، طوری حرف نزنند، طوری موضع گیری نکننـد که به مقاصد دشـمن در این جنگ روانی کمک شود؛ به دشـمن کمک نکنند. امروز هر کس که مردم را ناامید کنـد و به خود، به مسـئولین و به آینده بی اعتماد کند، به دشـمن کمک کرده. امروز هر کس که به اختلافات دامن بزند – هر نوع اختلافـاتی – به دشـمن ملت ایران کمـک کرده. کسـانی که قلم دارنـد، بیان دارنـد، تریبون دارنـد، جایگاهی دارنـد، باید مراقب باشـند؛ نبایـد بگذارنـد دشـمن از آنها اسـتفاده کنـد. جنگ روانی دشـمن، مهم ترین بخش مبارزه دشـمن با ملت ایران است.

جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می کنم میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاست های اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشـد و بایـد هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال ۸۶ و شایـد تا یکی دو سال بعـد، رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور بایـد رویکرد اقتصادی باشد. ما می توانیم اقتصاد خودمان را شـکوفا کنیم. تهدید می کنند که تحریم می کنیم. تحریم نمی تواند به ما ضربه ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده انـد؟ مـا در حال تحریم به انرژی هسـته ای رسـیده ایم؛ ما در حال تحریم به پیشـرفت های علمی رسـیده ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی های وسیع در کشور رسیده ایم. تحریم در شرایطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند.

رویکرد کشور در سالی که امروز اول آن است و حتی یکی دو سال بعـد، بایـد رویکرد اقتصادی باشد. از سیاست های اصـل ۴۴ همه باید اسـتفاده کنند. کسانی که توانایی سـرمایه گذاری دارند، حتی افرادی که می توانند سرمایه گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها

راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می توانند سرمایه گذاری کنند؛ می توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهیم باشند. علاوه بر سهام عدالت که تقریبا ده میلیون نفر را شامل می شود - که مال دو دهک پایین جامعه است - بقیه آحاد مردم هم می توانند از این سیاست ها استفاده کنند؛ راه دارد. مسئولین دولتی باید راه های مشارکت مردم را در فعالیت های اقتصادی به آنها بگویند. این سیاست ها به معنای تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی، بی مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقتی کسی به اموال عمومی دست درازی می کند. یک وقت کسی بی قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می رسد. اینها ممنوع است، از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می آورید، باز همان را وسیله ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا دربیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می برند. روح اصل ۴۴ و سیاست های اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، به خصوص طبقات ضعیف، متنوع شود. مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند. این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.

در مورد مقابله با پیشرفت علمی هم یک نمونه مهمش همین مسئله انرژی هسته ای است. در گفته ها، در گفت وگوهای سیاسی و غیره می گویند دولت های غربی با دارا بودن قدرت هسته ای در ایران موافق نیستند؛ خب نباشند. مگر ما برای به دست آوردن قدرت هسته ای از کسی اجازه خواستیم؟ مگر ملت ایران با اجازه دیگران وارد این میدان شده است که بگویند ما موافق نیستیم؟ خب موافق نباشند. ملت ایران موافق است و مایل است این انرژی را

داشته باشد. من سال گذشته هم در اجتماع روز اول فروردین در اینجا گفتم که انرژی هسته ای برای کشور ما یک ضرورت است، یک نیاز بلندمدت است. امروز اگر مسئولین کشور در به دست آوردن انرژی هسته ای کوتاهی کنند، نسل های بعد آنها را مؤاخذه خواهند کرد. ملت ایران و کشور ایران به انرژی هسته ای و این توانایی برای زندگی - نه برای سلاح - احتیاج دارد. عده ای می نشینند همان حرف دشمن را تکرار می کنند که: آقا! چه لزومی دارد؟ چه لزومی دارد؟ آینده کشور را به خطر انداختن، نیاز فرداهای کشور را به کلی ندیده گرفتن، این اشکالی ندارد؟ آیا مسئولین کشور حق دارند به نسل های آینده خیانت کنند؟ امروز نفت را برداریم مصرف کنیم؛ یک روزی این نفت تمام خواهد شد. آن روز ملت ایران برای برق خود، برای کارخانه خود، برای گرمای خود، برای روشنایی خود، برای حرکت زندگی خود، دست نیاز دراز کند به سوی کشورهای دیگر تا به او انرژی بدهند؟ این برای مسئولین امروز کشور جایز است؟

عده ای حرف دشمن را تکرار می کنند. همان هایی که ملی شدن نفت را به وسیله دکتر مصدق و مرحوم آیت اللّه کاشانی انجام گرفت، امروز تمجید می کنند - که آن کار، نسبت به این کار کوچک بود؛ این از او بزرگ تر است - همان ها امروز نسبت به انرژی هسته ای همان حرفی را می زنند که مخالفین مصدق و کاشانی آن روز می گفتند. اینها قابل قبول نیست. ما در این راه پیش رفتیم، با ابتکار خودمان پیش رفتیم. مسئولین کشور ما هیچ بی قانونی هم نکردند. همه فعالیت های ما در مقابل چشم آژانس هسته ای است. ایرادی هم ندارد. ما حرفی نداریم که زیر نظر آنها باشد. جنجال کردن و فشار وارد آوردن روی ملت ایران برای این مسئله، استفاده ابزاری کردن از شورای امنیت سازمان ملل، برای قدرت های مقابل ملت ایران زیان به بار خواهد آورد. این را من بگویم؛ اگر قرار باشد بخواهند از شورای امنیت استفاده ابزاری کنند و بخواهند این حق مسلّم را از این راه ندیده بگیرند، ما تا

امروز آنچه را که انجام دادیم، بر طبق قوانین بین المللی انجام دادیم؛ اگر آنها بخواهند بی قانونی کنند، ما هم می توانیم بی قانونی کنیم و خواهیم کرد. اگر بخواهند با تهدید و اعمال زور و خشونت رفتار کنند، بدون تردید بدانند ملت ایران و مسئولین ایران در مقابل دشمنانی که به آنها تعرض کنند، از همه ظرفیت خود برای ضربه زدن استفاده خواهند کرد.

من عرایضم را می خواهم تمام کنم. این توصیه های خادم ملت ایران است به ملت ایران. توصیه من این است: این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی - این را رعایت کنید. اتحاد ملی؛ یعنی یک پارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی؛ یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت های اسلامی محکم تر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است.

توصیه بعد این است که ملت عزیز ما، مخصوصا جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملت ایران! شما می توانید؛ می توانید کارهای بزرگ بکنید، می توانید کشور خود را به اوج اعتلاء و عزت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می خواهند نباشد. دشمنان می خواهند مردم به دولت - که مسئولیت اداره امور کشور را دارد - بی اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشه دشمن را خنثی کنید. من از دولت حمایت می کنم. از همه دولت های بر سر کار و منتخب مردم حمایت کردم. بعد از این هم همین خواهد بود. از این دولت هم به طور خاص حمایت می کنم. این حمایت، بی دلیل و بی حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمی است. ثانیا بیشترین مسئولیت ها را دولت بر دوش دارد. بعد هم این جهت گیری های دینی

ص: ۲۲

و این ارزش گرایی انقلابی و اسلامی خیلی ارزش دارد. سخت کوشی، تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهت گیری عدالت و زیّ مردمی؛ اینها خیلی قیمت دارد و من قدر این کارها را می دانم. من به خاطر این چیزها از دولت حمایت می کنم. البته این حمایت، حمایت بی حساب و کتاب نیست؛ توقعاتی هم در مقابلش از دولت دارم. اولین توقع من این است که به مسئولین دولتی می گویم خسته نشوند؛ اعتماد به خدا را از دست ندهند؛ به خدا اعتماد کنند و به این مردم اعتماد کنند؛ زیّ مردمی خودشان را حفظ کنند؛ در دام تجمل گرایی هایی که افرادی می افتند، نیفتند؛ مراقب و مواظب باشند؛ در مخاصمات جناحی وارد نشوند؛ وقتشان را با دعواهای سیاسی تلف نکنند؛ با همه وجود و با همه توان برای این مردم کار کنند؛ آنچه را که با مردم در میان می گذارند، به تحقق برسانند و دنبال کنند.

ما باید چشم های خودمان را باز کنیم. ما باید به خدا متوسل باشیم، متذکر باشیم. ملت ایران، ملت بزرگی است، ملت توانایی است، هدف های بزرگی دارد، راهی هم به سوی این هدف ها دارد که می تواند طی کند. من امیدوارم خدای متعال تفضلات خود را بر شما ملت ایران به طور مستمر ببارد؛ باران لطف خود را بر سر شما ببارد و ان شاءاللّه امروز که روز اول سال ۸۶ است، سرآغاز یک سال پربرکت برای مردم باشد. والسّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته.

## فصل اول: کلیات و مسائل اساسی اتحاد و انسجام

### ۱. اهمیت و ضرورت اتحاد و به هم پیوستگی اسلامی

خداوند در قرآن مجید، با آیاتی چون «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لاتَفَرَّقُوا» (آل عمران:۱۰۳) یا «و ان هذه امتکم امه واحده» (مؤمن: ۵۲) اتحاد همه مسلمانان را در سیمای یک امت، یک دین، یک راه و یک قبله و هدف مورد تأکید قرار داده است. بسیاری از عبادت های واجب اسلام، عالی ترین مظاهر اتحاد اسلامی را نشان می دهد. حج با آن همه پویایی و محتوای سازنده، برای همه مردم است. نمازهای واجب عموما به جماعت خوانده می شود.

اتحاد و انسجام امت چنان محبوب و مطلوب اسلام است که عبادت را پرمحتوا می کند و به امت عزت و تعالی می بخشد. به همین اندازه، تفرقه گرایی مورد نکوهش قرآن است تا به آنجا که خداوند، دامن زدن به اختلاف ها را مایه نزدیک شدن مسلمانان به مشرکان می داند: «وَ لا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکینَ مِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعًا.» (روم: ۳۱ و ۳۲) پیامبر گرامی اسلام نیز نسبت به تفرقه و جدایی افتادن میان مؤمنان هشدار داده است و مسلمانان را ید واحد می شمارد:

«اَلْمُؤْمِنُون اِخْوةٌ تَتَکافَی دِمائُهُم وَهُمْ یَدٌ عَلَی مَنْ سِواهُمْ.»(۱) همچنین رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسلِمینَ فَقَدْ خَلَع رِبْقَهَ الْاِسلامِ مِنْ عُنُقِهِ»؛(۲) یعنی هرکس از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد، ریسمان اسلام از گردن او برداشته می شود.

بسیاری از علمای بزرگ تشیع و تسنن در راستای ایجاد وحدت و هم دلی، تلاش های پی گیری کرده اند که از این میان، به بزرگانی همچون آیت الله بروجردی، علامه امینی، شیخ محمدتقی قمی، محمدحسین کاشف الغطا، استاد محمدجواد مغنیه، آیت الله

ص: ۲۵

---

۱- . ملامحسن فیض کاشانی، وافی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ه . ق، ج۹، ص۱۸.

۲- . محمد بن علی ابن بابویه صدوق، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ه . ق، ص۲۹۷.

نایینی، سید هبه الـدین شهرسـتانی و امام خمینی رحمه الله از علمای تشیع و علامه شیخ عبدالمجید سلیم، علامه شیخ محمد شلتوت، محمد ابوزهره، محمد فرید وجدی، حسنین محمد مخلوق، عبدالمتعال صعیدی، محمد محمد المدنی، شیخ مراغی و دکتر احمد امین از علمای اهل سنت می توان اشاره کرد. علامه شرف الدین همه چیز را در پرتو لوای وحدت می بیند و می نویسد:

اسباب عمران و تکامل به وجود نمی آیـد و روح تمدن و سعادت پدیدار نمی شود و گردن ما از یوغ بردگی آزاد نمی شود، مگر اینکه اتفـاق کلمه داشته، دل هـا به هم نزدیـک و عزم هـا منسجم باشـد تا بتوانیم راه اعتلای امت و عزت ملت اسـلام را فراهم آوریم و سرزمین ها سبز و خرم شود، آسمان رحمت ببارد و چشمه سار رحمت و محبت از قلب ها روان گردد.(۱)

اسـلام، دینی اجتمـاعی اسـت که همگـان را به اتحـاد و یـک پـارچگی فراخوانـده است. قرآن مجیـد نیز به صـورت مسـتقیم و غیرمستقیم با واژگانی چون «امه واحده»، «فالّف بین قلوبکم»، «لا تتفرقوا»، «لا تنازعوا»، «لا تَتّبعوا السّبل»، «تفریقا بین المؤمنین»، «شیعا»، «اختلفوا» و «تفرقوا»، هشدارها و امیدهایی را برای تحقق وحدت بیان کرده است. برای نمونه، در قرآن آمده است:

واَطیعُوا اللّه ِوَرَسُولَهُ ولا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وتَذْهَبَ ریحُکُمْ.(انفال: ۴۶)

از خدا و پیامبرش پیروی کنید و با یکدیگر نزاع مکنید که ناتوان می شوید و شوکت شما از دست می رود.

هرگونه نزاع، تفرقه و دودستگی، به ناتوانی طرف های درگیر می انجامد و راه را برای دست اندازی بیگانگان هموار می کند. در مقابل، اتحاد و هم دلی، شوکت آفرین است. البته وحدت باید ذاتی باشد، نه عرضـی و تحمیلی. اگر گروهی برای مقابله با دشـمن مشترک، به صورت موقت کنار هم گرد آینـد، وحـدت پدیـد آمـده، عرضـی و زایل شـدنی است. وحدتی که ذاتی و خودجوش باشـد، از روی تاکتیک و استراتژی نیست، بلکه در درون مسـلمانان، نهادینه می شود؛ چه دشـمنی پیش رو باشـد یا نباشد. در آیه کریمه



---

۱- . امام سید شرف الـدین موسوی، مباحثی عمیق در وحـدت امت اسـلامی، ترجمه: احمـد صادقی اردسـتانی، قم، انتشارات صادق، ۱۳۶۲، ص۱۵، به نقل از: مقدمه کتاب شرف الدین.

قرآنی نیز آمـده است: «إنّمـا المؤمنـون اِخْوهٌ.» (حجرات: ۱۰) همچنیـن رسـول گرامی اسـلام فرمـوده اسـت: «اَلْمُسْـلِمُ اَخُو المُسْلِمِ».(۱)

بنابراین، برادری مسلمانان بر اثر وجود شرایط خارجی پدید نمی آید، بلکه درونی شده است. به طور کلی، وحدت، فریضه ای اجتمـاعی و عامـل تکامـل فرد است. وحـدت در اسـلام بر پـایه اخوت بنـا شـده است. به همین دلیل، امام علی علیه السـلام در شدیدترین شرایط همچنان بر وحدت و هم دلی پای می فشرد و می فرمود:

وَ اَلْزِمُوا السَّوادَ الاَعْظَمَ فَاِنَّ یَدَاللّه ِ عَلی الْجَماعَهِ وَ إیّاکُمْ وَ الْفُرْقَهَ فَاِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النّاسِ لِلشَّیْطانِ کَما اَنَّ الشَّاذَّ مِنِ الْغَنَمِ لِلذِّئبِ.(۲)

با اکثریت باشید که دست خـدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که جدا مانده از مردم، بهره شیطان است، همان گونه که گوسفند جدا مانده از گله، نصیب گرگ بیابان می شود.

قطره، دریاست اگر با دریاست

ورنه او قطره و دریا، دریاست

به گفته مولوی:

از حضور اولیا گر بگسلی

تو هلاکی ز آنک جزو بی کُلی

هر که را دیو از کریمان وابُرد

بی کسش یابد، سرش را او خورد

یک به دست از جمع رفتن یک زمان

مکر شیطان باشد این، نیکو بدان(۳)

## ۲. وحدت اسلامی در قرآن

دین، انسان را در سـطح عام عضو خانواده واحـدی می دانـد که از پـدر و مادر یگانه ای آفریـده شده اند. در آیه کریمه قرآن آمده است:



---

۱- . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲- . نهج البلاغه صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ه . ق، چ ۱، خطبه ۱۲۷.

۳- . جلال الدین بلخی مولوی، مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، چ۹، ص۳۰۲.

یـا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْنـاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْنـاکُمْ شُـعُوبًا وَ قَبائِـلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکَمْ عِنْـدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ إِنَّ اللّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ. (حجرات: ۱۳)

بنا بر نص قرآن مجید، تفرقه و گروه گرایی در کنار عذاب آسمانی و زمینی، نوعی عذاب الهی است:

قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذابًا مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعًا وَ یُذیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیاتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ. (انعام: ۶۵)

بگو او تواناست که بر شـما بلایی و عذابی از آسـمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار سازد. بنگر چگونه آیات خود را به شیوه های گوناگون بیان می کنیم. باشد که مردم چیزی بفهمند.

به طور کلی، فرقه فرقه شـدن قوم به اختلاـف آرا و خواهش هـا می انجامـد و هر فرقه ای، رئیس و پیشوایی را برای خود برمی گزینـد. پس از چنـدی، تعصب هـا و خودپرسـتی هـای فردی و جمعی، آنـان را به درگیری بـا همـدیگر وادار می سازد و این حالت، عـذابی است که انسان ها با اراده و اختیار خود به جان خویش می خرنـد. از رسول گرامی اسـلام روایت شده است که از خداوند خواست عذاب از بالا و پایین بر امتش نفرسـتد و امت او را پراکنده نسازد و آنان را به عذاب همدیگر دچار نسازد. جبرئیل نازل شد و گفت:

یا محمد، تو از پروردگارت چهار چیز را درخواست کردی که دو تا را عطا فرمود و دو تا را منع کرد: عذاب از بالا و پایین که آنان را به هلاکت و ریشه کن شدن بکشاند، بر آنان نازل نخواهد شد. این دو، عذاب هایی هسـتند که بر هر امتی که پیامبرش را تکذیب کند و کتاب پروردگارش را مردود شـمارد، نازل می شود. با این حال، امت تو لباس تفرقه خواهد پوشـید و بعضـی سختی و ناراحتی بعضی دیگر را خواهند چشید. این دو عذاب مربوط به اهل اقرار به کتاب های آسمانی و پیامبران است، ولی آنان به خاطر گناهانشان مجازات می شوند.(۱)

همچنین قرآن، ایجاد الفت و وحدت دل ها را که یکی از الطاف الهی است، ره آورد رسالت پیامبران

ص: ۲۸

---

۱- . المنار، ج۷، ص۴۹۴، ذیل آیه ۶۵ سوره انعام.

می شمارد:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران:۱۰۳)

و همگی به رشته دین چنگ زنید و به راه های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند، همه برادر دینی شدید، درصورتی که در پرت گاه آتش بودید و خدا شما را نجات داد. خداوند این گونه آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می کند. باشد که به مقام سعادت، هدایت شوید.

جهان بینی توحیدی، کتاب های آسمانی، پیامبران الهی و رهبران الهی، نیرومندترین عوامل وحدت بخش بشر در طول تاریخ بوده و بنیادی ترین اختلافات فکری و حقوقی انسان ها را حل کرده اند. به یقین، انسان بدون پذیرش این ارمغان های آسمانی، به لذت هم فکری، هم کاری و دوستی دست نخواهد یافت.

اصولاً یکی از اهداف عمومی پیامبران و فرو فرستادن کتاب های آسمانی، اختلاف زدایی از زندگی بشر است. البته برخی اختلاف ها تنها در داوری نهایی خداوند در روز قیامت حل و فصل خواهد شد: «اِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ». (یونس: ۹۳)

### ۳. هم دلی و همراهی مسلمانان در حدیث

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

شخص مسلمان، برادر شخص مسلمان است. هرگز به او ستم نمی کند و هیچ گاه او را تنها و بی پناه نمی گذارد.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

مسلمان، برادر مسلمان است و برای



---

۱- . محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۱۳ه . ق، ج۸، ص۲۳.

برادر مسلمان خود مانند چشم و آیینه است و راهنما و خیرخواه اوست. هرگز به برادر مسلمان خود خیانت نمی کند. درباره او نیرنگ و حیله به کار نمی برد. به او ستم روا نمی دارد. به او دروغ نمی گوید و در غیاب وی هم سخن ناروایی بر زبان نمی آورد.(۱)

همچنین آن حضرت می فرمود:

پیوسته خدا را در نظر داشته باشید و با هم برادران خوبی باشید. برای خدا همدیگر را دوست بدارید و پیوند برادری خود را مستحکم تر سازید. برای هم فروتنی پیشه سازید. عطوفت و مهربانی به خرج دهید. به دیدار همدیگر بروید و با این پیوندها و اتحادها، مکتب ما را زنده بدارید.(۲)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر می فرماید:

محبوب ترین شما در پیشگاه خدا کسانی هستند که با دیگران الفت برقرار می کنند و دیگران نیز با او الفت می گیرند. مبغوض ترین افراد شما نزد خداوند کسانی هستند که سخن چینی و کارشکنی می کنند و میان ما و برادران دینی، تفرقه و اختلاف می افکنند.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین زمینه فرموده است:

خداوند در روز قیامت اعلام می کند کجایند آنها که با دیگران پیوند مودت و محبت برقرار کرده اند. به جلال خودم



---

۱- . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۵ ه . ق، ج۷۴، ص۱۶۶.

۲- . اصول کافی، ج۲، ص۱۷۵.

۳- . ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۱، ج۳، ص۳۸۸.

سوگند، آنان را در سایه رحمت خود پناه می دهم.(۱)

امام باقر علیه السلام از پدران خود و آنها از جد بزرگوارشان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصلی روایت می کند:

چون روز قیامت فرا رسد، از جانب خداوند ندا می رسد: همسایگان خداوند کجا هستند؟ با شنیدن این ندا، جماعتی به پا می خیزند که گروهی از فرشتگان به استقبال آنها می روند و می گویند: شما چه کاری کرده اید که به عنوان همسایگان خدا معرفی شده اید؟ آنها پاسخ می دهند: ما برای خدا با یکدیگر پیمان محبت و دوستی برقرار می کردیم. در راه خدا بذل و بخشش داشتیم و در راه خدا با افراد دیدار می کردیم. آن گاه منادی اعلام می کند: اینان بندگان صادق خدا هستند. به آنها راه دهید تا بدون حساب به جوار رحمت الهی راه یابند.(۲)

عبدالمؤمن انصاری نیز می گوید:

به مجلس امام کاظم علیه السلام وارد شدم و محمد بن عبدالله جعفری هم در محضر ایشان بود. به مشاهده محمد، لبخند شادی زدم. امام فرمود: عبدالله، محمد را دوست داری؟ گفتم: آری، چون وی از دوستان شماست. امام فرمود: آری، او برادر توست. مؤمن همچون برادر پدر و مادری انسان است. کسی که به برادر خود تهمت زند، از رحمت خدا دور است. کسی که با برادر خود حیله و نیرنگ کند، از رحمت خدا دور است. کسی که به نصیحت و راهنمایی برادر خود نپردازد، از رحمت



---

۱- . احمد بن محمد بن حنبل، مسند، قاهره، دارالجیل، ۱۴۱۰ه . ق، ج۴، ص۳۸۶.
۲- . بحارالانوار، ج۷۴، ص۲۳۲

خدا دور است. کسی که خودمحور باشد و نیز کسی که از برادر مؤمن خود غیبت کند، از رحمت خدا دور خواهد بود.(۱)

## ۴. راه های نزدیک سازی اندیشه های فکری و عقیدتی

چنان که برخی از اندیشـمندان مـذهبی گفته اند، وحدت تشیع و تسـنن، امکان پذیر نیست. این دو جریان عقیدتی، فرهنگی و تـاریخی ریشه دار را نه می توان در هم ادغـام کرد، نه می توان یکی را به سود دیگری - یا به سود اسـلام - نابود ساخت. تنها کاری که عملی است، دعوت سنّی و شیعه به اتحاد است؛ چون ضرورت دارد.

اندیشـمند اسـلامی، استاد شـهید مرتضـی مطهری در این زمینه بیـان متینی دارد که بسـیار قابل توجه است. ایشان مسـئله اتحاد اسـلامی را به دو نوع «عملی» و «غیر عملی» تقسـیم می کند و به مناسبت گفت وگو درباره اهمیت کتاب الغدیر و نقش آن در اتحاد اسـلامی، به تشـریح موضوع می پردازد. این سـخن را پی می گیریم: «مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مـذاهب اسـلامی، یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشـته شود یا مقصود این است که مشترکات همه مـذاهب گرفته شود و مفترقـات همه آنهـا کنـار گذاشـته شود و مـذهب جدیـدی بـدین نحو اختراع شود که عین هیـچ یک از مـذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسـلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسـلمین، اتحاد پیروان مـذاهب مختلف، در عین اختلافـات مـذهبی، در برابر بیگانگـان است؟ مخـالفین اتحـاد مسـلمین برای اینکه از وحـدت اسـلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازنـد، آن را با نام وحـدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول با شـکست مواجه گردد. بـدیهی است منظور علمای روشن فکر اسـلامی، از وحـدت اسـلامی، حصـر مـذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها - که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. منظور این دانشـمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان».(۲)



---

۱- . همان، ص۳۹۳.

۲- . یادنامه علامه امینی، مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی»، صص ۲۳۱ - ۲۴۲.

«این دانشمندان می گویند مسلمین مایه های وفاق بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم شود. مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان و اذعان دارند. کتاب همه، قرآن و قبله همه، کعبه است. با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند و مانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند و داد و ستد می نمایند و کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می کنند و جز در مواردی جزئی در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین هم از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند. وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش ها و نیایش ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب می تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند. خصوصا اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن، برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی، آنها را به یکدیگر مربوط می کند. با این وضع، چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته، استفاده نکنند.

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. همچنان که ایجاب نمی کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می کند، این است که مسلمین - برای اینکه احساسات کینه توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله ور نشود - متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند. به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند. منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح

نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت - لااقل - حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن».

برای برخی این تصور پیش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی می توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار می گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند، به هیچ وجه نمی توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی، مجموعه ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون، از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است. آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی هذا آنجا که مثلاً اصل «امامت» آسیب می پذیرد و قربانی می شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل، شیعه و سنّی به هیچ وجه نمی توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند؛ دشمن هر که باشد.

در پاسخ به این گروه می گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «المیسور لایسقط بالمعسور» و «ما لایدرک کله لایترک کله» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما بهترین و آموزنده ترین درس هاست. ایشان از شعار «یا همه یا هیچ» نیز پیروی نکرد. در شورای شش نفری پس از تعیین عثمان به وسیله عبدالرحمان بن عوف، علی علیه السلام، شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری چنین اعلام کرد: «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیری والله لاسلمن ماسلمت امور المسلمین و لم یکن فیها جور الاعلی خاصه؛ شما خود می دانید من از همه برای خلافت شایسته ترم و حال به خدا قسم، مادامی که کار مسلمین رو به راه باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد،

مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود.»(۱)

### ۵. اختلاف زدایی و ایجاد وحدت اجتماعی

جامعه، موجودی بی روح و خنثی نیست که در برابر مسائل فکری و عملی مختلف، هیچ گونه واکنشی از خود نشان ندهد، بلکه موجودی فعال و پویا است که از گروه های مختلف انسانی تشکیل یافته است. این گروه ها در داخل خود، ذوق های فکری، هنری و عملی گوناگون دارند. آنچه این ذوق ها، سلیقه ها و تمایلات متنوع و گاهی متضاد را مهار می کند و مانع از هم گسیختگی اجتماعی می شود، وجود فرهنگ عمومی نیرومندی در ساختار جامعه است تا نوعی هماهنگی و هم سویی میان مردم به وجود آورد. هرگاه جامعه از نظر فرهنگ عمومی دچار از هم گسیختگی شود، بحران هویت آن را فرامی گیرد و فضای ناامنی و ناهنجاری بر جامعه حاکم می شود. برای رهایی جامعه از بحران هویت و شکل گیری فرهنگ عمومی هماهنگ با ارزش های اسلامی و ملی شایسته است پیش از هر چیز، تولیدکنندگان محصولات فکری و فرهنگی، به باورهای مشترک و همسان دست یابند. تا زمانی که این هماهنگی، در سطح بالای متولیان نهادهای فکری و فرهنگی به وجود نیاید، هم فکری در سطوح پایین نیز شکل نخواهد گرفت. برای نمونه، اگر دانشگاهیان ما بدون در نظر داشتن فرهنگ ملی به گسترش محصولات فکری فرهنگی غرب و شرق بپردازند که براساس اومانیسم و سکولاریسم بنیان گذاری شده و حوزویان نیز به ترویج فرهنگ اسلامی بر پایه خدامحوری و حق محوری سرگرم باشند، چگونه می توان انتظار داشت که اجتماع دچار مشکل نشود.

ازاین رو، اصالت دادن به ارزش های اسلامی و دینی، احترام به فرهنگ و دستاوردهای معنوی ملی، استفاده از دستاوردهای مثبت بشری و دوری از ناهنجاری فرهنگی غرب، ضرورت دارد. حضرت امام



---

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۷۲. نک: مشعل اتحاد، صص ۷۰ – ۷۵، به نقل از: استاد مرتضی مطهری، مقاله «علامه امینی و وحدت اسلامی».

خمینی رحمه الله درباره نقشه استعمار برای جدایی دو طبقه اثرگذار طلبه و دانشجو و ایجاد تفرقه میان آنان می فرماید:

نقشه جهـان خواران و عمّـال آنان، جـدا کردن این دو طبقه مؤثر و متفکر در زمان رژیم طاغوتی بود و مع الاسف موفق شـد و کشور را به تباهی کشاند و آن نقشه بار دیگر در دست اجراست که با غفلت جزئی رو به تباهی خواهیم رفت.(۱)

ایجاد فضای دوستی و محبت، نخستین گام در مسیر رسیدن به هماهنگی و وحدت اصولی است تا ذهنیت های دو طرف نسبت به هم تصحیح شود. امـام در این زمینه فرمود: «لازم است طبقـات محترم روحـانی و دانشـگاهی بـا هم احترام متقابـل داشـته باشند».(۲)

همکـاری دو جـانبه حوزه و دانشـگاه در فعـالیت هـای فکری و فرهنگی، زیربنـای اصـلی وحـدت آن دو را تشـکیل می دهـد. تعبیرهایی همچون: «اِنَّ هذه امّتکم اُمَّةً واحدةً» (انبیاء: ۹۲) و «اِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ اِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)



---

۱- . تبیان، ش۱۵، ص۲۸۳.

۲- . همان، ص۲۶۹.

یا «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا»(آل عمران: ۱۰۳)، تبیین کننده ایجاد و تحکیم روابط تنگاتنگ و دوستانه میان مؤمنان هستند.

## ۶. اصلاح ذات البین در جهان اسلام

در قرآن کریم چنین می خوانیم:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ.(حجرات: ۱۰)

به حقیقت، مؤمنان (که از یک روح قدسی به وجود آمده اند) همه برادر یکدیگرند. پس همیشه بین برادران (ایمانی) خود (چون نزاعی شود)، صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید. باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید.

اگر صلح و صفا، عالم، بهشت است

وگر جنگ و جدل، دنیا، جهنم

در این صورت، چه نابخرد کسانیم

که غمگین می کنیم این عیش خُرم

بیایید از محبت، این جهان را

به خود جنّت کنیم و آن جهان هم(۱)

اصلاح بین مؤمنان و افراد جامعه اسلامی چنان ارزش دارد که در وصیت نامه حضرت علی علیه السلام آمده است:

فَإِنِّی سَمِعْتُ جَدَّکُما صلی الله علیه و آله یَقُول: صِلاحُ ذَاتِ الْبَینِ اَفْضَلُ مِنْ عَامَّهِ الصَّلاهِ وَالصِّیام.(۲)

ص: ۳۷

---

۱- . دیوان شهریار، ح۱۰۲۹.

۲- . نهج البلاغه صبحی صالح، ص۲۴۱.

من از جدّ شـما (خطاب به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام شنیدم) که می فرمود: آشتی دادن میان مردمان از نماز و روزه سالیان بهتر است.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

لَأَنْ أُصلِحَ بَیْنَ اثْنَیْنِ اَحَبُّ اِلَیَّ مِنْ أَنْ اَتَصَدَّقَ بِدینارَیْنِ.(۱)

اینکه میان دو نفر آشتی و صلح برقرار کنم، نزد من محبوب تر است از آنکه دو دینار صدقه بدهم.

اصولاً در ارتباط دو فرد مسـلمان یا غیر مسـلمان با یکـدیگر سه حالت قابل فرض است. تعاون، تخاذل و تخاصم. از این سه راه فقـط راه اول به دارالسـلام توحیـد می رسـد. حـالت اول که همکـاری و هم یاری نامیـده می شود، وظیفه الهی و عقلی افراد و گروه هـا و دولت و ملت در نظام اسـلامی است. خداونـد نیز در قرآن، مؤمنان را به تعاون فراخوانـده است: «تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لاـ تَعاوَنُوا عَلَی اْلإِثْمِ وَ الْعُـدْوانِ.» (مائـده: ۲) حـالت دوم که بی اعتنـایی و بی طرفی در مشـکلات و نیازهـای متقـابل است، بـا وظیفه فطری عقـل و شـرع تضـاد دارد. حـالت سوم هم اوج انحراف و بیماری در روابط میان جوامع، گروه ها و افراد مسلمان است.(۲)

ص: ۳۸

---

۱- . اصول کافی، ج۲، ص۲۰۹.

۲- . محمود مهدی پور، اصلاح ذات البین، ره توشه رمضان ۱۳۷۸، صص ۱۳۶ - ۱۳۹.

اصلاح بین مردم و برقراری صلح و آشتی در جامعه بشری کاری است که خدای مهربان، دستور لازم را دراین باره صادر فرموده است. پیامبران و رهبران دینی نیز هماره یکی از مسئولیت ها و مأموریت های خویش را برقراری صلح و آشتی و زدودن اختلاف و درگیری از جامعه بشری می دانستند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی کردند.

باید دانست عقب ماندگی سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی، زاییده اختلاف، سوءظن، تحلیل دروغین، تخریب ذهنی و اتلاف فرصت ها، امکانات و نیروها در جنگ های داخلی، نژادی و قومی است که همواره با برنامه ریزی عوامل خارجی و اجرای عناصر ناآگاه داخلی شکل می گیرد.

اصلاح ذات البین در معنای فراگیر خود و در قلمرو اسلامی، کوشش برای عزت، قدرت و پاسداری از امکانات جامعه اسلامی و پیش گیری از هرگونه ضربه پذیری و فرسودگی درونی است. نقش وحدت و هماهنگی و همکاری در حفظ وحدت و اقتدار اجتماعی و پیشرفت مسلمانان و اثر تخریبی اختلاف در تضعیف نیروها و امکانات، برای اندیشمندان و مردم، ناشناخته نیست. به همین دلیل، دست یابی به این به هم پیوستگی از وظایف عمومی مسلمانان و از فرایض بزرگ و کارساز در جامعه اسلامی به شمار می رود که هم دولت های اسلامی و هم تک تک مؤمنان نسبت به آن مسئولند.

### ۷. تفرقه و دوگانگی، عامل از هم گسیختگی اجتماعی

تفرقه و دوگانگی، مهم ترین عامل از هم گسیختگی است. ازاین رو، اسلام، مسلمانان را به اتحاد و هم بستگی و پرهیز از تفرقه افکنی سفارش می کند. قرآن، این اتحاد و هم بستگی را در چنگ زدن به ریسمان الهی و پیروی از رسول گرامی اسلام می داند و بی توجهی به دستورهای الهی و رسولش را مایه تفرقه و از هم گسیختگی جامعه می شمارد:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران:۱۰۳)

جملگی به رشته دین خدا چنگ زنید و به راه های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و همه به لطف خدا، برادر دینی یکدیگر

شدیـد، در صورتی که در پرتگاه آتش بودیـد و خـدا شـما را نجات داد. خداوند این گونه آیاتش را برای راهنمایی شـما بیان می کند. باشد که هدایت شوید.

اسلام با یک دستور عمومی و اجتماعی، جامعه را از هر اختلاف فسادانگیزی برحذر می دارد. آنجا که خداوند می فرماید:

وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ ذلِکُمْ وَصّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ. (انعام: ۱۵۳)

این است راه راست. از آن پیروی کنید و از راه های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شـماست، جز راه خدا پیروی نکنید. این است سفارش خدا به شما. باشد که پرهیزکار باشید.

در این آیه بیان شده است که بنیان اجتماع بر پیروی از راه و روش مستقیم است که همان پیروی از دستور الهی و پیامبر باشد. به این ترتیب، مسلمانان را از ورود به هر راه دیگری باز داشـته و آنان را از هرگونه پراکندگی به دور نگه داشته است تا بدین وسیله رشته اتحاد و یگانگی میان ایشان مستحکم شود.(۱)

دوگانگی و اختلاف دو گونه است:

۱. آنکه طبیعت بشر نمی توانـد از آن مبرا باشـد و نهی کردن از آن از قبیـل تکلیف مالایطـاق است و آن، اختلاف طبیعت و سلیقه انسان هاست. اختلاف سطح افراد در قدرت اندیشه و فهم، امری اجتناب ناپذیر و طبیعی است.

۲. نوع دوم اختلافی است که ادیـان برای زدودن آن آمـده انـد و آن، حـاکم کردن هواها در دین و احکام آن است که برای بشر زیان بار است؛ زیرا چراغ های هدایت را خاموش می کند.(۲)

حضـرت علی علیه السـلام در خطبه قاصـعه، رمز پیروزی و سـروری اقوام سـابق را اتحـاد و همـاهنگی دل هـا دانسـته و تفرقه و جدایی را عامل شکست و از هم پاشیدن همان اقوام شمرده است:



---

۱- . المیزان، ج۴، ص۱۲۹.

۲- . المنار، ج۴، ص۲۲.

بنگرید آنها چگونه بودند هنگامی که جمعیت هاشان، متحد؛ خواسته ها، متفق؛ قلب ها و اندیشه ها، معتدل؛ دست ها، پشتیبان هم؛ شمشیرها، یاری کننده یکدیگر؛ دیده ها، نافذ و عزم ها و مقصودهاشان همه یکی بود. آیا آنها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند و آیا زمام دار و رئیس همه جهانیان نشدند؟ از آن طرف، پایان کار آنان را نیز نگاه کنید: آن هنگام که پراکندگی در میان آنها رخ داد، الفتشان به پراکندگی گرایید؛ اهداف و دل ها اختلاف پیدا کرد؛ به گروه های متعددی تقسیم شدند و در عین پراکندگی با هم به نبرد پرداختند. در این هنگام بود که خدا لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون کرد و وسعت نعمت را از آنان گرفت. تنها آنچه از آنها باقی مانده، سرگذشت آنها است که در میان شما به گونه درس عبرتی برای آنها که بخواهند عبرت گیرند، دیده می شود. از حال فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق و فرزندان یعقوب عبرت گیرید. چه قدر حالت های (ملت ها) با هم مشابه و صفات و افعالشان شبیه یکدیگر است. در حالت پراکندگی آنها دقت کنید. زمانی که کسراها و قیصرها مالک آنها بودند، سرانجام آنها را از سرزمین های آباد از کناره های دجله و فرات و از محیط های سرسبز و خرم گرفتند و به جاهای کم گیاه و بی آب و علف، محل وزش بادها و مکان هایی که زندگی در آنها بسیار سخت است، تبعید ساختند. آنها را در آنجا مسکین، بیچاره و هم نشین شتر ساختند (شغلشان ساربانی و خوراکشان تنها شیر شتر و لباس و وسایل زندگی شان از پشم آن تهیه می شد). آنان را ذلیل ترین امت ها از نظر محل سکونت ساختند و در بی حاصل ترین سرزمین ها مسکن دادند. نه کسی داشتند تا آنها را به حق دعوت کند و به او پناهنده شوند و نه سایه الفت و اتحادی بود که به عزت و شوکتشان تکیه کنند.(۱)

حضرت علی علیه السلامگاهی از تفرقه و پراکندگی مردم چنین یاد می کند:

اَیُّها النَّاسُ المُجْتَمِعَهُ أَبْدانُهُمْ المُخْتَلِفَهُ أَهْواؤُهُمْ کَلامُکُمْ یُوهی الْصُّمَّ الْصِّلابَ وَ فِعلُکُمْ یُطْمِعُ فیکُمُ الاَعْداءَ.(۲)

ص: ۴۱

---

۱- . نهج البلاغه صبحی صالحی، ص ۶۷؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیضیه، ۱۳۵۱، چ۲، ص ۸۹.

۲- . همان، ص۷۲؛ همان، ص۱۰۲.

ای مردمی که بدن هایتان، جمع و افکار و خواسته های شما، پراکنده است، سخنان داغ شما، سنگ های سخت را درهم می شکند، ولی اعمال سست شما، دشمنانتان را به طمع می اندازد.

ایشان پس از تشویق مردم به جهاد و دیدن سکوت مرگ بار مردم فرمود:

اِنَّهُ لا غِناءَ فِی کَثْرَهِ عَدَدِکُمْ مَعَ قِلَّهِ اجْتِماعِ قُلُوبِکُمْ.(۱)

تعداد فراوان شما با کمی اجتماع افکارتان سودی نمی بخشد.

سپس در انتقاد از سستی مردم افزود:

أَیَّتُهَا النُفُوسُ الْمُخْتَلِفَهُ وَالْقُلُوبُ الْمُتَشَتِّتَهُ الشّاهِدَهُ أبْدانُهُمْ والغْائِبَهُ عَنْهُمْ عُقُولُهُم.(۲)

ای روح های پراختلاف و ای قلب های پراکنده، شما که بدن هایتان حاضر و عقل هایتان پنهان است.

## ۸. تفرقه و اختلاف، درد کهنه جامعه اسلامی

تفرقه و دودستگی میان مسلمانان و دولت هایشان پیشینه ای دیرین دارد. بعضی از خاورشناسان، سقوط دولت عرب را در نتیجه گسترش تفرقه در سرزمین های اسلامی می دانند. گوستاو لوبون نوشته است:

غریزه جنگ جویی عرب که در دوران کشورگشایی و فتوحاتشان، سودمند و نافع بود، پس از گذشتن آن دوران و خالی شدن میدان از دشمن، برای آنان زیان آور بود. بدان جهت که چون فتوحاتشان پایان یافت،



---

۱- . همان، ص۱۷۶؛ همان، ص ۳۶۹.

۲- . همان، ص۱۸۸؛ همان، ص ۴۰۶.

این غریزه اصیل و ریشه دار، آنها را به استقلال طلبی واداشته و شروع به تجزیه دولت و قدرت خود نمودند تا بالاخره دولتشان سقوط کرد. این همان جریانی بود که در اسپانیا و سیسیل اتفاق افتاد و در نتیجه همان استقلال طلبی ها و جنگ های داخلی از بین رفتند و نصارا از همان رقابت های داخلی آنان استفاده کرده، اعراب را از آن دو کشور بیرون راندند.(۱)

به طور کلی، دشمنان از وجود حکومت های ملوک الطوایفی و نبودن ساختار حکومتی واحد در اندلس، بهره جستند و حکومت مسلمانان را در آنجا شکست دادند. «عصر ملوک الطوایفی هشتاد سال از تاریخ مردم اندلس را اشغال کرده است و با آنکه در برخی از جنبه ها تا حدی درخشندگی هایی داشته، ولی در واقع، عصر انحلال و تفرقه کامل سیاسی و اجتماعی است. دولت های کوچک که بر روی ویرانه های اندلس بزرگ به وجود آمدند و همه عنوان مملکت داشتند و می پنداشتند در امور خود از استقلال برخوردارند، از نظر نظامی فاقد آن عناصری بودند که یک دولت استقراریافته باید از آن بهره مند باشد. اگر یک یا دو دولت از آنها را استثنا کنیم، باقی نه از حیث وسعت خاک و نه از حیث درآمدهای مادی به پایه ای نبودند که بتوانند امور سیاسی و نظامی خود را به تنهایی بگردانند. اینها به یک واحد فئودالیستی یا یک خاندان یا جماعات قبیلگی نزدیک تر بودند تا به آنچه عنوان مملکت را حمل می کند. بنابراین، آنها به معنی صحیح، حکومتی صاحب نظام که همه همتش، خیر و آسایش ملت و حفظ امنیت و نظم باشد، نبودند. خاندان ها یا رؤسایی بودند که بیش از هر چیز خواهان مصالح خاص بودند تا یا مقامشان فراتر رود یا بر دارایی شان افزوده تر شود یا بر زرق و برق دربارشان بیفزاید. آنچه به حساب نمی آمد، مردم بود. وظیفه مردم آن بود که در برابر باژوسازی (مالیاتی) که بر آنها می بندند، خاضع باشند و این اموال که از مردم اخذ می شد، مصارف معینی داشت. بخشی عظیمی از آن صرف دربارهای پرجلال و شکوه می شد و بخشی برای قوای نظامی به مصرف می رسید. این اقدامات نظامی هم که از هجوم دولت نیمه ضعیفی بر



---

۱- . گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۷۶۰.

همسایه و هم کیش ضعیف او تجاوز نمی کرد، می رفت تا آنچه را در دست دارد، از او بستاند و کمتر اتفاق می افتاد که هدف بزرگ را تعقیب کند یا بخواهند از اندلس در برابر دشمن اصلی و دیرپایش، اسپانیای مسیحی دفاع کنند».(۱)

وضع کنونی مسلمانان بهترین گواه برای اثبات این مطلب است. دوری دولت های اسلامی و احزاب و گروه های سیاسی و فرهنگی از یکدیگر، عملکرد و موضع گیری های متفاوت رهبران و شخصیت های سیاسی و اسلامی و دوگانگی و اختلاف مردم از جمله عوامل عقب افتادگی ملت های مسلمان به شمار می رود. دشمنان نیز که به خوبی این نکته را دریافته اند، سیاست «تفرقه انداز و حکومت کن» را به صورت های گوناگون در جوامع اسلامی اجرا می کنند.

برای نمونه، به نزاع شیعه و سنّی در هند اشاره می کنیم که سابقه ای چند صد ساله دارد. این اختلافات در نیمه قرن دوازدهم در هند با انتشار کتابی به نام تحفه اثنی عشریه به اوج خود رسید. پیش از این، شیخ احمد سرهندی به دلیل مخالفت های شدیدش با تشیع و هم ردیف دانستن شیعه با رفض و کفر، لقب «مجدد الف ثانی» را به خود اختصاص داده و در لوای مبارزه با شرک و رفض، کتاب های زیادی نوشته بود. شاه عبدالعزیز مشهور به «محدث دهلوی» با انتشار کتاب تحفه اثنی عشریه، بیش از پیش به اختلافات شیعه و سنّی دامن زد. پس از انتشار این کتاب ها، ده ها کتاب له و علیه آن نوشته شد و بازار مناظره میان دو فرقه بالا گرفت. اوایل تنها به ردیه و



---

۱- . عنان محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: عبدالمجید آیتی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶ ه . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۴۲۷.

جواب علیه یکدیگر بسنده می کردند و علمای بزرگی چون حکیم محمد کامل عنایت دهلوی، کتاب گران قدر نزهه اثنی عشریه را در دوازده جلد(۱) در رد تحفه نوشت. با این حال، وی به دلیل نگارش این کتاب به دست مخالفانش در دهلی به شهادت رسید. سید دلدار علی، اولین مجتهد در شمال هندوستان و فرزند سلطان العلماء و سید مفتی محمد عباس، علامه مفتی محمد قلی و فرزندش، علامه میرحامد حسین - که کتاب گران قدر طبقات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار را در سی جلد در رد یک باب تحفه اثنی عشریه نگاشت - و دیگر علما و بزرگان شیعه در هر شهر و دیار علیه تحفه اثنی عشریه و حقانیت شیعه مطالبی نوشتند. با این حال، این اختلافات به جنگ و خون ریزی دو فرقه بیشتر دامن زد.

از طرف دیگر، در اواخر قرن دوازدهم، تصوف در هند قدرت خود را از دست داده و بازار سالوسان و مکاران به نام مرشد و صوفی و سجاده نشین رونق گرفته بود. چون این گروه اعتقاد چندانی به مسائل اسلامی نداشت، مردم را از فراگیری و عمل به احکام اسلامی بازمی داشت. ازاین رو، برخی علمای شیعه به مبارزه با این گونه صوفیان و عارف نمایان دروغین پرداختند و کتاب هایی در رد تصوف نوشتند. گروهی از علما برای بازگرداندن شیعیان به تشیع واقعی و آشنا کردن ایشان با مسائل و احکام، فعالیت خود را آغاز کردند. با توجه به اینکه تصوف در گذشته، منبع خدمات زیادی به مسلمانان هند بود و بیشتر مردم مسلمان از طریق عرفان و تصوف به اسلام رو آورده بودند، مخالفت با کل تصوف به هر صورتی بسیار دشوار بود. در این ایام، اختلافات دیگری میان فرقه های تشیع به وجود آمد و فرقه شیعه به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم شد. شدت اختلافات نیز به جایی رسید که علمای شیعه دو گروه، همدیگر را تکفیر کردند و



---

۱- . تنها یک جلد از این کتاب ارزشمند که شامل مبحث پیدایش ادیان است، تاکنون به چاپ رسیده است.

کتاب های متعددی بر ضد هم نوشتند.(۱)

## ۹. عوامل پیدایش تفرقه

### الف) کفر و بی ایمانی

از مهم ترین اسباب تفرقه، ایمان نداشتن به خداست. در جامعه ای که جهان مادی را اصل می داند، هر دسته و گروهی برای دست یابی به دنیا با هر وسیله ای تلاش می کند. در نتیجه، آن جامعه دچار تفرقه و چندگانگی می شود. کافران نه تنها در میان خود پراکنده اند، بلکه در جدا ساختن دستورهای پیامبران الهی از منبع وحی نیز تلاش می کنند. خداوند در قرآن کریم، تلاش آنان را چنین حکایت می کند:

إِنَّ الَّذینَ یَکْفُرُونَ بِاللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ یُریدُونَ أَنْ یُفَرِّقُوا بَیْنَ اللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ یَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَکْفُرُ بِبَعْضٍ وَ یُریدُونَ أَنْ یَتَّخِذُوا بَیْنَ ذلِکَ سَبیلاً. (نساء: ۱۵۰)

آنان که به خدا و رسولان او کافر می شوند و می خواهند که میان خدا و پیامبرانش جدایی اندازند (یعنی می گویند که اینان فرستاده خدا نیستند) و می گویند که ما به برخی از گفتار پیامبران ایمان آورده ایم و به برخی دیگر ایمان نیاورده ایم و می خواهند میان کفر و ایمان راهی (از روی هوا و هوس) اختیار کنند.

### ب) بی بهره بودن از خردورزی

خداوند در وصف یهودیان، دلیل استقامت نکردن آنان را در جنگ ها، پراکندگی دل های آنها می داند و بهره نبردن از اندیشه و خردورزی را سبب پراکندگی دل ها می شمارد:

لاـ یُقاتِلُونَکُمْ جَمیعًا إِلاّ فی قُرًی مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمیعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ. (حشر: ۱۴)



---

۱- . احمد علی قانع، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰، به نقل از: بولتن فرهنگی، ش ۵۵، صص ۷و ۸.

(یهودیان از ترس) بر جنگ با شما جمع نمی شوند مگر در قریه محکم حصار یا پشت دیوار، دشمنی و کارزار بین خودشان سخت است، (ولی هنگام کارزار با دیگری فرار می کنند و) شما آنان را جمع و متفق می پندارید، در صورتی که دل هایشان سخت متفرق است؛ زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند.

### ج) جدایی روحی و جسمی

جدایی و دوری جسمی به تدریج به جدایی روحی و اختلاف عقاید پمی انجامد. شاید از آیه زیر همراه با تفسیر آن بتوان این نکته را نتیجه گرفت:

وَ لا تَكُونُوا كَالَّذينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ. (آل عمران: ۱۰۵)

و شما مسلمانان مانند ملت هایی نباشید که پس از آنکه آیات و ادله روشن (از جانب خدا) برای هدایت آنها آمد، باز راه تفرقه و اختلاف را پیمودند.

بعید نیست که جمله «مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ» متعلق به «اخْتَلَفُوا» تنها باشد. بنابراین، مراد از اختلاف، جدایی از نظر عقیده است، چنان که مقصود از تفرقه، جدایی و پراکندگی از نظر بدن هاست. دلیل مقدّم داشتن تفرقه بر اختلاف آن است که جنبه مقدمه ای دارد و مؤدی به آن می شود؛ زیرا مردم هر اندازه در حال اجتماع باشند و با هم الفت پیدا کنند، عقایدشان به یکدیگر نزدیک تر می شود و با هم متحد می شوند. وقتی تفرقه داشتند و از یکدیگر جدا شدند، آن دوری و جدایی خواه ناخواه موجب اختلاف مشرب ها و مسلک ها می شود تا جایی که وحدت و یگانگی به طور کلی از میان آنان رخت برمی بندد. به هر حال، معنای آیه این گونه می شود: «مانند کسانی نباشید که از یکدیگر جدا شدند و از جماعت کناره گیری کردند تا سرانجام، آن کناره گیری و جدایی موجب اختلاف آنان در آرا و عقاید شد.» اگر مردمی از اجتماع و تعاون دست بردارند و به جاده اتحاد گام ننهند، ستمی بزرگ بر خویشتن روا داشته اند.(۱)



---

۱- . نک: المیزان، ج۳، ص۳۷۴، ذیل آیه ۱۰۵، سوره آل عمران.

### د) دوستی با کافران و دشمنان

قرآن کریم در موارد متعدد، مسلمانان را از دوستی با کافران و دشمنان اسلام بر حذر می دارد. از جمله می خوانیم:

یـا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصاری أَوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمینَ. (مائده: ۵۱)

ای اهـل ایمـان، یهود و نصـارا را به دوستی مگیریـد. آنـان بعضـی دوست دار بعضـی دیگرنـد و هر که از شـما مؤمنـان با آنها دوستی کند، به حقیقت، از آنان خواهد بود. همانا خدا، ستم کاران را هدایت نخواهد کرد.

خداوند در دستوری صریح چنین می فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَهً مِنْ دُونِکُمْ لا یَأْلُونَکُمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفی صُدُورُهُمْ أَکْبَرُ قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ اْلآیاتِ إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ها أَنْتُمْ أُولاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لا یُحِبُّونَکُمْ وَ تُؤْمِنُونَ بِالْکِتابِ کُلِّهِ وَ إِذا لَقُوکُمْ قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا عَضُّوا عَلَیْکُمُ اْلأَنامِلَ مِنَ الْغَیْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَیْظِکُمْ إِنَّ اللّهَ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ إِنْ تَمْسَسْکُمْ حَسَنَهٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِبْکُمْ سَیِّئَهٌ یَفْرَحُوا بِها وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لایَضُرُّکُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئًا إِنَّ اللّهَ بِما یَعْمَلُونَ مُحیطٌ. (آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰)

ای اهل ایمان، از غیر هم دینان خود دوست صـمیمی هم راز نگیرید؛ چه آنکه آنها که به غیر دین اسـلامند، از خلل و فساد در کار شـما ذره ای کوتاهی نکنند. آنها همیشه مایلند شـما در رنج و سـختی باشـید. دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند در صورتی که آنچه در دل پنهان می دارند، بیش از آن است که بر زبانشان آشـکار می شود. ما آیات خود را برای شما به خوبی بیان کردیم، اگر عقل و انـدیشه به کار بندید. آگاه باشـید چنان که شـما آنها را (یعنی کافران را) دوست دارید، آنان، شـما را دوست نخواهند داشت. شـما چون به همه کتاب های آسـمانی ایمان دارید، با آنها محبت می کنید، ولی آنها با شـما نفاق می کنند. در مجامع شـما اظهار ایمان می کنند و چون تنها شوند، از شدت کینه، سرانگشت خشم به دندان گیرند. بگو بدین خشم بمیرید. خدا از درون دل ها کاملاً آگاه است. اگر شـما مسـلمانان را خوشحالی پیش آید، از آن بدحال و غمگین شوند و اگر به شـما حادثه ناگواری رسـد، بدان خوشـحال گردند. اگر شـما صبر پیشه کنید و پرهیزکار باشـید، از مکر و دشـمنی آنها هیچ آسیبی به شما نخواهد رسید که همانا خداوند بر

آنچه می کنند، محیط و آگاه است.

دوستی با کافران چندی گونه است. گروهی با کافران دوستی می گزینند، در حالی که می دانند آنها با مسلمانان در جنگند و برای تصاحب ثروت های آنان نقشه می کشند. گروهی دیگر زمام امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تمام سرمایه های وطن را به دست کافران می دهند و از آنان کورکورانه پیروی می کنند. حتی پا را از این فراتر می نهند و برای رضایت آنان بر ضد مسلمانان جاسوسی هم می کنند تا به جاه و مقام و ثروت مادی دست یابند. این گونه دوستی ها، ناپسند است. البته اگر با آنان به دلیل همسایگی، در برنامه های اقتصادی و تجاری مشارکت می کنند، به گونه ای که از این رابطه، آسیبی به دین آنان وارد نمی شود یا در رابطه شان معصیت و حرمتی نیست، بلکه حتی برای سرزمینشان منفعت هم دارد، خداوند، آن را می پسندد و می فرماید:

عَسَی اللّهُ أَنْ یَجْعَلَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ الَّذینَ عادَیْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللّهُ قَدیرٌ وَ اللّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ لا یَنْهاکُمُ اللّهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ. (ممتحنه: ۷ و ۸)

امید است خدا میان شما و دشمنانتان دوستی برقرار گرداند و خدا بر هر کاری، توانا و آمرزنده و مهربان است. خدا شما را از دوستی آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکردند و از دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند تا از آنها بیزاری جویید، بلکه با آنها به عدالت و انصاف رفتار کنید. خدا، مردم دادگر را بسیار دوست دارد.

باید دانست برقراری دوستی با تقلید کورکورانه و پیروی از قدرت های جهانی و بیگانه تفاوت دارد. عقب ماندگی ملت های اسلامی در صنعت به همراه فقر فرهنگی، بعضی از آنان را وادار می کند که از عادت ها و رسوم غرب برای خود الگو بسازند و به پندار خود می اندیشند تقلید در پوشاک و خوراک و وسایل تجملی، صنعت و تکنیک و علوم پیشرفته را برایشان به ارمغان خواهد آورد، غافل از آنکه جز ذلت و

وابستگی و دودستگی، سودی نخواهد داشت. اصولاً بسیاری از خواری های مسلمانان در همین خودکم بینی ها ریشه دارد.

### ه) اختلاف نظری اهل علم

یکی از آسیب هایی که ممکن است متوجه جامعه شود، اختلاف زیاد در فتاوا و احکام است. هرگاه نظر خواص مردم با هم متفاوت باشد، تکلیف عامه مردم روشن است. اختلاف علما در بعضی امور، مثل مسائل عبادی، مشکلی به وجود نمی آورد، ولی اختلاف در مسائل اجتماعی و حکومتی، در سیر تکاملی و به هم پیوستگی جامعه اثر بسزایی می گذارد. حضرت علی علیه السلام از این عامل چنین یاد می کند:

گاهی یک دعوا مطرح می شود و قاضی به رأی خود حکم می کند. پس از آن، عین جریان نزد قاضی دیگری عنوان می شود و درست برخلاف اولی رأی می دهد. پس همه نزد پیشوایان که آنان را به قضاوت منصوب داشته اند، گرد می آیند. او رأی همه را تصدیق می کند و فتوای همگان را درست می شمارد. در صورتی که خدای آنها یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خداوند متعال آنها را به پراکندگی و اختلاف فرمان داده است و آنها اطاعتش کرده اند یا آنها را از اختلاف نهی فرموده است و معصیتش کرده اند.(۱)

### و) رهبران ناشایسته

اگر رهبری جامعه به دست کسانی باشد که ریاست را شغل خویش قرار می دهند و آن را گذرگاهی برای رسیدن به منافع شخصی می دانند، آن جامعه روی رستگاری را نمی بینند. رهبری جامعه منحصر به پادشاهان و حاکمان و به عبارتی، گردانندگان امور سیاسی نیست، بلکه دانشمندان حتی در صورتی که در اجرای امور حکومتی نیز نقشی نداشته باشند، می توانند بالاترین سهم را در هدایت جامعه به عهده بگیرند. همچنین برخی از دانشمندان و رهبران فکری فاسد، با ایجاد ادیان و مذاهب منحرف و ساختن فرقه ها و دسته هایی که به ظاهر هدفمندند، ولی در واقع، جز دنیاپرستی و اجرای توطئه استعمارگران، هدف دیگری ندارند، در خدمت اهداف استعمار قرار می گیرند. متأسفانه استعمارگران در چند قرن اخیر به وسیله همین رهبران ناشایست، تا حدودی به



---

۱- . نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۶۰؛ نهج البلاغه فیض الاسلام، ص۷۴.

اهداف خود دست یافته و با فرقه سازی، صفوف متحد مسلمانان را بر هم زده اند. برای مثال، از فرقه «بابیه» می توان نام برد که انگلیس آن را پدید آورد. علی محمد شیرازی که بعدها به سید علی محمد مشهور شد، مجری این طرح انگلیسی بود که رهبری بابیه را به دست گرفت. وی از پیروان سید کاظم رشتی بود. او در آغاز کار ادعا کرد که نایب امام زمان (عج) است و خود را «باب امام» نامید. پس از چندی نیز اعلام کرد که خودِ امام زمان(عج) است. حاکم فارس، او را دستگیر کرد و به فلک بست. باب زیر چوب فلک تمام ادعاهای خود را پس گرفت. با این حال، پس از مدتی به فتوای علما و اصرار میرزا تقی خان امیرکبیر اعدام شد.

«فرقه بهاییه» نیز نمونه دیگری از فرقه سازی استعمار است و دنباله فرقه بابیه به شمار می رود. پس از اعدام علی محمد باب، میرزا یحیی نوری که به استناد دست خط باب به جانشینی وی منصوب شده بود، رهبری این فرقه را بر عهده گرفت. او که در میان بابیان به «صبح ازل» معروف بود، با برادر خود، میرزا حسین علی نوری معروف به «بهاء الله» اختلاف پیدا کرد. میرزا حسین علی نوری با اعلام اینکه بابیت تمام شده و خودش دین جدیدی به نام بهاییت آورده است، فرقه بهاییه را بنیان نهاد.

نمونه بعدی، شکل گیری فرقه «قادیانیه» در آخر قرن نوزدهم میلادی پس از استقرار حکومت انگلیس در هند است که توطئه ای دینی و سیاسی بر ضد رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. پس از تجزیه هند و تشکیل دولت پاکستان در سال ۱۹۴۷م.، حکومت انگلیس، قلمرو این فرقه را گسترش داد و ایالت پنجاب را به مستعمره ای برای آنها تبدیل کرد تا جایی که در امور دولتی، به جز قادیانی ها کسی برای کار پذیرفته نمی شد.

میرزا غلام احمد قادیانی، بنیان گذار این فرقه با ادعای نبوت خویش، فتوای حرمت جهاد و وجوب اطاعت از حکومت انگلستان را صادر کرد. وی بر این باور بود که حضرت عیسی علیه السلام مرده است.

ص: ۵۱

همچنین خود را از همه پیامبران الهی برتر می دانست و حکم تکفیر منکران پیامبریش را صادر می کرد.(۱)

### ز) تلاش استعمارگران برای تفرقه افکنی

از برنامه های استعمارگران برای تفرقه افکنی می توان از این موارد یاد کرد:

۱. تلاش برای قطع ارتباط امت اسلامی با تاریخ درخشانش که میان ملت های اسلامی مشترک است. این کار برای پراکنده ساختن امت اسلامی با رواج دادن تاریخ های محلی خاص، گسترش کینه و دشمنی میان اجزای واحد یک امت و ربط دادن تاریخ این ملت ها به تاریخ پیش از اسلام انجام می گیرد. به این ترتیب، هدف از بزرگداشت مزورانه تمدن فرعونی، فنیقی، بابلی و شاهنشاهی را در کشورهای اسلامی به وسیله عناصر مزدور استکبار درمی یابیم.

۲. قطع ارتباط ملت با زبان قرآن و گسترش و رواج زبان های محلی و عامیانه و رواج زبان های غربی نه به هدف رواج زبانی جهانی و سودمند، بلکه به عنوان جانشینی برای زبان اصیل عربی.

۳. گسترش روح تنگ نظرانه ملی گرایی که عامل دیگری برای ایجاد دشمنی و کینه توزی است.

۴. کوشش برای نابودی آثار و نشانه های شخصیت اسلامی و به دنبال آن، از بین بردن هویت اسلامی.

۵. پاره پاره ساختن جهان اسلام به واحدهای سیاسی که در مورد برخی از آنها کار به مساحتی کوچک و جمعیتی اندک کشیده شده و دارای قانون، دانش و احساس خاص خودش است و نام آنها را به دروغ وطن نهاده اند، در حالی که وطن مسلمانان چیزی جز دارالاسلام نیست.



---

۱- . علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن کریم، صص ۲۶۰و۲۶۱، به نقل از: حسن ندوی، القادیانی و القادیانیه، تحقیق: ابوالحسن علمی، جده، الدار السعودیه نشر، ۱۳۷۹ ه . ق، چ ۳، ص۷؛ القادیانی و معتقداته، ص۴.

۶. نابود کردن شخصیت اقتصادی مستقل امت و مرتبط ساختن آن به دایره بزرگ اقتصادی و به دنبال آن، بهره برداری از این وابستگی برای هدف های فرهنگی و سیاسی خود، راه کار دیگر استعمار است. هراساندن امت از شکوه و والایی اندیشه غربی و کوشش برای ایجاد رابطه ذهنی بین شایستگی فکری و پیشرفت علمی و فنی، راه کار تکمیلی این روش است. به گفته آنها، هر دو اینها، دیگری را ثابت و پایدار می سازد. اگر دومی (پیشرفت علمی و فنی)، امر درست و مطلوبی باشد، به گونه ای که ابهامی در آن نیست، پس اولی (شایسته فکری) باید با تمام جنبه های آن در صدر قرار گیرد. بدین ترتیب، از سلطه تبلیغی خود برای پیشبرد فرهنگ مورد نظر بهره می گیرند و سلطه نظامی و اقتصادی خود را گسترش می دهند.

۷. اجرای برنامه های گسترده برای ضربه زدن به اخلاقیات اسلامی، از گسترش شخصیت منسجم اسلامی جلوگیری می کند و نابودی روابط و علایق سالم خانوادگی و تحریک غرایز را در پی دارد. استعمارگران این کار را به طور یکسان در سطح نظری با رواج اندیشه های نابودکننده اخلاق مانند نسبیت در اخلاق (نسبی بودن معیارهای اخلاقی) و تردید در حرمت احکام دینی اجرا می کنند.(۱)

### ح) اثرگذاری دانشمندان غیرمسلمان

تلاش دانشمندان غیرمسلمان برای شک آفرینی و شبهه افکنی در دین اسلام و وارد کردن اسرائیلیات و اباطیل در آن بر کسی پوشیده نیست. در تاریخ اسلام نیز می بینیم که گروهی از پیروان مذاهب دیگر نظیر یهود،



---

۱- . علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، صص ۲۴۰ و ۲۴۱، به نقل از: مقاله «روش های نفوذ فرهنگی غرب در جهان اسلام و راه مقابله با آن»، از مقالات هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی، صص ۷ -۹.

نصارا، مجوسی، زنادقه و دیگران آشکارا بر مبادی و مسائل اسلامی خرده می گرفتند و هر چه از صدر اسلام دورتر می شویم، این گونه فعالیت های تخریبی بیشتر و اثرگذارتر ادامه می یابد. «بیشتر» از آن جهت که با گسترش اسلام، پیروان مذاهب و مکتب های بیشتری با اندیشه های منحصر به فرد خود وارد قلمرو پهناور اسلامی شدند و اسلام را با تفکر خود مخالف یافتند. «اثرگذارتر» نیز به این دلیل که با دوری از صدر اسلام و افتادن حکومت اسلامی به دست افراد نااهل و تحریف شدن بسیاری از حقایق به مرور زمان و دست رسی نداشتن مردم به عالمان آگاهی که مشکل گشای فکری جامعه باشند، امت اسلامی، شوق حفظ آموزه های اسلامی و اندیشیدن به آنها را تا حد زیادی از دست داد. افرادی مثل ابن ابی العوجاء، ابوشاکر دیصنی، عبدالملک بصری، ابوالعلاء معری و ابن راوندی، با انتقاد از مسائل اعتقادی اسلام به این کار دامن زدند.(۱)

### ط) همکاری حاکمان با استعمارگران برای تضعیف قدرت اسلامی

نکته اسف بارتر، همکاری زمام داران به اصطلاح مسلمان جوامع اسلامی، با استعمارگران است. این مسئله از زمان خلافت بنی امیه تاکنون وجود دارد و تاریخ نگاران نیز بدین نکته توجه داشته اند. ابن حزم یکی از علل سقوط اندلس را همین مطلب می شمارد:

می بینیم که امرای طوایف از مسیحیان استمداد می کنند و آنان را امکان می دهند تا حرم مسلمانان و فرزندان و مردان ایشان را اسیر کنند و به بلاد خود ببرند. گاه قطعه ای از خاک خود یا دژی یا شهری از آن خویش را به طوع و رغبت به ایشان می سپارند. آنان نیز آثار اسلام را از آن مکان برمی افکنند و آن گاه بانگ ناقوس در آنجا طنین می اندازد.(۲)



---

۱- . علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، ص ۲۴۲، به نقل از: علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۴۲۱.

۲- . تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج۲، ص ۴۳۱.

## ۱۰. هم زیستی مسالمت آمیز ملت های جهان

تأمین هم زیستی مسالمت آمیز یکی از اهداف مهم رسالت پیامبران و یکی از آرمان های اساسی راهیان نور است. یکی از اهداف اجتماعی اسلام نیز تحکیم برادری و گسترش وحدت است. اسلام با طرح مسئله اخوت میان مسلمانان، پیوند و اتحاد اجتماعی را تحکیم می بخشد و در پرتو طرح برقراری ارتباط سالم با ملل دیگر، تفاهم و هم زیستی مسالمت آمیز را امکان پذیر می سازد. اسلام از این راه، از قطره ها، جویبار؛ از جویباران، سیلاب؛ از سیلاب ها، رودی خروشان؛ از رودها، دریاچه و دریای عظیم و یک پارچه ای از انسان ها فراهم می آورد. در قرآن مجید آمده است:

شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحًا وَ الَّذی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فیهِ. (شورا: ۱۳)

خدا، شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی آن را سفارش کردیم تا دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف مکنید.

«اصولاً در پرتو اخوت، جامعه آباد می شود. امنیت برقرار می گردد. دل ها آرامش مطلوب خویش را باز می یابند. زندگی ها سامان می گیرد. جهاد با کافران و دفاع در برابر یورش آنها صورت می پذیرد و خواسته های الهی انبیا تحقق می یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره مسلمانان را به برادری صادقانه با یکدیگر فرا خوانده و پس از هجرت، با ایجاد اخوت میان آنان، به گسترش وحدت مسلمانان با پیروان مکاتب غیراسلامی توجه داشته است».(۱)

امضای پیمان نامه ها با قبایل یهودی، مسیحی و مانند آن گواه این مدعاست.

ص: ۵۵

---

۱- . سیوطی، درّالمنثور، ج۲، ص۶۲.

اختلاف زدایی و گسترش صلح و اخوت اسلامی یکی از اهداف اصلی حکومت اسلامی است که همواره باید به آن اندیشید. وحدت و اخوت از نعمت های خدا است که حفظ و تداوم آن نوعی شکرگزاری به درگاه الهی است. در مقابل، دامن زدن به اختلاف، نوعی کفران نعمت است. روحیه گذشت، دست گیری، ایثار و خدمت به دیگران در جامعه ای که اخوت حاکم است، قوی تر خواهد بود. عامل تفرقه در چنین جامعه ای کمتر یا دیرتر به مقصود می رسد. در پرتو هم بستگی هایی که اخوت و وحدت ایجاد می کند، دشمنان جرئت حمله به جامعه اسلامی را نخواهند داشت.

ص: ۵۶

## فصل دوم: اتحاد ملی و هم بستگی اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

### اشاره

ص: ۵۷

## ۱. ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی و پرهیز از اختلاف

آموزه های دینی، مسلمانان را به اتحاد و برادری فرامی خوانند و از آنان می خواهند در برابر توطئه های دشمنان هشیار باشند. امروزه دشمنان اسلام در تلاشند با دامن زدن به مسائل مذهبی و فرقه گرایی همچون اختلاف شیعه و سنّی یا مسائل نژادی مانند عرب، عجم، ترک و فارس، اختلاف آنها را چند برابر و از اتحاد آن جلوگیری کنند. دشمنان در این صورت خواهند توانست از منابع و امکانات آنها سوءاستفاده کنند و به غارت و چپاول ثروت های خدادادی آنها بپردازند.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک و فارس را، با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کنند تا کسانی که می خواهند سلطه ای بر این دولت های اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند، به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند، نتوانند.

نقشه قدرت های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده، از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا، بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن کریم است.

تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه گرایی و ملی گرایی بین مسلمین تفرقه می اندازند، لشکرهای شیطان و کمک کنندگان به قدرت های بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند.

ص: ۵۸

جمهوری اسلامی می خواهد مطلبی را که قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است، در همه کشورها پیاده کند و ایران، مقدمه آن است. می خواهد به همه کشورها بفهماند که اسلام، بنایش بر برابری و برادری و وحدت است و همه مسلمین ید واحده هستند در برابر دیگران. ما می خواهیم به همه ملت ها بفهمانیم که اسلام، دین وحدت است.(۱)

رهبر کبیر انقلاب، اتحاد و برادری مسلمانان را یک امر دینی و سیاسی می دانست که اگر تحقق یابد، هیچ آسیبی به کشورهای اسلامی نخواهد رسید:

ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل برادر با هم رفتار کنند. این یک حکم سیاسی است که اگر ملت های مسلم که تقریبا یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی شود و هیچ یک از ابرقدرت ها قدرت اینکه تجاوز به آنها بکنند، ندارند، برادرها باید متوجه این معنا باشند.(۲)

حضرت امام خمینی رحمه الله در فرازی دیگر در این زمینه می فرماید:

خدای تبارک و تعالی را شاکریم که همه طوایف ملت ایران، برادران شیعه مذهب و برادران اهل سنّت در کنار هم و با برادری برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش می کنند... امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که کشورهای عالم تحت نظر سیاسی ابر قدرت ها هستند، همه جا ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح ها دارند و مهم ترین طرح ها این است که بین برادرها



---

۱- . سخنرانی ۵/۱۰/۱۳۵۹.

۲- . سید روح اللّه خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص۲۵.

اختلاف ایجاد کنند و با صورت های مختلف بین برادرها و بین دوست ها اختلاف بیندازند. اسلام، احکام اخلاقی اش هم سیاسی است. در قرآن است که «مؤمنین با هم برادر هستند.» این یک حکم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است. شما ببینید در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است، این برادری که اکنون در ایران زیاد شده، چه آثار رحمتی دارد و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور (ایجاد شده) است و اخوت اسلامی اقتضا می کند که در جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و به آباد کردن این کشوری که از خودشان است، بپردازند.

جهات سیاسی (برادری اسلامی) همین بود که وقتی دیدند ملت ایران با هم مجتمع شدند و برادروار و با هم و در کنار هم بودند و همه به برادری اسلامی توجه داشتند، قدرت های بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند. همه راه خودشان را گرفتند و رفتند. گرچه بعضی از ریشه های فاسدشان، مخفیانه در این ملت و کشور است، لیکن این ریشه های فاسد نمی توانند یک قدرت ایمانی را که الان در شما هست، به هم بزنند.

این اخوت ایمانی که خدای تبارک و تعالی امر به آن کرده و میان مؤمنین منعقد ساخته، انحصار به مؤمنین یک کشور ندارد، این عقد اخوت بین تمام مؤمنین دنیاست. تمام ممالک اسلام باید با هم مثل برادر باشند و اگر چنانچه ممالک اسلامی با هم مثل برادر باشند و توده هایی که در هر کشوری زندگی می کنند، با توده های کشور دیگر مثل برادر نظر داشته باشند، بر همه قدرت های عالم مسلط خواهند شد.(۱)

امام در بخش دیگری از توصیه های خویش از مسلمانان می خواهد اختلافات را کنار بگذارند و هم پای یکدیگر، اسلام را تکیه گاه خود قرار دهند و قدرت عظیمی تشکیل دهند که ابرقدرت ها هوای تسلط بر آنها را پیدا نکنند:

پیام من برای برادران عرب مسلمان این است



---

۱- . سخنرانی، ۲۷/۵/۱۳۵۹.

که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و هم گام و هم پیمان با همه برادران مسلمان غیرعرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید. تنها با داشتن ذخایر مادی که از حساب افزون است و از همه آن مهم تر ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت نکنند.(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله آرزو می کند که دولت های اسلامی به منزله یک دولت و جامعه باشند؛ چون دارای یک کتاب، یک پیامبر و یک پرچم هستند که در صورت تحقق آن، جهان اسلام می تواند مشکلات خود را حل کند و به قدرتی برتر از دیگر قدرت های جهان تبدیل شود تا کسی توان مقابله با آن را نداشته باشد:

دولت های اسلامی باید به منزله یک دولت باشند. کانّه یک جامعه هستند. یک پرچم دارند. یک کتاب دارند، یک پیغمبر دارند، اینها همیشه باید با هم متحد باشند و اگر چنانچه این آمال حاصل بشود که بین دولت های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا شود، امید است بر مشکلات خودشان غلبه کنند و قدرتی بزرگ تر از قدرت های دیگر در مقابل سایر قدرت ها باشند. ...(۲) مسلمین باید ید واحد باشند. اگر مسلمین، ید واحد باشند، کسی نمی تواند مقابل این جمعیت قیام کند.(۳)

دفاع از منافع مسلمانان و حفظ آن اهمیت دو چندانی دارد، چنان که رهبر کبیر انقلاب چنین تأکید می کند:

روابط خارجی ما براساس حفظ آزادی استقلال و حفظ منافع اسلام و مسلمین است(۴)... و



---

۱- . صحیفه نور، ج۲، ص۴۴۴.
۲- . همان، ج۴، ص۱۲۲.
۳- . همان، ج۱، ص۵۳.
۴- . همان، ج۲، ص۲۹۸.

اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است.(۱)

## ۲. اتحاد اصناف و مذاهب

امام امت درباره هم بستگی اصناف اجتماعی می فرماید:

تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید، می توانید کار بکنید. اگر خدای نخواسته، روحانی را از ملت، ارتشی را از ملت، جدا و هرکدام را علی حده کردند، دیگر نه از بازاری کاری برمی آید و نه دانشگاهی... پدری که می خواست بمیرد، هفت هشت پسر داشت. آنها را خواست. چوب هایی هم (قبلاً) تهیه کرده بود یکی از آن چوب ها را به (پسر بزرگ تر) داد و گفت این را بشکن. شکست. بعد آن هفت هشت تایی که به عدد بچه هایش بود، پهلوی هم گذاشت و گفت اینها را بشکن. هر چه زور زد، نشکست. گفت شما عددتان به اندازه این چوب هاست. اگر جدا باشید، شکسته می شوید. اگر دوتایتان یک طرف و چهارتایتان یک طرف باشید، شکسته می شود، ولی اگر همه تان با هم باشید، مثل این چوب ها هیچ کس نمی تواند شما را بشکند. اگر روحانی تنها باشد، او را می شکنند. اگر ارتشی تنها باشد، می شکنندش. اگر مردم تنها باشند، می شکنندشان.(۲)

حضرت امام با هشیاری کامل نسبت به توطئه دشمنان چنین هشدار می داد:

من تأکید می کنم که اسلام تنها پناه گاه همه ما است و در زیر پرچم پرافتخار آن همه گروه ها به حقوق خود می رسند. عوامل اجانب که منافع خود را در خطر می بینند، برای تحریک برادران اهل سنّت، قضیه شیعه و سنّی را طرح کرده و می خواهند با شیطنت، اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، شیعه و سنّی در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق



---

۱- . کلمات قصار، پندها و حکمت ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۲، ص۱۴۴.

۲- . سخنرانی ۲۵/۸/۱۳۵۹.

مساوی هستند و هر کس خلاف آن را تبلیغ کند، دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنّت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند.(۱) یک دسته از مسلمانان، شیعه هستند، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته دیگر اخباری. اصلاً این دسته بندی ها از اول درست نبوده، در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم. منتهی علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید (به عنوان مثال) حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق علیه السلام را عمل کردند. اینها شدند شیعه. اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنّی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می خواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند.(۲)

حضرت امیر علیه السلام، ابوالائمه، اول شخص اسلام بعد از رسول اللّه صلی الله علیه و آلهدر طول مدت عمرشان زجرها دیدند و در آن مدتی که اختلافات بین دسته جات بود، ایشان آرامش را حفظ کردند، برای اینکه اسلام، محتاج به آرامش بود.

حضرت رضا علیه السلام در آن ابتلائاتی که داشت و در آن مصیبت های معنوی که بر ایشان وارد می شد، بدون اینکه اختلاف ایجاد کند، با آرامش، راه خود را پیش می برد و مقید بود که آرامش ملت را حفظ کند. ما همه باید اختلافات خود را عقلاً حل کنیم و نگذاریم



---

۱- . سخنرانی، ۲۹/۵/۱۳۵۸.

۲- . سخنرانی هشتم رمضان ۱۴۰۰ ه . ق؛ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۴.

منجر به سروصدا و اختلاف اندازی شود. فرضا اگر کسانی بخواهند تحریک عواطف کنند، تکلیف ما این است که در مقابل آنها آرامش را حفظ نموده، سکوت کنیم.(۱)

### ۳. دسته بندی وحدت

امام خمینی رحمه الله به وحدت داخلی (درون مرزی) و وحدت خارجی (برون مرزی) می اندیشید. وحدت مورد نظر آن بزرگوار را در موارد زیر می توان خلاصه کرد:

الف) وحدت میان همه گروه های کشور

بین خودتان برادر باشید. حفظ کنید این برادری را با حفظ برادری به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید.(۲)

ب) وحدت میان همه کشورهای اسلامی و همه مسلمانان جهان

امام می فرمود:

جامعه اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله بپیوندد و یکی شوند و ید واحده شود.(۳)

حضرت امام خمینی رحمه الله به تشکیل بسیج جهانی مسلمانان می اندیشید و در یکی از سخنانش فرمود:

به راستی، اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود،



---

۱- . سخنرانی، ۴/۱۰/۱۳۵۹.

۲- . صحیفه نور، ج ۲۰، ص۵.

۳- . همان، ج ۲۱، ص۲۹۹.

کسی جرئت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول اللّه صلی الله علیه و آله داشت.(۱)

ایشان همواره برای تحقق وحدت میان مردم از یاران خود می خواست که در تبلیغ، محور وحدت را در نظر داشته باشند:

شما آقایان که مردم را هدایت می کنید، همه را به وحدت کلمه دعوت کنید. خدای تبارک و تعالی امر فرموده است که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ.» اجتماع کنید، لکن اجتماع با تشبّث به حبل الله هر اجتماعی مطلوب نیست. «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ» مطلوب است. «اِقْرَأ بِسْمِ رَبِّکَ» اسم ربّ همان ریسمانی است که همه باید به آن اعتصام کنیم. مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند.(۲)

از دید امام، یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی، ضرورت ایجاد وحدت میان مسلمانان است؛ زیرا از دیدگاه آن بزرگوار، امت اسلامی، ید واحده است که استعمارگران و زمام داران مستبد و جاه طلب آن را به صورت ملت های از هم جدا درآوردند. بنابراین، برای اینکه بتوانیم وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، راهی جز تشکیل حکومت اسلامی نداریم. ایشان در این زمینه به فرازی از خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام اشاره می کند که فرموده است: «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است».(۳)

واژه وحدت، وفاق و یک پارچگی یا مفهوم مخالف آن؛ یعنی تفرقه و پراکندگی در گفتمان سیاسی - اجتماعی امام کاربرد فراوانی دارد. ایشان در سخنی می فرماید:



---

۱- . همان، ج۲، ص۲۴۴.

۲- . همان، ج۴، ص۲۰۰.

۳- . ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص۳۵.

رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را به امپراتوری های بزرگ عالم غلبه داد.(۱) مسلمین به حسب دستور خدای تبارک و تعالی، ید واحده هستند. این دیگر آسیب بردار نیست. آسیب از داخل خود... ملت و کشور بر ما وارد می شود و به شما. از خارج هیچ ترسی نداشته باشید. از داخل خودمان بترسید، از اینکه با توطئه ها، شماها را از هم جدا کنند.(۲)

به همین دلیل، بر اتحاد و هم بستگی ملی تأکید فراوانی داشت و از همگان می خواست اتحاد داخلی را حفظ کنند. هر چند ممکن است گاهی اختلاف سلیقه هم موجود باشد، ولی باید کوشید این اختلاف ها، ریشه دار نشود؛ چون در این صورت، دشمنان از پراکندگی داخلی بیشترین بهره را خواهند برد.

## ۴. بایسته های وفاق ملی

### اشاره

۱. اساسا وفاق، پی آمد اختلاف است و تا اختلاف نباشد، وفاق معنا نمی یابد. وجود اختلاف، امری طبیعی و پسندیده است. اختلاف را باید از ویژگی های آفرینش الهی به شمار آورد. تصریح خداوند متعال در سوره مبارکه هود مبنی بر اینکه وجود اختلاف، موضوع اراده الهی است و یک دستی و یکسانی همه مخلوقات منظور نیست، بر اعتبار دینی و عقلی این مدعا دلالت دارد:

وَ لَوْ شاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النّاسَ أُمَّهً واحِدَهً وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفینَ. (هود: ۱۱۸)

و اگر خداوند تو اراده می کرد، تمامی مردم را در یک امت واحد گرد می آورد، ولی چنین نخواسته است. پس شما پیوسته از یکدیگر متفاوت بوده اید و مختلف خواهید بود.

۲. در پرتو یک دستی کامل بدون هیچ گونه اختلاف سلیقه و رأی،



---

۱- . صحیفه نور، ج۶، ص۲۹.

۲- . همان، ج۱۲، ص ۱۶۰.

هیچ گاه نمی توان از تضارب آرای گوناگون بهره گرفت. وجود اختلاف نوعی نعمت تلقی می شود. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

سلیقه های مختلف باید باشد. اگر در یک مجلس، اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال، اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم... در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.(۱)

اختلاف میان بزرگان و فقیهان اسلامی هم امر مبارکی است و مورد توجه مردم نیز قرار دارد. حضرت امام به زیبایی به این امر اشاره دارد، آنجا که می فرماید:

در گذشته، این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتاب های علمی آن هم عربی ضبط می گردید. قهرا توده های مردم از آن بی خبر بودند و اگر با خبر هم می شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه ای نداشت، اما امروز با کمال خوش حالی، به مناسبت انقلاب اسلامی، حرف های فقها و صاحب نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه ها کشیده شده است؛ چرا که نیاز علمی به این بحث ها و مسائل است.(۲)

۳. اختلاف، امری سازنده است و کارکردهای آن حیاتی بوده و برای رشد و تعالی هر اجتماعی لازم است. اختلاف در افکار و بینش و روش ها به نقد و بررسی صاحبان آرا و اندیشه می انجامد و راه بر خشک اندیشی بسته می شود و در نهایت، به وسعت دید و ارتقای معلومات مردم یاری می رساند.

حضرت علی علیه السلام درباره پیشرفت و توسعه جامعه در سایه اختلاف آرا می فرماید: «اِضْرِبُوا بِعْضَ الرّایِ بِبَعْضٍ یَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوابُ؛ آرای مختلف را بر یکدیگر عرضه بدارید تا



---

۱- . صحیفه امام، ج ۲۱، ص۴۷.

۲- . همان، صص ۱۷۶ - ۱۷۸.

از تضارب آنها به دیدگاه صواب دست یابید».(۱)

ایشان برای دست یابی به نظر صائب، طریقی جز تضارب آرا را چاره ساز نمی داند و در سخنی دیگر می فرماید: «مَنْ اِسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْآراءِ عَرفَ مَواقِعَ الْخَطاءِ؛ هر آن کس که دیدگاه های مختلف را دریابد و درک کند، بر نقاط اشتباه او در اندیشه و عمل خویش آگاه می شود».(۲)

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز وجود دیدگاه ها و سلیقه های مختلف را وسیله پویایی می داند و می فرماید:

این مسئله روشن است که بین افراد و جناح های موجود و وابسته، اگر اختلاف هم باشد، صرفا سیاسی است... و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و

دلشان برای کشور و مردم می سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است.(۳)

با این حال، اختلاف با تمام آثار و فوایدی که دارد، باید چارچوب ضوابط مشخصی داشته باشد. این موارد را می توان چنین برشمرد:

### الف) برنخاستن اختلاف ها از انگیزه نفسانی

اختلاف های نفسانی به نزاع و دشمنی کشیده می شود. اختلافی که از روی خودخواهی باشد، مانع بزرگی در راه ایجاد وحدت است. این گونه انگیزه های ویران کننده



---

۱- . عبدالواحد آمدی، غررالحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه . ق، ص ۱۵۸.
۲- . نهج البلاغه، ح ۱۷۳.
۳- . صحیفه امام، ج ۲۱، ص۱۷۸.

در کلام امام خمینی رحمه الله نکوهش شده است:

همه این نزاع ها برای این است که این برای خودش یک چیزی می خواهد، آن هم برای خودش یک چیزی می خواهد. این دو خودها تزاحم می کنند. این قدرت را می خواهد مال خودش باشد. آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد. تزاحم می کنند (و) جنگ (درمی گیرد).(۱)

در واقع، اختلاف ناپسند و غیرمشروع، نتیجه خودخواهی است به فرموده امام: «اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هر کس برای پیشبرد نظرات خود، به دیگری پرخاش کنند».(۲)

ازاین رو می افزاید که اگر اختلافی هم پیش آید، باید سرچشمه و انگیزه الهی داشته باشد و به دور از جنجال های متعارف صورت پذیرد. انگیزه الهی، هدف را مشخص می سازد و در نهایت، وحدت رویه را پدید می آورد:

... شما اختلافاتی را که از نفسانیت سرچشمه می گیرد، باید از بین ببرید و مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد و از وحدت اسلام بیرون بروید، مخذول می شوید.(۳)

### ب) جایز بودن وفاق در اصول و اختلاف در روش

گاهی برای ایجاد وفاق ملی لازم است تا گروه های انقلابی به دلیل ملاحظات سیاسی، با گروه هایی که چه بسا به طور کامل هم سو و منطبق با ایشان نباشند،



---

۱- . همان، ج۱۱، ص ۳۸۱.
۲- . همان، ج ۲۱، ص ۲۸.
۳- . همان، ج۱۸، ص۱۳۴.

همراهی کنند و از طرح نقاط مورد اختلاف برای رسیدن به هدف واحد، چشم پوشی کنند.(۱)

امام خمینی رحمه اللهقابلیت های ملت را در برخورد با رژیم پهلوی چنین سامان داد:

عقل سیاسی اقتضا می کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه هم حتی با (ما) مخالفت دارند، لکن در اصل مقصد با ما موافقند، به ملت موافق، مسیرشان مسیر ملت است (اتحاد داشته باشیم)، عقل سیاسی اقتضا می کند که ما امروز دست از تمام این اختلافات برداریم تا این مملکت را آرام کنیم... من به همه، همه آنها عرض می کنم که شما دست از اختلافات بردارید. این طور نباشد که هر کدام در یک اجتماعی که پیدا کردید، بر ضد دیگران صحبت کنید.(۲)

حضرت امام معتقد بود دانش و فهم سیاسی، مانع از آن می شود که هر اقدام مطلوب و مجازی را در هر زمانی بیان کنیم و خواهان تحقق آن شویم. از سوی دیگر، حضرت امام خمینی رحمه الله فرمود که حوزه اختلاف ها نباید به اصول و مبانی گسترش یابد؛ چون اگر چنین شود، نظام سیاسی دچار تزلزل می شود. ایشان، اختلاف نظرها را ورای اصول بنیادین دانست. ازاین رو، در بیان علت موافقت خود با انشعاب روحانیون از روحانیت فرمود:

همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می نمایم. آنها نسبت به اسلام، قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می سوزد. اکثریت قاطع هر دو جریان می خواهند کشورشان مستقل باشد. هر دو می خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند... هر دو می خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که



---

۱- . اصغر افتخاری، وفاق ملی و جامعه شناسی وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۴۴.

۲- . همان، به نقل از: وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، صص ۳۳ - ۳۶.

هر دو عقیده شان است که راه خود(شان) باعث رسیدن به این همه است.(۱)

امام چون اختلاف را در روش و نه در اصول می دید، آن را تأیید کرد و مثبت دانست.

### ج) پای بندی همگانی به قانون

التزام به محوریت قـانون در حـل و فصـل اختلافـات از جمله مصـداق هـای وفـاق ملی است. امام خمینی رحمه الله با عنایت به همین نکته می فرماید:

نمی شود (از کسـی) پـذیرفت که... قانون را قبول نـداریم... مردمی که به قانون اساسـی رأی دادند، منتظرند که قانون اساسـی اجرا شود. همه باید مقید به این باشـید که قانون را بپذیرید ولو بر خلاف رأی شما باشد... همه تان روی مرز قانون عمل بکنید و اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی آید.

بنـابراین، اختلاـف سازنـده بایـد در چـارچوب قانون باشـد و این ویژگی بر آن دلالت دارد که اختلاف در دیـدگاه ها بایـد با اصول قانونی تعارض نداشـته باشد. در مواردی هم که ضـعف قانون وجود دارد، اخلاق و التزام اخلاقی می تواند آن را جبران کند. پای بندی به اخلاق، فضای خشک روابط سیاسی را تعدیل می کند و انسانی می سازد. امام خمینی رحمه اللهمی فرماید:

اگر اخلاق اسـلامی در خودتان نفوذ بکند و همه توجه به این مسائل داشـته باشـید که از اخلاق اسلامی، یکی از امور مهمش، قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است (پیشرفت می کنید)، تا حالا هم ما هر چه پیشرفت



---

۱- . صحیفه امام، ج۲۱، ص۱۷۸.

کرده ایم، از این معنا بوده.(۱)

### ۵. حدود اختلاف ورزی

حضرت امام خمینی رحمه الله اختلاف را در دو محور ارزیابی می کرد. اول، اختلاف روبنایی که وجود آن ناگزیر است. دوم، اختلاف زیربنایی است که نبود آن اساس نظام سیاسی به شمار می رود و بازیگران موظف به پاس داری از آنها و گسترش ندادن اختلافاتشان به این حوزه اند. اصول التزام به قانون اساسی و رعایت نقش محوری آن در جامعه به عنوان یک عنصر اجتماعی تعریف شده است و هیچ فرد یا گروهی نمی تواند و نباید نسبت به اهمیت و جایگاه آن تعرض کند. این اصول و اهداف، آرمان های متعالی حکومت اسلامی هستند که سمت و سوی حرکت و بنیاد استراتژی کلان جمهوری اسلامی ایران را نشان می دهند. قانون گذار در اصل ۷۸ قانون اساسی از اصولی سخن می راند که تغییرناپذیرند:

اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت و نیز اداره امور کشور با اتکای آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران، تغییر ناپذیرند.

### ۶. اتحاد و پرهیز از اختلاف های ملی

حضرت امام خمینی رحمه الله نیز از همگان می خواهد هم فکر و هم سو باشند. ایشان می فرماید:

من آن چیزی را که به صلاح ملت و به صلاح اسلام است و به صلاح شماست، باید عرض کنم و آن اینکه تشنج صحیح نیست. قوای شما



---

۱- . مهدی حاضری، امام خمینی رحمه الله و وفاق اجتماعی، تهران، بی نا، همایش رقابت های سیاسی و امنیت ملی و وزارت ارشاد، ۱۳۷۹، صص ۲۷ و ۲۸.

باید الآن همه مجتمع در یک راه باشد. قوای فکری تان و قوای غیرفکری تان همه باید در یک راه برود.(۱)

برای رسیدن به یک خود واحد، گروه های هم سو و مشابه باید از اختلافات جزئی و سلیقه ای خویش در مقابل اختلافات بنیادی و گسترده ای که با جبهه رقیب دارند، صرف نظر نمایند و چنان نباشد که به علت اختلافات جزئی، ماهیت وحدت و وفاق مورد تعرض قرار گیرد.

امام همچنین در سخنانی دیگر می فرماید:

امروز که همه با ما مخالفند، ما خودمان باید با هم باشیم... ما خودمان باید حفظ کنیم وحدتمان را.(۲) از این تفرقه و اختلاف کلمه دست بردارید. آقایان من از شماها وهم از قشرهایی که در ایران هستند، این تقاضا را دارم... که همه شما دنبال یک مطلب بروید.(۳) از اوضاع عبرت بگیرید و بر اجتماع خود افزایش دهید و از مخالفت های بی اساس احتراز کنید و مکتب های بی اساس دیگران را کنار گذاشته، به مکتب مترقی اسلام روآورید.(۴)

حضرت امام خمینی رحمه الله گسست میان حکومت و مردم و نیروهای مسلح را عامل اختلاف می دانست و می فرمود:

آن روزی که... بین مردم و حکومت اختلاف پیدا بشود... آن روزی است



---

۱- . صحیفه نور، ج ۱۰، ص۲۳۸.
۲- . همان، ج۱۹، ص ۱۶۰.
۳- . همان، ج۴، ص۲۵۶.
۴- . همان، ج ۱، ص ۲۴۴.

که ممکن است (دشمن) یک وقتی دخالت بکند... آن وقت، اینها می توانند کار بکنند که از داخل ما را بپوسانند.(۱) شما می دانید که الآن کشور ما محتاج این است که قوای مسلح با هم باشند و اگر خدای ناخواسته بین کمیته ها و سپاه پاسداران تفاهم نباشد، به مقصدی که آن اسلام است، نخواهید رسید.(۲)

امام بارها تأکید فرمود که عقل و شرع حکم می کند همه مردم در حفظ وحدت کوشا باشند:

باید جمیع طبقات از اختلافات جزئی دست بکشند.(۳) امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف و سلیقه ها و برداشت ها و حتی ضعف مدیریت ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت گردد.(۴)

امام معتقد بود اختلاف سلیقه ها و نظرها باید در چارچوب گفت وگو حل وفصل شود و به جبهه بندی و تعارض نرسد:

اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. با تفاهم، مسائل را حل کنیم، نه اینکه جبهه گیری کنیم. یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر.(۵)



---

۱- . همان، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

۲- . همان، ج۷، ص ۴۰.

۳- . همان، ج ۲، ص ۹۰.

۴- . همان، ج ۲۱، ص۹۳.

۵- . همان، ج ۱۴، ص ۳۸.

حضرت امام در سخنی دیگر درباره اهمیت اتحاد و یک صدایی فرمود:

الآن که از داخل و خارج از کشور به ما هجوم می شود، در داخل، با طرح های مختلف، با قلم های مختلف، جمله های مختلف، گویندگان مختلف و اشخاصی که شلوغ می کنند در این مملکت... ما اگر بخواهیم برای کشورمان، برای اسلام پیروزی حاصل بشود... باید همه یک صدا باشیم.(۱)

بنابراین، از مجموع مباحث بالا برمی آید که وجود وحدت میان آحاد ملت از مؤلفه های دینی و وطنی ضروری است:

این معنا باید سرمشق ما باشد در تمام زندگی که اگر یک ملتی همه قشرهایش با هم بودند و یک پارچه بودند، هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و آسیبی به آنها برساند.(۲) شما نگران آسیب های خارجی نباشید. از خارج نمی توانند شما را آسیب برسانند مادامی که خودتان منسجم باشید.(۳)

## ۷. اندیشه فراملی

در دوران کنونی، با توجه به گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سراسر جهان، ظهور نظام جهانی که بر اساس آن، جهان به صورت یک واحد در نظر گرفته شده، دور از انتظار نیست. محصور نبودن دین به مرزهای ملی و جغرافیایی، عامل بسیار مهمی برای تحقق وحدت و هم بستگی میان چند ملت است. به همین دلیل، دامنه آن وسیع تر از حوزه یک ملت به شمار می رود.

با انحطاط امپراتوری عثمانی و از بین رفتن تدریجی نظام استعماری کهن،



---

۱- . همان، ج۱۲، ص۱۱۷.

۲- . همان، ج۱۴، ص۶۹.

۳- . همان، ج۱۱، ص۱۶۰.

ملت گرایی و ملیت ستایی مدرن که در قرون هجدهم و نوزدهم ریشه داشت، تحت تأثیر نهضت های انقلابی و ملی وارد مرحله جدیدتری در قرن بیستم شد که در نتیجه آن، مناقشه ای ایدئولوژیک میان قومیت، ملیت و اسلام پدید آمد. از سوی دیگر، پدیده انترناسیونالیسم نیز که پس از جنگ بین المللی با پیدایش جامعه ملل در ۱۹۱۹م. ، زمینه تجربی و عملی یافته بود، تا حدودی توانست به حفظ و تقویت امنیت بین المللی و حتی تشکیل نوعی حکومت جهانی کمک کند. در واقع، آنچه در جهان امروز اهمیت دارد، نوع مدیریتی است که بتواند با ایجاد پیوند میان قومیت و ملیت از یک سو و استفاده از ابزارهای موجود فراملی از سوی دیگر، در راستای تحقق آرمان توحیدی وحدت اسلامی گام بردارد.(۱)

خط مشی حضرت امام خمینی رحمه الله از آغاز نهضت اسلامی مبتنی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت مدارانه به مسائل جهان اسلام بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نقطه عطف این آرمان توحیدی به شمار می رود. امام برای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحد اسلامی هرگز پای بند محدودیت های ملی نبود. به همین دلیل، همواره مصالح اسلام و مسلمانان را در کنار مصالح و منافع ملی قرار می داد و مسئولیت پذیری در مقابل مسائل و مشکلات جهان اسلام را که به تصریح قرآن امت واحده هستند، اصل مسلّم اسلامی و انسانی می پنداشت. امت اسلامی در اندیشه امام شامل همه مسلمانانی بودند که فراتر از مرزهای جغرافیایی و تفاوت های نژادی، زبانی و قومی قرار می گیرند و فارغ از هر مذهب، پیرو دین اسلام هستند. طرح مفاهیمی همچون امت اسلام، بسیج جهانی مستضعفین، ید واحده و اخوت بین مسلمانان، احیای فلسفه واقعی کنگره عظیم حج، اعلام روز جهانی قدس و مانند آن در راستای همین نگرش ارزیابی می شوند. البته امام به قومیت، حب وطن و



---

۱- . قومیت، ملیت و اندیشه فرا ملی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشرآثار امام، ۱۳۸۱، چ ۱، صص الف - ه .

احساسات پاک ملی گرایانه تا زمانی که در مقابل ایدئولوژی اسلامی قرار نمی گرفتند، ارج می نهاد:

آن چیزی که آنها اصرار به آن دارند این است که ما با هم مجتمع نشویم، ما با هم برادر نباشیم، مسلمان ها در هرجا که هستند، با اشکال مختلفه (باشند)، یک شکل آن ملی گرایی [است.] آن می گوید ملت فارس، آن می گوید ملت عرب، آن می گوید ملت ترک. این ملی گرایی که به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستند، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می زند.(۱)

## ۸. خطرهای ملی گرایی افراطی

استعمارگران، مروّج ملی گرایی از نوع افراطی هستند. حضرت امام خمینی رحمه الله در آشکار ساختن این توطئه فرموده است:

این تبلیغات که این عرب است، آن ترک است و یا فارس یا کرد، تبلیغاتی است که اجانب برای چپاول مخازنی که در این ممالک است، رواج می دهند که مسلمانان را از هم جدا کنند. مسلمین باید هشیار باشند که تحت تأثیر این تبلیغات واقع نشوند.(۲)

ایشان در سخنی دیگر می گوید:

نهضت اسلامی ایران، مظهر برادری شیعه و سنّی و هم گامی نژادهای مختلف کشور ایران است. شما خواهران و برادران عزیز باید توجه داشته باشید که دشمن اصلی؛ یعنی استعمار هنوز با وسایل مختلف دست اندرکار لنگ اندازی و تفرقه افکنی است.(۳)



---

۱- . صحیفه نور، ج۱۵، ص۲۷۸.

۲- . همان، ج۴، ص۳۲.

۳- . صحیفه امام، ج۶، ص۱۸۴.

امـام چه نیکو از اهـداف و دورنمـای اسـتعمارگران پرده برمی دارد که چگونه از ابزار قوم گرایی و ملی گرایی برای مبـارزه با اسلام بهره می گیرند:

این مسائل بسـیار محتمل است که از دست هایی که می خواهنـد ممالک اسـلامی با هم وحـدت پیـدا نکنند، پیش آمده است. قضـیه عرب را پیش کشـیده اند و عجم را. در داخل ممالک، قضـیه کرد را و عرب را و فارس را. در مملکت ما، قضـیه کرد و عرب و لر و ترکمن و بلوچ و امثال اینها را پیش کشـیده انـد. مخالفین ما که دارای مطالعات زیادی در این مملکت ها هسـتند، اینهـا به آنجـا رسـیدند که چنـانچه اسـلام به آن طوری که هست، پیاده بشود و آن طوری که اسـلام دعوت کرده است، تحقق پیدا بکند. تمام این قدرت هایی که در عالم هستند، اینها منعزل می شوند و قدرت بالاتر از همه قدرت ها به دست مسلمین که جمعیت شـان اکـثر هم هست، ذخایرشـان بیشـتر هم هست، می افتـد. از این جهت، در یـک سـطح وسـیعی اینهـا بین عرب این نـاحیه، ترک آن نـاحیه، فـارس این نـاحیه، اینها جـدایی می خواهنـد بیندازنـد و لهـذا برخلاف منطق اسـلام، این ملیت ها، پان ایرانیسم، پان ترکیسم، از این اسم ها درست می کنند و مقصد آنها این است که اینجا اسـلام و منطق اسلام نباشد و ملیت ها را پیش بکشـند و جـدا کند اسـلام را. بعض طایفه اش را از طایفه دیگر، اقلیت های مثلاً کرد و ترک و کذا، اصل قاعده اش این است که در ایران مطرح نباشد. اینکه این اقلیتی است، آن یک اقلیتی است، این یک اکثریتی است.(۱)

ایشان در سخنی دیگر فرموده است:

از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمّال استعمارگران در تبلیغ آن به پا خاسته اند،



---

۱- . صحیفه نور، ج۱۱، ص۲۵.

قومیت و ملیت است که دولت عراق سال هاست بدان دامن می زند و در ایران نیز دسته جات محدودی، دانسته یا ندانسته، از آن ترویج و تأیید می کنند و در سایر نقاط از ترک و کرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده اند و حتی به دشمنی کشیده اند و آن ملی گرایی که به دشمن بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می برند.(۱)

حضرت امام، آسیب های زیادی را در پی ملی گرایی افراطی ارزیابی می کرد و می فرمود:

با دست حکومت های فاسد و با تبلیغ حکومت های فاسد، این نژادپرستی ها و گروه پرستی ها در بین مسلمین رشد کرده، عرب ها را در مقابل عجم ها و ترک ها قرار دادند و عجم ها را در مقابل عرب ها و ترک ها را در مقابل دیگران و همه نژادها را در مقابل هم.

اینکه من مکرّر عرض می کنم که این ملی گرایی اسلامی، بدبختی مسلمین است، برای این است که این ملی گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت های مسلمین قرار می دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا.(۲)

امام خمینی رحمه الله در داخل کشور نیز همه اقوام را در پناه اسلام می دانست و آنان را از هرگونه تفرقه برحذر می داشت:

از اول پیروزی انقلاب تاکنون، در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده ایم که در اسلام، کرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیراینها مطرح نیست. اسلام



---

۱- . همان، ج۱۳، ص۸۱.

۲- . همان، ج۱۲، ص ۲۸۰.

برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد.(۱)

البته امام راحل همواره در سخنان خویش حدود ملیت را هم در اسلام تبیین می کرد:

ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم و ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می کنیم، اما در سایه اسلام است، نه اینکه همه اش ملیت.(۲) اسلام آمده است که همه نژادها با همه باشند. مثل دنده های شانه می مانند. هیچ کدام بر هیچ کدام تفوق ندارند، نه عرب بر عجم و نه عجم بر عرب و نه ترک بر هیچ یک از اینها و نه هیچ نژادی بر دیگری و نه سفید بر سیاه و نه سیاه بر سفید. هیچ کدام بر دیگری فضیلت ندارند. فضیلت با تقواست؛ فضیلت با تعهد است؛ با تعهد به اسلام است.(۳)

از منظر حضرت امام خمینی رحمه الله:

اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می خواهند سلطه بر این دولت های اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند، نتوانند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه (دارند). تمام مسلمین با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند.(۴)



---

۱- . همان، ج ۹، ص۱۷.

۲- . همان، ۲۰۳.

۳- . همان، ج۱۲، ص ۲۸۱.

۴- . همان، ج۱۳، ص۲۲۵.

ایشان می فرماید:

اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند. این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد و الان هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند.(۱)

## ۹. رهایی ملت های اسلامی در پرتو اتحاد

امام خمینی رحمه الله، رهایی مسلمانان را ثمره وحدت دولت ها و ملت های اسلامی می دانست و می فرمود:

امیدوارم که همه ملت های اسلامی و همه دولت های اسلامی یک روز به خود آیند و تفرقه ها و هواهای نفسانی و اغراض شخصیه را کنار بگذارند و تحت لوای اسلام و قرآن مجتمع شوند و در این اجتماع، قدرتی مافوق قدرت های موجود در عالم را به دست بیاورند. مسلمین قریب یک میلیارد جمعیت دارند و مخازن بزرگ در اختیار آنهاست و صحراهای بسیار وسیع در اختیار آنهاست و مع الأسف برای اینکه نتوانستند تفاهم بین خودشان حاصل کنند و دست های خیانت کار نگذاشته است وحدت کلمه پیدا شود، خزاین آنها را بردند و بر آنها سلطه و حکومت پیدا کردند.(۲)

به همین دلیل، امام می خواست تا دولت های اسلامی اختلافات جزئی خود را کنار بگذارند:

امیدوارم که مسلمین و ملت های اسلامی همان طور که دستور اسلام و قرآن مجید است، با هم، برادر باشند و



---

۱- . همان، ج ۵، ص ۳۷.
۲- . همان، ج ۶، ص ۸۷.

نسبت به دشمنان انسانیت (و) کشورهای اسلامی با شدت و قدرت رفتار کنند و این حاصل نمی شود الّا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت ها هست، دست بردارند. برادر هم باشند. این اختلاف موجب بهره برداری دشمنان اسلام و مسلمین است. باید از این بهره برداری جلوگیری بشود به وحدت اسلامی و اینکه همه در تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند؛ زیرا آن طور که قرآن دستور داده «أَشِدّاءُ عَلَى الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ». (فتح: ۲۹)(۱)

امام خمینی رحمه اللههمواره از یک نکته اظهار نگرانی می کرد و آن، معمای تفرقه است:

برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامیه و ملت های اسلام می دانند که این درد چیست. می دانند که دست های اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکند. می بینند که با این تفرقه ها، ضعف و نابودی نصیب آنها می شود. می بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده - که اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند، او را سیل می برد - مع ذلک در مقابل او زبون هستند. معما این است که با اینکه اینها را می دانند، چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است، روی نمی آورند؟ چرا توطئه هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می برند، آنها توطئه ها را خنثی نمی کنند. آیا این معما چه وقت باید حل شود؟(۲)

آن گاه روی سخن را به مسلمانان جهان برمی گرداند و می فرماید:

ای مسلمانان جهان، چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد کردید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و



---

۱- . همان، ج۸، ص۲۳۵.

۲- . همان، ج۸، ص۲۳۶.

دارا بودن مخازن بزرگی که بالاـترین حربه است در مقابل دشمن، این چنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختی های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید، آنجا که می فرماید: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنی وَ فُرادی؛ بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دو تا دو تا یا یک یک برای خداوند قیام کنید». (سبأ: ۴۶).(۱)

حضرت امام راحل با روشن بینی تمام، مرزها را مانع وحدت مسلمانان نمی داند و چنین یادآور می شود:

ما با همه ملت های مسلم برادر هستیم و در شادی و غم آنها شریک هستیم و امید این را داریم که آنها هم با غم ها و شادی های ما شریک باشند. امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملت ها، بر ملت های مسلمین، بر ملت های شرق، حکومت های غیر مشروع کرده اند. مسلمین باید با هم ید واحده باشند: «هُمْ یدٌ واحدهٌ علی من سِوّاه.»(۲) اینها باید دست واحد باشند؛ مجتمع باشند؛ یک باشند. خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسباب جدایی قلب ها ندانند. مرزها جدا، قلب ها با هم.(۳)

تیزبینی امام در دیدن بهره هایی که دشمن از تفرقه مسلمانان می برد، ستودنی است. ایشان در سخنی گویا و صریح می فرماید:



---

۱- . همان، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

۲- . بحارالانوار، ج ۲، ص۱۴۸.

۳- . صحیفه نور، ج ۱۰، ص۲۲۳.

در هر صورت، مسلمین اگر با هم اتفاق پیدا بکنند و وحدت کلمه پیدا بکنند، نه قضیه قدس پیش می آید و نه قضایای افغانستان پیش می آید و نه قضایایی که برای مسلمین در جاهای دیگر پیش می آمد و پیش می آید.(1)

به راستی، اگر مسلمانان در غم و شادی کنار هم باشند و مسائل و مشکلات خود را از هم جدا نکنند، هیچ گاه طعمه جهان خواران نخواهند شد. اگر همگان این سخن امام را چراغ راه خود قرار دهند که:

قضیه لبنان و ایران و اینها شما می دانید که اینها قضایای مختلفی نیستند. مسلمان ها هر جا هستند، باید با هم باشند، آن چیزی که رنج است برای یک طایفه ای، برای طایفه دیگر هم همان مسئله و رنج باشد. مسائلشان جدا نباید باشد. اینکه ما ایرانی هستیم و آنها لبنانی هستند یا جای دیگری هستند، در اسلام مطرح نیست. اسلام همه افرادی که ایمان به خدا آورده اند، همه آنها را برادر می داند و حساب جداگانه ندارد که حسابی برای عرب باز کرده باشد، یک حسابی برای عجم باز کرده باشد، یک حسابی برای ایران باز کرده باشد و یک حسابی برای کجا. این حساب هایی که پیش مردم مادی مطرح است که ما ایرانی هستیم و برای ایران باید چه بکنیم و آنی که (عراقی است) بگوید ما عراقی هستیم و برای چه، این حساب ها در اسلام نیست. اسلام می خواهد که همه دنیا یک عایله باشد و یک حکومت در همه دنیا. آن هم حکومت عدل برقرار باشد و همه افراد، افراد همان عایله باشند و لهذا ما مکرر این معنا را گفته ایم که این قضیه ای که شاید صحبتش در همه جا هست که ملت ایران مثلاً جدا، ملت عراق جدا، هر کدام یک عصبیتی برای او داشته باشد و حتی به اسلام کار نداشته باشند، به ملت و به ملیت کار داشته باشند، این یک امر بی اساس است در اسلام، بلکه مضاد



---

۱- . همان، ج۱۲، ص۲۷۲.

(مخالف) با اسلام است.(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله، قدس را کانون وحدت موحدان جهانی می دانست. ازاین رو، می فرمود:

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده؛ از روزی که مسجد الاقصی پی ریزی شد تا آن گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آن همه امکانات مادی و معنوی در مرئی (منظره) و منظر آنان، به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالی قدرش این

چنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایت کار و چه ننگ است برای دولت های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرت های جهان بنشینند و تماشاگر باشند که امریکا، ابر جنایت کار تاریخ، یک عنصر فاسد بی ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده ای ناچیز عبادت گاه مقدس و قبله گاه اول آنان را آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنها قدرت نمایی کند و چه شرم آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ.(۲)

## ۱۰. شاخص های اتحاد و هم بستگی

### اشاره

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در سرزمین ایران، پیکره امت اسلامی که همواره از زخم کهنه تفرقه و جدایی رنج می برد، به یک باره با ندای «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا» جانی دوباره یافت. صدایی آشنا از زبان عالمی بزرگ برخاست و



---

۱- . همان، ج۱۳، ص ۵۰.

۲- . همان، ج۱۶، ص۱۲۸.

مسلمانان جهان، با شور و شعفی وصف ناپذیر به سوی این نوای عالمانه جذب شدند. ایشان فرمود:

وحدت، همان چیزی است که در قرآن مجید درباره آن سفارش شده است و ائمه علیهم السلام، مسلمین را به این مسئله دعوت کرده اند و اصلاً دعوت به اسلام، دعوت به وحدت است. به این معنا که همه در کلمه اسلام با هم مجتمع باشند، لکن همان طور که می دانید، نگذاشتند این وحدت تحقق پیدا کند. خصوصا در این عصرهای آخر، به اختلافات دامن زدند؛ چون کارشناسان آنها فهمیده بودند که اگر اجتماع بزرگ اسلامی به هم نزدیک شوند و به یکدیگر بپیوندند، دیگر هیچ قدرتی نمی تواند با اینها مقابله کند و نسبت به آنها سلطه جویی نماید.(۱)

بنیان گذار جمهوری اسلامی، از آغاز جوانی، از برجسته ترین معتقدان به تقریب مذاهب اسلامی بود و پس از مرجعیت نیز اهتمام ویژه ای به این امر داشت. در گلستان اعتقادی و اندیشه حضرت امام خمینی رحمه الله، می توان گل های معطری را دید. اکنون به اصول اساسی اتحاد اسلامی در نگاه ایشان می پردازیم:(۲)

### الف) تشکیل حکومت اسلامی

امام خمینی رحمه الله، عامل اساسی و بنیادین اختلاف در پیکره امت اسلامی را «فقدان قدرت سیاسی» می دانست. بی شک، بدون اتکا به قدرت سیاسی اسلامی نمی توان کاری سازنده و اصلاحاتی ریشه دار انجام داد. امروزه اگر مسلمانان با یکدیگر متحد نباشند،



---

۱- . سخنرانی در دیدار با امامان جماعات استان گیلان، ۲۳/۱۰/۱۳۶۰.

۲- . در تدوین این شاخصه ها از مقاله «اعتقاد به ضرورت و هم بستگی مذاهب اسلامی»، بیژن شهرامی، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی رحمه الله و احیای تفکر دینی استفاده شده است.

قدرت عظیم آنان در پیچ و خم اختلاف نظرهای ناشی از تعدد مراکز تصمیم گیری، تحلیل خواهد رفت.

تشکیل حکومت واحد اسلامی، از مهم ترین جلوه های اعتقاد بنیان گذار جمهوری اسلامی به هم بستگی پیروان مذاهب مختلف اسلامی است، آن گونه که بازتاب آن را در آثار مکتوب حضرت امام می توان دید. برای مثال، ایشان در جایی می نویسد:

و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام، مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان، به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارضی خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.(۱)

شکل گیری حکومت واحده اسلامی، در گرو هم بستگی مذاهب اسلامی بر اساس مشترکاتی مانند قرآن، سنّت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

همه مسلمین ید واحده باشند بر من سواهم. هرکس در محیط خودش با هر حکومتی که هست و با هر مذهبی که هست، در محیط خودش باشد و مستقل باشد، لکن کما اینکه مسلمان است، با مسلمین دیگر اخوت داشته باشد، دوستی داشته باشد، پیوند داشته باشد. ارتش های همه کشورهای اسلامی پشتیبان هم باشند.(۲)

امروزه بسیاری از کشورهای جهان، درصدد ایجاد نوعی وحدت میان خویش هستند. ازاین رو، شاهد تشکیل ده ها اتحادیه منطقه ای و بین المللی در سطح جهان هستیم. طرح وحدت کامل کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در قالب یک کشور واحد و گسترده با ایالات فدرال و دولت مرکزی، ارتش، پول و پارلمان واحد



---

۱- . صحیفه انقلاب، صص ۳۵ و ۳۶.

۲- . سخنرانی در دیدار با مهمانان خارجی هفته وحدت، ۲۰/۱۰/۱۳۶۰.

و موارد مشترکی مانند آن، نمونه برجسته ای از این گونه تلاش هاست.

ایده تشکیل حکومت اسلامی، از عقاید و اندیشه های متعالی حضرت امام سرچشمه گرفته است که تجلی قدرت و هم بستگی مذاهب اسلام را در آن به روشنی می توان دید. البته یاوران حضرت امام، در راه تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد قدرت سیاسی، تنها شیعیان و دلدادگان مذهب جعفری نبودند، بلکه بسیاری از پیروان دیگر مذاهب اسلامی که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اهمیت هم گرایی مذاهب اسلامی را دریافته بودند، ایشان را در این زمینه یاری کردند. امام راحل به بیان های مختلف از این قدرت بزرگ اسلامی یاد می کند و می فرماید:

ممالک اسلامی با این مخازن که دارند، اگر آن طوری که خداوند فرموده است، نسبت به یکدیگر اخوت داشته باشند، نه در اقتصاد به کسی احتیاج دارند و نه در فرهنگ و سایر جهات... . اگر تمام مسلمین باهم متحد شوند، قدرتی خواهند بود که هیچ قدرتی در مقابل آنها نمی تواند ایستادگی کند.(۱) کشورهای اسلامی اگر هم به یک نقطه روی آورند و آن نقطه اسلام است، با این جمعیت زیادی که دارند، با این تجهیزاتی که دارند، با این سلاح هایی که در اختیار دارند، مثل نفت و غیر نفت، در دنیا به آقایی می رسند.(۲)

### ب) برقراری روابط حسنه دولت اسلامی با دولت ها و ملت های مسلمان

با بررسی و مقایسه روابط پیش و پس از انقلاب، درمی یابیم که سردمداران نظام پیشین، در پی ایجاد روابط با کشورها و ملل اسلامی و تقویت پیوند با دولت های استعمارگر بودند. پیوندهایی که جز تیره روزی، چپاول ثروت های سرشار ملی، تهاجم فرهنگی، سست شدن مبانی ارزشی و



---

۱- . پیام امام راحل به مناسبت روز قدس، ۱۷/۵/۱۳۵۸.

۲- . سخنرانی در جمع نمایندگان سازمان های آزادی بخش جهان، ۲۰/۱۰/۱۳۵۸.

اعتقادی جامعه، تحقیر روزافزون مردم، وابستگی های روزافزون، عقد قراردادهای خانمان سوز و مواردی مانند آن، ره آورد دیگری برای ملت مسلمان نداشت. فرهنگ سراسر غربی نیز بر زندگی مردم حاکم بود. امام راحل دراین باره فرمود:

فرهنگی مآبی از سرتا پا و در تمام نشست و برخاست ها در معاشرت ها و تمام شئون زندگی، موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه، کهنه پرستی و عقب افتادگی است.(۱)

عملکردهای نظام اسلامی، پس از انقلاب نشان می دهد که دولت اسلامی، در جهت مخالف طاغوت گام برداشته است. الزام دولت اسلامی در ایجاد روابط حسنه با دول و ملل اسلامی و قطع هرگونه رابطه با دولت هایی که برخلاف مصالح اسلام و مسلمانان گام برمی دارند، نشانه آشکاری از اعتقاد ژرف حضرت امام خمینی رحمه الله به هم بستگی مسلمانان جهان با یکدیگر است. امام خمینی رحمه الله در رهنمودی می فرماید:

ما می گوییم که شما با هم باشید، همه مسلمین با هم باشند، ما نه با آن یکی روابطی داریم، نه با شما روابطی داریم و با همه و همه روابط داریم. همه شما را علی السوی نگاه می کنیم و همه مسلمین در نظر ما اگر چنانچه به احکام اسلام عمل بکنند، عزیزند. ملت اسلام را، تُرکش باشد،



---

۱- . صحیفه انقلاب، ص ۱۵.

عربش باشد، عجمش [باشد]،

از افریقا باشد، از امریکا باشد، از هر جا باشد، عزیز می داریم. ما می گوییم آقا [همه]

دست به دست هم بدهند. شما یک جبهه ثلاثه درست نکنید و پیوند نکنید با اسرائیل... .(۱)

قطع روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت اسلامی ایران با اسرائیل غاصب، ایالات متحده امریکا و رژیم های وابسته به آنها گویای عملی این مدعاست. حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

مسلمین باید با هم ید واحده باشند. اینها باید دست واحده باشند، مجتمع باشند، یکی باشند و خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدایی ملت ها ندانند.(۲)

### ج) حمایت از جنبش های آزادی بخش

حمایت از جنبش های اسلامی استعمارستیز، از جمله اهداف سیاست خارجی نظام اسلامی است. حمایت از آن دسته از گروه های اسلامی که در فلسطین، لبنان، کشمیر، الجزایر، مصر، تونس، افغانستان، تاجیکستان، بوسنی و هرزگوین و دیگر مناطق جهان در برابر ستم به اسلام و مسلمانان، قامت برافراشته اند. رهبر کبیر انقلاب در طول حیات طیبه خویش، دمی از یاری رزمندگان اسلام باز نایستاد و دولت اسلامی را نیز به حمایت از این جنبش های اسلامی فراخواند. البته این کمک ها بیشتر از نوع کمک های معنوی بود. حضرت امام رحمه الله با وجود سنّی مذهب بودن بیشتر مسلمانان، ندای ایشان را به بهترین شکل پاسخ داد و فرمود:

ما برای اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری جمیع فِرَق مسلمین است.



---

۱- . آوای انقلاب، ص ۱۷۱.

۲- . سخنرانی در دیدار با افسران ارتش پاکستان، ۳/۹/۱۳۵۸.

در تمـام نقـاط عـالم، هم پیمانی با تمام دول اسـلامی است، در سرتاسـر جهان، مقابل صـهیونیست، مقابل اسـرائیل، مقابل دول اسـتعمارطلب، مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می برنـد و ملت بـدبخت، در آتش فقر و بی کاری و بینوایی می سوزد.(۱)

امام خمینی رحمه الله چون پدری مهربان با جنبش های آزادی بخش سخن می گفت و به آنها رهنمود می داد و می فرمود:

شمـا ای جنبش هـای آزادی بخش و ای گروه های در خط به دست آوردن اسـتقلال و آزادی! به پاخیزیـد و ملت های خود و ملل اسـلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن، بدتر و قبیح تر از ستم کاری است و به دولت ها اخطار کنید که از زبونی و ذلت، خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آیید و به اخوت اسلام بگرایید.(۲)

### د) تلاش برای رفع اختلاف میان امت اسلامی

خداوند در آیه ای از قرآن مجید می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات: ۱۰)

به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند. پس همیشه میان برادران خود صـلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشـید. باشد که از رحمت الهی بهره مند شوید.

حضـرت امـام خمینی رحمه الله بـا آگاهی کامل از پی آمـدهای جبران ناپـذیر درگیری های تفرقه افکن میان ملل اسـلامی که نمونه برجسته آن، کشمکش های خونین و طولانی دو دولت و شیعی صفوی و سنّی عثمانی است،



---

۱- . صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۹.
۲- . پیام به سازمان های آزادی بخش، ۱۴/۱۰/۱۳۵۸.

در راه ایجاد اتحاد و هم بستگی میان ملل اسلامی بسیار می کوشید. ازاین رو، با رهنمودهای حکیمانه امام، نظام اسلامی توانست اختلاف های شیعه و دیگر مذاهب اسلامی را به نیکوترین شکل ممکن برطرف سازد و راه را برای تحقق وحدتی ریشه دار و پایدار میان مسلمانان هموار کند. نمونه آن نیز اختلاف های موجود میان جنبش اَمَل و حزب اللّه لبنان یا مجاهدان افغان و دولت هایی مانند چاد و سودان بود. از آن پس نیز نظام اسلامی که به ضرورت هم بستگی مذاهب اسلامی برای رفع اختلاف میان امت اسلامی اعتقاد کامل دارد، توانسته است اعتماد دولت ها و ملت ها و گروه های مبارز اسلامی را جلب کند و گام های ارزشمندی را برای ایجاد تفاهم و برادری میان آنان برداشته است. حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنی با ملت های مسلمان می فرماید:

امیدوارم که مسلمانان جهان در آستانه قرن حاضر، گرفتاری های خود و منشأ آن را به درستی بررسی کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکای به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند. مسلمین که در آستانه این قرن، دردهای جان فرسای خود را یافته و از قدرت های شیطانی بزرگ جز گرفتاری های گوناگون و چپاول گری ها و جنایات چیزی ندیده اند، باید با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند.(۱)

ایشان در کلامی دیگر در سفارش امت ها به کنار گذاشتن اختلاف می فرماید:

مسلمین اگر چنانچه با هم اتفاق پیدا بکنند و وحدت کلمه پیدا کنند، نه قضیه قدس پیش می آید و نه قضایای افغانستان پیش می آید و نه قضایایی که برای مسلمین در جاهای دیگر پیش می آید. تا کی ملت های مسلم همه در غفلت باشند؟(۲)



---

۱- . پیام به مناسبت پنجمین سالگرد استقلال الجزایر، ۸/۸/۱۳۵۸.

۲- . سخنرانی به مناسبت روز قدس، ۱۶/۵/۱۳۵۹.

### ه) پرهیز از تفرقه میان مذاهب اسلامی و بهره مندی علما از تجربه ها و اندوخته های علمی یکدیگر

امروزه کم نیستند افرادی که صحیفه فاطمیه و جامع علی بن ابی طالب علیه السلام را قرآن مذهب امامیه می پندارند. آنان معتقدند امامیه، کتابی متفاوت با قرآن دیگر مسلمانان در حجاز و غیرحجاز دارد. افزون بر این، تهمت های ناروای دیگری به شیعیان وارد می سازند. از سوی دیگر، کم نیستند افرادی که محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام را به پیروان مذهب امامیه محدود و منحصر کرده اند و دیگر مذاهب اسلامی را از آن بیرون می پندارند. البته امروزه در میان مذاهب اسلامی، گروه های ضاله ای مانند غُلات در شیعیان و خوارج و نواصب در اهل سنّت وجود دارند که از محدوده اسلام خارج شده اند، ولی اینکه به آسانی حکم تکفیر آنان داده شود، بسیار نادرست است. این کار از نادانی، تعصب کورکورانه، ناآگاهی از دسیسه های دشمنان اسلام، فرقه گرایی، هوا و هوس، بدعت های سیاسی و ملاک قرار دادن اقوال غیرعلمی یا عامیانه سرچشمه می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی، مسلمانان را از تکفیر یکدیگر بازمی دارد و می فرماید:

مَنْ اسْتَقْبَلَ قِبْلَتَنا وَ أَکَل ذَبِیحَتَنا فَهُوَ الْمُسلِمُ لَهُ ما لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَیهِ ما عَلَی الْمُسْلِمِ وَ حِسَابُهُ عَلَی اللّه .(۱)

هر کس به قبله ما رو کند و از گوشتی که مسلمان ذبح کرده است، بخورد، وی مسلمان است و هرچه سود یا زیان دیگر مسلمانان است، برای او نیز جاری است و رسیدگی به اعمالش با خداوند می باشد.

تفرقه و جدایی، عامل ویرانگری است که همواره موجودیت اسلام را تهدید کرده است. حضرت امام خمینی رحمه الله با درک خطرهای بی شمار این امر، پیروان مذاهب اسلامی را از اختلاف بر حذر داشته و به هم بستگی دعوت کرده و فرموده است:



---

۱- . عبدالرزاق الصنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۱۲۹.

چنانچه

کرارا اعلام کرده ام، اگر ملت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاه نگردند، اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و به پا نخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحریک کلیه فرق مسلمین در مقابل بیگانگان است و ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب، همین طور در زیر پرده سیاه استعمار پوشیده بماند و آتش اختلاف و تشتت در میان مسلمین افروخته گردد، روزهای سیاه تر و نکبت بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است و خطر ویران کننده ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن می باشد.(۱)

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ایجادکنندگان اختلاف میان شیعه و سنّی، نه شیعه اند و نه سنّی، بلکه از محدوده دین مبین اسلام خارجند.

### و) هشیاری در برابر توطئه های مخالفان وحدت اسلامی

تلاش مخالفان وحدت اسلامی در حذف عوامل وحدت آفرین بسیار گسترده و مرموزانه است، به گونه ای که گاه برای اجرای نقشه های شومشان از خود مسلمانان بهره می گیرند. البته شناخت این توطئه چینی ها بسیار مشکل است و رویارویی با آنها بسیار دشوارتر است. امام خمینی رحمه الله با هشیاری و ژرف اندیشی، بسیاری از دسیسه های مخالفان جهانی وحدت اسلامی را آشکار ساخت و مقصد و اهداف شوم آنان را به همگان شناساند. ایشان در یکی از سخنرانی های خود می فرماید:

دولت های استعمارطلب با دولت هایی که می خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله های مختلف، با نیرنگ متعدد، دول اسلامی [و ]سران دول اسلامی را اغفال می کنند. گاهی به اسم شیعه و سنّی اختلاف ایجاد می کنند... . در دول اسلامی بین طوایف مسلمین به اسم اسلام و به اسم مذهب چیزهایی پخش می کنند، تبلیغاتی می کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنّی پیدا بکنند و



---

۱- . صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۴۳.

آنها به ذخایری که مسلمین دارند، دست رسی پیدا بکنند و نتوانند مسلمین کاری انجام بدهند.(۱)

بصیرت و ژرف اندیشی حضرت امام خمینی رحمه الله بسیار ستودنی است. ایشان به تمام مسلمانان که در کنگره بزرگ حج گرد هم می آیند، یادآوری می کند:

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره برداری شود، با کمال تأسف دیده می شود که بعضی قلم های مسموم عمّال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سال هاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم «الخطوط العریضه» و امثال آن نشر می دهند و به مستعمرین کمک می کنند [و] با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری را از صفوف مسلمین جدا می کنند و جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود.(۲)

بر ملت اسلامی لازم است که از این گونه کتاب ها و نشریات تفرقه انگیز و استعماری اجتناب کنند و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند و در این اجتماع مقدس، اولاً در مسائل اساسی اسلام و ثانیا در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها، با دست استعمار و عمّال آن بر برادران مسلمان آنان چه می گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس، گرفتاری های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.(۳)



---

۱- . همان، ص ۳۲۳.

۲- . همان، ص ۲۹۵.

۳- . همان.

### ز) آزادی سیاسی و دینی پیروان مذاهب اسلامی

پس از به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، دشمنان داخلی و خارجی کوشیدند انقلاب اسلامی را جریانی فرقه گرا و صرفا شیعی معرفی کنند که پس از پیروزی، اقلیت های مذهبی را به کلی از صحنه اجتماع طرد خواهد کرد و بر اقلیت های دینی مسیحی، زرتشتی و یهودی خواهد تاخت. حضرت امام خمینی رحمه الله در گفت وگوهای مکرر با خبرنگاران رسانه های گروهی کوشید تا این توطئه را خنثی کند. ایشان فرمود:

اولاً ـ برادران اهل سنّت هرگز از اقلیت های مذهبی نیستند. ما بارها گفته ایم که رفتارمان با اقلیت های مذهبی بسیار خوب خواهد بود. اسلام، آنان را محترم شمرده است. ما به آنان تمام حقوقشان را می دهیم. آنان حق دارند در مجلس وکیل داشته باشند و آزادانه به فعالیت های سیاسی، اجتماعی بپردازند و آزادانه امور مذهبی خود را انجام دهند.(۱)

ایشان در جایی دیگر می فرماید:

ائمه اطهار ما سفارش کردند، به ما بپیوندید. با هم و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد بر هم بزند یا جاهل است و یا مغرض و نباید به این حرف ها گوش بکنند. برادران سنّی ما نباید به یک تبلیغاتی که از طرف دشمنان اسلام می شود، ترتیب آثار بدهند. ما با آنها برادر هستیم. آنها با ما برادر هستند. این مملکت، مال همه ما هست. مال همه ما، مال اقلیت های مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنّت ما، همه ما با هم هستیم.(۲)

ایشان برای آسوده کردن خاطر پیروان مذاهب و ادیان الهی این گونه می فرماید:



---

۱- . همان، ج ۳، ص ۲.

۲- . همان، ص ۲۳۴.

تمام اقلیت های مذهبی در حکومت اسلامی می توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل کند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.(۱)

امروزه در ایران اسلامی، پیروان مذاهب اربعه اهل سنّت، مانند برادران شیعه در عمل به احکام مذهبی شان به طور کامل آزادند. حتی مسائل فقهی مذاهب آنها در مراکز صدا و سیمای استان های محل سکونتشان رعایت می شود و دروس احکام ویژه را به آنها می آموزند. دادگاه ها نیز در شهرستان هایی که پیروان مذاهب اربعه اهل سنّت در آن سکونت دارند، مسائل فقهی مذاهب را رعایت می کنند. حوزه های علوم دینی نیز با بهره مندی از حمایت های مادی و معنوی حکومت اسلامی، به تربیت طلاب می پردازند. خیابان ها، معابر، مراکز آموزشی، فرهنگی و تفریحی نیز که به نام مشاهیر مسلمان سنّی و شیعه نام گذاری شده، به سهم خویش، نمادی زیبا از هم بستگی مذاهب اسلامی است.

### ح) مبارزه با ملی گرایی افراطی

مهم ترین حربه استعمار در تجزیه جهان اسلام به بیش از پنجاه کشور، دامن زدن به افکار تند ناسیونالیستی در میان مسلمانان بود. هنگامی که استعمار از رویارویی با یک دولت واحد و متحد اسلامی باز ماند، به فکر تجزیه آن افتاد و این راه کار مخرب، موجب تجزیه امپراتوری مقتدر اسلامی، تشدید اختلاف ها، برافروخته شدن آتش جنگ های مذهبی، بازماندن از پیشرفت های علمی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی، بر باد رفتن ذخایر و ثروت های قومی و ملی و روی کار آمدن حکومت های وابسته و دست نشانده شد.

اهتمام حضرت امام خمینی رحمه الله در مبارزه با ملی گرایی افراطی، جلوه دیگری از اعتقاد ایشان به هم بستگی مذاهب اسلامی است. ایشان در رهنمودی می فرماید:

از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان طرح و



---

۱- . همان، ج ۱، ص ۱۲۸.

عمّال استعمارگر در تبلیغ آن به پا خاسته اند، قومیت و ملیت است و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده اند. در حب وطن حرفی نیست، ولی ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمانان و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین است.(۱)

با نگاهی به آخرین سال های حاکمیت رژیم پهلوی، درمی یابیم که نظام حاکم، با دامن زدن به افکار ناسیونالیستی، برای نابودی اسلام می کوشید. به همین دلیل، برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله؛ تغییر مبدأ تاریخ رسمی کشور از هجرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به تاج گذاری بنیان گذار سلسله هخامنشیان؛ مبارزه با زبان قرآن و حدیث و زبان فارسی قوت گرفته از زبان عربی؛ نشر افکار زرتشتی آریاپسندانه و مواردی مانند آن، در دستور کار طاغوت قرار گرفته بود.

آیت الله مرتضی مطهری که سال ها از اندیشه و دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله بهره گرفته است، می نویسد:

استعمار برای اینکه اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» را اجرا کند، راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان کند و آنها را سرگرم افتخارات موهوم نماید. به هندی بگوید تو سابقه ات چنین است و چنان، به ترک بگوید نهضت جوانان ترک ایجاد کن و «پان ترکیسم» به وجود آور. به عرب بگوید روی «عروبت» و «پان عربیسم» تکیه کن و به ایرانی بگوید نژاد تو آریایی است و تو باید حساب خود را از اعراب که از نژاد سامی است، جدا کنی.(۲)

ط) اشتراکات؛ زمینه ساز وحدت مذاهب اسلامی

آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ. (بقره: ۲۸۵)



---

۱- . پیام به زائران بیت اللّه الحرام، ۲/۶/۱۳۵۹.

۲- . مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۵.

رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد، ایمان آورد و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتاب ها و پیامبران خدا ایمان آوردند و گفتند ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاشته ایم و همه یک زبان و یک دل، فرمان خدا را شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! ما آمرزش تو را می خواهیم و می دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

مسلمانان جهان، خواه شیعه، خواه سنّی به خدای واحد، عالم غیب، معاد، قرآن کریم، نبوت و رسالت نبی مکرم اسلام ایمان دارند و رو به سوی یک وادی مقدس نماز می گزارند؛ زمانی یکسان امساک می کنند؛ در موسمی مشخص به حج می شتابند و مانند هم زکات می پردازند. با وجود این، دسیسه های دشمنان اسلام و جهالت برخی از بزرگان و رهبران مذاهب، موجب پراکندگی مذاهب و اختلاف نظرهای فراوان شده است. هر چند مسلمانان در اصول عقیدتی و قطعیات شریعت و هر آنچه ملاک اسلام و کفر است، مشترک هستند، ولی در پاره ای موارد مانند مسائل فقهی و عملی، بسان فروع، عبادات، معاملات، ارث، قصاص و دیات و دیگر مطالب فقهی، اختلاف نظر دارند. این اختلاف ها در طرح ناهمگون این گونه مسائل از سوی رؤسای مذاهب و متکلمین و مجتهدان آنها در دوره زمانی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ریشه دارد، ولی هیچ یک از این موارد نمی تواند عامل تفرقه و جدایی باشد.

حضرت امام خمینی رحمه الله به تبیین علایق مشترک میان مذاهب اسلامی اهتمام ویژه ای داشت و می فرمود:

دولت های اسلامی باید به منزله یک دولت باشند، کأنّه یک جامعه هستند، یک پرچم دارند، یک کتاب دارند، یک پیغمبر دارند. اینها همیشه باید با هم متحد باشند، با هم علاقه های همه جانبه داشته باشند. اگر چنانچه این آمال حاصل بشود که بین دولت های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است تا بر مشکلات خودشان غلبه کنند و قدرتی بزرگ تر از قدرت های دیگر در مقابل سایر قدرت ها باشند.(۱)



---

۱- . صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۲۲.

ایشان در کلامی دیگر فرمود:

علایق ما با ملت های همسایه و مسلمان عرب دارای ویژگی های خاص اسلامی است. لذا ما خواستار نزدیکی هر چه بیشتر این ملت ها با هم می باشیم. این استعمار و دست اجانب است که اختلاف میان این مسلمانان انداخته و می اندازد.(۱)

اگر به کتاب هایی که علمای اهل سنّت درباره مذهب شیعه نگاشته اند یا به آثار علمای شیعه درباره مذاهب اهل سنّت نظری داشته باشیم، می بینیم که برخی نویسندگان بدون برخورداری از روحیه علمی و رعایت بی طرفی، دست به قلم برده و به جای بیان حقیقت، به خرده گیری از طرف مقابل پرداخته اند. بنابراین، دامن زدن به این کتاب ها به جای پرداختن به علایق مشترك، نتیجه ای جز تفرقه و پراکندگی به همراه ندارد. آیت الله خامنه ای، خلف صالح حضرت امام که در خط و فکر متعالی ایشان گام برمی دارد، در رهنمودی به مسئولان فرمود: «هرچه از این قبیل کتب (کتاب های ضد شیعه و انقلاب اسلامی) می رسد، به کناری بگذارید و به هیچ وجه روی آنها بحث نکنید».(۲)

### ی) تعیین روز جهانی قدس

تعیین «روز جهانی قدس» از سوی حضرت امام خمینی رحمه الله در دفاع از آرمان قدس شریف و ملت مسلمان سنّی مذهب فلسطین، نشان دهنده عنایت ویژه ایشان به سرنوشت امت اسلامی، خواه شیعه و خواه سنّی بود. هدف والای ایشان افزون بر آزادی فلسطین و قدس شریف، ایجاد وحدت و هم بستگی میان مسلمانان جهان است. ایشان می فرماید:

ص: ۱۰۰

---

۱- . همان، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲- . منشور هم بستگی، ص ۱۰۴.

روز قـدس فقط روز فلسـطین نیست، روز اسـلام است. روز حکومت اسـلامی است. روزی است که باید جمهوری اسـلامی در سرتاسـر کشور، بیرقش افراشـته شود. روزی است که بایـد به ابرقدرت ها فهماند که دیگر آنها نمی توانند در ممالک اسـلامی پیشـروی کنند. من روز قدس را روز اسـلام و روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانم و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم و مسلمین از آن انزوایی که آنها را [به

آن ]کشانده بودند، خارج شوند و با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند.(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنی دیگر فرمود:

روز قـدس، روز اسـلام است، روز قـدس، روزی است که اسـلام را بایـد احیـا کرد و احیـا بکنیم و قوانین اسـلامی در ممـالک اسـلامی اجرا بشود. روز قـدس، روزی است که بایـد به همه ابرقـدرت ها هشـدار بـدهیم که اسـلام، دیگر تحت سـیطره عمّال خبیث شما واقع نخواهد شد. روز قدس، روز حیات اسلام است. باید مسلمین به هوش بیایند. باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند، قدرت های مادی، قدرت های معنوی مسـلمین که یک میلیارد جمعیت هسـتند و پشـتوانه خدایی دارند و اسلام پشتوانه آنهاست.(۲)

حضـرت امام خمینی رحمه الله با نام گـذاری آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان «روز قدس»، به زیبایی، هم بسـتگی بین المللی مسلمانان را خواستار شد. پیام امام به مناسبت نام گذاری، به درستی گویای این آرمان بلند است. ایشان می فرماید:

من از عموم مسـلمانان جهـان و دولت هـای اسـلامی می خواهم که برای کوتـاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم،



---

۱- . صحیفه نور، ج ۵، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- . همان، ص ۲۸۷.

آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی، هم بستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.(۱)

### ک) تعیین هفته وحدت در پرتو انقلاب اسلامی

برپایی مراسم میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دو روز جداگانه (دوازدهم و هفدهم) از ماه ربیع الاول، نه تنها شکوه و ابهتی را نداشت که از آن انتظار می رفت، بلکه جلوه ای از دو دستگی مسلمانان بود. این وضع نامناسب ادامه داشت تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله، دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول هر سال، «هفته وحدت» نام گذاری شد. بدین ترتیب، مسلمانان جهان یک صدا و هم سو، یک هفته را به نام نامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهگرامی داشتند و «هفته وحدت» هر سال باشکوه تر از سال پیش گرامی داشته شد. امام خمینی رحمه الله درباره شکوه این روز مبارک در سایه وحدت می فرماید: «این عید بزرگ سرمنشأ تمام برکات در عالم است و مرکز وحدت مسلمین در جهان است.»(۲) ایشان در سخنی دیگر درباره هشیاری مسلمان در برابر تفرقه افکنی بیگانگان فرمود:

شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همه شما دست به [دست] هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفته وحدت است، چرا شماها می خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ ... من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسائل،



---

۱- . همان، ج ۵، ص ۲۷۹.

۲- . صحیفه امام، ص ۱۵۹.

توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان. نشکنید این قدرت را. گرچه شماها نمی توانید، لکن نباید یک همچو کاری در ایران بشود... . دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است. خلاف انصاف است. نکنید این کارها را.(۱)

### ل) صدور فتوای تاریخی درباره نویسنده کتاب آیات شیطانی؛ عامل اتحاد مسلمانان

انتشار کتاب موهن آیات شیطانی «Satani rerses»، نگاشته سلمان رشدی، نویسنده مرتد هندی تبار تبعه انگلیس، از توطئه شوم و خطرناک مخالفان جهانی شدن اسلام برای تحریف حقایق دینی، سست کردن باورهای مذهبی نسل جوان مسلمان و مقابله با شریعت حنیف محمدی صلی الله علیه و آله خبر می داد. اندکی پس از انتشار این کتاب، حضرت امام خمینی رحمه الله با صدور فتوایی الهی، مرتد بودن سلمان رشدی را به جهان اسلام و همه مردم جهان اعلام کرد و در پی آن، جهان اسلام، به سرعت نسبت به آن واکنش مثبت نشان داد. تظاهرات میلیونی مسلمانان جهان در آسیا، اروپا، افریقا، امریکا و استرالیا، اقتدار و عظمت اسلام را به شکل بی سابقه ای به جهانیان نمایاند. دکتر حکیم صدیقی، رهبر فقیه پارلمان مسلمانان انگلستان از پی آمدهای فتوای امام چنین یاد می کند:

فتوای حضرت امام، ضربه ای کاری به کل تمدن غرب وارد آورد. ضربه ای که حضرت امام زدند، ضربه به کل تمدن غرب بود. به همین دلیل، واکنشی که آنها نشان دادند، واکنش کل تمدن غرب در مقابل این ضربه بود، نه واکنش یک فرد در دفاع از یک فرد. همچنین حمایتی که حضرت امام در برابر صدور چنین فتوایی به دست آوردند، از همه اقشار مختلف مذاهب اسلامی بود و کل جهان اسلام پشت سر ایشان قرار گرفت. مهم ترین و شگفت آورترین جنبه موضوع رشدی، همان وحدت نظر جهانی بود که دنیای اسلام در یک موضوع و تحت هدایت های یک رهبر به آن نایل آمد. کلمات امام، جهان را به صورتی لرزاند که در هیچ زمانی در تاریخ، با اعلامیه هیچ رهبر دیگری، این گونه



---

۱- . همان، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

نلرزیده بود. هیچ بیانیه جنگ یا صلحی در بین کشورهای کوچک و بزرگ جهان، تأثیر این فتوای امام را در هیچ کجای جهان نداشته که همچنان ادامه دارد و بی تردید، برای مدت زمان قابل توجهی در آینده ادامه خواهد داشت.(۱)

واکنش مثبت مسلمانان شیعی و سنّی مذهب به فتوای تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله نشان داد که وحدت اسلامی، هدفی دور از دست رس نیست.

### م) هم بستگی مذاهب اسلامی؛ آرمان حضرت امام

امام خمینی رحمه اللهپیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره بر هم بستگی مذاهب اسلامی تأکید و سفارش می کرد. ایشان در کلامی وحدت آفرین فرمود:

گمان نکنند برادرهای سنّی ما که در اسلام، این معنا مطرح باشد که فرقی میان شما و ما باشد. همان طور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دوتاست، لکن برادرند همه، دشمن نیستند. این هم یک مذهب خاصی است که دشمنی در کار نیست. همه برادر، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم صلی الله علیه و آله]

هستیم].(۲)

امام خمینی رحمه الله در رهنمودی دیگر، تفرقه افکنان را عوامل استکبار می شمارد و می فرماید:

آنهایی که کوشش دارند بین برادرهای اهل سنّت ما با برادرهای اهل تشیع تفرقه بیندازند،



---

۱- . حکیم صدیقی، نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی، ص ۱۹۱.
۲- . صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۴۶.

اینها اشخاصی هستند که برای دشمنان اسلام مشغول توطئه هستند و می خواهند دشمنان اسلام را بر مسلمین غالب کنند.(۱)

سیره نظری و عملی اسلام درباره دیگر مذاهب بر پایه «انما المؤمنون اخوه» استوار است و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و پیشوایان اسلامی همواره برای اتحاد مذاهب می کوشیدند. نگاهی به فتاوای حضرت امام خمینی رحمه الله گویای این مدعاست. برخی از این فتواها عبارتند از:

۱. «اگر اول ماه ذی حجه نزد علمای اهل سنّت ثابت شد و حکم کردند به اول ماه، باید حجاج شیعه از آنها تبعیت کنند و روزی را که سایر مسلمین به عرفات می روند، آنها نیز بروند و حج آنها صحیح است».

۲. «خارج شدن از مسجدالحرام یا مسجد مدینه به هنگام شروع نماز جماعت جایز نیست و بر شیعیان واجب است که با آنان نماز جماعت بخوانند».

۳. «برای شرکت در جماعت اهل سنّت، چنانچه برای تقیه مطابق آنها وضو بگیرد و دست بسته نماز بخواند و پیشانی بر فرش بگذارد، نمازش صحیح و اعاده ندارد».

۴. «در مسجدالحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله، مهر گذاشتن و سجده کردن بر آن حرام است و نماز اشکال پیدا می کند».

۵. «گفتن اشهد ان علیا ولی الله جزو اذان و اقامه نیست و در جایی که خلاف تقیه است، گفتن آن حرام است و نباید بگوید».(۲)

حضرت امام در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۵۷ در پیامی به ملت ایران فرمود:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم. واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند



---

۱- . سخنرانی امام در دیدار با اعضای جهاد سازندگی، ۲۷/۵/۱۳۵۹.

۲- . پیام به زائران شیعی خانه خدا، ۲۹/۶/۱۳۵۸؛ رسانه نوین، ج ۱، ص ۱۶۲.

یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنّی اصلًا در کار نیست. ما همه باهم برادریم... .(۱) ما پیوستگی خودمان را به اقلیت های مذهبی اعلام می کنیم. ما برادری خودمان را به برادران اهل سنّت اعلام می کنیم. دشمنان اسلامند که می خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند.(۲)

### ن) دعوت دولت های اسلامی به اتحاد و هم بستگی

حضرت امام خمینی رحمه الله افزون بر دعوت عموم مسلمانان به ویژه علما و زعمای مذاهب به تلاش برای ایجاد هم بستگی و اتحاد اسلامی، دولت مردان جهان اسلام را نیز به تلاش برای تحقق این ایده حیاتی دعوت و نتایج حاصل از تفرقه و جدایی را بارها به ایشان گوشزد کرده است. ایشان می فرماید:

ما می دانیم و مسلمین هم، بلکه مهم دولت های اسلامی هم، همه می دانند که آنچه به ما می رسد و رسیده است، از دو مشکل است: یکی مشکل بین خود دولت هاست که مع الاسف، تاکنون نتوانسته اند این مشکل را حل بکنند و آن مشکل اختلافات بین خودشان هست و آنکه نمی دانند منشأ همه گرفتاری های مسلمین، این اختلافات است و ما هم بیش از قریب به بیست سال است که در این موضوع سفارش کردیم، گفتیم، نوشتیم، دعوت کردیم سران دولت ها را بر این اتحاد، لکن مع الاسف تاکنون حاصل نشده است و مشکل دوم مشکل دولت ها با ملت هاست که دولت ها با ملت ها طوری رفتار کردند که ملت ها پشتیبان آنها نیستند.(۳)

از آنجا که برخی از دولت های حاکم بر ممالک اسلامی،



---

۱- . صحیفه نور، ج ۵، ص ۷۷.

۲- . همان، ص ۳۷.

۳- . همان، ص ۴۷۸.

برخلاف مصالح امت اسلامی گام برمی دارند، حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنی دیگر، از این آسیب جدی در جهان اسلام چنین یاد می کند:

مصیبت مسلمین، بسیارش از دولت های اسلامی سرچشمه می گیرد. دولت های اسلامی که باید باهم، هم صدا باشند، هم فکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب و همه هم می بینند که با اختلافاتی که بینشان هست، دیگران نتیجه می گیرند؛ درد را می دانند، لکن دنبال دوا نمی روند، بلکه هر روز اختلافاتشان بیشتر می شود و جدایی از هم بیشتر پیدا می کنند و دولت های بزرگ هم حرفشان همین است که ما از هم جدا باشیم و با هم، بلکه دشمن باشیم و اشتغال پیدا بکنیم به حال هم و آنها استفاده کنند. باید مسلمین فکر اساسی برای خودشان بکنند و دولت های اسلامی فکر اساسی بکنند.(۱)

آشکار است که بسیاری از مشکلاتی که گریبان گیر جهان اسلام شده، از پی آمدهای تفرقه و اختلاف مسلمانان است. البته بسیاری از این تفرقه ها و اختلاف ها نیز در نوع برخوردها و سیاست گذاری های دولت های اسلامی با یکدیگر ریشه دارند. با این حال، روزنه هایی از امید، در هم اندیشی ها و موضع گیری های هم سوی مسلمانان در کنفرانس اسلامی بیش از گذشته دیده می شود.



---

۱- . همان، ص ۱۱۶.

## فصل سوم: اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیدگاه رهبری

### اشاره

ص: ۱۰۸

## ۱. اتحاد ملی

### ۱– اشاره

رهبر معظم انقلاب با تیزبینی ویژه خویش، امسال را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام نهاد. ایشان مانند بنیان گذار انقلاب، از دیرباز در اندیشه اتحاد میان مسلمانان بوده و هست و این مهم، در موضع گیری ها و اندیشه های ایشان به چشم می خورد.

در آغاز سال ۱۳۸۶ خورشیدی، رهبر فرزانه انقلاب با پاسداشت دستاوردهای بزرگ ملت ایران، هشیاری در برابر توطئه های دشمنان را از ملت ایران خواستار شد. ایشان در بخشی از پیام نوروزی امسال فرمود:

تحرک ملت ایران به برکت اسلام آغاز شد و این بیداری و این امید و این اعتماد به نفس روزبه روز تا امروز بیشتر شد و ما هر سالی که نو می شود، باید عزم خود را نو کنیم و پا را در میدان های تازه تری بگذاریم.

بدیهی است که یک ملت زنده، با چالش ها مواجه است؛ چالش ها، لازمه زنده بودن است. هر موجود زنده ای باید هزینه زنده بودنِ خود را بپردازد تا بتواند به اهداف خود دست پیدا کند. زنده بودن همراه با چالش هاست؛ همراه با مانع هاست؛ از مانع ها باید عبور کرد. احیانا همراه با دشمنی هاست. برای دشمنی ها باید تدبیر و اندیشه راسخ داشت. عزم قوی را باید دست مایه این حرکت کرد. ملت ایران نیازمند این عزم ملی است که تا امروز هم این عزم را نشان داده است و روزبه روز باید پایه های این عزم مستحکم تر بشود.

با نگاه به حوادث و مسائل جهانی به روشنی درمی یابیم که دشمنان ملت ایران درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند (آنچه که امروز در دنیا محسوس است، این است). یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از بین بردن یک پارچگی ملت ایران و از دست ملت ایران این نیروی عظیم وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن. و دومی، ایجاد مشکلات اقتصادی

ص: ۱۰۹

و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود. این دو، چیزی است که در نقشه های کوتاه مدت و میان مدت دشمنان ما به طور محسوس وجود دارد که اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند، قابل حدس بود، ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.

آیت الله خامنه ای با توجه به تشدید هجوم دشمنان در سال گذشته برای ایجاد شکاف در صفوف متحد مردم ایران از سویی و حمله های ویرانگر به وحدت برادران اسلامی در سرتاسر جهان اسلام، با هشیاری کامل، امسال را به سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی اختصاص داد تا ملت ایران و امت بزرگ اسلامی، به این توطئه بزرگ و ویرانگر نگاه ویژه ای داشته باشد. ایشان درباره اهمیت اتحاد ملی و انسجام اسلامی می فرماید:

مسئله دیگر، مسئله اتحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاش های موذیانه گوناگون خود سعی می کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند. به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش های صنفی، وحدت کلمه ملت را از بین ببرند. علاوه بر این، در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند؛ اختلاف مذهبی را بزرگ کنند؛ جنگ شیعه و سنّی را در هر نقطه ای از دنیا که ممکن باشد، به وجود بیاورند و عظمت و ابهت ملت ایران را در میان ملت های دیگر - که روزبه روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده - از بین ببرند.

ملت ما باید هشیار باشند. تلاش برای سازندگی کشور و عمده تر و مهم تر از آن، تلاش برای اتحاد کلمه و یک پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی ادامه یابد. عاقلانه، هشیارانه، خردمندانه و مدبّرانه بایستی این اتحاد را حفظ کرد و روزبه روز تقویت کرد. من به همین جهت به مسئله اتحاد کلمه ملت مان اهمیت می دهم و به نظر من، امسال، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما، اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت

اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها. امروز عظمت اسلام هم وابسته به استقلال ملت ها و عزم راسخ ملت هاست و ملت مسلمان ایران در این راه تاکنون بحمدالله، پرچم دار بوده است و پرچم دار هم خواهد بود.

ناگفته پیدا است که در گرداب حوادث سهمگین، دیدگاه ها و موضع گیری های رهبر و ناخدای امت اسلامی می تواند ره گشا و گره گشا باشد. بنابراین، شایسته است با بررسی دیدگاه های رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، با اتکا به این نگاه های ظریف و حکیمانه، راه را از بی راهه باز شناسیم. آن گاه پس از آگاهی از دیدگاه های سازنده ایشان، برای به کار بستن این نظریه های متعالی در دو ساحت وحدت ملی و انسجام اسلامی، بیش از پیش کوشا باشیم. پس باید این توصیه رهبری را در مطلع بحث در نظر داشته باشیم که فرمود:

قرآن می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا.» اعتصام به حبل اللّه برای هر مسلمان یک وظیفه است، اما قرآن اکتفا نمی کند به اینکه ما را به اعتصام به حبل اللّه امر کند، بلکه به ما می گوید که اعتصام به حبل اللّه را در هیئت اجتماع انجام بدهید: «جمیعا»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به حبل اللّه باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان ها و هم دست با آنها انجام دهد.(۱)

### ۲- اهمیت وحدت ملی

گذری بر گزیده سخنان مقام معظم رهبری، اهمیت و ضرورت وحدت را می نمایاند:



---

۱- . وحدت یعنی برادری؛ مجموعه سخنان مقام معظم رهبری درباره وحدت، کانون قرآن و عترت دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰/۵/۱۳۸۵.

«وحـدت ملی»، همـان چیزی است که می توانـد پشـتوانه همه تلاـش های دولت مردان و مسـئولان و مبارزان و دل سوزان این کشور و این انقلاب باشـد. بـدون وحـدت ملی، این کشور، بزرگترین نیروی خود و مایه عظمت خودش را نخواهد داشت. می بینیم کسانی تلاش می کنند تا این وحدت را خدشه دار کنند. یقیناً آنها دوسـتان این ملت نیستند. وحدت ملی، شعار اساسی و حیاتی برای کشور ماست. مخاطب این شـعار هم افراد خاصـی نیسـتند؛ سیاستمداران و کسانی که در صحنه سیاست، حضور و فعالیت دارند، بسیار مسئولند. وحدت ملی برای همه ملت، شعار بزرگی است. (۱/۱/۱۳۷۹)

کسانی وحـدت ملی را نه به عنوان شـعارهای مـذهبی، بلکه با شـعارهای سیاسـی خـدشه دار می کنند. ما قبلاً به اینها نصـیحت کردیم؛ امروز هم نصـیحت می کنیم که نگذارنـد وحـدت این ملت بزرگ و متّحـد خـدشه دار شود. جدا کردن بدنه های این ملت بزرگ از یکـدیگر، خـدمت به دشـمنان این ملت است. اگر این ملت بزرگ و رشـید، وحدت ملی را در این کشور حفظ کنـد، آن وقت این وحـدت، برای وحـدت ملت هـای دیگر زمینه سـازی می شود. اگر یـک امت اسـلامی با حـدود یک و نیم میلیارد نفر جمعیت، در مسائل اساسیِ خودشان متحـد باشـند، شـما ببینیـد چه قـدرت عظیمی در دنیا به وجود می آید. اما اگر وحـدت ملی خدشه دار شد، دیگر حرف زدن از وحدت جهان اسـلام یک سـخن افسانه گون است و همه می خندند. عده ای می خواهند این را به وجود بیاورند. (۱۶/۱/۱۳۷۹)

اگر وحـدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می کند که کارهای خود، مسـئولیت های خود، وظایف بزرگ خود و برنامه های سازنـده خود را اجرا کنـد. می توانـد به اقتصاد مردم برسـد؛ به اشـتغال مردم برسـد؛ به مسائل زنـدگی مردم رسـیدگی کنـد؛ به مسـئله فرهنگ کشور رسـیدگی کنـد. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دایماً تشـنج سیاسـی باشـد، اول کسـی که ضـربه می خورد، دولت است؛ چون نمی توانـد وظایف خود را انجام دهـد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نـداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضـعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشـنه اقـدامات دسـتگاه های مسـئول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد. (۲۶/۱/۱۳۷۹)

ص: ۱۱۲

### ۳- مفهوم وحدت ملی

منظور ما از وحـدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کننـد؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سـلیقه سیاسـی داشـته باشـند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شـخص را، یک شخصـیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهنـد؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحـدت مردم؛ یعنی نبودن تفرقه و نفـاق و درگیری و کشـمکش. حتی دو جمـاعتی که از لحـاظ اعتقـاد دینی مثـل هم نیسـتند، می تواننـد اتحاد داشـته باشـند؛ می تواننـد کنار هم باشـند؛ می تواننـد دعوا نکننـد. یکی از عواملی که این وحـدت را خـدشه دار می کنـد، مفـاهیم مشـتبهی است که دایمـاً در فضـای ذهنی مردم پرتـاب می شود. هر کس هم به گونه ای معنا می کند؛ یک عده از این طرف، یک عده از آن طرف. جنجال و اختلاف غیرلازم درست می شود. البته دشمن در همه این مسائل سود می برد و به احتمـال زیـاد در این مسائـل - یـا در همه اش یا در بعضـی اش - دست هم دارد. این را ما نمی توانیم ندیـده بگیریم. (۲۶/۱/۱۳۷۹)

مـن از همـه گروه هـا، از همـه جمعیت هـا، از همه آحـاد مردم، از عمـوم ملت ایران و جوانـان که البته خـدا از ملت ایران و از جوانان راضـی باشـد. حقیقتاً بهترین نقش را شـما همیشه در همه احوال نشان دادید. خواهش می کنم که مراقب فریب دشـمن باشـند. الان هم هیچ گله و شکوه ای از مردم نیست. شکوه از کسانی است که بایستی افکار مردم را جهت بدهند، اما گاهی به وظایفشان عمل نمی کنند و یا آشـنا نیسـتند. وحدت مردم، اتحاد قلبی مردم، اتحاد روحی مردم، محبت مردم، وفاق مردم حول نظـام اسـلامی، حول احکـام مقـدسه اسـلام، حول قانون اساسـی - که قانون اساسـی هم منطبق بر احکام اسـلامی است - حول قوانین کشور - که لااقل اغلب آنها منطبق بر قوانین اسـلامی است؛ اگر نگوییم همه اش منطبق است - «وحدت ملی» را تشکیل می دهد. (۲۶/۱/۱۳۷۹)

### ۴- اصول وحدت ملی

وحـدت؛ یعنی برگرد محورهای اصولی گرد آمـدن. (۲۱/۴/۱۳۷۷) علاـج مقابله با تهدیـدهای امریکا عبارت است از وحـدت ملت، وحدت مسئولان،

مراعات جناح های مختلف سیاسی و گرد آمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معیّن کرده و مورد قبول این ملت است؛ همان چیزهایی که ملت برای آن فداکاری کرد. شما ببینید در هر نقطه دنیا، وقتی کسی به عنوان نامزد ریاست جمهوری، شعارهایی می دهد و بعد اکثریتی - ولو ضعیف - به او رأی می دهند، صرف آمدن آنها پای صندوق های رأی، به عنوان طرفداری از این شعارها به حساب می آید. در انتخابات اخیر فرانسه این را ملاحظه کردید؛ در همه جای دنیا هم این معمول است. ملت ایران برای اصول امام بزرگوار ما و خطوط اصلی این انقلاب - که عمده آنها را برشمردم - این طور نبود که فقط پای صندوق های رأی بیاید بلکه جان بر کف دست گرفت و وسط میدان آمد. این ملت با خون خود، این انقلاب و این خطوط و این اصول را که در قانون اساسی امروز مجسم و متبلور است، امضا کرد. نه فقط در اولِ انقلاب، بلکه در دوران جنگ تحمیلی، هشت سال مردم در مقابل متجاوز ایستادند و با جان و جوان و همه وجود خود از این نظام مقدّس دفاع کردند. این غیر از آن است که مردم برای تأیید شخصیتی پای صندوق های رأی بیایند؛ این ده ها بار بالاتر از آن است. این اصول، اصولی است که ملت ایران برای آن جان داده است؛ جوان داده است؛ خون داده است؛ الان هم ایستاده است. الان هم اگر معرکه ای پیش آید که مردم ایران احساس کنند باید با جسم و جان خود وسط میدان بیایند، همه چشم های دنیا خواهند دید که استقبال و شور و هیجان مردم حتّی از دوران جنگ تحمیلی هم بیش تر خواهد بود. این اصول، مورد اعتقاد و اعتماد و عشق و علاقه مردم و محور وحدت است. بعضی دنبال محور وحدت نگردند! این اصول، محور وحدت است. همه - چه مسئولان و چه عناصر سیاسی - وفاداری خود را به این اصول، بارها و بارها به زبان، به قلم، با نطق و با رفتار ثابت کنند؛ این می شود محور وحدت. (۱۴/۳/۱۳۸۱)

یک جبهه واحد وجود دارد و آن، جبهه انقلاب و اسلام است. داخل این جبهه، هر اختلاف سلیقه ای هم باشد، اصل احترام به اسلام، احترام به قرآن، پاسداری از انقلاب، پاسداری از راه امام بزرگوار،

پاسداری از عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است. این بحمداللّه یک امر مشترک بین دل سوزان این کشور، بین مسئولان قوا، بین رؤسای کشور، بین مسئولان بخش های مختلف است و همه آنها در این چیزها متفق و متحدند. (۲۸/۱۰/۱۳۷۷)

همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. (۱۹/۷/۱۳۶۸)

### ۵- هشیاری در برابر توطئه ها

رهبر معظم انقلاب می فرماید:

اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می کند که کارهای خود، مسئولیت های خود، وظایف بزرگ خود، برنامه های سازنده خود را اجرا کند. می تواند به اقتصاد مردم برسد؛ به اشتغال مردم برسد؛ به مسائل زندگی مردم رسیدگی کند؛ به مسئله فرهنگ کشور رسیدگی کند. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دایما تشنج سیاسی باشد؛ اول کسی که ضربه می خورد، دولت است؛ چون نمی تواند وظایف خود را انجام بدهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه های مسئول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد. بنابراین، این دو شعار مهم است.

من بر روی وحدت ملی تأکید بیشتری دارم. به خاطر اینکه امنیت هم ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می افتد و ایجاد ناامنی می شود. منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یک جور فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک جور سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را یک شخص را، یک شخصیت را یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه. معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم؛ یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، می توانند اتحاد داشته باشند؛ می توانند کنار هم باشند؛ می توانند دعوا نکنند. یکی از چیزهایی که این وحدت را خدشه دار می کند، مفاهیم مشتبهی است که دایما در فضای ذهن

مردم پرتـاب می شود. هرکس هم به گونه ای معنا می کنـد؛ یک عـده از این طرف، یک عـده از آن طرف جنجال و اختلاف غیر لازم درست می شود. البته دشـمن در همه این مسائـل سود می برد و به احتمـال زیـاد در این مسائـل یـا در همه اش، یا در بعضی اش دست هم دارد؛ یعنی این را نمی توانیم ندیده بگیریم.

البته متأسـفانه عده ای امروز حساسیت پیدا کرده اند، تا گفته می شود دشمن، اینها لجشان می گیرد که چرا می گویید دشمن! دشـمن هست. نمی شود شـما دشـمن را ندیـده بگیرد. هیچ کس یک ملت و یک جماعت را برای اینکه دشـمن خود را ندیده است، خاکریزهای دشـمن را ندیده است، اسـلحه دشـمن را ندیده است، توطئه دشـمن را نفهمیده است، سـتایش نخواهد کرد. خود دشـمن دارد به طور صـریح می گوید که من دشـمنی می کنم. خود دشـمن دارد می گوید که من برای ایجاد اختلال در ایران بـودجه می گـذارم. برای تشـنج افکـار در ایران رادیـو درست می کنم. بی خـود هم مردم ایران دو دسـته بشونـد، ولی ما بگوییم نیست. این ساده لوحی نیست؟ بنابراین، دست دشـمن هم در کار است. البته اگر ما بیدار باشـیم و اشـتباه نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند. پس اشتباه و غفلت و کوتاهی ما یقینا یک جزء مهم و عنصر اساسی در موفقیت دشمن است.

من به تاریخ مراجعه می کنم و دو نمونه را عرض می کنم برای اینکه شـما توجه کنید که این مفاهیم مشـتبه چه طور می تواند یک جامعه را دچار دو دستگی کند:

یک نمونه، نمونه جنگ صـفین است که بعد از آنکه لشـکر امیرالمؤمنین علیه السـلام بر لشکر معاویه غلبه ظاهری پیدا کردند، آنها قرآن ها را سر نیزه کردند. دیدن قرآن ها در لشکر امیرالمؤمنین دو دستگی انداخت؛ چون معنای آن کار این بود که بین مـا و شـما قرآن قرار دارد. عـده ای متزلزل شدنـد و گفتنـد که نمی شود ما با قرآن بجنگیم. یک دسـته دیگر گفتنـد که اصـل جنگ اینها با قرآن است؟ حالا جلـد قرآن و صورت ظاهر قرآن را آورده انـد، اما دارند با معنای قرآن که امیرالمؤمنینی است، می جنگند. بالاخره در سپاه مسلمین، دو دستگی افتاد و تزلزل به

وجود آمد. این کار دشمن بود.

یـک نمونه دیگر هم در همان جنگ اتفاق افتاد. بعـد از آنکه حکمیت بر امیرالمؤمنین تحمیل شـد، عـده ای از داخل اردوگاه امیرالمؤمنین که اینها دیگر خودی بودند، از بیرون نبودند، بلند شدند و شـعار دادند: «لا حکم الاّ للّه؛ یعنی حکومت فقط از آنِ خـداست.» بلـه معلـوم اسـت و در قرآن هم هست که حکـومت از آنِ خـداست، امـا اینهـا چه می خواسـتند بگوینـد؟ اینهـا می خواسـتند بـا این شـعار، امیرالمؤمنین را از حکومت خلع کننـد. امیرالمؤمنین نقشه آنهـا را افشا کرد. گفت که حکم و حکومت مال خـداست، اما اینها این را نمی خواهنـد بگوینـد. اینها می خواهنـد بگوینـد «لا امره الاّ اللّه» می خواهنـد بگویند بایستی خدا بیایـد مجسـمه بشود و امور زنـدگی شـما را اداره کند؛ یعنی امیرالمؤمنین نباشد! این شـعار، عده ای را از اردوگاه امیرالمؤمنین خـارج کرد و به آن جمـاعت بـدبخت نـادانِ غافـلِ ظـاهربین و احیانـا مغرض ملحق کرد که قضـیه خوارج به وجود آمـد. الان متأسفانه این کارها دارد در جامعه ما می شود. شعارهایی مطرح می شود بعضی از این شعارها، روشن و خوب است، اما دشمن از همان شعارها استفاده می کند.(۱)

### ۶- راه های تأمین وحدت ملی

یکی از چیزهایی که وحـدت ملی را تأمین می کنـد، این است که آن کسانی که سـخنشان در میان مردم، حوزه تأثیری دارد یا مسئولند یا چهره موجه دینی اند،



---

۱- . پرسـش و پاسـخ از محضـر رهبر معظم انقلاب، مؤسـسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۳۴۱ - ۳۴۳، به نقل از: نماز جمعه، ۶/۱/۱۳۷۹.

چهره روحانی انـد، چهره سیاسـی انـد، در اظهارات خودشان کاری نکنند که یک گروه و جناح از مردم، دل هاشان نسـبت به دیگران چرکین شـود. فتنه انگیزی نکننـد. البته فتنه انگیختن و بـد دل کردن مردم نسـبت به یکـدیگر یکی از مـوارد برنـامه ای است که دشـمنان نسـبت به این ملت در نظر دارنـد. همین رادیوهـای بیگـانه، همین مراکز خبری شایـد بشود گفت که نصـف حرف هایشان طراحی شـده است برای اینکه بتواننـد دل های گروهی از مردم را نسـبت به گروه دیگری بـدبین و مکـدّر کنند. اصـلاً می نشـینند طراحی می کننـد که این طور بگوییم که این اثر را بکنـد. آن کسـانی که زبـان و قلمشـان کار می کنـد، در درجه اول باید این را رعایت کنند که آنچه می گویند، ایجاد بدبینی نکند، مردم نسبت به یکدیگر بدبین بشوند یا مردم نسبت به مسـئولان بدبین بشوند. این باز یک نوع فتنه سازی و گناه دیگری است. بعضی هم همتشان این است که با شایعه پردازی، با جعل خبر، با پرداخت های تقلب آمیز خبر - ممکن است یک خبر اصـلش هم راست باشد، اما به نوعی آن را پردازش کنند تا مطلب دروغ و خلاـف واقعی را در ذهن مخـاطب القـا کنـد - دل هـای مردم، جوانـان و خواننـدگان و شـنوندگان خودشان را نسـبت به مسئولان نظام بدبین کنند، آنها را دچار تردید کنند. این کار چه فایده ای دارد؛ جز کُند کردن حرکت پیشرفت ملت و کشور، هیـچ فایـده دیگری نـدارد. جز اینکه مسـئولان را در این کار مردد کنـد، مردم را نسـبت به آینده ناامید کند و نیروی عظیم امید را از مردم بگیرد، هیچ فایده ای ندارد. جز اینکه مسـئولان را در این مردد کند، مردم را نسبت به آینده ناامید کند و نیروی عظیم امیـد را از مردم بگیرد، هیچ فایده ای ندارد. بعضـی سـعی می کنند افرادی را به همه نظام یا به برخی از مسـئولان بدبین کنند، در

حالی که اگر حقیقتا سخن حقی وجود داشته باشد، آن سخن حق ممکن است از طریقی به گوش مسئول یا مسئول مافوق او منتقل شود که آثار خیلی بهتری هم داشته باشد. حادثه ای اتفاق می افتد، تروری می شود، جنایتی در جایی اتفاق می افتد، آن قدر حرف خلاف توهم آمیز و حیرت آور برای خواننده از زبان کسانی که هیچ احساس مسئولیتی نمی کنند، شنیده می شود. آن کسانی که از واقعیت ها خبر دارند، می بینند که چه قدر اینها یا دورند یا خودشان را عمدا از واقعیت دور نگه می دارند. اینها چیزهایی است که وحدت ملی را خدشه دار می کند. بنابراین، وحدت ملی یکی از اساسی ترین خواسته های یک ملت است.

اگر ملتی با اتحاد کلمه در میدان اقتصاد وارد بشود، پیشرفت می کند. جنگی برایش پیش بیاید و وارد بشود، پیشرفت می کند. با وحدت ملی، آبروی ملت را بهتر می شود حفظ کرد. یک ملت، تمام آرمان های بزرگ خودش را در سایه وحدت ملی می تواند به دست آورد. اختلاف، تفرق کلمه، جدایی دل ها از یکدیگر، رو در رو قرار دادن جناح ها و گروه ها و اشخاص و شخصیت ها با یکدیگر، نمی تواند هیچ خدمتی بکند. بنابراین، این یک اصل است که امیدواریم همه رعایت بکنند. این خواست و مطالبه ما از مسئولانی است که با افکار عمومی مردم سر و کار دارند.(۱)

### ۷- هم دلی در نهادها و دستگاه های داخلی

رهبر معظم انقلاب، رمز موفقیت و پیروزی را اتحاد و هم دلی تمام نهادها و دستگاه های داخلی می داند. ایشان تمام جناح هایی را که در اصول و مبانی اختلاف ندارند، به نزدیکی و هم دلی فرامی خواند. در این میان، نقش مطبوعات و رسانه های جمعی را در آرام کردن اوضاع



---

۱- . پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی، صص ۳۵۹ - ۳۶۰، به نقل از سخنرانی رهبر در روز عید غدیر در اجتماع زائران حضرت رضا علیه السلام، ۶/۱/۱۳۷۹.

ممتاز می بیند و از ارباب جراید می خواهد در مسیر اختلاف افکنی و تشنج آفرینی قرار نگیرند.

### ۸– وحدت رمز موفقیت

(یکی از مسائل داخلی) مسئله وحدت است. عزیزان من! یک ملت هر چه قدرتمند باشد، هر چه ثروتمند باشد، اگر اختلافات در بین آنها ریشه گرفت و آتش اختلافات مشتعل شد، بدبخت و بیچاره خواهند شد. اختلافات که گفته می شود، مقصود، اختلاف سلیقه نیست. اختلاف سلیقه هست. اگر اختلاف خط، اختلاف جهت، اختلاف مذاق باشد، اشکالی ندارد. اختلافات؛ یعنی درگیری های سیاسی که فضا را متشنج می کند. اینکه من گاهی از بعضی از روزنامه ها گله می کنم، به این خاطر است. فورا بعضی ها فریادشان بلند نشود که «آزادی» محدود شد؛ نه، برای شعار آزادی ما بارها جان خودمان را در معرض مرگ قرار داده ایم! کسانی که اهل دینند، بیشتر از همه از آزادی دفاع می کنند. بنابراین، بحث «آزادی» نیست؛ بحث این است که از این آزادی که وجود دارد و از انقلاب هم وجود داشته است، کسانی برای متشنج کردن فضا استفاده نکنند. انسان وقتی بعضی از روزنامه ها را نگاه می کند، می بیند کأنّه این عنوان های درشت را چه طور انتخاب کرده اند، برای اینکه یک گروه را به جان یک گروه دیگر بیندازند. این نقشِ همان بوق های تبلیغاتی است؛ این بد است. روزنامه ها باید کاری کنند که دل ها را به هم نزدیک کنند؛ جناح ها را به هم نزدیک کنند. اگر جناح های سیاسی و گروه های سیاسی واقعا معتقد به یک مبنا و اصلی هستند، باید سعی کنند که هر چه ممکن است، در عمل، خودشان را به گروه های رقیبشان نزدیک کنند، با هم مهربان کنند، قضایای گوناگون را با هم حل کنند؛ نه اینکه اختلافات را همین طور دایم موج بدهند، اوج بدهند، بزرگ نمایی کنند، بنویسند و بگویند. این فضا را متشنج خواهد کرد.

البته من می خواهم در اینجا، نکته ای را به آن آقایان و به آن کسانی که سخن گوی گروه های مختلف هستند – یا خود آن گروه های مختلف، یا به نام گروه های مختلف – بگویم. مردم عادی که اکثریت مردم این کشورند، اصلاً توجه و اعتنایی به این جناح بندی ها و خط بازی ها ندارند، ولی دل مردم می شکند که ببینند در بالا رؤسا و مسئولان کشور با هم اختلاف دارند و با هم بدند. اگر بگویند عقیده شان دوتاست، باشد، چه اشکالی دارد؟ این آقا عقیده اش این است، آن آقا عقیده اش آن است؛ چه اشکالی دارد؟ این آقا عقیده خودش را بگوید، آن آقا هم عقیده خودش را بگوید؛ مانعی ندارد. اما اگر با هم دشمنی کنند، بخواهند زیر پای هم را خالی کنند، دایم علیه هم حرف بزنند و بدتر از همه، فضا را متشنج کنند که آه، الان دعواست، چنین است، چنان است. این درست همان نقشه ای است که بوق های تبلیغاتی خارجی و رادیوهای خارجی – که اگر کسی گوش کرده باشد، می داند – دارند ایفا می کنند؛ یعنی به جان یکدیگر انداختن دسته جات مختلف.

ص: ۱۲۰

من می خواهم عرض بکنم این ملت، ملتی است که با وحدت کلمه توانست این انقلاب را به وجود بیاورد؛ با وحدت کلمه توانست مصیبت بزرگی مثل جنگ تحمیلی را از سر بگذراند؛ با وحدت کلمه توانسته است تا امروز در مقابل دشمنی ابرقدرت ها – به خصوص دشمنی رژیم امریکا که به شدت با این ملت و با این دولت و با این نظام دشمنی کرده است و هنوز هم دارد می کند – بایستد. باز هم وحدت کلمه را حفظ کنید و نگذارید دشمن با طرح شعارهای انحرافی، با طرح جاذبه های دروغین، با طرح چهره های کاذب، در میان شما تشتت درست کند.

بحمدالله من در سطوح بالا ـ که نگاه می کنم، مسئولان دل هایشان صاف و پاک است. رئیس جمهور محترم، رؤسای قوای مقننه و قضاییه، نمایندگان مجلس، اعضای دولت، مایل به خدمت و عاشق خدمتند؛ در سطوح بعدی، یعنی در سطوح جریان های سیاسی و گروه های سیاسی، که از زبان همه حرف می زنند، همتشان این است که در فضای جامعه، یک نام و یک حرف و یک اثری از خودشان به وجود بیاورند؛ حالا ـ به هر قیمتی که تمام بشود. ملت عزیزمان وحدت کلمه شان را قدر بدانند. در حالی که ما می خواهیم با دولت های دیگر تشنج زدایی بکنیم، نگذاریم که در داخل ملت، بین آحاد ملت تشنج به وجود بیاید.(۱)

همه مسئولان کشور، یک مسئولیت بر عهده دارند. حفظ نظام الهی و اداره این کشور، اداره این مردم، رسیدن به مشکلات مردم، وظیفه اصلی اینهاست. باید با هم همکاری کنند و با هم همکاری می کنند. اینکه یک عده به رئیس جمهور اهانت کنند، یک عده به مجلس اهانت کنند، یک عده به قوه قضاییه اهانت کنند، این همان چیزی است که دشمن می خواهد؛ این همان حالتی است که دشمن دنبال ایجاد آن است.(۲)

### ۹– وحدت کلمه، ضامن سلامت و اتحاد مردم

رهبر فرزانه انقلاب، وحدت کلمه را ضامن سلامت و اتحاد مردم می داند. به همین دلیل، حرکت بر محور وحدت و هم دلی، خواست جدی ایشان است. ایشان می فرماید دشمن به ویژه رسانه های خبری در کمین این انقلاب الهی نشسته اند و هرجا بوی دو دستگی استشمام کنند، در بزرگ نمایی، آن تلاش می کنند. ایشان می فرماید:

می دانید که در یک حرکت دسته جمعی، وحدت



---

۱- . خطبه های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۴/۱۰/۱۳۷۷.

۲- . سخنران در دیدار با روحانیون و مبلّغان، در آستانه ماه مبارک رمضان، ۲۳/۹/۱۳۷۷.

کلمه، ضامن همه امور است. بـدون وحدت کلمه، حرکت دسـته جمعی امکان ندارد؛ ولو آن حرکت، متوقف به پنج یا ده نفر آدم باشد. اگر همان ده نفر، با یکدیگر هم سخن و هم کلام نباشند و همکاری نکنند، امکان ندارد که آن کار پیش برود.

وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده و امروزه نیز مهم ترین وسـیله ملت ما برای مقابله با تحریک ها و توطئه هاست. با توجه به سـرگذشت دوران ده ساله و تأمل در حوادث آنکه حاکی از آسیب پذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یک پارچگی ملت و مسئولان بیشتر آشکار می شود.

ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور باید بر گرد اصول اساسـی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه توان و نیروی خـود را برای تحقـق و حراست از آن متمرکز کننـد و هیـچ خواسـته و شـعار و هیـچ انگیزه فردی و گروهی و قـومی و فرقه ای نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدف های نظام جمهوری اسلامی باز دارد.

همه ملت رشید ایران، مخصوصا آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص سـاخته، بـا وحـدت و همکـاری و بـا گـام های اسـتوار، به سوی اهـداف عالیه اسـلام، قدرتمنـدانه حرکت کننـد و دشمنان کمین گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

رسانه های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سـیاست ها و نیّات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاست های جهانی اند، بر روی هر کلمـه و هر اشـاره ای که از آن، بـوی اختلاـف و دودسـتگی استشـمام شـود و یـا بتـوان چنین وانمـود کرد، شدیـدا حساسـیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته های ریز و مطرح ساختن اسـتنباط های دروغین از گفته ها و نوشته ها در ایران، به طـور دایـم در تلاشـند کـه شایـد بتواننـد تصـویری مشـوش و آلـوده به اختلافـات و زد و خـورد داخلی از ایران اسـلامی - که بحمداللّه برخوردار از وحدت و یک پارچگی کم نظیری است - به مردم ایران و جهان ارایه

دهند و زمینه دو دستگی و نفاق را با این وسوسه ها به وجود آورند. اینها همه نشانه آن است که امروزه دشمن از همه راه ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.

ملت رشید ایران و مسئولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب را بدهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله حق بر ملت ایران است، با همه وجود پاسداری کنند.(۱)

### ۱۰- پرهیز از اختلاف و حفظ وحدت

رهبر معظم انقلاب هرگونه اختلاف و تشنج آفرینی را عامل نابودی امکانات کشور می شمارد و همچون امام راحل، بیش از همه، مسئولان و سیاست گذاران عالی رتبه نظام را به وحدت و پرهیز از اختلاف فرامی خواند:

اگر چه این مسئله بسیار بدیهی است، ولی در عمل، توجیهات و مصلحت اندیشی ها و هوای نفس و القای نفوذی ها، مانع از تحقق بخشیدن به آن می شوند. اختلاف و تشنج، توان و امکانات کشور را به سوی بی راهه سوق می دهد و صرف قدرت طلبی و بیرون کردن حریف از میدان می کند و البته به این مقدار بسنده نمی شود بلکه جناح ها و احزاب و جمعیت ها، در کشاکش کسب قدرت و انزوای حریف، دست به سوی بیگانه دراز می کنند و منافع و مصالح ملت و انقلاب را فدای همآوردی و سابقه قدرت می نمایند. تشنج و اختلاف علاوه بر نتایج فوق، موجب ناامیدی ملت از مسئولان و فاصله بین آنان شده و آرام آرام تمایل به سوی یک دیکتاتوری خشن ولی وحدت بخش پیدا می کنند که بدترین سرنوشت برای یک ملت است. دیکتاتوری رضاخان از دل مشروطه به همین علت بیرون آمد! مردم متدین و فداکار و حاضر در صحنه نبایستی با خبرهای سیاسی از مسئولان و به تدریج از نظام قطع امید کنند. حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از اوجب واجبات برای مسئولان



---

۱- . سیدعلی خامنه ای، حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۴، صص۲۵۵و۲۵۶.

نظام است. نفوذهایی که برنامه دشمن را در صفوف خودی دنبال می کنند، بایستی از سوی مسئولان شناسایی و طرد شوند. هر صدایی که از آن بوی تشنج و اختلاف برآمد، بی گمان از دشمن و دشمنی حکایت می کند.(۱)

رهبر انقلاب، حفظ وحدت را به عنوان گوهری گران بها و ارزشمند برای دست یابی به اهداف متعالی انقلاب، ضروری می داند و می فرماید:

بحمدالّله نظام اسلامی، نظام شکل گرفته ای است. انقلاب، در قالب یک نظام و قوانین و مقررات آن مجسم شده و شکل گرفته است و روزبه روز هم کامل تر خواهد شد. این مجلس شورای اسلامی که یک مجلس اسلامی و متشکل از نمایندگانی از خود مردم است، این شورای محترم نگهبان که حافظ و ناظر به جهت گیری صحیحِ قوانین است، روزبه روز این نظام را کامل تر و اسلامی تر خواهند کرد. دولت لایق و خدمت گزاری هم که خدای متعال در حق این ملت تفضل کرده است و امروز زمام اداره این کشور را در دست دارد، ان شاءالّله روزبه روز مملکت را به سمت رفاه و آبادی و استحکامِ بیشتر پیش خواهند برد که همین، منظور و مقصود اهداف اسلامی است. احکام اسلامی برای مردم است و باید دنیا و آخرت آنها را تأمین بکند. ما به سمت این جهت می رویم.

دشمن در مقابل ملتی که ایمان راسخ و امید به آینده دارد و آماده فداکاری است و وحدت را در میان خود، مثل گوهر گران بهایی حفظ می کند، چه کار می تواند بکند؟ سعی کنید این وحدت را - که بحمدالّله امروز در میان ملت ایران مستحکم است - حفظ کنید. زمزمه های تفرقه را از هر کس که باشد، رد کنید. نگذارید افرادی از روی نادانی، یا خدای نکرده از روی غرض، در صفوف ملت انشقاق ایجاد کنند. این ملت که با یک پارچگی و وحدت خود توانست به هدف هایش برسد، باید ان شاءالّله این وحدت و یک پارچگی را در زیر



---

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری به مدیران نظام اسلامی، رهنمودهایی از رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹.

پرچم اسلام و قرآن حفظ کند.(۱)

با هم بودن، توصیه ای ارزشمند و یادگاری گران بها از حضرت امام خمینی رحمه الله است که برای رهبر معظم انقلاب به ودیعه نهاده شده است. ایشان نیز آن وصیت نورانی را به نسل های بعدی منتقل می کند و از همگان می خواهد به آن جامه عمل بپوشانند. ایشان در خاطره ای در این زمینه می فرماید:

بهار سال ۱۳۶۵ را - روزی که امام در بستر بیماری بودند - فراموش نمی کنم. ایشان دچار ناراحتی قلبی شده بودند و تقریبا ده، پانزده روزی در بستر بیماری بودند. در آن زمان من در تهران نبودم. آقای حاج احمدآقا - آقازاده محترم ایشان (حفظه الله و سلمه و ایده) - به من تلفن کردند و گفتند سریعا به آنجا بیایید؛ فهمیدم که برای امام مسئله ای رخ داده است. آنا حرکت کردم و پس از چند ساعت طی مسیر، خود را به تهران رساندم. اولین نفر از مسئولان کشور بودم که شاید حدود ده ساعت پس از بروز حادثه، بالای سر ایشان حاضر شدم. در آن وقت، برادر عزیزمان، جناب آقای هاشمی در جبهه بودند و هیچ کس دیگر هم از این قضیه مطلع نبود.

روزهای نگران کننده و سختی را گذراندیم. خدمت امام رفتم و هنگامی که نزدیک تخت ایشان رسیدم، منقلب شدم و نتوانستم خودم را نگه دارم و گریه کردم. ایشان تلطف فرمودند و با محبت نگاه کردند. بعد چند جمله گفتند که چون کوتاه بود، به ذهنم سپردم؛ بیرون آمدم و آنها را نوشتم. برادر عزیزمان، آقای صانعی هم در اتاق بودند. از ایشان کمک گرفتم تا عین جملات امام را بازنویسی کنم.

در آن لحظه ای که امام ناراحتی قلبی پیدا کرده بودند، ما به شدت نگران بودیم. وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار و آمادگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهم ترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعدتا می باید در آن لحظه حسّاس به ما می گفتند. ایشان گفتند: «قوی باشید، احساس ضعف



---

۱- . حدیث ولایت، ج۶، ص۱۵۷.

نکنید، به خدا متکی باشید، «أَشِدّاءُ عَلَی الْکَفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ»(۱) باشید و اگر با هم بودید، هیچ کس نمی تواند به شما آسیبی برساند.» به نظر من، وصیت سی صفحه ای امام می تواند در همین چند جمله خلاصه شود.

او واقعا حکیم بود و مصداق کامل «صیرورت الانسان عالم عقليّا مضاهيا للعالم العينی»(۲) محسوب می شد. انسان احساس می کرد که تمام حقایق عالم در وجود او منعکس بود. او چیزهایی را به وضوح و روشنی و با همان نورانیت نفسانی و نگاه رحمانی و حکمت خودش - نه با استدلال و تمهید مقدمات معمولی - می دید و می فهمید که دیگران عصا زنان، خودشان را به آن نقطه می رساندند.

این مرد حکیم الهی مجرب دلسوزی که چندین سال این جامعه را اداره کرده بود، مهم ترین مسئله را همین چند کلمه می دانست که یکی از آنها «رحماء بینهم» است. من وصیت حقیقی امام را تحقق همین نکات می دانم. باید بر سلایق پا گذاشت؛ آنجا که موجب جدا شدن از دیگران است؛ چه رسد به هوا و هوس ها و انگیزه های مادی که حالش معلوم است.(۳)

ص: ۱۲۶

---

۱- . فتح: ۲۹.

۲- . الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۲۰.

۳- . حدیث ولایت، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۳.

### ۱۱– وحدت حوزه و دانشگاه، وسیله ای برای دست یابی به هدف مشترک

در نظام اسلامی، بایـد علم و دین پابه پا حرکت کنـد. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه، معنایش این نیست که حتماً بـایستی تخصـص هـای حوزوی در دانشگاه و تخصـص هـای دانشگاهی در حوزه دنبال بشود. نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوش بینانه باشـند و به هم کمک بکنند و با یکدیگر همکاری نمایند، دو شـعبه از یک مؤسـسه علم و دین هسـتند. مؤسسه علم و دین، یک مؤسسه است و علم و دین با هم اند. این مؤسسه، دو شعبه دارد: یک شعبه، حوزه های علمیه و شـعبه دیگر، دانشگاه ها هستند؛ اما باید با هم مرتبط و خوش بین باشند، با هم کار کنند، از هم جدا نشونـد و از یکـدیگر اسـتفاده کننـد. علومی را که امروز حوزه هـای علمیه می خواهنـد فرابگیرنـد، دانشـگاهی ها به آنها تعلیم بدهنـد. دین و معرفت دینی را هم که دانشـگاهی هـا احتیاج دارنـد، علمای حوزه به آنها تعلیم بدهنـد. سرّ حضور نماینـدگان روحـانی در دانشـگاه هـا، همین است. چه قـدر خوب است که این ارتبـاط ها، برنامه ریزی و سازمان دهی بشود. این، یکی از بهترین و طبیعی ترین وحدت هاست.

طلاب و دانشـجویان قـدر یکدیگر را بدانند، با یکدیگر آشـنا و مرتبط باشـند، احساس بیگانگی نکنند، احساس خویشاوندی و برادری را حفـظ کننـد و روحانیون در دانشگاه ها عملاً قبل از قولا کوشـش کننـد که نمونه های کامل عالم دین و طلبه علوم دینی را به طلاب و دانشـجویان و دانشـگاهیان ارائه بدهنـد و نشان دهنـد که هر دو نسبت به یکـدیگر، با حساسـیت مثبت و با علاقه همکاری می کننـد. این، همکاری و وحدت حوزه و دانشـگاه است. البته برای این کار، باید برنامه ریزی و سازمان دهی بشود.(۱)

وحدت حوزه ودانشگاه یعنی چه؟ آیا مقصود این است که برنامه های حوزه را در دانشگاه، یا

ص: ۱۲۷

---

۱- . ۲۹/۹/۱۳۶۸.

برنامه های دانشگاه را در حوزه اجرا کنیم؟ یقینا مقصود اینها نیست. حوزه برای خود، علوم و درس ها و روش هایی دارد؛ دانشگاه هم برای خود، علوم و روش ها و مقاصدی دارد. البته هر کدام هم باید روش های خود را کامل کنند و از تجربه های یکدیگر استفاده نمایند؛ در این بحثی نیست. بنابراین، مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه، اینها نیست.

وحدت حوزه و دانشگاه که امام به عنوان یک شعار مطرح کردند، اغلب از واقعیت تلخی در جامعه ما و یا همه جوامع اسلامی منشأ می گرفت که آن واقعیت تلخ، ساخته و پرداخته مستقیم و حساب شده دست استعمار بود. آن واقعیت این بود که وقتی استعمارگران، نقشه های فتوحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرنگی خود را طراحی می کردند، به یک مانع عمده برخورد کردند و آن، اعتقادات دینی ملت ها بود.

وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامع اسلامی پیشرفت مستقل، جامعه امام [خمینی رحمه الله]، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو، ملت شاهد ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرئت پیدا کنند تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند، حرکت نمایند.(۱)

وقتی ما «وحدت حوزه و دانشگاه» را عنوان می کنیم، بدیهی است مقصود این نیست که این دو را در عالم واقعیت به یک چیز تبدیل کنیم؛ زیرا اگرچه در گذشته، در حوزه های علمیه، همان دروسی خوانده می شد که امروز در دانشگاه ها خوانده می شود، اما اگر فرض کنیم آن دروس حوزه های علمیه، همان پیشرفتی را که تا امروز کرده است، می کرد، باز امروز باید به مقتضای تخصص و تشعب، هر گروه کار و درس خودش را دنبال کند. پس، مقصود این نیست. مبادا بعضی همین موضوع به این روشنی و وضوح را ندیده بگیرند و درباره غلط بودن شعار وحدت حوزه و دانشگاه قلم فرسایی کنند.

وحدت در اهداف کلی؛ وحدت در کامل ساختن این ملت و این کشور و حرکت با یکدیگر و عبور در دو خط موازی، بدون اصطکاک باهم. یعنی هر دو، کار خودشان را بکنند اما برای یک هدف و آن هدف، ساختن و کامل کردن ملت و کشور ایران است. این طور باید حرکت کرد.(۲)

### ۱۲– هماهنگی میان مسئولان و اعضای دولت و دیگر قوای کشور

ایشان از مسئولان قوای سه گانه می خواهد تا با هم و در کنار هم باشند و هرگز به تضعیف یکدیگر نپردازند؛ زیرا با این کار می توانند هم منشأ خیر و خدمت بیشتری باشند و هم محبوب و مقبول مردم شوند. ازاین رو از مسئولان می خواهد:

هماهنگی میان عناصر و مسئولان در هر کاری،



---

۱- . ۲۸/۹/۱۳۶۹.

۲- . ۲۴/۹/۱۳۷۲.

از مهم ترین عوامل موفقیت در اجراست. دستگاه اجرایی کشور؛ یعنی دولت به واسطه گستره و تنوع مأموریت ها و وظایف، بیش از سایر دستگاه ها، به هماهنگی و همکاری و هم دلی مسئولان و مدیران ارشد و میانی نیازمند است. نبایستی بخشی از بدنه اجرایی و مدیریت کشور، بخشی دیگر را خنثی نماید. بدتر از آن، این است که بخشی، بخش دیگر را تضعیف نماید. همین طور قوای سه گانه کشور از مجلس و دولت و دستگاه قضایی نیاز به هماهنگی و عدم تضعیف یکدیگر و یا مقابله با هم را دارند. نتایج تضعیف و مقابله بین قوای مختلف اداره کننده کشور، خسارت بار و به زیان انقلاب و اصول آن و منافع ملی و مصالح مردم است. مدیر و مسئول بایستی از این حداقل بینش برخوردار باشد که علاوه بر وظیفه وجدانی و انسانی و شرعی در ایجاد و حفظ هماهنگی با سایر اجزای مسئولیت کشور، حساسیت های موجود و وضعیت بین المللی، هماهنگی را بیش از پیش ضروری و لازمه پیروزی و مقاومت در عرصه بین الملل می سازد.

یک نکته، انسجام و هماهنگی دولت است و پرهیز از اینکه بخشی از دولت، بخش دیگری را تضعیف کند. این مجموعه شما باید واحد باشد. شماها باید به معنای واقعی کلمه با هم همکاری کنید. من نمی گویم شما توقعات بخشی نداشته باشید. یک وقت من به یکی از این آقایانی که توقعات بخشی داشتند و از من چیزی می خواستند، گفتم که من این کار شما را انجام نخواهم داد - یعنی امکان ندارد - اما نفس این تلاش را تحسین می کنم! بنابراین، من فی نفسه از تلاش بخشی گله مند نیستم، اما این تلاش بخش ها نباید جداگانه به کلیت و جنبه فرابخشی دولت صدمه ای بزنند؛ یعنی بخش های مختلف باید رعایت امر را بکنند. به نظر من، عمده مسئولیت هم در آن قسمت های ستادی دولت است که عبارت باشد از سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و بخش های ستادی که عمدتا هم در شخص رئیس جمهور متمرکز است.

در دولت، باید رئیس جمهور را محور قرار داد. من همیشه گفته ام که دولت مثل چهارراهی است که رئیس جمهور، مثل فرمانده

ص: ۱۲۹

سر این چهارراه است. وقتی که جلوی یک بخش دست گرفت، آن باید متوقف بشود تا بخش های دیگر بتوانند بیایند و حرکت کنند. وقتی اشاره کرد که حرکت کنید، حرکت کنید؛ یعنی جلوتر نروید و عقب هم نمانید. آنچه را که رئیس جمهور با مشورت، با رعایت جوانب قضیه، با ملاحظه آن چیزهایی که بخش های مختلف می روند و به عنوان نیازهای مختلف با او در میان می گذارند و نگاه فرابخشی که به طور طبیعی دارد، اولویت تشخیص می دهد، آن باید رعایت بشود.(۱)

مسئولان در سطوح مختلف هم عرض می کنم که یکی از راه های موفقیتِ عملی و جا گرفتن در چشم مردم، همکاری دستگاه های مختلف و همکاری قوای سه گانه است؛ نباید همدیگر را تضعیف بکنند. هیچ کس نباید قوای مسئول مملکت را تضعیف بکند. هیچ کس نباید مجلس شورای اسلامی را تضعیف بکند. ممکن است شما از اظهارات یا از موضع گیری یک یا چند نماینده خرسند و خشنود نباشید، اما نباید مجلس را تضعیف کرد. مجلس، نهاد قانونیِ معتبری است مثل نهادهای قانونیِ معتبرِ درجه یک دیگر. قوه قضاییه را نباید تضعیف کرد. اگر کسی با حکم فلان دادگاه در فلان قضیه مخالف است، نباید قوه قضاییه را تضعیف بکند. بالاخره هر حکمی یک عده موافق و یک عده مخالف دارد. دولت را نباید تضعیف کرد. ممکن است شما عملکرد فلان مسئول را نپسندید یا چند ایراد بر او وارد بدانید، اما نهاد دولت و قوه مجریه نباید تضعیف بشود. نهادهای قانونی که هر کدام در زیر این بنای شامخ، یک ستون هستند، باری را بر دوش دارند؛ مجموعه اینهاست که این بنای باعظمت را سرپا نگه داشته است و یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان در اطراف عالم - آن کسانی که قوه فهمیدن و ادراک کردن دارند -

ص: ۱۳۰

---

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، رهنمودهایی از رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲، به نقل از: سخنان رهبری در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۲/۶/۱۳۷۸.

به آن نگاه می کنند و احساس غرور می کنند.

بعضی شورای نگهبان را تضعیف می کنند؛ بعضی مجلس را تضعیف می کنند؛ بعضی قوه قضاییه را تضعیف می کنند؛ بعضی دولت را تضعیف می کنند؛ بعضی مجمع تشخیص را تضعیف می کنند. اشکال داشتن به یک کار یا دو کار یا ده کار – که بعضی از این اشکال ها هم طوری است که اگر توضیحی داده بشود، ممکن است برطرف هم بشود؛ ولو برطرف هم نشود – موجب نمی شود که ما نهادها را تضعیف کنیم. عده ای در دوره مجلس قبلی شعار می دادند که مجلس باید منحل بشود! انسان می بیند گاهی همان صداها، همان حرف ها و همان انگیزه ها، یک روز به مجلس، یک روز به قوه قضاییه و یک روز به قوه مجریه می پیچند؛ بدون اینکه استدلال درستی داشته باشند.

رهبر معظم انقلاب همواره به این امر توجه داشته و در موارد متعدد، حساسیت و اهمیت این مهم را گوشزد کرده است:

اقتدار ملت ایران هنگامی تأمین خواهد شد که دستگاه های مسئول کشور با هم همکاری کنند. اگر در جایی، نقطه ای هست که برای سرنوشت کشور و ملت، خطراتی را با خود دارد، مسئولیتِ همه مسئولان کشور است که با نهایت احساس مسئولیت و با کمال اتکال و اتکا به خدا و با قدرتی که ملت به دست آنها داده است، به آن نقطه برخورد کنند. همکاری بین سه قوه، یکی از شرایط اصلی برای رفع مشکلات عمومی مردم است. ناهماهنگی هایی که گاهی دیده می شود، به ضرر مردم است. من به هیچ وجه نپسندیدم که وقتی قوه قضاییه براساس احساس قانونی، مسئله ای را تشخیص می دهد و اقدام می کند، قوه مقننه در مقابل او قد علم کند! معنی ندارد. ممکن است دستگاهی در کشور بر اساس مسئولیتِ خود تشخیص بدهد که در امری اقدام کند و دستگاه دیگری نداند که او براساس چه مصلحتی این کار را کرده است. این کاملاً ممکن است، اما این نباید موجب شود که هر دستگاهی اگر کار دستگاه دیگری را درست نفهمید، آشکارا و علنی با آن دستگاه برخورد کند. اینکه معنی ندارد. اگر این روال بخواهد در کشور ادامه پیدا کند، هماهنگی قوا مختل خواهد شد؛ قوا باید با هم هماهنگ عمل کنند. مسائل سیاسی نباید جلوی چشم هایی را که باید در مسائل

کشور دقیق باشند، بگیرد و آنها را از فهم و شناخت حقیقت غافل کند. همه باید با هم همکاری کنند تا اقتدار ملت ایران تأمین شود.(۱)

مبارزه مسئولان و مردم با زمینه های اختلاف

نقش مردم در پرهیز از به وجود آمدن زمینه های اختلاف بسیار حساس است. آنان باید با هشیاری کامل، توطئه های دشمن را در اختلاف افکنی خنثی سازند. دشمنان می کوشند تا دورنمای انقلاب و نظام اسلامی را تاریک نشان دهند، ولی مسئولان باید با هشیاری تمام، افق روشنی را به روی همگان بگشایند و امید را در دل آنان زنده نگه دارند. در پرتو اتحاد و اتفاق می توان از بحران های سخت نجات یافت. بنابراین، مردم و مسئولان باید متحد و در کنار هم برای دست یابی به اهداف انقلاب تلاش کنند. ازاین رو، رهبر معظم انقلاب می فرماید:

توطئه و ترفند دیگر دشمن این است که القا کند بین مسئولان و یا مردم، جناح بندی حاد خصمانه وجود دارد! مردم نباید این تبلیغات را جدی تلقی کنند. البته از لحاظ سیاسی، اختلاف سلیقه وجود دارد که طبیعی است و وجود آن خطری را ایجاد نمی کند. بارها امام می فرمودند: من از این بحث ها نگران نمی شوم؛ نگرانی ما زمانی است که اینها را عمده کنیم. نباید تصور کنیم که به خاطر این مباحثات، آحاد ملت از هم جدا می شوند. اگر مسئولان و یا مردم، اختلاف سیاسی و سلیقه های مختلف داشته باشند، باز هم دوش به دوش و دست در دست یکدیگر، برای کشور و نظام کار می کنند. اگرچه در حال حاضر، اختلافات سلیقه ای کم رنگ شده است، ولی مسئولان و مردم نگذارند زمینه های اختلاف در جامعه به وجود آید.

من از همه آحاد ملت می خواهم که به خاطر دوستی و علاقه به من، هیچ کس را مورد تهاجم یا اهانت قرار ندهند؛ این کار هیچ وجهی ندارد. معنا ندارد که یک نفر بگوید من با فلانی بیشتر دوست هستم، یا از لحاظ فکری به فلانی نزدیک ترم و دیگران دورتر هستند! باید همه در خط اسلام و انقلاب و دنبال هدف های



---

۱- . دیدار با مسئولان قوه قضائیه، ۷/۴/۱۳۷۹.

اسلامی باشیم و با همان شعارها و آرمان هایی که امام عزیزمان، ما را پیش برد و در مقابل دشمنان ایستادگی کرد، راه گذشته را ادامه دهیم.

خباثت و خصومت دشمن های ما که تغییر نکرده و ماهیت آنها که عوض نشده است. بنابراین، باید با اتکال به خدا و پافشاری بر همان اصول، در صف واحد حرکت کنیم. افراد را طرد نکنید، به دیگران تهمت نزنید و به کسی اهانت نکنید. همه با یکدیگر برادرند و در خط امام هستند و تصمیم منتخبان مردم را با همه وجود تأیید می کنند. ما تکلیف سنگینی بر دوش داریم و بایستی این راه را با قوّت و قدرت ادامه بدهیم.

من آینده را بسیار روشن می بینم و مشکلات را قابل رفع می دانم. احساس می کنم نیروی عظیم مردمی و انقلابی خواهد توانست کوه ها را از سر راه بردارد. ما از بیشترین مشکلات عبور کرده ایم. البته نمی گویم هیچ مشکلی وجود ندارد. هیچ انسان و جامعه ای نیست که برای انجام کارهای بزرگ، با مشکلات مواجه نشود. آنچه در مقابل ماست، مشکلاتی است که در مقابل همت ملت ایران و اراده و قدرت درونی آنها و بالاتر از همه لطف پروردگار، چیزی به حساب نمی آید.(۱)

ما باید به آینده امیدوار باشیم و این امید را در مردم ایجاد کنیم. دشمن می خواهد ما با یکدیگر اختلاف داشته باشیم، ولی ما باید به صورت قاطع به دشمن تفهیم کنیم که ترفندهای او مؤثر نیست و در جمهوری اسلامی، هم دستی و هم دلی، برای مسئولان یک اصل است. این وحدت و یک پارچگی را واقعا یک اصل بدانیم و برای آن سرمایه گذاری کنیم و از اختلافات بگذریم.

من گمان نمی کنم در طول ده سال گذشته که امام عزیزمان این همه بیانات حکمت آمیز ایراد کردند، چیزی را به اندازه «وحدت» مورد تأکید قرار داده باشند. یکی از دو یا سه موضوعی که ایشان بیشترین تأکید را



---

۱- . حدیث ولایت، ج۱، صص ۱۷۰و ۱۷۱.

می کردنـد، همین مسئله وحدت دل ها و وحدت زبان ها و وحدت راه ها و هم دستی و همگامی و هم دلی بوده است. ما این مقوله را به منظور حفظ حرمت امـام و تعظیم به روح او پـاس بـداریم و به عنوان یـک هـدف قطعی تلقی کنیم و بـا هر قیمـتی درصدد تأمین آن باشیم. مجلس شورای اسلامی می تواند مظهر بسیار خوبی برای این تکریم باشد.

دشمنان انقلاب سعی می کنند آینده را تاریک و نومیدکننده جلوه دهند. آن برادر مسلمانی که با احساسات پرشور خود بر سر مزار منور حضـرت امام رفته و روز و شبی را گذرانده و یا در تشـییع جنازه آن عزیز شرکت نموده و در راه پیمایی ها پشتیبانی خود را از نظـام اعلام کرده است، وقـتی به شـهر خود برگردد و خـبری به گوشـش بخورد که چیزی را به ذهن او القـا کنـد و تصور کنـد که فردا، فردای تاریک و دشواری است و هیـچ امیـدی به آینده نیست، شـما ببینید چه حالی به او دست می دهد و چه قدر برای او نشاط باقی می ماند؟ ما باید دقیقا در نقطه مقابل این مسـیر، حرکت کنیم و از تمام امکانات و نیروهایمان برای امید دادن و روشن کردن افق آینده در چشم مردم استفاده کنیم.

اسـلام و رهـایی از نفوذ و سـلطه قـدرت هـای اسـتکباری، این امکـان را که برای کمتر ملتی و کشوری پیش آمـده، در اختیـار کشور مـا و ملت مـا قرار داده است، لیکن شـرط اساسـی، وحـدت و یـک پـارچگی ملی است و اگر نباشـد، همه آنچه هست، بیهوده خواهـد بود. پس، مرز میان پیروزی همه جانبه ملت ما، یا خـدای نکرده ناکامی و هدر رفتن همه زحمات گذشـته، یک چیز بیش نیسـت و آن، وحـدت کلمـه میـان مردم اسـت. دشـمن به همین دلیـل است که برای شکسـتن وحـدت ملت، سـرمایه گذاری مادی و معنوی هنگفتی کرده و می کند.

گروه هـا و جناح ها و اشـخاص و دسـتگاه ها در هر منطقه که تلاش خود را مضـر به وحـدت ملت دیدنـد، بایـد آن را متوقف سازند. در تمام حوادث بزرگ تاریخِ بیداری و مبارزات ملت، هرجا شـکست و نامرادی پیش آمده، بر اثر شکسـته شدن صف واحد ملت بوده است. ما امروز حق نداریم تجربه های گذشته را تکرار کنیم و

هیچ عذر و بهانه ای برای صدور گفتار و علمی که ناقض وحدت است، پذیرفته نیست.

ملت ما بحمداللّه در تمام دوران پس از انقلاب و در تمام حوادث مهم، وحدت کلمه خود را پشت سر امام عظیم الشأن راحل، با استحکام حفظ کرد و تعارض های گروهی و جناحی را به چیزی نگرفت و امروز هم بحمداللّه به همین گونه است. لیکن صاحبان بیان و قلم و تریبون باید توجه کنند که تعارض ها و مناقشات گروهی، نخستین ضررش آن است که آنان را از توجه به مسایل مهم جهان و منطقه غافل ساخته و قهرا وظایف آنان در قبال ملت را از یادشان خواهد برد و ضرر بزرگ تر آنکه راه این گونه افراد را از ملت جدا خواهد ساخت.(۱)

برای این ملت، وحدت، از همه چیز واجب تر است. اتحاد و اتفاق، این ملت را در بحران های سخت نجات داده است. بحمداللّه امروز ما بحرانی هم نداریم. مشکل بزرگ و فوق العاده ای نداریم. اما به اتحاد هم، کمال نیاز و احتیاج را داریم. همه باید در حرف ها و تبلیغات انتخاباتشان، قبل و بعد از آن، در مجلس و در جاهای دیگر، حرفی نزنند که مردم، ما بین خودشان احساس دوگانگی بکنند. بین مردم اختلاف به وجود بیاید، خدای ناخواسته، اگر اختلافی به وجود بیاید این ملت شُل خواهد شد. علت اینکه ما توانسته ایم تا حالا محکم بایستیم.(۲)

این اختلافات را رها کنید. بزرگان بایستی کوچک ترها را به طریق مستقیم و راه راست بکشانند. آنها اگر اشتباهی می کنند، نبایستی آن اشتباه را برایشان توجیه کنند و خودشان هم دنبال سر آنها راه بیفتند، یا احیانا آنها را به اشتباه بکشانند. نتیجه این اختلافات، همین چیزهاست. بعضی ها هم همتشان این است که بنشینند و ذهن و چشم و دست و قلم و زبان مصرف کنند، برای اینکه



---

۱- . حدیث ولایت، ج۵، ص ۳۰۰.

۲- . در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در صحن حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۵/۱/۱۳۷۵.

آتش اختلافی درست کنند و به اسم مسائل خطی و حزبی و گروهی و جناحی، دو دسته را به جان هم بیندازند! این کارها را باید رها کنند.(۱)

### ۱۳- انسجام میان مسئولان

انسجام میان مسئولان نظام بیش از هر زمان دیگری لازم است. در فضای آرام و صمیمی بهتر می توان به اهداف نظام دست یافت. قوای سه گانه به جای اینکه نیرو و توان خود را به رفع اختلاف های نابجا میان خود صرف کنند، باید با تمام قوا به مردم خدمت کنند و مراقب توطئه ها و اختلاف افکنی دشمنان باشند؛ چون دشمنان اسلام از کوچک ترین فرصتی، برای جداسازی صفوف متحد مردم و مسئولان، بیشترین بهره را می برند. رهبر معظم انقلاب از ابعاد این توطئه ها سخن می گوید و اتحاد و انسجام را تنها راه مبارزه با این ترفندها معرفی می کند:

چیزی که لازم می دانم در مورد مسئولان کشور تأکید کنم، در درجه اول، انسجام و اتحاد کلمه است. مسئولان کشور باید متحد باشند و حرفشان یکی باشد. یکی از توطئه های دشمن در چند سال اخیر این بوده است که بتواند آدم های نامعتقد به آرمان اسلامی را در صفوف مسئولان بالای کشور نفوذ دهد؛ برای اینکه انسجام مدیران ارشد کشور به هم بخورد. این خطر بزرگی است. البته مدیران کشور هم مثل بقیه مردم در هر مسئله ای آرا و عقایدی دارند و عقاید آنها برای خودشان محترم است، ولی دو نکته وجود دارد: یکی اینکه اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است، ولی آرمان های نظام جمهوری اسلامی را آن طوری که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است. آن جایی که صحبت از مسائل اساسی نظام اسلامی است، آن جایی که وحدت دین و سیاست مطرح است، آن جایی که اصول قانون اساسی مورد نظر است، آن جایی که الزام به تبعیت از دین و شریعت مطرح است، اگر یک مسئول عقیده ای غیر از این



---

۱- . در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱/۱۲/۱۳۷۸.

دارد، می تواند شهروند جمهوری اسلامی باشد - مانعی ندارد - اما نمی تواند مسئول باشد؛ به خصوص مسئولیت های بالا. مدیران ارشد، نمایندگان مجلس و مسئولان عالی مقام قوه قضایی، در عین حال که مسئولیت مهمی در نظام جمهوری اسلامی دارند، نمی توانند به آرمان های نظام جمهوری اسلامی و اصول قانون اساسی اعتقادی نداشته باشند؛ چون اعتقاد انسان در عمل و گفتار او اثر می گذارد.

نکته دوم این است که آن جایی که مسئولان در غیر مسائل اصلی نظام - در مسائل کاری، اداری، فهم یک قانون - با هم اختلاف نظری دارند، باید این اختلاف نظر جلوی چشم مردم قرار نگیرد و به کوی و بازار کشیده نشود. اختلاف نظر نباید نشان دهنده اختلاف مسئولان باشد؛ چرا؟ چون مردم را مأیوس و نگران و دشمن را خوشحال می کند. البته اختلاف بین مسئولان در فهم یک وظیفه، یک چیز متوقع است. مثلاً ـ ممکن است رئیس جمهور محترم و رئیس محترم قوه قضاییه درباره نقطه ای از نقاط، دارای دو دید و دو بینش باشند و هر کدام هم برای خود استدلالی داشته باشند؛ بسیار خوب، این راه حل دارد. در قانون اساسی راه حل اینها معین شده ا ست؛ هماهنگ کننده سه قوه، رهبر است؛ رهبری می تواند این مشکلات را برطرف کند. معیار همکاری، قانون اساسی است که وظایف، حُکم موارد اختلاف و تنازع، و حَکم و مرجع را هم معلوم کرده است. در قانون اساسی، قوه مجریه وظایفی دارد که مشخص است. مدیریت های عمده کشور، اداره همه امور اجرایی کشور، هزینه کردن بودجه کلان کشور، بر عهده قوه مجریه است.

وظیفه قوه مقننه عبارت است از قانون گذاری و نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی. وظیفه قوه قضاییه عبارت است از تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق، تا کسی به کسی ظلم و تعدی و تجاوز نکند. اگر هر کدام از قوا بخواهند وظایف خود را انجام دهند، این قدر کار و جهاد خداپسند در این مجموعه کارها وجود دارد که دیگر وقتی باقی نمی ماند. وظیفه رهبری هم در قانون معلوم شده است. رهبری در کارهای اجرایی کشور هیچ دخالت

مستقیمی نمی کند؛ نه در قوه مجریه، نه در قوه قضاییه ونه در قوه مقننه. مهم ترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست های کلان کشور؛ یعنی آن جیزهایی که جهت گیری کشور را مشخص می کند که همه قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه بخش های کشور، به معنای حضور سیاست های رهبری است که باید با دقت اجرا شود. و من به شما عرض کنم، هرجایی که این سیاست ها اجرا شده، کشور سود کرده است،اما در طول سال های گذشته – از ده دوازده سال پیش تاکنون – هر جا از این سیاست ها تخلف شده، کشور ضرر کرده است که گاهی ضررش را فهمیده اند. گاهی هم بعد از گذشت مدتی، ضررش را فهمیده اند. بنابراین، حضور رهبری، جدی است.

البته ممکن است در بخشی از مسائلی که این سیاست ها متضمن آن است، مسئولانی نظرات دگرگونه ای داشته باشند. ایرادی ندارد. اینها می آیند و نظرات خود را مطرح می کنند. اتخاذ این سیاست ها هم یک روند بسیار معقول و منطقی دارد؛ در دستگاهِ موظف این کار در دولت، طراحی می شود و بعد درجه درجه بالا می آید تا به مجمع تشخیص مصلحت می رسد. بنابراین، تمام جوانب مراعات می شود؛ در عین حال ممکن است یک نفر مخالف باشد. ایرادی ندارد، لیکن همچنان که یک قانون تا وقتی قانون است، مخالفت با آن جایز نیست، سیاست هم که مضمون قانون اساسی است – مرتبه سیاست ها از قانون بالاتر است؛ در حد قانون اساسی است – تا وقتی تغییر پیدا نکرده است، ولو کسی نظر دیگری داشته باشد، نباید بر طبق نظرِ خود عمل یا تبلیغ کند. بحث در مجامع علمی و فنی و تخصصی بسیار خوب است، اما فضاسازی در کشور به شکلی که اغوای افکار عمومی بشود، غلط و برخلاف مصالح کشور است.

سیاستی که مطرح کردم، یک سیاست مهم کشور است. مسئولان باید به سیاست ها عمل کنند و منسجم باشند. انسجام، مهم ترین شرط پیشرفت است. من به شما عرض کنم اگر دشمن ملاحظه کند که در کشور ما یک گروه مؤمن، متعهد، منسجم، هم دل و کارآمد بر سر کار هستند،

نااامیـد می شود و انگیزه او برای دشـمنی کم خواهـد شـد. آن کسانی که تفرقه بین مسـئولان را تشویق می کنند، بفهمند دارند چه کـار می کننـد. امروز سـیاست دشـمنان کشور این است که بین مسـئولان اختلاـف بیندازنـد. ما از گروهک هایی که یک سرشـان در داخـل است، یـک سـرشان در خـارج، خبرهای ویژه داریم. برنامه عمـده اینها این است که بین مسئولان کشور، با عنوان های چپ، راست و عناوین دیگر اختلاف بیندازند. مردم وحدت مسـئولان را می خواهند. مردم هر جا ببینند مسئولان با هم هستند و هم دل و هم زبانند و یکدیگر را تخریب نمی کنند، خوشحال و امیدوار می شوند، اما دشمن به عکس، نااامید می شود.(۱)

یکی دیگر از عیوب و آفت ها، عـدم اتحاد کلمه است. لازم است مسـئولان مواضع واحـدی اتخاذ کننـد به خصوص در مسائل جهانی و مسائل عمـده کشور. وقتی انـدک اختلافی در حرف مسـئولان پیـدا می شود، شـما می بینیـد رادیوهای بیگانه چگونه اینها را بزرگ و چنـد برابر می کننـد. حتی آن جایی که اختلافی نیست، اختلاف را جعل می کنند؛ برای اینکه نشان دهند بین مسـئولان اتحاد کلمه نیست. آنها از جمع منسـجمی که با هم کار کنند و هم دل باشـند، خیلی می ترسند. خوش بختانه ترکیب قانون اساسی ما راه حل مشکلات را معیّن کرده؛ رهبری را به عنوان محور، در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده؛ این امکان و فرصتِ خیلی بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه، با همدیگر کار کنند.(۲)

امروز علاج دردهای این کشور این است که قوای سه گانه با وحدت کلمه و با همکاری با یکدیگر، برنامه های منظم و مرتبی را که برای رسـیدن به هدف های این نظام و آسایش مردم مورد نظر است، تعقیب کنند؛ امروز این وظیفه است. قوای سه گانه نباید یکدیگر را تضعیف کنند. مطبوعات و رسانه ها نباید قوای



---

۱- . در اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۸/۸/۱۳۸۰.

۲- . دیدار با جوانان اصفهان، ۱۲/۸/۱۳۸۰.

سه گـانه کشور را - که ارکان کشور و پایه های این نظامنـد - تضـعیف کننـد. مطبوعات و رسانه ها هم مراقبت کننـد؛ اگر به گوشه ای از یک وقوع اعتراضـی هست، این را نبایـد مجوز قرار بدهند و همه آن قوه را تضـعیف کنند. اگر فرضا اعتراضـی به یکی دو نماینده وجود داشـته باشد، نباید مجلس را تضـعیف کرد. اگر اعتراضـی به یک حکم قضایی وجود داشته باشد، نباید قوه قضاییه را تضـعیف کرد. اگر اعتراضـی به بخشی از دولت وجود داشته باشد، نباید دولت را تضعیف کرد. تضعیف این پایه ها، تضعیف انقلاب و نظام و به تأخیر انداختن اهداف والای این نظام است؛ این را همه متوجه باشند.

گویندگان، نویسندگان و کسانی که افکار عمومی به آنها متوجه است، بدانند که چه می کنند و چه می گویند. وظیفه سنگین است. در این زمینه هـا اگر کسـی خـدای نکرده خلافی مرتکب شود، خـدای متعال از این خلاف نخواهـد گـذشت؛ توبه این گونه خلاف هـا آسـان نیست؛ چون مسائـل شخصـی نیست. مـا در طول این بیست و دو سه سـال همیشه به برکت اتحاد کلمه توانسته ایم بزرگ ترین موانع را از سر راه خود برداریم. الآن هم می توانیم به برکت اتحاد کلمه میان مردم و مسئولان، بزرگ ترین موانع را از مقابل راه حرکت این ملت برداریم.

هر ملت و کشوری که هدف و حرفی دارد، دشـمن هم دارد؛ این طبیعی است. انسان اگر بخواهد دشـمن نداشـته باشد، باید به یک موجود عقیم و بی خاصـیت و خنثی که هیـچ گونه تأثیری نداشـته باشـد، تبـدیل شود؛ منافعش را ببرند، حرف نزند؛ به او هجوم کنند، اعتراض نکند والّا اگر انسان بخواهد در این دنیای بزرگ و پرآشوب راهی را برود و در همه دوران های زندگی هدفی را تعقیب کند و حرفی داشته باشد، به طور طبیعی یک عده دشمن هم دارد.

ما توقع نداریم دشـمن نداشته باشیم. توقع هم نداریم که دشمن، دشمنی نکند. آنچه که انتظار داریم، از خودمان است. ما باید بتوانیم با امید و شـجاعت و عزم و اراده و وحدت و توکل خود به خدا، به فضل الهی همه دشـمن ها و دشـمنی ها را از سر راه این ملت

برداریم و دشـمن را از دشـمنی کردن پشیمان کنیم. به امید خدا و به فضل الهی ما می توانیم و خواهیم کرد و ان شاءاللّه آینده این را نشـان خواهـد داد. امیـد مـا به ایمـان و عزم و غیرت مردم و به بزرگواری کم نظیری است که ملت ایران در دوران های مختلف نشان داده اند و با تلاش و حضور و ایسـتادگی و هشیاری خود توانسته اند توطئه های دشمن را خنثی کنند. ان شاءاللّه در آینـده هم همین طور خواهـد بود و مسـئولان بـا تکیه بر ذخیره عظیم و تمام نشـدنی اقیانوس پربرکت انسان های بزرگ در کشور ما خواهند توانست به بهترین وجهی به وظایف خود عمل کنند.(۱)

### ۱۴- حفظ وحدت از وظایف فعالان سیاسی

یـک توصـیه هم به بقیه مسـئولان و فعالان سیاسـی عرض کنم؛ مخصوصا به کسانی که تریبون هایی در اختیارشان هست - هر تریبونی؛ از منبرها و روزنامه ها و صـدا و سـیما و مجلس و نماز جمعه و امثال اینها بگیرید تا هر تریبونی در هر گوشه کشور - مراقب باشید که



---

۱- . در دیدار با کشاورزان، ۱۲/۱۰/۱۳۸۰.

تهیـج سیاسـی برای کشور مضـر است. فضا باید آرام و متعادل باشد تا دولت و مسـئولان بتوانند به وظایف خود عمل کنند. در شرایط متهیج و متشنج سیاسی، آسان ترین کارهای جاری هم دشوار خواهد شد. هیچ کس به تهیج سیاسی کمک نکند. یکی از بدترین عیوب برای فعالان سیاسـی این است که درصدد انشـقاق و جدایی و بهانه گیری از یکدیگر باشـند. وحدت کلمه را حفظ کنید. یکی از بدترین کارها این است که مسـئولانِ موظف نظام، به وسـیله اشـخاص دیگر - صرفا به خاطر اینکه تریبونی در اختیـارش قرار گرفته - مورد تخریب واقع شونـد. انتقـاد کردن غیر از تخریب کردن است. انتقـاد، خوب و نعمت است. اگر دولت یا مسئولان دیگر، مورد انتقاد قرار نگیرند، عیوب خودشان را نمی فهمند. انتقاد در واقع، هدیه کردن عیوب آنها به خود آنهـاست. ممکن است گاهی انتقاد درست باشـد، ممکن هم هست نادرست باشـد، اما انتقاد کردن غیر از تخریب کردن است. نه قوه مجریه و دولت را تخریب کنید؛ نه قوه قضاییه را تخریب کنید؛ نه قوه مقننه را تخریب کنید.

اهانت کردن و تخریب کردن و زیر سؤال ناشایست بردن قوی مقننه - چه مجلس و چه شورای نگهبان که جزو قوه مقننه است - برخلاف مصالح ملت و ناسپاسی نسبت به رأی ملت است. همه باید مراقب باشند.

### ۱۵- پرهیز از برخوردهای جناحی و تکیه بر ویژگی های مشترک

رهبر معظم انقلاب، جناح بندی و برخوردهای خطی را آسـیب بسیار جدی در برابر اتحاد و یگانگی می شمارد و همگان را به هم فکری و تبادل نظر و کار مشترک فرامی خواند. به باور ایشان، بسیاری از اختلاف سلیقه ها، بی اهمیت است و باید از کنار آنهـا به راحـتی گـذشت و عزم خـود را برای خـدمت گزاری به مردم جزم کرد. همه می دانیم که در محیطی آرام و به دور از تشـنج و بهتر می توان به خـدمت گزاری اندیشـید. ازاین رو، رهبر از جناح ها می خواهـد به خط امام باز گردند؛ چون در این خط، راه برای خدمت

به مردم فراهم است:

[مسئله دیگر] مربوط به مسایل سیاسی جامعه و همین رقابت ها و برخوردهای خطی است. به نظر من، در این زمینه آنچه که ما بگوییم، از آنچه که امام فرمود، کمتر و نارساتر است. در این قضایا، امام لبّ مطلب را بارها و بارها گفتند. واقعا به خط امام برگردیم. دو گروهند - باشند - اما چرا با هم تعارض می کنند؟ مگر نمی شود نقاط مشترک را هم در قبال نقاط محال افتراق مورد توجه قرار داد؟ چه اشکالی دارد جمع هایی که با هم معارضند - جمع های روحانی، جمع های دانشجویی، جمع هایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند - هر چند وقت یک بار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فیمابین خودشان را به زبان بیاورند؟ شما مگر در چند چیز با هم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوی تر و مهم تر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی می تواند این حرف را ادعا بکند؟

آن کسی که به برادر مسلمان خودش که گرایش و خط سیاسی اش با او فرق دارد، اهانت می کند، به او می پرد، علیه او می نویسد و داد سخن می دهد، آیا نمی داند که با این کار چه چیزی از دست خواهد داد؟ شما می خواهید به خیال خودتان برادرتان را اصلاح کنید. آیا آن کسی که این انتقاد و این اعتراض یکسره و مطلق شما را - که غالبا اعتراض ها مطلق است - می شنود، او همان برادر شماست؟ برو برادرت را مخفیانه پیدا کن، هر چه می خواهی، به او بگو؛ چرا با این اختلاف افکنی، مردم و مخاطبان عمومی جامعه را دچار تشویش فکری می کنی؟

من باید این را صریحا عرض بکنم که متأسفانه از طرفین چنین کارهایی هست. اگر کسی بگوید که ما در این جهت یک جناحی هستیم، ما ملاحظه می کنیم، باید بگویم که نخیر، من این را تأیید نمی کنم. متأسفانه طرفین برخوردهای خشن و نامتناسب با محیط اسلامی با هم دارند. حرف ها با اهانت، با خلاف واقع و احیانا با تهمت همراه است. از کار یک نفر، یک جمع بندی کلی و یک استنتاج عمومی می کنند؛ که این غلط و تزویر است.

ص: ۱۴۳

برادران! اگر این کار ادامه پیدا کند، ما چه چیزی را از دست می دهیم؟ مردم و همین اعتمادی را که عرض کردم.

من یک وقت عرض می کردم که اگر مردم اهل اصطلاح باشند، الآن اجماع مرکب بر فسق همه است؛ چون طرفین مُجمعند! اینها می گویند آنها بدند، آنها هم می گویند اینها بدند و قول ثالثی نیز وجود ندارد! این چه طور برخورد کردن با قضایاست؟ اعتماد مردم را به اصل نظام از دست می دهیم. نگویید مردم به نظام بی اعتماد نمی شوند. این نظامی که ده سال، یازده سال کسی مثل امام بالای سرش بود و آن شلاق کوبنده فرمایش های آن بزرگوار بر سر و شانه همه ما فرود می آمد - به حجم فرمایش های امام نگاه کنید؛ من گمان نمی کنم که در هیچ موضوعی به قدر موضوع اختلافات، ایشان مطلب فرموده باشند - در عین حال ماها اصلاح نشدیم. آیا این نشان نمی دهد که بنیان کار خراب است؟ اگر ادامه بدهید، این استنتاج را شما برای مردم درست می کنید و دیگر نمی روند نقاط مثبتی را که در این بین هست، پیدا کنند و روی آن تأمل نمایند؛ خواهند گفت که معلوم می شود اشکالی در اصل کار هست!

شما می بینید که برادرتان کج فکر می کند؛ مثلاً اگر روزنامه دارد، در روزنامه اش بد راهی را انتخاب کرده؛ واعظ است، در منبرش بد طوری حرف می زند؛ نماینده مجلس است، یا مسئول دولتی است، بد روشی را اتخاذ کرده است. اگر شما آن انتقاد تیز زهرآگین تلخ را نکنید، واقعا چه پیش می آید؟ آیا اگر این کار را نکردید، اسلام از دست خواهد رفت؟ انقلاب از دست خواهد رفت؟ واللّه نه. اگر کسی برای نفسش این را تسویل بکند، باید نفس خودش را متهم بکند. این، تسویل نفسانی و شیطانی است. آنچنان تسویل می کند که اگر مثلاً این مقاله را شما در اینجا ننوشتید، اگر این حرف را در فلان تریبون نزدید، اگر آن سخنرانی را در آنجا نکردید، همه چیز زیر و رو خواهد شد! نه، اگر اینها را انجام بدهید، خیلی چیزها زیر و رو خواهد شد!

الآن انتخابات در پیش است. جناح های مختلف

بنشینند با یکدیگر هم فکری و تبادل نظر و کار مشترک کنند و به هم نزدیک شوند؛ مگر نمی شود؟ اتحاد و نزدیک شدن به هم، تنازل لازم دارد. نمی شود که ما همان جای خودمان بایستیم، دیگری هم همان جای خودش بایستد و بعد بگوییم که به یکدیگر نزدیک بشویم. نزدیکی به این است که یک قدم شما بردارید، یک قدم هم او بردارد.

به نظر من، اختلافات واقعی، کمتر از تظاهر به اختلاف است. این هم خودش نکته ای است. اختلاف و شکاف و جدایی واقعی بین برادران، به مراتب کمتر از آن چیزی است که بر زبان می آورند. من نمی دانم این حالت مبالغه گویی ما در حرف زدن ها و در اظهارات، چرا متوقف نمی شود؟ طوری حرف می زنند که آن خوش خیال های بیچاره ای که در بیرون نشسته اند، خیال می کنند که همین فردا اینها به هم می پرند و علیه یکدیگر اسلحه برمی دارند! حرف ها این گونه تند است.

این حرف ها دشمنان را به طمع می اندازد؛ کما اینکه الان امریکایی ها به طمع افتاده اند؛ حتی بعضی از گروهک های مرده هم به طمع می افتند! چرا این گونه حرف می زنید؟ دل های شما به هم نزدیک تر از این حرف هاست که در اظهاراتتان نشان داده می شود. این هم مسئله بعدی بود که به نظر من مسئله مهمی هم است و هر چه هم گفته بشود، کم است.(۱)

### ۱۶- وحدت کلمه مسئولان و دوری از تشنج سیاسی

تقسیم بندی جناح ها به چپ و راست و مدرن و سنتی و غیره، حرف است؛ اینها حقایق نیست. حقیقت عبارت است از آن تکلیف و مسئولیتی که شما دارید. آن مهم است. آن چیزی است که گریبان ما را می گیرد. آن چیزی است که ما را به پاسخ گویی در مقابل خدا وادار می کند.(۲)

رهبر انقلاب، همکاری دولت و ملت را راه گشا می داند



---

۱- . حدیث ولایت، ج ۷، صص ۲۶۳ - ۲۶۵.

۲- . در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۲۹/۳/۱۳۷۹.

و از مسئولان می خواهد با پیوند و صمیمیت با مردم و اعتمادسازی لازم، کارها را به پیش ببرند. ایشان وظیفه بزرگ دولت را رفع مشکلات مردم می شمرد. همه می دانیم که به دلیل موقعیت حساس جمهوری اسلامی، دشمن با تمام توان در پی ایجاد بدبینی نسبت به نظام و ایجاد اختلاف های داخلی است. بنابراین، باید هشیار بود که در مسیر این توطئه ها قرار نگیریم. به ویژه اندیشمندان و نویسندگان مسئولیت سنگین تری دارند.

### ۱۷- تأکید بر وحدت کلمه

سفارش رهبر معظم در ایجاد وفاق و هم بستگی داخلی میان مردم و مسئولان، حفظ وحدت است. در پرتو وحدت، پیروزی های بزرگی نصیب ملت ایران شده است. ازاین رو، برای تقویت هم بستگی و اتحاد باید کوشش جدی کرد. ازاین رو می فرماید:

نکته بعدی که باید در این مجالس مورد توجه قرار بگیرد، همین مسئله وحدت کلمه آحاد مردم است. تقریبا در این دو ماهه دیدیم که اتحاد مردم و وحدت کلمه آنها، چه تأثیر معجزه آسایی در سیاست جهانی و در فضای بین المللی به وجود می آورد. ما بعد از ده سال، یک بار دیگر این معجزه را لمس کردیم.

حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعا انجام آنچه که تصور می کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.

پس از رحلت امام، مسئولان خوب و ارزشمند کشور در سطوح بالا، خوش بختانه با قضایا، هوشمندانه و قوی برخورد کردند. همه افراد و مراکزی که دشمن فکر می کرد بتواند روی آنها سرمایه گذاری کند، در مقابله با توطئه دشمن، قوی و صادقانه و مخلصانه برخورد کردند. از بیت شریف حضرت امام و بازماندگان ایشان و فرزند ارجمند و عزیزشان، تا مسئولان کشور و شخصیت های روحانی و چهره های طراز اول جامعه ما، خیلی خوب و قوی و قاطع و هوشمندانه و مخلصانه و مؤمنانه با قضایا برخورد کردند و حقیقتا دشمن را دچار حیرت کردند.

در ردیف های بعدی، مدیران گوناگون کشور نیز همین گونه بودند. عامه مردم هم که واقعا

در صفا و اخلاصشان هیچ وقت شک و تردیدی نبوده و نیست، در این مقطع بسیار خوب عمل کردند. بایستی همین هوشمندی و توجه به کید و توطئه دشمن، دایما مورد توجه باشد. وقتی که دشمن می خواهد اختلاف ایجاد کند، صریحا نیت خود را بیان نمی کند، بلکه حرفی را برای اذهان اشخاص مطرح می کند که فکر می کنند واقعا حرف منطقی است و باید عکس العمل نشان داد و اعتراض کرد. همین جاست که هوشمندی لازم است و باید با این توطئه ها مقابله کرد.(۱)

ایشان برجسته ترین تجلی وحدت و هم بستگی ملت را دوران دفاع مقدس معرفی می کند:

در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خون ها در هم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه ها و طوایف مختلف به وجود آورد.(۲)



---

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری به مدیران نظام اسلامی، ص۱۸۷.

۲- . ۱۳/۵/۱۳۷۵.

رهبر معظم انقلاب در باره آثار وحدت و هم دلی می فرماید:

وقتی مردم با صـدا و نفس و اراده واحـد، اقدامی می کنند و حرفی می زنند و راهی را می روند، نفس دنیا در سـینه اش حبس می شود و خیره می ماند و قدرت های قوی پنجه، زبون و کوچک می شوند و از کار می مانند.

انتظار و توقع و طمع دشـمن در دوران بعد از امام، چیز کوچکی نیست. قضـیه، خیلی جدی بود. آنها، سال ها منتظر این ساعت بودند. ما - بیننا و بین اللّه - برای این ساعت هیچ برنامه ریزی نکرده بودیم، اما تمام دشمنان ما - هر کس به نحوی - برای آن ساعت ها و آن روزها، برنامه ریزی کرده بودنـد و خودشان را آماده ساخته بودنـد. «إِنَّهُمْ یَکیـدُونَ کَیْدًا وَ أَکیدُ کَیْدًا»،(۱) اما خـدای متعال به برکت وحـدت کلمه مردم، کید و مکر الهی خودش را نشان داد. البته خودِ آن وحدت کلمه هم کار خدا بود: «وَ لکِنَّ اللّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ.»(۲) کار هیچ کس نبود، فقط کار او بود.

حالا که خدا این نعمت را به ما داده است، باید حفظش کنیم. اولاً در جلساتی که تشـکیل می شود، از طرف خود گویندگان، سخن و اشاره و حرکتی که به اختلافی اشاره کنـد، مطلقا نبایـد وجود داشـته باشد. هیچ بهانه ای مجوز این نمی شود که ما در جلسه ای، چیزی را که ممکن است بین دو دسـته از مردم، اختلافی به وجود آورد، مطرح کنیم. در قضایـای سیاسـی و دینی و در مسایـل مربوط به دولت و روحـانیت و مرجعیت و رهبری و دیگر مسـایلی که می توانـد بین مردم، اختلاف و شـکاف و دو دسـتگی و بگومگو ایجاد کند، نباید سخنی از گویندگان مذهبی صادر شود که وحدت کلمه مردم را خدشه دار کند، بلکه به عکس، گویندگان مذهبی کوشش کنند که فضا، فضای



---

۱- . طارق: ۱۵ و ۱۶.

۲- . انفال: ۶۳.

محبت آمیز باقی بماند و همکاری بین مسئولان و مردم و نیز وحدت کلمه، توصیه بشود.(۱)

## ۱۸– وحدت شیعه و سنّی

### اهمیت وحدت تشیع و تسنن

در عین اینکه دولت ها و قدرت ها و اداره کنندگان جهان برای مصالح دولت ها و مسائل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می روند، تمام تلاش های استکبار جهانی در جهت تضعیف ملت ها و به خصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می رود. شیعه و سنّی که مسئله امروز نیست؛ قرن هاست که در اسلام، شیعه و سنّی وجود دارد. در خود مذهب سنّی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی و دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته بندی هایی که در تسنن هست، همان ها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته بندی ها و فرقه بندی ها، یا بر اثر سوءسیاست و یا بر اثر سوءفهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست؛ اما شما نمی بینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه قدر تلاش می شود.(۲)

### اختلاف تشیع و تسنن در گذشته و حال

اختلاف و نزاع و بعضا زد و خورد بر سر مسائل کلامی و فقهی و فرقه ای، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است، لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه گیر اسلامی این بوده است که از سویی، انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه ای آن و نه اسلامی به معنای عام معرفی



---

۱- . حدیث ولایت، ج ۲، صص ۱۵ و ۱۶.

۲- . ۲۹/۹/۱۳۶۸.

کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنّی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده ایم این فتنه گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته ایم که یکی از آخرین آنها، تشکیل «مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی» است و هم اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه مردم از همه مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند، لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان، کسانی را می یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری، از یک سیاستمدار و در کشور دیگری، از یک عالم نما یا انقلابی نما شنیده می شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران - که بزرگ ترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه ای بهت انگیز از آن دفاع کرده اند - زبان می گشاید و قلم می راند. یا در کشور مسلمان پاکستان - که ملت آن، در شمار عزیزترین ملت ها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست - کسانی که با دلاورهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می کنند و کتاب و مقاله می نویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر علیهم السلام را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.(۱)

### مفهوم وحدت تشیع و تسنن

اگر ما می گوییم که شیعه و سنّی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنّی هم سنّی بماند. ما



---

۱- . ۲۶/۳/۱۳۷۰.

چه موقع به عالم تسنن گفته ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟ ما چنین چیزی نگفته ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می گوییم شیعه و سنّی باید همیشه سر عقل باشند؛ همچنان که بحمداللّه در دروان انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوءاستفاده کند.(۱)

امر دوم، تأکید روزافزون بر مسئله وحدت است. سال ها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنّت صحبت می کردم، به آنها می گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته، جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنّی و سنّی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست، بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را برگردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا

کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

اگر کسی مخلص اللّه احساس می کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ والاّ او می رود کتاب «احقاق الحق» را می آورد و به رخ این می کشد و این هم می رود کتاب «تحفه اثنی عشریه» را می آورد و به رخ آن می کشد! هر دو هم به قدر کافی کتاب پر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته اند!



---

۱- . ۱۱/۷/۱۳۶۹.

اگر مابخواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است «رحم اللّه معشر الماضین.» ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده اند، ما امروز می خواهیم تکلیف خودمان را بیننا و بین اللّه نگاه کنیم. بیننا و بین اللّه، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.(۱) منظور ما از وحدت، هماهنگی و یک نوایی و هم صدایی است.(۲)

### مفهوم وحدت اسلامی

باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می کنیم، مقصود ما این نیست که فِرَق مسلمین - اعم از شیعه و سنّی - یا فِرَقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده خود دست بردارند و به عقیده سومی یا به عقیده طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه هر کسی وابسته است و بینه و بین الله تکلیف اوست. بحث ما این نیست.

ما نمی گوییم که سنّی های عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه های عالم دست از عقیده شان بردارند. البته، اگر یک سنّی یا هر کسی تحقیق و تفحص کرد، عقیده اش هرچه شد، باید بر طبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است. حرف ما در هفته وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنّت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی غرض و منصفی، آن را قبول



---

۱- . ۵/۱۰/۱۳۶۸.

۲- . ۲۲/۱/۱۳۶۹.

خواهد کرد.

البته، بعضی در بیان مطلب اشتباه می کنند. وقتی که آنها این حرف ها را می زنند، شاید خیلی هم ساده نباشد. وقتی می خواهند وحدت اسلامی را بیان کنند، می گویند که در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنّی بود؛ پس شیعه و سنّی غلط است! نه، این حرف نادرست و سستی است. بحث سر این نیست که در صدر اسلام، آیا شیعه و سنّی وجود داشت یا نه. بالاخره بعد از پیامبر، آرای مسلمین متفاوت شد. یک عده در مسئله امامت نظری داشتند و عده ای نظر متفاوت دیگری داشتند. بعضی منبع احکام الهی را یک چیز و بعضی چیز دیگری دانستند. بنابراین، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتی بین مسلمانان به وجود آمد. اینکه ما بگوییم در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنّی بود، حرف غلطی است. امروز این حرف، در حقیقت به معنای نفی کردن و از بین بردن معارف و فقه و محصول فرهنگی همه فرق مسلمین است. روی هر چه دست بگذارند، می گویند در صدر اسلام نبوده، پس این غلط است! این، خودش حرفی شبیه توطئه است.(۱)

وحدت امر پیچیده ای است؛ ایجاد اتحاد یک کار پیچیده است. اتحاد بین ملت های اسلامی، با اختلاف مذاهب می سازد، با اختلاف شیوه های زندگی و آداب زندگی می سازد، با اختلاف فقه ها می سازد. معنای اتحاد بین ملت های اسلامی این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، هم سو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملت ها، سرمایه های خودشان راعلیه یکدیگر به کار نبرند.(۲)

ما در مسئله وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده ایم. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دو آن باید تأمین بشود: اول اینکه فرق



---

۱- . ۱۹/۷/۱۳۶۸.

۲- . ۲۴/۵/۱۳۷۴.

گوناگون اسلامی (فرق سنّی و فرق شیعه) - که هر کدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند - حقیقتا در مقابله با دشمنان اسلام، هم دلی و هم دستی و همکاری و هم فکری کنند. دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود.(۱)

شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتفاقی تکیه کنند و از جریحه دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امت اسلامی وجود دارد.(۲)

حقا وضع مسلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی تأسف انگیز است. بسیاری از توانایی های با ارزش علمی و فکری مسلمین در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. اشتباه نشود. اگر کسی برای اثبات مذهب علمی خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی کنم. هم شیعه، هم سنّی، هم هر مؤمن به نحله ای، به عقیده ای و به طریقه ای حق دارد طریقه خودش را اثبات کند. این چیز دیگری است. ما آن را رد نمی کنیم. آنچه که ما رد می کنیم تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است. این غلط است.

در بحث علمی، طبیعی است که هر کس عقیده ای دارد. اثبات آن عقیده، به معنای نفی و رد عقاید دیگری و استدلال بر عقیده خود است.



---

۱- . ۲۴/۷/۱۳۶۸.

۲- . ۱۹/۶/۱۳۸۲.

همه اینها مفهوم، قابل درک و قابل تحمل است. همین بحث ها هم همیشه دامنه تفکر را گسترش می دهد، تعمیق می کند و پیش می برد. مانعی ندارد، لیکن آنجایی که دو گروه، هر دو منتسب به اسلام و هر دو معتقد به مبانی اساسی واحد، در مقابل هم صف آرایی می کنند تا یکدیگر را محو کنند یا ضرر بزنند یا جریحه دار کنند، این فاجعه است. ما از این کار بایستی جلوگیری کنیم.(۱)

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «و لا تنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.(۲)

معنای اتحاد بین ملت های اسلامی، این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، هم سو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملت ها، سرمایه های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند.(۳)

وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای اینکه اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی



---

۱- . حدیث ولایت، دفتر مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۸، صص ۷۷ و ۷۸.

۲- . ۳۰/۵/۱۳۸۵.

۳- . ۲۴/۵/۱۳۷۴.

خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.(۱)

## محور وحدت تشیع و تسنن

وجود نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، بزرگ ترین مایه وحدت در همه ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه مسلمان هاست و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل های مسلمین و نزدیکی فرق اسلامی با یکدیگر به حساب می آید.

ابعاد شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارایه نماید. آنچه ما از برگزیده پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته ایم، سایه و شبحی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است؛ اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً حرکت آنها را به سمت کمال تضمین کند و قله انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیا آنها را به وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند. بنابراین، توصیه ما به همه مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاق آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار مأثور و منصوص است، کار زیادی بشود.(۲)

در بین حقایق و معارف اسلامی، چیزی که به این صورت مورد توافق آرا و عقاید و نیز عواطف همه مسلمین باشد، شاید نداشته باشیم یا خیلی نادر باشد؛ چون عواطف هم نقش زیادی دارد. به غیر از بعضی اقلیت ها و جمعیت های جدا شده از عامه مسلمین که به عواطف چندان اهمیت نمی دهند و کاری به محبت، توجه و توسل ندارند، عامه مسلمین،



---

۱- . ۱/۵/۱۳۷۶.

۲- . ۲۴/۷/۱۳۶۸.

با عواطف نسبت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله سر و کار دارند. بنابراین، وجود این بزرگوار می تواند محوری برای وحدت باشد.(۱)

آنچه به دنیای امروز ما ارتباط دارد، نکته ای است که من مکرر بر آن پامی فشارم و آن، این است که در بین فرق اسلامی - که امروز مسلمین خیلی گرفتاری و نابسامانی دارند و با آن دست به گریبان اند و باید از هر وسیله ای برای نجات خود از این گرفتاری ها استفاده کنند - یک نقطه وجود دارد که در آن نقطه، هیچ اختلاف بین آنها نیست. حتی در عقیده توحید هم که متفق علیه است، ممکن است کسانی تفسیر و حرفی داشته باشند که آن دیگری قبول نداشته باشد؛ اما در این نقطه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن، محبت و ارادت به نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است. این، یک نقطه اجتماع و اتحاد است و روی آن بایستی تلاش شود. ما قبلاً هم این را گفته ایم، بعضی از اصحاب همت هم تلاش کرده اند که بر این اساس، اجتماعی بین فرق مسلمین به وجود آید. امروز هم کسانی که اهل همت اند، باید بر این اساس بنشینند و مسلمین را به این نقطه وحدت، متوجه و متنبه کنند.(۲)

### ۱۹- اشاره

در بینش رهبر معظم انقلاب، همه مردم برای اتحاد تشیع و تسنن باید تلاش گسترده ای انجام دهند:

... شعار وحدت مسلمین، شعار درست و ضروری است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسئله استراتژیک می دانم. یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حال بگوییم مصلحت ما ایجاب می کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباطات داشته باشیم. مسلمانان به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه صحیح مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی یک مسئله اساسی قرار داده ایم. امام بارها فرمودند ارگان های مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس برنامه ریزی و طراحی و تلاش کردند و ماها هم سخنرانی کردیم.

بررسی سخنان ارزشمند مقام معظم رهبری با مفهوم و محور وحدت تشیع و تسنن آموزه های گران سنگی به دست می دهد.

نسبت وحدت شیعه و سنّی و وحدت ملی

نه می خواهیم بگوییم که شیعه، سنّی شود یا سنّی، شیعه شود و نه می خواهیم بگوییم که شیعه و سنّی به قدر توان و مقدورات خودشان، برای تحکیم عقاید خودشان کار علمی نکنند. اتفاقا کار علمی، بسیار خوب است و هیچ اشکالی ندارد. کتاب های علمی بنویسند؛ در محیط های علمی، نه در محیط های غیرعلمی، آن هم با لحن های بد و غلط. بنابراین، اگر کسی می تواند منطق خود را ثابت کند، ما جلوِ کار او را نباید بگیریم. اما اگر کسی می خواهد با حرف، با عمل و



---

۱- . ۲۴/۵/۱۳۷۴.

۲- . ۱۳۷۶/۵/۱.

با شیوه های گوناگون، اختلاف ایجاد کند، این را ما فکر می کنیم که در خدمت دشمن است. هم سنّی ها باید مراقب باشند و هم شیعه ها. «وحدت ملی» را که ما گفتیم، شامل این هم می شود.(۱)

### ۲۰- اهل بیت علیهم السلام

از جمله عواملی که می توانـد محور این وحدت قرار گیرد و همه مسـلمین می توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل بیت پیغمبر علیهم السـلام است. اهـل بیت پیغمبر علیهم السـلام را همه مسـلمین قبول دارنـد. البته شـیعه اعتقـاد به امـامت آنان دارد؛ غیرشـیعه، آنان را به معنای امامت در اصطلاح شیعی، امام نمی داند، لکن از بزرگان اسلام که می داند، خانواده پیغمبر که می داند، مطلع از معارف و احکام اسلامی که می داند. مسلمین باید در



---

۱- . ۶/۱/۱۳۷۹.

عمل به کلمات ائمه علیهم السلام و اهل بیت پیغمبر علیهم السلام، اتفاق کلمه کنند. این یکی از وسایل وحدت است.(۱)

## ۲۱- ولایت

ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، درهم پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه شئون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می کند. ولایت، یعنی پیوند. «وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ لَمْ یُهاجِرُوا ما لَکُمْ مِنْ وَلایَتِهِمْ مِنْ شَیْءٍ حَتّی یُهاجِرُوا.» (انفال: ۷۲) یعنی این. پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست.

پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، یک پدیده اجتماعی و یک حادثه تعیین کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کار کردن حاصل می شود؛ لذاست که در نظام اسلامی، «ولی» از مردم جدا نیست. ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می آید، یک جا هم به معنای پشتیبانی می آید که همه اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتحاد است و الا معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است.

اگر با این دید به جامعه اسلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می یابد که بسیاری از معارف اسلامی را برای ما معنی می کند. به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهت ولایت اللّه حرکت کردن است. همه ذرات عالم، خواه و ناخواه



---

۱- . ۲۴/۵/۱۳۷۴.

در چنبر ولایت الهی، در دایره ولایت الله قرار دارند و انسان های آگاه، مختار، تصمیم گیرنده و دارای حسن انتخاب، عملاً هم ولایت الهی را برمی گزینند و در آن راه حرکت می کنند؛ محبت الهی را کسب می کنند و خود از محبت پروردگار، پر می شوند.

صفای دنیای اسلام و محیط اسلامی و محیط معنوی، ناشی از همین ولایت اللّه است. این ولایت الهی، با ولایت خداوند در عالم سیاست و محیط سیاسی، تفاوت جوهری ندارد؛ حقیقت هر دو یکی است. لذا در نظام اسلامی، حکومت با محبت، با ایمان، با وحدت و هم دلی، همچنین با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت و با هم بودن اجزای مردم است؛ اینهاست که مصداق حقیقی ولایت را در جهان متشتّت و متفرق و متنازع، متمایز و مشخص می کند و نشان می دهد که این نظام اسلامی است.

وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام ولایت، باید تعاطف، هم دلی، تعاون و همکاری باشد؛ لذا شما در آیات کریمه قرآن هم که نگاه می کنید، می بینید این مسئله همکاری و هم دلی و همراهی، بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحا در این معناست، مثل «و اعتصموا بحبل الله جمیعا» و غیراینها. آیاتی هم هست که اگرچه به صراحت در این معنا نیست، اما مفاد و جهت حقیقی آن، اتحاد دل ها و جان ها و هم گامی انسان هاست و می دانید که امیرالمؤمنین علیه السلام، مظهر هم دلی یک رهبری سیاسی، یک حاکم سیاسی و یک ولی و امام، با آحاد مردم است. مثال زدنی تر از امیرالمؤمنین علیه السلام هم نمی شود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد - علی ولی الله - ولایت به معنای حقیقی این است ما از اول در نظام مقدس جمهوری اسلامی، به برکت وحدت و اتحاد، هر کاری کردیم و

توانسته ایم بکنیم.(۱)

### ۲۲- توجه به وحدت شیعی

... ما وظیفه داریم در کنار آن شعار و عمل به وحدت - که یک برنامه و یک عمل قطعی است - شیعه را در همه جای عالم به عنوان یک مجموعه متصل و ملحق به جمهوری اسلامی جمع کنیم. وقتی ما شعار وحدت اسلامی می دهیم، چرا شعار وحدت شیعی ندهیم و در داخل شیعه، به فکر ایجاد یک وحدت نباشیم؟

البته شیعه در نگاه وسیع تر، شیعه اثنی_fe'عشری، شیعه زیدی و شیعه اسماعیلی را شامل می شود که اینها در دنیا هستند و مشترکات زیاد و تأثیرات سیاسی هم دارند، ولی متفرقند... الان در هند و پاکستان و کشورهای عربی میلیون ها شیعه وجود دارد و غالبا اقلیت هایی هستند که به آنان فشار می آید؛ چه آن جاهایی که مسلمین در فشارند، چه آن جاهایی که حتی مسلمین در فشار نیستند، اما آنان در فشارند. بنابراین، جایی لازم است که از آنها حمایت بکند و آن اینجاست. اگر بخواهیم این مرکزیت را تثبیت و تحکیم کنیم، باید با شیعه دنیا تعارف داشته باشیم. آنان را بشناسیم، بیایند، بروند و بدانند که با جایی ارتباط دارند. ما از اوایل انقلاب، حتما از این کار غفلت داشتیم. این کاری که الان انجام می گیرد، کاری است که خیلی دیر دارد انجام می گیرد.(۲)

### ۲۳- خطر طایفه ای و ناسیونالیستی

مرتب باید خطرات تفرقه و اطماع استکباری، دشمن را از ایجاد تفرقه و تقویت گرایش های طایفه ای تذکر بدهیم. مرتب می خواهند گرایش های منفی را رواج بدهند. ما هم گرایش های مثبت داریم، هم گرایش های منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته به مجموعه ای می دانم. گرایش منفی یا نافی آن است که این وابستگی خودم را به معنای



---

۱- . ۲۷/۱/۱۳۷۷.

۲- . حدیث ولایت، ج ۴، صص ۹۷ - ۹۹.

لگدزدن به دیگران بدانم، مثل ناسیونالیسم منفی یا نافی.

ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است، اما به این معنا که چون من اهل اینجا هستم، پس بایستی علیه همه ملت های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم، این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به اینجا به جزئیت من از خانواده عمومی و جهانی را نفی کند. معمولاً این ناسیونالیست ها وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جا خیلی قوی می شود، این طوری هستند. علی ایّ حال، توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه ها مورد توجه باشد.(۱)

## ۲. انسجام اسلامی

### ۱- غفلت مسلمانان از نقطه قوت

رهبر فرزانه انقلاب معتقد است که سیاستمداران استعمار، هویت یک پارچه جهان اسلام را نشانه رفته اند. ازاین رو، همگان را متوجه به این توطئه می کند:

امت اسلامی از ملت ها و نژادها و پیروان مذاهب گوناگون تشکیل یافته است. این تنوع که با پراکندگی جغرافیایی در بخش حساس و مهمی از کره زمین همراه است، می تواند خود، نقطه قوتی برای این پیکره عظیم به شمار آید و میراث و فرهنگ و تاریخ مشترک آنان را در گستره ای پهناور، از کارآمدی بیشتر برخوردار سازد و انواع استعدادها و قابلیت های انسانی و طبیعی را در خدمت آن



---

۱- . حدیث ولایت، ج۴، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

به کار گیرد. استعمار غربی از آغاز ورود به کشورهای اسلامی، همین نکته را مدنظر ساخته و یکسره به تحریک انگیزه های تفرقه افکن پرداخته است. سیاستمداران استعمارگر به خوبی می دانستند که اگر هویت یک پارچه جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره سیاسی و اقتصادی آنان بسته خواهد شد. پس در تلاشی همه سویه و بلندمدت، به اختلافات در میان مسلمانان دامن زدند و زیر چتر این سیاست خبیثانه، از غفلت توده های مردم و سست عنصری زمام داران سیاسی و فرهنگی، بهره برداری کردند و کار خود را در تسلط بر کشورهای اسلامی پیش بردند.(۱)

### ۲- دفاع از سرمایه های دنیای اسلام

شاید علت اصلی هجمه دشمنان اسلام، وجود ذخایر غنی در کشورهای اسلامی باشد. این مهم در سخن رهبری این گونه مورد توجه قرار گرفته است:

امروز بیشترین منابع نفت که بی اغراق به منزله خون برای تمدن کنونی جهان است، در کشورهای اسلامی است. حساس ترین مناطق سوق الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورهاست. یک پنجم همه جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگ ترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه دار و علوم و معارف آنان، اولین گام های عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غربی ها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند.(۲)

ایشان در بیان دیگری فرمود:

امت اسلامی تنها به این جرم که چون در یک نقطه ثروتمند دنیا قرار گرفته است؛ چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف بر امکاناتی است که در این نقطه از دنیا به



---

۱- . ۸/۱۰/۱۳۸۵.

۲- . ۲۱/۱/۱۳۷۶.

وفور موجود است، مورد طمع و دست اندازی قدرت ها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را برای خودشان مجاز می شمارند؛ این وضع امت اسلامی است! آیا امت اسلامی در مقابل این دست اندازی قدرتمندانه نمی تواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما می توانیم دفاع کنیم. ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم. ما ثروت عظیمی داریم. ما انسان های برجسته و سرمایه معنوی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را می دهد. ما فرهنگ و تمدن با سابقه ای داریم که در دنیا کم نظیر است. ما خیلی امکانات داریم. بنابراین، بالقوه می توانیم دفاع کنیم، اما چرا دفاع نمی کنیم؟ چرا عملاً در میدان، کاری از ما برنمی آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانه های گوناگون ما را از هم جدا کرده اند. لشکر منظم عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروه هایی که همّ و غمشان مقابله و مبارزه با هم، ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجه زدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کرده اند. در این شرایط، معلوم است که این لشکر کارآیی نخواهد داشت.(۱)

برای به دست آوردن ثروت عظیم مسلمانان، تنها راه چاره، ایجاد تفرقه و جدایی بود که به فرموده رهبری، دشمن در این کار توفیق نسبی داشته است:

در آن دوران های تلخ و سیاه، قدرت های مسلط غربی، همه ابزارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی را برای تضعیف کشورها و ملت های مسلمان به کار گرفتند و تفرقه و فقر و جهل را بر آنان تحمیل کردند. غفلت و تنبلی و ضعف نفس بسیاری از رجال سیاسی، و مسئولیت ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی ما به آنان کمک کرد و نتیجه، غارت ثروت های ما، تحقیر و حتی انکار هویت ما و نابود شدن استقلال ما باشد. ما ملت های مسلمان روزبه روز ضعیف تر شدیم و چپاولگران زیاده خواه و سلطه طلب روزبه روز قوی تر.



---

۱- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

دشـمنان آن گاه که کشورهای اسـلامی را به منافع داخلی خود مشـغول کردنـد و آنان را آن گونه که باید و شاید، از توجه به کشورهای برادر بازداشـتند، قـدم بعـدی را در جـداسازی بعضـی از کشورهای اسـلامی از پیکر جهان اسـلام برداشـتند. سوگ مندانه باید گفت اندیشمندان اسلامی و به تبع آن، مسلمانان، در برابر این کار واکنش جدی نشان ندادند. در نتیجه، دشمن در اقدام خود گستاخ تر شد.(۱)

### ۳- حاکمیت اسلامی

اگر در جوامع و کشورهـای اسـلامی، علمـا و روشن فکران و متفکران و بزرگـان و پیش گامـان وحـدت، جهت حرکتشـان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفقی است و الا اگر این طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت های سرسپرده و بی عرضه، تابع و تسلیم باشـند، معلوم است که وحدت تضـمینی نخواهد داشت. شـما از این طرف، شعار وحـدت بدهیـد، جوش بزنیـد، غصه بخوریـد؛ از آن طرف، پول های به ناحق بـذل و خرج شـده و یک عـده آدم سسـت عنصـر قلم به مزد نوکر صـفت هم پیـدا می شوند و اندوخته های شـما را به باد خواهند داد و رشـته ها را پنبه خواهند کرد. این «مجمع التقریب بین المـذاهب الاسـلامیه» بایـد زمینه هـای تقریب را در جنبه هـای اعتقـادی، کلامـی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند، لیکن آن هدف اساسـی باید به یاد متفکران اسـلام باشد. دشـمنان اسـلام، این را نمی خواهند، اما آنچه که خدا می خواهد، آن خواهد شد. «و اللّه غالب علی امره».(۲)

ص: ۱۶۵

---

۱- . ۱۹/۱۰/۱۳۸۴.

۲- . ۱۶/۷/۱۳۶۹.

### ۴- فلسطین، مسئله دنیای اسلام

رهبر انقلاب درباره فلسطین یادآوری می کند:

به وضع دنیـای اسـلام نگـاه کنیـد! مـا سـال ها مسـئله فلسـطین را به عنوان زخم عمیق پیکر اسـلامی همواره به یاد خودمان می آوردیم. امروز عراق هم اضافه شـده است. ببینید که قدرتمندان با تکیه به زور چه می کنند. همه حرف های غیرمنطقی و غلط را با اتکا به زور و با اتکا به منطق سـلاح و قدرت سیاسـی و پولی به شـکل حرف قابل دفاع و منطقی در دنیا مطرح و عمل می کننـد. جرایمی را که در عرف همه ملت های جهان، جنایت و جرم است، علنی انجام می دهند و گاهی برای ظاهرسازی، نامی هم روی آن می گذارنـد، در حـالی که می داننـد کسـی آن را قبول نمی کنـد، امـا گاهی حتی اسم و نقابی هم روی آن نمی گذارند. دولت غاصب صهیونیست صریحا اعلام می کند که من زبدگان فلسطینی را ترور می کنم و دولت امریکا هم رسما و علنا از او حمایت می کند. این وضع نظام امروز جهانی است.(۱)

تا زمانی که کشورهای اسـلامی در پرتو اتحاد و هم دلی به کمک فلسـطین مظلوم و عراق متشـنج نشـتابند و شکست مسلمانان آنجا را سرشکسـتگی خود نپندارند، شاهد سـتم بی شمار نسبت به مسلمانان خواهیم بود. هر چند مسلمانان با چنگ و دندان و بدون سـلاح، از مبارزه با سـتم کوتاه نخواهند آمد، ولی چرا باید شاهد وارد آمدن زخم عمیق به پیکر سرزمین بزرگ اسلامی باشـیم. مسـلمانی به آن است که رنـج و انـدوه مسـلمانان را در همه جـای جهـان، درد و گرفتاری خود بـدانیم. ازاین رو، رهبر فرزانه انقلاب خواهان این هم دلی است:

امروز مسئله فلسطین، مسئله دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه ماست. اگر فلسطین در این صحنه رویارویی شجاعانه ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موفقیت همه دنیای اسلام است، اما



---

۱- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه ذلت روز افزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این مسئله را مسئله خود بداند. درست است که همه ما وظیفه شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم، اما حرف من امروز فراتر از وظیفه شرعی است. می گویم امروز هر حادثه ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هرجا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی – چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند – مربوط است و بر آنها هم اثر می گذارد. امروز ملت های مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده اند.(۱)

### ۵- مشکلات مجموعه عظیم امت اسلامی

گذشته از زخم عمیق بر این دو کشور مسلمان، کشور افغانستان نیز بر اثر تک روی و خودمحوری کشورهای مسلمان همسایه و منطقه، دچار جنگ های خانمان سوز داخلی شد. آن گاه به جنگ طالبان بی خبر از اسلام و انسان افتاد. اکنون نیز باید تاوان سه دهه جنگ و نابه سامانی را مردم این کشور پس بدهند. به طور کلی، مهم ترین ترفندهای دشمنان از دیدگاه رهبر انقلاب را می توان در موارد زیر جست وجو کرد:

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه عظیم – یعنی امت اسلامی – نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد نتواند از آن همه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه، ملت ها و کشورهای اسلامی از قافله دانش بشری عقب و از ثروت عظیم مادی خود، بی بهره و در مسابقه بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگ های بیگانه و در عرصه سیاست بین المللی، تابع دیگران و از لحاظ نظامی غالبا در معرض تجاوز و سرکوب قدرت های استکباری بوده باشد. این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بدکرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی را تشکیل می دهد که به عنوان ردیف های اول آن می توان اینها را برشمرد:

- «اختلافات فرقه ای» که بیشتر به وسیله



---

۱- ۴/۲/۱۳۸۰.

علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می شود.

- «اختلافات قومی و ملی» ناشی از ملی گرایی افراطی که بیشتر به دست روشن فکران وابسته دامن زده می شود.

- «تسلیم در برابر قدرت های مداخله گر» که برخی کشورها را به اقمار قدرت های بزرگ بدل ساخته است.

- «تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه های سیاسی یا عقیدتی».

- بی اعتقادی و بی اعتنایی برخی از دولت ها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان. و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرت های مسلط جهان و امروز مشخصا از امریکا.

- «حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه اسلامی» که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- «ترویج جدایی دین از سیاست» و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل حکومت، سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و ده ها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالبا با وجود ریشه های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می دادند، قابل علاج می بود، منشأ گرفتاری های کنونی جهان اسلام شده و درپی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرودستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه

و تعصب به ارمغان آورده است.(۱)

### ۶- حرکت های تفرقه انگیز در دنیای اسلام

با این همه مشکلات، بی جهت نیست که کشورهای مسلمان این گونه نسبت به سرنوشت هم بی اعتنا شده اند تا آنجا که بعضی از کشورهای اسلامی در دام توطئه های دشمنان اسیر شده و در برابر ستم به برادران مسلمان خود سکوت کرده اند. این هشدار در کلام رهبری چنین مورد توجه قرار گرفته است:

... شما ببینید قریب یک ماه است که دشمنان اسلام این طور جنایت کارانه به یک جمع مسلمان حمله می کنند - یک جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایت های جنگی، کشتار مردم بی دفاع، استفاده از سلاح های ممنوع و غیرقانونی - اما دولت های اسلامی، بخصوص برخی از دولت های عرب، دست روی دست گذاشته اند، دارند نگاه می کنند! این اشتباه، بسیار خسارت بار است.(۲)

دشمنان برای دست یابی به اهداف پلید خود سعی در عمیق کردن شکاف بین مذاهب اسلامی برآمده اند و گروهی از علمای منحرف را وسیله قرار داده اند تا با حکم به ارتداد و تکفیر بعضی از مذاهب، آنان را به جنگ داخلی بکشانند و در پرتو «تفرقه انداز و حکومت کن» در پی دست یابی به اهداف خود هستند.

### ۷- گناه تاریخی

امروز هر حرکت تفرقه انگیز در دنیای اسلام، گناهی تاریخی است. آنان که عنودانه، گروه های عظیمی از مسلمین را به بهانه های واهی تکفیر می کنند؛ آنان که با گمان های باطل، به مقدسات فرقه هایی از مسلمین اهانت می کنند؛ آنان که به جوان های از جان گذشته لبنان که مایه سربلندی امت اسلامی شدند، از پشت خنجر می زنند؛ آنان که برای خوش آمد امریکا و صهیونیست ها از خطر موهومی به نام هلال شیعی سخن می گویند؛ آنان که برای شکست دولت مسلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادرکشی را دامن می زنند؛ آنان که دولت



---

۱- . ۴/۲/۱۳۷۵.

۲- . ۱۷/۵/۱۳۸۵.

حماس را که محبوب و منتخب ملت فلسطین است، از هر سو زیر فشار قرار می دهند... چه بدانند و چه ندانند، مجرمانی به شمار می روند که تاریخ اسلام و نسل های آینده از آنان با نفرت یاد خواهند کرد و آنان را مزدوران دشمن غدار خواهد دانست.(۱)

### ۸- قدرتمندان، عامل جنگ های مذهبی

تا آنجایی که من در تاریخ یادم می آید، درگیری ها و تعارضات و جنگ های مذهبی بین مسلمین به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی عباس و آن جنگ هایی که بین مکاتب کلامی تازه تأسیس شده آن روزگار اتفاق افتاد و آن کشتارهای متقابل، گاهی این خلیفه بود، طرفدار این فکر بود، گاهی خلیفه دیگر بود، طرفدار فکر دیگری بود تا زمان های بعد، همواره دست هایی طرفداران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دست ها نبوده، آنها با هم سال ها در صلح و آرامش زندگی می کردند و هیچ مشکلی نداشتند. نمونه اش همین کشورهای اسلامی است که در آن فرق مختلف اسلامی با هم مشغول زندگی هستند. یک نمونه اش ایران، یک نمونه اش عراق و کشورهای دیگر. چه موقع خود مردم و معتقدان به اسلام در مقابل هم صف آرایی داشتند؟ چه زمانی با هم جنگیدند؟ به هر حال، ما باید گذشته را در حفاظ فراموشی بگذاریم و آن را «کأن لم یکن» (انگار که اصلاً نبوده) فرض کنیم.(۲)

ص: ۱۷۰

---

۱- . ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.

۲- . همان، ص۷۸.

### ۹- اختلاف، مانع سیادت و حاکمیت اسلام

در زمان حال برای اینکه مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش های مضاعفی انجام می گیرد. این تلاش ها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است. به تصور خیلی نزدیک به واقعیت، انگیزه تلاش های دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت اسلام - که امروز مراحل عملی نزدیک می شود - جلوگیری کنند. طبیعی است که اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند، با این اختلافات امکان پذیر نیست. فاجعه آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی، چه در یک کشور، چه در کشورهای متعدد اسلامی، فرقی نمی کند، به جان هم بیندازند.(۱)

### ۱۰- جنگ زرگری

اگر امروز مطبوعات یک کشور شروع به حمله به یک مذهب از مذاهب اسلامی کنند و مطبوعات کشور دیگر نیز متقابلاً به مذهب آنها حمله نمایند - یعنی همین دعواهای سیاسی را در قلمرو فکر مذهبی و دینی وارد کردن، و با پشتوانه فکر و تعصب دینی، گروه ها را به جان هم انداختن - این بزرگ ترین مانع است برای اینکه مسلمین، به فکر سیادت اسلام جامه عمل بپوشانند و بتوانند آن را تحقق ببخشند.(۲)

### ۱۱- محور وحدت جهان اسلام

مسلّم است که محور و اصول مشترک فراوانی میان مسلمانان وجود دارد، مانند توحید، نبوت، معاد، قبله، حج، مسجد و عبادت که هر یک از آنها می تواند محور وحدت و هم دلی قرار گیرد. پس باید روی مشترکات تأکید



---

۱- . همان، صص ۷۸ و ۷۹.

۲- . ۱/۷/۱۳۷۰.

شود:

## ۱۲– توحید مبنای وحدت اسلامی

بنای توحید - که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست - در وحدت است. تفکرات شرک آلود، انسان ها را هم تقسیم می کرد. جامعه ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. وقتی در یک جامعه شرک آلود، ربط انسان ها به مبدأ هستی و نیروی قاهر و مسلط عالم مطرح می شود، به طور طبیعی و قهری، در این جامعه انسان ها از هم جدا می افتند؛ یکی به یک خدا، دیگری به خدایی دیگر و سومی هم به خدایی دیگر. جامعه ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره جدایی غیرقابل وصل وجود دارد. درست به عکس آن، در جامعه توحیدی که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حیّ و قیومی و قاهری که همه حرکات و پدیده های عالم، مرهون اراده و قدرت او می باشد، یکی است، انسان ها - چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون های مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصلند، به یک جا متصلند و از یک جا مدد و کمک می گیرند. این، نتیجه قهری اعتقاد به توحید است. در این دیدگاه، نه فقط انسان ها به یکدیگر مرتبطند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبطند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه آنچه که انسان می بیند و احساس و درک می کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می گیرد.

اینکه در قرآن می فرماید: «یهدی به اللّه من اتّبع رضوانه سبل السّلام»، کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آنها را هدایت می کند و به راه های سلم و همزیستی سوق می دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعه اسلامی است. ولایت هم معنایش همین است. ولایت؛ یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است؛ یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولیّ - متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می کند و با آن معارضه می نماید. یعنی «اشدّاء

علی الکفّار رحماء بینهم»، لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است.

این مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق (جلّ و علا)، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی اثر می گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت (وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف) می سازد. این جوامع، نقطه مقابل تأثیر شرک و مشرکان و الهه شرک آفرین هستند.لذا هر جا در میان مؤمنین و بندگان صالح خدا، وحدت هست، آنجا توحید و خدا هم هست. هر جا بین مؤمنین و بین بندگان صالح خدا، اختلاف هست، آنجا قطعا شیطان و دشمن خدا حاضر است. هرجا شما اختلاف دیدید، جست وجو کنید، بدون دشواری، شیطان را در آنجا خواهید یافت یا شیطانی را که در درون نفوس خود ماست و نفس امّاره نام دارد و خطرناک ترین شیطان ها هم است، پیدا خواهید کرد. بنابراین، پشت سر همه اختلافات، یا خودخواهی ها و جاه طلبی ها و منیّت های ماست و یا شیطان های خارجی؛ یعنی دست های دشمن و استکبار و قدرت های ظالم و ستمگر. (۲۹/۹/۱۳۶۸)

اینکه بعضی ها به دنبال مطامع دنیوی خودشان، دچار زندگی مشقّت بار روحی و صفات ناپسندیده و رذایل اخلاقی و حرص و طمع و بخل می شوند، به خاطر دور ماندن از جهان بینی الهی و معنوی و توحیدی است که مردم را به جمعیت و وحدت دعوت می کند. جمعیت، در درون انسان هم شیرین و مطلوب است. در متن جامعه و در سطح عالم هم همین طور است. (۱۸/۷/۱۳۷۵)

در دین مقدس اسلام، وحدت یک اصل اساسی است. از ذات مقدس باری تعالی - که اصل و مظهر وحدت و یکتایی است - بگیرید، تا آثار این وحدت که توجه همه عالم وجود، به سمت آن مرکز عظیم و عالی است - کل الینا راجعون - و همه به سمت ذات مقدس پروردگار حرکت می کنند: «الی اللّه المصیر». (۱۸/۷/۱۳۷۵)

بزرگی در چند ده سال قبل فرموده بود: «بنی الاسلام علی دعانتین: کلمه التوحید و التوحید الکلمه». این

دو پایه اساسی اسلام است: اول کلمه توحید، بعد وحدت کلمه که این دومی هم به اولی برمی گردد؛ یعنی وحدت کلمه بر محور توحید. (۲۱/۴/۱۳۷۷)

### ۱۳- انقلاب شیعی یا اسلامی؟

البته بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف افکنی شدت پیدا کرده است؛ چون از انقلاب اسلامی و حیات مجدد اسلام می ترسند. اسلام قوی است. قوّت و معنویت اسلام آن چنان است که اگر به شرایطش عمل بشود و واقعا اسلام پیاده گردد، قدرت های دنیا و تخت ها را می لرزاند. آنها از این می ترسند و به همین خاطر نمی خواهند بگذارند قوّت و معنویت اسلام زنده بشود. یکی از طرق مبارزه با این پدیده ای که برای آنها به شدت ترسناک می باشد، همین است که اینجا را از بقیه مسلمانان غیرشیعی دنیا ایزوله کنند و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شیعی وانمود نمایند و دعوای بین شیعه و سنّی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می دهند، آن را متوقف کنند.(۱)

### ۱۴- تفرقه شیعه و سنّی، سمّ مهلک دنیای اسلام

یکی از مهم ترین جنبه های اختلاف مسلمانان، اختلاف میان شیعه و سنّی است. دشمنان اسلام امروزه به این نتیجه رسیده اند که تنها حربه ای که می تواند میان مردم مسلمان اختلاف ایجاد کند، دامن زدن به مسئله شیعه و سنّی است. این موضوع به اندازه ای اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب بارها و در مناسبت های گوناگون، آن را گوشزد کرده و همواره مسلمانان را از توطئه خطرناک دشمنان آگاه ساخته است. ایشان در سخنی می فرماید:

سهم مهلک دنیای اسلام، تفرقه است. این تفرقه، ملت ها را از هم جدا می کند؛ دل ها را از هم جدا می کند. الان دشمن، و همین سرویس های جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق یک عده ای را تحریک می کنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ ناامنی ایجاد کنند و این ناامنی را وسیله ای قرار می دهند



---

۱- ۵/۱۰/۱۳۶۸.

برای اینکه پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. امریکا برای ماندن در عراق، بهانه لازم دارد و این بهانه، ناامنی است. آنها برای اینکه دولت عراق نتواند به خدمات لازم بپردازد، این اوضاع ناامن را در کشور به وجود می آورند تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می آورند: دل سنّی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنّی آن چنان چرکین می کنند که نتوانند با این همه مشترکات کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی فهمیم؟(۱)

ایشان در کلامی دیگر فرمود:

مسئله شیعه و سنّی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمین گیر کردن امت اسلامی است. هم سنّی ها بدانند، هم شیعه ها بدانند؛ همه در ایران و در دنیای اسلام این را بدانند که اختلاف شیعه و سنّی یکی از ابزارها و چماق های دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده می کنند. آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، یک عده ای را با این شعار، با این تبلیغات که اینها سنّی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی می کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه لبنان زیر فشار است، به یک عده ای می گویند شما سنّی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می گذارند، نه به سنّی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.(۲)

توجه به جنبه های مختلف سخنان رهبری، عمق توطئه دشمنان را در گسترش دادن اختلاف میان تشیع و تسنن چنین می نمایاند:

در عراق، شیعه و سنّی قرن ها کنار هم زندگی کرده اند. چه قدر فامیل های شیعه و سنّی با هم خویشاوند و قوم و خویشند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل



---

۱- . ۱۷/۵/۱۳۸۵.

۲- . ۱۷/۵/۱۳۸۵.

مطرح نبوده است. زمان عثمانی ها دولت و حکومت به شیعه زور می گفتند و اذیت می کردند و زمان صدام و زمان های دیگر هم کم و بیش همین طور بوده، اما مردم شیعه و سنّی با هم کاری نداشتند. امروز می خواهند مردم را به جان هم بیندازند.(۱)

امروز انسان متأسفانه می بیند که حرف های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاست مداران دنیای اسلام تکرار می شود. همان چیزی که آنها می خواهند، اینها تکرار می کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنّی و اختلافات فرقه ای دنیای اسلام دامن می زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می خواهند. باید با این کار مقابله کرد.(۲)

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است و مخصوص شیعه و سنّی هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنّی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می رسد؛ دست به گریبان می شوند. علما می نشینند با هم حرف می زنند و بحث می کنند، لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می کنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده. همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می کردند که مانع بشوند. علما و زبدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد، لیکن از یک دوره ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن



---

۱- . ۲۱/۷/۱۳۸۵.

۲- . ۳۰/۵/۱۳۸۵.

«استعمار» بود. نمی خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده، نه، احساساتِ خودشان هم دخیل بوده. بعضی از جهالت ها، بعضی از تعصب ها، بعضی از احساسات، بعضی از کج فهمی ها دخالت داشته، لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.(۱)

امروز اصرار استکبار در دنیای اسلام بر ایجاد تفرقه است. راه های دیگر را رفتند، اما ناکام ماندند. شما ملاحظه کنید امریکا در دو سه تصرفی که در منطقه خاورمیانه کرد، در همه بی استثنا شکست خورد. نه در عراق، نه در لبنان، نه در افغانستان و نه در فلسطین، آن مقصودی که امریکای مستکبر دنبال می کرد - آن هم با هزینه های بسیار سنگین و انبوه (پول، سلاح، نیروی انسانی و سیاست) - برای اینکه بتواند مقاصد خودش را در این چهار نقطه تحقق ببخشد، نتوانست و در هر چهار نقطه ناکام ماند؛ به مقصودهایش نرسید و دارد سختی های شکست را مزمزه و احساس می کند. یک روزی - سه، چهار سال قبل - ما این حرف ها را می زدیم، اما امروز خود امریکایی ها می گویند و خود سیاست مدارانشان هم این را تکرار می کنند. بنابراین، از راه های دیگر دستشان بسته شده است.(۲)

استکبار می خواست دولت ها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولت ها هشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود، اما بعضی از دولت ها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملت ها هم مسئله اختلافات فرقه ای و اختلافات شیعه و سنّی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتاب های زیادی نوشته شد. عده ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها که به



---

۱- . ۲۵/۱۰/۱۳۸۵.

۲- . ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.

این کتاب ها و به این اشکال ها و دشنام ها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسئله این است.(۱)

سیاست استکبار ایجاد جنگ بین فلسطینی و فلسطینی است؛ بین عراقی و عراقی است؛ بین مسلمانِ شیعه و مسلمانِ سنّی است؛ بین جامعه عربی و غیرعربی است. این، سیاست های آشناست. این را اول باید همه علاج کنند. ما به سهم خود، وحدت را بین امت اسلامی یک ضرورت می دانیم... اینکه امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت می کرد. فکر نمی کرد که «مذهب من چیست؟» «من سنّی ام، او شیعه است»، «او سنّی است، من شیعه ام»...

این حالت برای دشمن، حالت مضری است. دشمن می خواهد این را بشکند. حال اگر دوست، این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرت های استکباری، خود من و شما، با حرف زدنمان، با نوشتنمان، با گفتنمان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنّی، سنّی را از شیعه جدا کنیم، چه می شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می رسد به فرقه های سنّی؛ این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می رسد به شیعه؛ این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا می کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ اینکه امام این قدر روی مسئله «وحدت» تکیه می کردند، برای این است که این، یک مسئله احساساتی نیست. این یک مسئله عقلانی است. هر کس به مقدسات آن فرقه دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه دیگر برخورد کند، به هر اندازه که برد کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می خواهد باشد.(۲)



---

۱- . ۱۳/۵/۱۳۷۵.

۲- . ۱۴/۶/۱۳۷۲.

در عین اینکه دولت ها و قدرت ها و اداره کننده گان جهان، برای مصالح دولت ها و مسائل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می روند، تمام تلاش های استکبار در جهت تضعیف ملت ها و به خصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می رود. شیعه و سنّی که مسئله امروز نیست؛ قرن هاست که در اسلام، شیعه و سنّی وجود دارد. در خود مذهب سنّی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی، دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته بندی هایی که در تسنن هست، همان ها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته بندی ها و فرقه بندی ها یا بر اثر سوء سیاست و یا بر اثر سوءفهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست، اما شما ببینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه قدر تلاش می شود.(۱)

### ۱۵- غدیر، مایه برادری مسلمانان

محور دیگری که استکبار برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام به آن توجه دارد، شناخت حساسیت ها و مقدسات مذاهب مختلف است. دشمن با توجه به این حساسیت، عوامل خویش را وامی دارد تا به این حساسیت ها دامن بزنند.



---

۱- . ۵/۱۰/۱۳۶۸.

گروهی از پیروان مـذاهب نیز کـه قـدرت تجزیـه و تحلیـل ندارنـد، بـا تعصـب خـاص خـود در خطر تـوطئه قرار می گیرنـد و اختلافات مذهبی را تشدید می کنند. رهبر معظم انقلاب در پرده برداری از این توطئه می فرماید:

یک نکته که در کنار این لازم است پیروان اهل بیت علیهم السلام و نیز همه مسـلمانان در نظر داشته باشند، این است که ما از حادثه و واقعه غدیر - که نشانه عظمت اسـلام و جامعیت اسـلام است - به عنوان وسـیله ای برای تضعیف اسلام استفاده نکنیم. این را من بـالخصوص امروز و این روزهـا موظفم و مقیـدم که به همه ملت عزیزمـان و همه مسـلمان هـا در هر نقطه دنیا عرض بکنم که مراقب باشـند امروز برای تضـعیف اسـلام، دشـمنان به دنبـال همین نقطه خـاص، همین چیزی که منشأ عظمت اسـلام است، هسـتند؛ یعنی مسـئله شـیعه و سنّی، قبول غـدیر و انکار غـدیر. دشـمن می خواهد مسـئله غدیر را یک مایه برادرکشـی و جنگ و خون ریزی قرار بدهد، در حالی که غدیر می تواند وسیله ائتلاف و برادری مسلمان ها با هم باشد.(۱)

این معنـا مسلّم است که قضـیه غـدیر هیـچ گـونه جنـگ و دعوای بین پذیرنـده و نپذیرنـده به وجود نمی آورد و اختلافـات را ایجاب نمی کند. برای شـیعیان هم همین طور است. شیعیان هم خدا را شکر کنند که از طرف پروردگار به نعمت این اعتقاد و معرفت متنعم شدنـد. آن برادرهایی هم که این حقیقت را قبول نکردند، یا مراجعه نکردند، یا اطلاع ندارند و یا نتوانسـتند ذهن هایشان را قانع کنند، آنها هم اعتقادی ندارند. این، اختلاف و درگیری را ایجاب نمی کند.(۲)

ص: ۱۸۰

---

۱- . ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.

۲- . ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.

### ۱۶- بیداری مسلمانان

ما بایـد بیـدار باشـیم؛ هم شـیعه، هم سنّی بایـد بیـدار باشـند به خصوص علمـا. مردم دور از محیـط علمایی ممکن است دچار توهماتی بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند، اما علما نمی توانند در این قضیه بی تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اینها عوامند، ما که نمی کنیم. نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند. امروز بیداری اسلامی شروع شده، عزت اسلامی آشکار شده، هزیمت دشمن در میدان های مختلف روزبه روز بیشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطین شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد و در هیچ کدام از اینها به مقاصد و اهداف خودش نرسید.(۱)

### ۱۷- وحدت بین گروه های جهادی افغانستان

گاهی دشـمنان حتی به صـفوف متحـد مسـلمانان که برای مبارزه با دشـمن مشترک گرد آمـده اند، نفوذ می کنند و آنان را از هدف اصلی منصرف و به خودشان مشغول می کنند. نمونه این امر را در طول سالیان، در افغانستان مظلوم شاهد بودیم. مسئله وحدت بین شـما برادران شیعه یک امر ضروری است، همچنان که بین همه مسلمین و بین همه مجاهدان در افغانستان ضروری است. منتها «ما لا یدرک کلّه لا یترک کلّه.» اگر در راه یک هماهنگی کاملاً مخلصانه بین همه نیروهای جهادی در افغانسـتان، موانعی وجود دارد، لااقل بین شـما برادران شیعه بایستی موانع برداشته شود و این قدمی برای همکاری در چارچوب وسیع تری باشد. لذا وحدت چیز ضروری ای است. نمی شود گفت چیز مستحسن است، فوق مستحسن است. نباید هم خودمان برای این وحدت، این قدر شرط و شروط قائل بشویم که تحقق پیدا نکند. وحدت، وحدت است دیگر و همکاری؛ یعنی همکاری والّا اگر همین موضوعی که حسنش این است که متفق علیه همه است، برایش شرط و شروط و موانع قائل



---

۱- ۲۵/۱۰/۱۳۸۵.

شدیم و هر کسی از یک طرف سر در آورد و گفت نه، فلان جهت را هم باید رعایت کنید، آن یکی هم گفت: فلان جهت هست، اینکه دیگر وحدت نشد.(۱)

## ۱۸- ایجاد اختلاف در عراق

امروزه دشمن، تجربه تلخ افغانستان را این بار با نقشه ای دیگر در عراق به کار گرفته است. باید دانست همان گونه که میکروب ها بر بدن ناسالم زودتر تسلط می یابند، دشمنان نیز اگر کشوری را در دام اختلاف داخلی بیندازند و مردم آن سرزمین را تضعیف کنند، روزبه روز بر دامنه توطئه های خود می افزایند. آن گاه با برنامه ریزی غیرمستقیم، مردم را درمقابل هم قرار می دهند و تمام مقاصد خود را در پرتو این توطئه شوم به دست می آورند. رهبر انقلاب در مورد عراق می فرماید:

در عراق هم دارند همین مسئله مردم در مقابل مردم را دنبال می کنند. واقعیت آنجا اشغالگرانی است که آمده اند و در همه امور - در دولت، در مجلس، در امور ریاست جمهوری، در امور نخست وزیری، در امور مالیه، در امور امنیت - دخالت های بی جا و بی مورد می کنند و از همه اینها بدتر و خطرناک تر، اینکه به حکم شواهد فراوان، تروریسم را در عراق ترویج می کنند. یعنی قصد دارند به اسم شیعه و سنّی، مردم را در مقابل مردم قرار دهند. سنّی را نسبت به شیعه به نحوی بدبین کنند، شیعه را هم نسبت به سنّی به نحوی بدبین کنند. این را به خون او تشنه کنند، او را درصدد انتقام گیری از این تحریک بکنند. این سیاست امریکایی ها در عراق است. امروز برادران عراقی ما به شدت به اتحادی احتیاج دارند که ناشی از درک این حقیقت باشد که دشمن می خواهد واقعیت مردم در مقابل اشغالگر را به مردم در مقابل مردم در عراق تبدیل کند. در کل منطقه هم همین طور است. این سیاست قدیمی اختلافات مذهبی و فرقه ای، امروز زنده شده است که البته متخصص آن هم انگلیسی ها هستند.این کار را به امریکایی ها هم یاد



---

۱- . حدیث ولایت، ج۴، ص۸۹.

دادند؛ اختلاف افکنی بین شیعه و سنّی، به هر نحوی که بتوانند. همه باید متوجه باشند.(۱)

### ۱۹- ضرورت اتحاد مسلمانان

اگر مسلمانان هشیار باشند و در محور حبل الله گرد آیند و بی جهت به اختلافات جزئی خود دامن نزنند، دشمنان هیچ گاه توفیقی به دست نخواهند آورد. امروز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری، به وحدت و هم بستگی نیاز دارد، همان گونه که در جنگ احزاب تمام دشمنان در مقابل مسلمانان قرار گرفته بودند، اینک نیز باطل در ضربه زدن به مسلمانان متحد و متفق عمل می کند. بنابراین، تا دیر نشده این توصیه رهبر فرزانه باید جدی گرفته شود:

وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه ترین راه این است که همه به فکر بیفتند و دست ها را در دست هم بگذارند. توصیه و مطالبه جدی ما از دولت ها و ملت های اسلامی این است که روی این مطلب فکر و کار کنیم که زحمت و مقدماتی دارد؛ باید مقدماتش تأمین شود.(۲)

مسئله اتحاد بین مسلمین یک امر جدّی است. با این مسئله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می گذارد. نباید بگذارید دیر شود.(۳)



---

۱- . ۳۰/۵/۱۳۸۵ .

۲- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

۳- . ۲۴/۵/۱۳۷۴.

## ۲۰- برادری اسلامی

اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند. نگفته است برادرانی که سنّی اند یا شیعه اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان «انّما المؤمنون اخوه» هستند. هر کسی به این کتاب، به این قرآن، به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی می کنیم برای زدن به سینه برادران! در همه بخش ها هم مقصرینی هستند. جلوی اینها را باید گرفت و با اینها باید مقابله کرد.(۱)

البته اگر بخواهیم به وحدت و هم دلی برسیم، نیاز نیست به گذشته ها برگردیم و اختلاف و درگیری هایی را که با توطئه دشمنان میان مسلمانان ایجاد شده بود، آیینه دیدگان خود قرار دهیم. رهبر انقلاب به این نکته اساسی چنین توجه دارد:

سال ها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنّت صحبت می کردم، به آنها می گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنّی و سنّی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست، بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خون ریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد. اگر کسی مخلصا للّه احساس می کند که باید



---

۱- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد.(۱)

### ۲۱- وظیفه جامعه تشیع و جامعه تسنن

جامعه شیعه بایـد با متانت راه خودش را ادامه دهـد. ما «الحمـدللّه الـذی جعلنا من المتمسّـکین بولایه امیرالمؤمنین» را رها نمی کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السـلام - که نعمت بزرگ خـداست - را محکم نگه می داریم، اما با کسـی که به این حبـل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی کنیم. این وظیفه جامعه تشـیع است. آنچه که دشـمن می خواهـد، این است که با هم اختلاف کنیم.

وظیفه جـامعه تسـنن هم همین طور است. برادران اهـل تسـنن هم بداننـد که نقشه دشـمن، ایجـاد اختلاف است، ایجاد تعصـب است، برادرکشـی است؛ به کمتر از برادرکشـی هم راضـی نمی شونـد. ببینیـد الا‌ـن در بغـداد و شـهرهای مختلف عراق چه می کننـد! مسـجد شـیعه، مسـجد براثا، حرم مطهر امامین عسـکریین علیهماالسـلام، مسـجد کوفه، هرجا دسـتشان برسـد، هرجا یک جمعی که فکر می کننـد آنها شـیعه انـد، آنجا انفجارات درست می کننـد و انسان های بی گناهی را به قتل می رسانند. این را دشـمن می خواهد. دشـمن دارد آنها را تغذیه مالی می کند. سرویس های جاسوسی امریکا و اسرائیل پشت سر این گروه های افراطی و تکفیری هسـتند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست، اما رؤسایشان می دانند. این را امریکا می خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند.(۲)

متأسفانه شماری از علمای خشک اندیش و سطحی نگر با جمود فکری خود، کمک بزرگی به دشمنان اسلامی می کنند:

آن روحـانی نمـایی که در یـک کشـور دور دست، به عنـوان خطبه جمعه یـا غیرجمعه می ایسـتد و به جـای اینکه به امریکـا و اسرائیل و دشمنان



---

۱- . ۵/۱۰/۱۳۶۸ .

۲- . ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.

دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه ای از فرق مسلمین حمله می کند، این کار ساده و بی مقدمه و بی ارتباط به حیات دوباره اسلام نیست. آن کسی که علنا و آشکارا، مقدسات فرقه ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدف های مشخص و تعریف شده استکبار است. روی این برنامه ریزی و کار و سیاست گذاری می کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می کنند.(۱)

ایشان در جایی دیگر در این باره می فرماید:

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می دانند، خارج می کنند، تکفیر می کنند. این گروه های تکفیری نادان - حقیقتا مناسب ترین صفت برای اینها نادانی است - اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم ترین خصوصیت اینهاست.(۲)

### ۲۲- دشمن شناسی

جهان اسلام همواره از دست افراد خودی آسیب های جدی دیده است:

اینجاست که مسئله اتحاد و وحدت اسلام و تفاهم اسلامی معنا پیدا می کند. ببینید این قضیه چه قدر مهم است! ببینید این مسئله برای فردای دنیای اسلام، چه قدر حایز اهمیت است! این قضیه ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام حساب کنند. من به همه می گویم؛ هم به اهل سنّت، هم به شیعه، هم به کتاب نویسان، هم به شعرا، هم به مطبعه چی ها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند، حرفی می زنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی



---

۱- . ۱۳/۵/۱۳۷۵.

۲- . ۲۵/۱۰/۱۳۸۵.

جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهم است. همه مخاطب به این کلامند. شیعه و سنّی ندارد. فرقی نمی کند؛ ایرانی و غیرایرانی ندارد.(۱)

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامی شان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشاند یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می کند و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است.(۲)

### ۲۳- درس آموزی از تجربه ها و ضرورت اتحاد مسلمانان

امروز گاهِ اتحاد و هم دلی است. آیا وقت آن نرسیده است تا با هوشمندی، از توطئه های بیگانگان آگاه شویم و به سوی وحدت و انسجام گام برداریم. آیا این اندازه خسارت های جبران ناپذیر جانی و فرهنگی کافی نیست:

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی و پیشرفت ملت های ما در میدان های دانش و سیاست و نوآوری را بزرگ ترین مانع سلطه و سیطره جهانی خود می شمارد و با همه توان با آن می ستیزد. تجربه دوران استعمار و نو استعماری پیش روی ما ملت های مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرا نوین است، باید از آن تجربه ها درس بیاموزیم و بار دیگر برای مدت طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلط نکنیم.(۳)

امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام، به وحدت احتیاج دارد. کدام منطق است که در مقابل این مسائل بتواند مقاومت کند تا اختلاف ایجاد شود؟ وحدت بر همه ضرورت ها و اولویت ها ترجیح دارد و از آنها اولی تر و



---

۱- . ۱۰/۵/۱۳۷۶.

۲- . ۱۲/۱/۱۳۷۷.

۳- . ۱۹/۱۰/۱۳۸۴.

مقدم تر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی فهمیم؟ بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه حساسی است. اگر دشمنان بتوانند با اعمال قدرت این منطقه را تصرف کنند، دنیای اسلام باز هم مثل دوران استعمار صد سال دیگر عقب خواهد افتاد و صد سال دیگر فاصله امت اسلامی با دنیای مدرن و صنعتی بیشتر خواهد شد. ما باید جوابش را بدهیم. امروز ما مسئول هستیم. امروز دولت ها، نخبگان، زبدگان، رجال فرهنگی و دینی مسئولند؛ همه ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسئولیم.(۱)

### ۲۴- وظیفه علما، روشن فکران

علمای اسلام، روشن فکران مسلمان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان در دنیای اسلام، امروز وظیفه دارند تا آنجایی که توان آنها اجازه می دهد شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ابعاد عظمت این وجود بزرگ را برای مسلمانان و غیرمسلمانان ترسیم کنند. این امر به اتحاد امت اسلامی و به خیزشی که امروز در نسل های جوان امت اسلام به سوی اسلام مشاهده می شود، کمک خواهد کرد.(۲)

قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می گوید: «تَعالَوْا إِلى کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئًا.» آن وقت فرقه های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلّمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند



---

۱- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

۲- . ۳۱/۳/۱۳۷۹.

برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض ورزیِ غرض ورزان و غفلتِ غافلان نیست؟ هرکسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذه است؛ چه شیعه باشد، چه سنّی.(۱)

### ۲۵- حج، فرصتی برای اتحاد اسلامی

نباید از نیروی عظیم و مناسک حج غافل ماند. کنگره ای که تمام مسلمانان از هر نقطه ای از دنیا مجتمع می شوند و یک رنگ، یک صدا و یک دل رو به سوی معبود و پیامبر بزرگوار اسلام می آورند. آنجاست که خود را واحد می بینند و بیشتر اعمال و رفتار خود را یکسان می یابند. بنابراین، در این ایام باید سرمایه گذاری بیشتری برای دست یابی به وحدت اسلامی انجام گیرد. رهبر انقلاب این همایش بزرگ مسلمانان را فرصتی ارزشمند برای ایجاد وحدت می شمارد:

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج استفاده ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانان مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیدا کردن با هم نداشته اند. مدت ها بود که مسلمانان خواب بودند، غافل بودند؛ نوری نبود، برقی نبود، بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند؛ گرفتاری بود، اما نه آن قدر که مایه تنبه و بیداری شود و آن گرفتاری ها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود گذشت، درحالی که اجتماع حج برایشان فایده ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملت های در خواب غفلت نگه داشته شده و غافل از وضعیت خود، به فکر این بودند که گلیمشان را از آب حج بیرون بکشند و واجبشان را انجام بدهند و بروند. یک مدت، چنین بود. امروز هم مسلمانان به خاطر گرفتاری هایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده اند، نهایت احتیاج را به هم فکری و همکاری دارند. این همکاری و هم فکری، امروز ممکن است؛ لکن در گذشته، ممکن نمی شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن



---

۱- . ۱۷/۵/۱۳۸۵ .

استفاده کرد.(۱)

یکی دیگر از شرایط، همین «مسئله اتحاد مسلمین» است. حج باید آیینه اتحاد باشد، نه آیینه اختلاف. اگر قرار باشد ما همه یک جا جمع بشویم تا در آنجا یکی به یکی بگوید تو بدی، آن دیگری بگوید تو بدتری؛ این چه جمع شدنی است! اگر اختلافی هم وجود دارد، جای بروزش آنجایی نیست که خدای متعال فرموده است: جمع بشوید تا «لیشهدوا منافع لهم» که منافع خودشان را در آنجا به دست بیاورند. بعضی ها - حالا نگاه خوش بینانه همین است که بگوییم کج سلیقگی است، والا اگر به چشم بدبینانه نگاه کنیم، حرف های دیگر هم می شود زد - حج را جایی قرار می دهند برای دندان نشان دادن و لج کردن و چهره درهم کردن نسبت به اختلافات فرقه ای و طایفی؛ شیعه و سنّی را آنجا مقابل هم قرار دادن. چه قدر باید به ما بگویند تا باور کنیم که امروز بیش از گذشته اختلافات شیعه و سنّی یکی از محورهای اساسی است که دشمنان اسلام دارند رویش سرمایه گذاری می کنند. حاضرند پول های کلان خرج کنند که شیعه را علیه سنّی و سنّی را علیه شیعه تحریک کنند. یک عده بی عقل هایی هم هستند که بدون اینکه از این پول های کلان هم بگیرند، برای استکبار همین هدف را مفت و مجانی تأمین می کنند. خوب چرا؟ این خطایی است که معلوم نیست خدای متعال از آن بگذرد.(۲)

خدای متعال همه مسلمان ها را در یک مرکز واحدی جمع کند که واضح ترین منافع آن، برادران از هم جدا شوند و هر کس به گونه ای عمل کند. اینجا باید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد.(۳)



---

۱- . ۸/۲/۱۳۷۲.

۲- . ۱/۹/۱۳۸۵ .

۳- . ۱۶/۲/۱۳۷۱.

دشمنان نیز چون می دانند مسلمانان در این ایام به هم نزدیک تر می شوند، از هیچ کوششی برای تفرقه و جدایی فروگذار نمی کنند:

در این مجمعی که برای احساس یگانگی به وجود آمده، ما بنا کردیم در این گوشه و آن گوشه، به سر و کله هم زدن و اختلاف را تشدید کردن! این لج کردن با خدا نیست؟! ما - نه فقط تحلیلا، از روی اطلاع عرض می کنم - می دانیم که در خود آن مراکز، دست های استعمار کسانی را گماشته اند تا اینکه این اختلافات را تشدید کنند؛ یعنی آنجا افراد مأموری هستند که اصلاً مأموریتشان همین است که یک بهانه کوچکی از یک شیعه ای پیدا کنند، جنجال راه بیندازند، تکثیر کنند، فحش بدهند، اهانت کنند و دعوا راه بیندازند. اگر هم خبر نداشتیم، تحلیل هم این را نشان می داد. دلیلی نداشت که دشمنان وحدت اسلامی از این فرصت و امکان عظیم حج برای این مقصود استفاده نکنند. خبر هم داریم که چرا، افرادی را هم برای این کار اجیر می کنند. مراقب باشید در این دام نیفتید. ایرانی چه شیعه اش و چه سنی اش مراقب باشد در این دام نیفتد.(۱)

خداوند حکیم عزیز را حمد سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گرد آمدن در خانه خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گل دسته تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بت های جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت اللّه را که سدنه کعبه و خدمه مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آن مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت. حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان



---

۱- . ۱/۹/۱۳۸۵ .

قرارداد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه خود به آن دچار می شوند، مانند: بیگانه گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدبینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه های دشمنان دوباره اسلام و مسلمین و بسی بیماری های مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط نااهلان و از خدا بی خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرن های اخیر، با حضور قدرت های استعماری بیگانه در منطقه یا دست نشاندگان فاسد و دنیاپرستان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است.

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه ای خاص و در زمانی خاص فرامی خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر هم زیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب هایی در کنار یکدیگر مجتمع می سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه گری آن را می یابند و افسون تحقیر - که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست - در آنان نمی گیرد. با احساس این عظمت است که دولت های مسلمان با تکیه بر مردم خود، از تکیه بر قدرت های بیگانه خود را بی نیاز حس می کنند و این فاصله مصیبت بار میان ملت های مسلمان با دستگاه های حاکم بر آنان پدید

نمی آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز - یعنی احیای احساسات افراط آمیز ملی گرایی - این فاصله وسیع و عمیق میان ملت های مسلمان را پدید نمی آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه وجودی آن می گردد و به جای آنکه هر قومیتی، وسیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت های دیگر شود، وسیله ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می گردد.(۱)

بت های بزه کار استبداد و استعمار، حکم رانان از خدا بی خبر و قدرت های سلطه گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حج با مضمون سازنده و روشن و الهام بخش، به شدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته اند. آنها تبلیغات دامنه دار و خصمانه ای را به وسیله آخوندهای درباری و ریزه خوارن سفره عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و با هیاهو و جنجال خواسته اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه عبادات فردی نیست؛ غافل از آنکه هر انسان اندکی هوشمند هم به وضوح درمی یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جدا افتاده و هم صدایی صاحبان زبان ها و نژادها و ملیت ها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حبل الله با حالت طبیعی در حج منظور نمی بود و فقط عبادت و رابطه جداگانه انسان ها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از «کلّ فجّ عمیق» و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودن این راه، چرا؟ و حضور در مکه و سپس در عرفات و مشعر و منا، آن هم در ایام معدودات و روزها و ساعات معین برای همه مسلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه واحد،



---

۱- . ۲۶/۳/۱۳۷۰.

چرا؟(۱)

## ۲۶– دنیای اسلام، نیازمند تقریب

افزون بر نمادها و محورهای عملی، جهان اسلام نیازمند تقریب بین مذاهب است. رهبر فرزانه انقلاب تشکیل تقریب را از نیازهای اساسی وحدت می شمارد:

امروزه تقریب یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود. این خلأ زمان است - بیش از همه زمان های دیگر - ما باید آن را پر کنیم. خوشا به حال انسان هایی که بتوانند خلأ زمان خودشان را پر کنند خواستِ لحظه را بفهمند و آن را برآورده نمایند. بعضی کارها اگر در لحظه ای خاص انجام بگیرد، مفید است. اگر در آن لحظه انجام نگیرد، ای بسا آن فایده را نخواهد داشت.

امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب - همان طور که مکرر گفته شده - غرض این است که فرقه های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی شود. شاید بعضی از سوءتفاهم ها، برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است. حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید شود. این گفت وگوها و مذاکرات، کمترین فایده اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه انگیز خودداری بشود.(۲)

## ۲۷– وضعیت گذشته و امروز مجمع التقریب

به هر حال، ما توفیق آقایان را از خدای متعال می خواهیم. من از شما برادران عزیزی که همت فرمودید و این شورای عالی را تشکیل دادید، از جناب آقای واعظ زاده (دبیر کل مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه) که برای این راه صرف همت و فکر و عمر و تلاش می کنند



---

۱- . ۱۴/۴/۱۳۶۸.

۲- . حدیث ولایت، ج۸، ص۷۹.

و از همه کسانی که با شما همکاری می کنند، صمیمانه تشکر می کنم. از خدای متعال و متضرعا می خواهیم که ان شاءاللّه شماها را کمک کند تا بتوانید این راه را با استقامت و با قدرت بپیمایید و ما ان شاءاللّه نتایج آن را در آینده نزدیک ببینیم.

شاید بخشی از نتایج کار شما هم به ارواح آن کسانی برسد که دارالتقریب را در پنجاه شصت سال پیش برای اولین بار پایه گذاری کردند و این گام را برداشتند. (الفضل لمن سبق). ما دنباله رو آنها هستیم. منتها آن یک سبک کار بود و ممکن است این سبک دیگری باشد. تشکیل آن مرکز در شرایطی بود که بیشتر به مسائلی علمی و فکری نظر داشت، اما امروز شرایط دیگری است؛ چون متأسفانه سیاست هم در این مسئله به اشدّ وجه دخالت کرده است. آن روز دست های سیاسی، آن گونه تفرقه انگیزی نمی کردند، ولی امروز عناصر جدیدی پیدا شده و برای مقتدران و قدرتمندان سیاسی انگیزه ها زیاد است. لذا کارهای زیادی انجام می دهند.(۱)

## ۲۸-

فتواهای مشترک

در مرحله فقهی نیز تبادل نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فرق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفت های قابل ملاحظه ای دارند. دیگران می توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنّت، نوآوری هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد، دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید. ما می بینیم گاهی فتوایی را از مذهبی نقل می کنند، درحالی که آن فتوا، فتوایی غریب در آن مذهب است ممکن است اهل آن مذهب



---

۱- . همان، ص۸۲ .

از آن فتوا تحاشی بکنند یا اصراری به آن نداشته باشند. چرا ما نگردیم تا فتاوی مشترک را پیدا کنیم.(۱)

### ۲۹- تقریب عملی مهم تر از همه نتایج تقریب

در نهایت و شاید مهم تر از همه نتایج تقریب، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه ای. اگر دشمنان بگذارند و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل التناولی است. ما در میان خودمان و در جوامع دیگر، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکرر این را دیده ایم که برادران شیعه و سنّی کنار هم می نشینند و در مسائل عملی و سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت اسلام، طوری با هم تبادل نظر می کنند که اصلاً به یادشان نیست که این مذهبش چیست و آن مذهبش چیست. ما همواره این احساس را در خود مشاهده کرده ایم و در بسیاری از معاشرانمان از اصحاب مذاهب مختلف، این را دیده ایم.

پس این سه مرحله است، هم در مرحله اعتقاد، هم در مرحله احکام فقهی و هم در مرحله همکاری عملی آنچه که اینها را تضمین می کند، این است که اولاً به توطئه دشمن هوشمندانه نگاه کنند. ثانیا به آن مواردی از اسلام که این تقریب را تضمین می کند، بیشتر فکر کنند.(۲)

### ۳۰- توجه به مشترکات اسلامی به عنوان پایه های تقریب

در صدر فعالیت های مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله برای تقریب آن طور که من شنیدم و تا حدودی اطلاع دارم، توجه به حدیث ثقلین بود که بین مذاهب مختلف اسلامی مورد اتفاق است و متواترا آن را نقل کرده اند. به همان شکلی که شیعه آن را نقل کرده، کتب برادران اهل سنّت هم پُر است. اگرچه به شکل دیگری هم نقل کرده اند. به هر حال، مسئله اهل بیت



---

۱- . همان، ج۸، صص ۷۹ - ۸۰.

۲- . همان، ص ۸۰.

علیهم السلام و نظیر آن را که مورد قبول همه مسلمین است و همه مسلمین به آنان ارادت دارند و آنان را دوست می دارند و هر کدام به نحوی به آنان عقیده دینی دارند، محور قرار بدهند. در خود اسلام می شود مواردی را از متون اسلامی پیدا کرد که پایه های تقریب باشد.(۱)

### ۳۱- نیاز دنیای اسلام

امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب، غرض این است که فرقه های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوءتفاهم ها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است. حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفت وگوها و مذاکرات، کمترین فایده اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه انگیز خودداری بشود.(۲)

### ۳۲- جلوگیری از نشر آثار تفرقه انگیز

این مجمع در مقام عمل هم باید گروه های تحقیقات علمی - چه در سایه همان دانشگاهی که ان شاءاللّه تأسیس خواهد شد و چه به شکل دیگر - به وجود بیاورد که بتوانند درباره مسائل قابل بحث در تقریب، تحقیق و بررسی کنند. البته یکی از کارهایی که باید انجام



---

۱- . همان، ص ۸۱.

۲- . ۱/۷/۱۳۷۰.

بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه انگیز است. چه در محیط شیعی چه در محیط سنّی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته می شود و پول هایی خرج می شود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این گونه آثار، همه جا هم منتشر می شود. ما نمی گوییم که در ایران مطلقا منتشر نمی شود، نخیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده می شود. آثار کینه برانگیز و تفرقه انگیزی از طرفین منتشر می شود. یکی از موارد توجه این مجمع، باید همین مورد باشد. بحث مذهبی بکنند، کتاب های متعدد بنویسند، استدلالات کلامی بکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتاب ها بیاورند - این مقوله دیگری است - اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است منتشر نکنند. روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعا چگونه می تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف و نظارتی پیدا کند.

برای من کتاب های متعددی از نقاط مختلف عالم می رسد که پیداست اصلاً سعی افرادی بر این بوده که این کتاب ها برای ایجاد کینه و کدورت و بغض و نگرانی نوشته بشود. حال که در جمهوری اسلامی بحمدالله پرچم اسلام و قرآن بلند است و حالا که شعارها، شعارهای اسلامی و پرجاذبه است، سعی می کنند از طریق دیگری، کینه این کشور، این ملت و این حکومت را در دل برادران مسلمان در نقاط مختلف عالم وارد کنند. کتاب هایی مخصوص این کار می نویسند، دشمن که بی کار ننشسته است.(۱)

### ۳۳- تهیه منشور وحدت

رهبر انقلاب، تهیه منشوری را که بیانگر چارچوب و اصول متفق علیه باشد، امری ضروری و لازم می شمارد و از همه اندیشمندان می خواهد هر چه زودتر به این کار دست بزنند:

چیزهایی مانع از اتحاد می شود، عمده آنها بعضا کج فهمی ها و بی اطلاعی هاست. از حال هم خبر نداریم. درباره عقاید هم درباره تفکرات یکدیگر دچار اشتباه می شویم، شیعه درباره سنّی، سنّی درباره شیعه؛ فلان ملت



---

۱- . حدیث ولایت، ج۸، ص۸۲.

مسلمان درباره آن ملت دیگر، درباره همسایه اش، سوءتفاهم ها، که دشمنان هم به شدت بر این سوءتفاهم ها دامن می زنند. افرادی هم متأسفانه بر اثر همین سوء فهم، سوءتحلیل، ندیدن نقشه کلی دشمن، بازیچه این بازی دشمن قرار می گیرند و دشمن از آنها استفاده می کند. گاهی یک انگیزه خیلی کوچک، انسانی را وادار می کند، حرفی بزند، موضعی بگیرد، کاری بکند که دشمن در نقشه کلی خود از آن حرف استفاده می کند و شکاف را بین برادران زیاد می کند.

علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است. باید با هم متحد بشوند. علما و روشن فکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند. منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب وابسته به این یا فلان یا آن فرقه اسلامی نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند، تکفیر کند. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ امروز از روشن فکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می کند. اگر شما این را نکنید، نسل های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد.(۱)

وظیفه علما، وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتا می تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند. می تواند این کار را هم بکند. هم دولت ها باید کمک کنند، هم ملت ها باید کمک کنند.(۲)

کلام آخر رهبر انقلاب این است که می توان مشکلات جهان اسلام را برطرف کرد، اگر مسلمانان با اتکا به پروردگار، وحدت و تکیه بر نیروی امت بزرگ اسلامی، گام بردارند. مروری بر پیشینه هم گرایی و واگرایی در جهان اسلام و آن گاه بررسی اهداف تقریب بین مذاهب اسلامی برای ایجاد وحدت اسلامی در فصل های آینده، دریچه هایی



---

۱- . در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۷/۱/۱۳۸۶ .

۲- . ۲۵/۱۰/۱۳۸۵ .

از عبرت و امید را به روی مسلمانان می گشاید.

ص: ۲۰۰

## فصل چهارم: گذری بر هم گرایی و واگرایی در جهان اسلام

### اشاره

ص: ۲۰۱

## ناهم سازگرایی در دوران بنی امیه

هم سازی مسلمانان در قرآن کریم به شیوه های گوناگون مطرح شده است. در آیه ۱۰ سوره حجرات آمده است:

اِنَّما الْمُؤمِنُونَ إِخْوَهٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَاتَّقُوااللّه َ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُون.

به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند. پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید. باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید.

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران هم فرموده است:

وَاعتصموا بحَبْلِ اللّه ِ جمیعا وَ لا تَفَرَّقُوا واذکُر نِعْمَتَ اللّه ِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانا وکُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ من النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبیِّنُ اللّه ُلَکُمْ ءَایَتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدونَ.

و همگی به رشته دین خدا چنگ زنید و به راه های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید. در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. خداوند آیاتش را این گونه برای راهنمایی شما بیان می کند. باشد که به مقام سعادت هدایت شوید.

خداوند در مواردی، برادران دینی را از ناسازگاری و جدایی بر حذر داشته و فرموده است:

إِنَّ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیعا لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْ ءٍ اِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللّه ِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یفعلون. (انعام: ۱۵۹)

از آنان که دین را پراکندند، چشم بپوش. به کار تو نیایند. از دست آنها نیز غمگین مباش که مجازات کار آنها با خداست. سپس آنها را آگاه می سازد به آنچه انجام می دادند.

متأسفانه با همه سفارش های قرآنی به وحدت و هم گرایی، از همان نخستین سده پیدایش اسلام، ناهم سازی در جامعه اسلامی رخ داد. برخی از اندیشمندان، ریشه

این ناسازگاری را در پیوندهای اجتماعی پیش از اسلام عرب جست وجو می کنند که بر پایه تبعیض بود، در حالی که ارزش های نظام اسلامی بر پایه شایستگی، برابری اقتصادی و برادری، پرهیزکاری، خدمت و وفاداری بود. به باور آنان، چون این دو رویه با هم نمی ساختند، تفرقه و جدایی پدید آمد. پس از شهادت امام علی علیه السلام، میدان برای بازگشت به پیوندهای جاهلی و اشرافی گری کهن فراهم آمد. معاویه و دیگر امویان برای از میان بردن آثار و میراث علوی به سرکوب شیعی گری پرداختند. معاویه، امپراتوری عرب را بر ویرانه ها و جمجمه های نظام نو اسلامی بنا کرده بود. به تعبیر علی الوردی: «دین برابری که محمد بن عبدالله آورد، همراه با علی ابن ابی طالب در آرام گاه وی به خاک سپرده شد».(۱)

از جمله انحراف های جامعه اسلامی آن روز، دوری از اصل برادری و هم سازگرایی و گرایش فراوان به اختلاف نژادی و جدایی عرب و غیرعرب بود. در واپسین دهه های حکمرانی امویان، ناسازگاری های عقیدتی، نژادی و قومی رو به گسترش نهاد که در تاریخ اسلام «جنبش شعوبی» نام گرفت. این جنبش که واکنش فراگیر و دیرپای ایرانیان و دیگر مسلمانان غیر عرب در برابر برتری جویی عرب ها بر آنان بود، تا چند سده به درازا کشید. جنبش شعوبیه بر باورهای مذهبی، سبک های ادبی، امور اجتماعی و سیاسی جامعه های اسلامی اثر ژرفی گذاشت و ناهم سازگری مسلمانان را بیش از پیش دامن زد تا جایی که برخی از نویسندگان، بسیاری از شورش ها و خیزش های ضد خلافت مرکزی را زاییده آموزش ها و باورهای شعوبی ها دانسته اند.(۲)



---

۱- . علی الوردی، وعاظ السلاطین، ص۲۵۵.

۲- . و. و. بار تولد، خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، ترجمه: سیروس ایزدی، تهران، ۱۳۵۸، صص ۱۱ و ۱۲.

## ناهم سازگرایی در روزگار عباسیان

پس از سرنگونی خلافت امویان، حکومت سرزمین های اسلامی از سال ۱۳۲ ه . ق به عباسیان رسید. تا پیش از پیدایش خلافت عباسی، جامعه اسلامی با وجود ناهم سازگری های درون مرزی حالتی نسبتا یک پارچه داشت، ولی با برقراری حکومت عباسیان و تشدید پی گرد، شکنجه و کشتار وابستگان به دستگاه حاکم پیشین، راه برای پیدایش یک پارچگی سیاسی بیش از پیش هموار شد. عبدالرحمان فرزند معاویه بن هشام اموی که بعدها عبدالرحمان اول نام گرفت، از پی گرد اموی ها جان به در برد و به جزیره ایبری گریخت. او در اندلس که پیشاپیش به دست سرداران اسلامی مانند موسی بن نصیر و نایب وی، طارق بن زیاد به امپراتوری اسلامی افزوده شده بود، حکومتی مستقل بنیاد نهاد. عبدالرحمان، خود را «امیر اندلس» خواند و بنیان گذار حکومت اموی قرطبه به شمار می آید.(۱)

فرزندان این امیر اموی همچنان مستقل از خلافت بغداد بر اسپانیا حکم می راندند، ولی چون عباسیان بر حرمین (مکه و مدینه) تسلط داشتند و در نتیجه از احترام، نفوذ و قدرت فراوانی در میان مسلمانان برخوردار بودند، اجازه می دادند که به نام خلیفه بغداد خطبه خوانده شود. این شیوه احترام ظاهری به خلیفه بغداد در روزگار عبدالرحمان سوم که قدرت خلفای عباسی بسیار کم شده بود، دگرگون شد. نام برده در سال ۳۱۶ ه- . ق به طور رسمی، خود را «امیرالمؤمنین» نامید و خلافت را در سرزمین خود ارثی ساخت. از آن پس، جانشینان وی، خود را «خلیفه خدا» می نامیدند.(۲)



---

۱- . عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص۱۵، به نقل از: مونتگمری وات، اسپانیای اسلامی، ترجمه: محمدعلی طالقانی، تهران، ۱۳۵۹.

۲- . همان، ص۱۶.

پیدایش حکومت مستقل اموی اسپانیا، نخستین شکاف بزرگی بود که در قلمرو یک پارچه امپراتوری اسلامی پدید آمد و به گفته بارتولد: «... سقوط بنی امیه برای همیشه به یگانگی جهان اسلام پایان داد... نه تنها اسپانیا، بلکه مراکش و بخش باختری الجزایر نیز بیرون از قلمرو عباسیان قرار گرفت».(۱)

در روزگار امویان و تا حدود صد سال پس از آغاز حکومت عباسیان، با دست یابی فزون خواهانه آنان بر سرزمین های گوناگون، بر عظمت امپراتوری اسلام افزوده می شد. فرهنگ، تمدن، نهادها، مکتب ها، دانش ها و اندیشه های اسلامی نیز هماهنگ با جامعه های موجود و رژیم های حاکم زمان همچنان با کام یابی گسترش می یافت. بدین ترتیب، سرزمین های گسترده اسلامی همه زیر فرمان یک دستگاه الهام بخش مرکزی به نام خلافت در دمشق و سپس بغداد اداره می شد. این وحدت نسبی سیاسی در روزگار خلافت هارون الرشید عباسی به اوج خود رسید. به گفته موير، در آن روزگار، دربار خلافت، مرکز رشته های گوناگون دانش و هنر مانند شعر، تاریخ، حقوق، پزشکی و موسیقی بود و همه اینها مورد تشویق مقام های رسمی قرار می گرفت و اثر این سنت در حکومت های بعدی نیز باقی ماند.(۲)

خلافت عباسی به سبب عوامل گوناگون از جمله در دست داشتن «حرمین» از مرکزیت و هم سازگری نسبی برخوردار بود، ولی کم کم در دل این امپراتوری پهناور، ناهم سازگری هایی سیاسی و نظامی همراه با ناهم سازگری های عقیدتی، مسلکی و مکتبی که پیشاپیش آغاز شده بود، یکی پس از دیگری اوج گرفت و به صورت مبارزه ها و جنگ های فرقه ای، مذهبی، گروهی و قومی در آمد. بدین ترتیب، جهان اسلام درست به راهی گام نهاد که کتاب آسمانی، مسلمانان را از آن برحذر داشته بود. به هر روی، خلافت عباسیان، هم سازگری و یک پارچگی نسبی خود را رفته رفته از دست داد و حکومت های محلی که دست نشانده خلیفه



---

۱- . خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، ص ۱۷.

۲- . ایران و جهان اسلام، ص۱۶.

عباسی بودند، کم و بیش از اطاعت بغداد سرپیچیدند و هم سازگرایی زیر پرچم خلافت عباسی را رها کردند.

## پیدایش فرقه ها و نحله های جدید

بـا گسترش روز افزون اسـلام و دست یـابی به سـرزمین هـای نو و در نتیجه، پیچیـده تر شـدن پیونـدهای سیاسـی، اقتصـادی، و اجتماعی در جامعه اسلامی و آشنایی مسلمانان با باورها، اندیشه ها، نهادها و فلسفه های نو - ایرانی، یونانی و هندی - و ایجاد تفاوت های طبقاتی میان مسـلمانان، خودبه خود بحث ها و گفت وگوهای فراوانی با شیوه های فکری گوناگون درباره مکتب و اصول عقایـد میان اندیشـمندان اسـلامی پدید آمد. از لابه لای این ناهم سازگری های فکری و عقیدتی، فرقه های مذهبی و مکتب های فکری فراوان و ناهم ساز با یکدیگر شکل گرفتند.

شیعه که فرقه ای از دین اسـلام است، خود، به تنهـایی به ده ها شاخه و گروه ناهم ساز تقسـیم شـد. یکی از کتاب هایی که در زمینه فرقه های گوناگون شیعه نوشته شده است، به خوبی نشان می دهد که در فاصله ای کمتر از نیم سده؛ یعنی از رحلت امام حسن عسـکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه- . ق تـا هنگـام نگـارش آن کتاب که به هر روی پیش از سال ۳۱۰ ه- . ق صورت گرفتـه است، دست کم ۱۳ فرقه نوبنیاد شـیعه پدید آمد.(۱) برخی از شـیعیان مانند اسـماعیلیان به فعالیت های سیاسی و نظامی پنهانی می پرداختند که شاخه ای از آنها توانستند حکومت فاطمیان را در مصر و سوریه بنیاد نهند.(۲)

در حوزه های درس و بحث و تبادل اندیشه نیز گروه هایی مانند معتزله، اشاعره و ماتریدیه، دسـته های جداگانه تشکیل دادند. در روزگار مأمون عباسی، معتزله پیش افتادند و برعکس، در دوره های بعدی زیر فشار و شکنجه قرار گرفتند.

مسلمانان نیک اندیش از اینکه در جامعه اسلامی، یک پارچگی و هم سازگری وجود نداشت و دشمنی های گروهی، قومی و مسلکی همه جا سایه افکنده و دستورهای قرآنی درباره ضرورت برادری و وحدت به بوته فراموشی سپرده



---

۱- . سعد بن عبدالله اشعری قمی، ترجمه فرق الشیعه، ترجمه: محمدجواد بهاءالدین مشکور، تهران، ۱۳۲۵، صص۵۳ - ۶۳.

۲- . ایران و جهان اسلام، ص۱۷.

شـده بـود، رنـج می بردنـد. آنـان روزهـایی را به یـاد می آوردنـد که جـامعه جوان اسـلامی از موهبت اتحـاد و برادری نسـبی برخوردار بود و پیوسته آرزوی بازگشت بدان روزگار را در دل می پروراندند. مجموعه های حدیثی فراوانی به نقل از راویان شیعه و سنّی، مردم را بـه برادری و هم سـازگری و پرهیز از گروه گرایی دشـمنی و برادرکشـی فرا می خوانـد. حـدیثی چـون «اَلْمُؤْمِنُ لِلمؤمِنِ بِمَنْزِلَهِ الْبُنیان یَشُـدُّ بَعْضُه بَعْضا»،(۱) پیونـد مسـلمانان مؤمن با همدیگر را مانند بخش های گوناگون ساختمانی قلمـداد می کنـد که بر روی یکـدیگر اسـتوار شـده انـد. حـدیث هـایی نیز کسـانی را که به فریـاد هم کیش خـود نمی رسـند، نامسلمان می شمارند، مانند: «مَنْ اَصْبَحَ لَمْ یَهْتَمَّ بِاُمورِ الْمُسْلِمینَ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ»(۲) یا «مَنْ سَمِعَ رَجُلاً یُنادِی یَالَلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ.»(۳) در روایت دیگری آمده است:

اَلْمُؤْمِنونَ فِی تَبارِّهِمْ وَ تَراحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ کَمَثَلِ الْجَسَدِ اِذَا اشْتَکی تَداعیَ لَهُ سائِره بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّی.(۴)

مؤمنـان بـا تن آدمی بـدین گونه هماننـد گشـته انـد که چون عضوی از این تن به درد آیـد، اعضای دیگر با آن هم دردی می کنند.

ص: ۲۰۷

---

۱- . بحارالانوار، ج۵۸، ص ۱۵۰.

۲- . کافی، ج۲، ص۱۶۳.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۱۴۱.

۴- . مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۴۳۴.

## هم سازگرایی اسلامی در زمان سلجوقیان

پادشاهان سلجوقی که پیرو مذهب حنفی بودند، امپراتوری نیرومندی را بنیاد نهادند که در روزگار اوج خود از آمودریا و هندوکش تا کرانه های مدیترانه در سوریه و از شمال ایران تا مرزهای بیابان عربستان را فرا گرفته بود. این گروه اتکایی جز نیروی نظامی نداشتند و با وجود نیروی گسترده خود تلاش داشتند نهاد خلافت بغداد را به عنوان مظهر وحدت نگاه دارند. ازاین رو، با خلیفه وقت دست دوستی دادند تا نه تنها کسی برچسب دشمن یورشگر اسلام و خلافت اسلامی را به آنان نزند، بلکه با پشتیبانی ظاهری از خلیفه، خود را در دیده مردم مسلمان، مدافع اسلام جلوه دادند و مسلمانان زیر سلطه را به سود رژیم خود هم ساز کردند. با توجه به این سیاست، طغرل یکم، بنیان گذار امپراتوری سلجوقی در خلال یورش بر سرزمین های اسلامی، درخواست کمک خلیفه ناتوان عباسی، القائم بامرالله را پذیرفت و لقب سلطان المشرق و المغرب، رکن الدوله و یمین امیرالمؤمنین را از او دریافت کرد و حتی به نام خلیفه خطبه خواند و سکه زد.(۱)

دولت سلجوقی بر بنیاد فزون خواهی، استبداد و ستم طبقاتی پایه ریزی شده بود و با منع کردن پژوهش فلسفی، از گسترش افق اندیشه و دگرگونی شیوه های مبتنی بر خرد و استدلال جلوگیری کرد. در روزگار آنان، یک رشته ناهم سازگری ها و قیام های محلی نیز مانند شورش اسماعیلیان و مبارزات زیرزمینی بر ضد دولت مرکزی رخ داد. با این همه باید به یاد داشت که سلجوقیان با گردن نهادن به مذهب فراگیر آن روز دنیای اسلام که سنی گری بود و تأیید ظاهری خلافت بغداد، طرح های اصلاحی فراوانی را در زمینه کشاورزی، زمین داری، مالی، نظامی و تعلیم و تربیت اجرا کردند. همچنین سازمان مرکزی اطلاعات به نام «برید» را بنیان گذاشتند که امور و رویدادهای روزانه را در سراسر امپراتوری، به طور مستقیم و بدون کمک فرمانداران محلی زیر نظر داشت. همه این کارها به وحدت جهان اسلام و پیشرفت و گسترش



---

۱- . صدرالدین علی بن ناصر، اخبار الدوله السلجوقیه، به کوشش: محمد اقبال، صص ۱۷ و ۱۸.

تمدن و فرهنگ اسلامی کمک فراوانی کرد.(۱)

چنین است که برقراری هم سازگری و از میان بردن ناهماهنگی های فکری، مسلکی و مذهبی یکی از برنامه های بنیادی سلجوقیان بزرگ را تشکیل می داد و گزارش هندوشاه در مورد نام گذاری یک مدرسه و پاسخ هم سازگرایانه ملک شاه، نشانی کوچک از این واقعیت تاریخی است. او می نویسد:

خواجه، مذهب امام شافعی داشت و سلطان ملک شاه در اصفهان مدرسه ای بنا کرد در محله کران. چون خواستند که بنویسند که در این مدرسه، کدام طایفه باشند، از سلطان بپرسیدند. گفت اگر چه من حنفی مذهبم، اما این چیز از برای خدای تعالی ساخته ام. قومی را محفوظ و مخصوص کردن و طایفه ای را ممنوع و محروم داشتن وجهی ندارد و بنویسید که اصحاب هر دو امام در این مدرسه باشند علی التساوی و التعادل. چون سلطان مذهب امام ابوحنیفه داشت، خواستند که نام امام ابوحنیفه پیش از امام شافعی نویسند. خواجه نگذاشت و مدتی آن کتاب موقوف ماند... عاقبت قرار بر آن گرفت که بنویسند «وقف علی اصحاب الامامین امامی الائمه صدری الاسلام».(۲)

ص: ۲۰۹

---

۱- . ایران و جهان اسلام، ص۲۳.

۲- . هندوشاه بن سنجر نخجوانی، تجارب السلف، به کوشش: عباس اقبال و توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۵۷، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

## جایگاه شیعیان در زمان سلجوقیان

نوشته های تاریخی نشان می دهد که دستگاه حاکم در روزگار سلجوقیان پیوند چندان دوستانه ای با شیعیان نداشت. برای نمونه، خواجه نظام الملک در سخنانی ناهم سازگرایانه به روایت هایی استناد کرده است که «رافضیان» را کافر می شمارد و از قول پیامبر اسلام دستور می دهد: «هرگاه که ببینید، ایشان را بکشید.»(۱) البته فضای اجتماعی به طور نسبی برای شیعیان آزاد بود، چنان که عبدالجلیل قزوینی، نویسنده شیعی مذهب که کتاب خود را در حدود ۵۶۰ ه- . ق نوشته است، از خانقاه، مدارس و مساجدی سخن می گوید که در روزگار ملک شاه برای فعالیت های علمی و مذهبی شیعیان بنیاد شده بود. او در ستایش سلجوقیان می نویسد:

حقیقت آن است که در بلاد عالم از بسیط زمین و قسمت دنیا، هر چیزی که در مسلمانی ظاهر می شود، از مدارس و مساجد و خانقاه و منابر و سنت های نیکو و دفع بدعت ها، به برکات و قوت تیغ آل سلجوق است.(۲)

این آزادی نسبی شیعیان در تبلیغ باورهای خود با اصل برنامه سلجوقیان بزرگ به ویژه ملک شاه برای از میان برداشتن ناهم سازگری ها و دشمنی های فرقه ای و مذهبی هماهنگ است. افزون بر این، نوشته هایی در دست است که از توجه ویژه ملک شاه به شیعی گری سخن می گوید.

در کتابی کوچک به نام مؤتمر علماء بغداد نیز آمده است که ملک شاه و خواجه نظام الملک جلسه مناظره ای میان ده تن دانشمند سنّی و ده تن دانشمند شیعی در بغداد تشکیل دادند تا درباره بر حق بودن مذهبشان به بحث پردازند. به روایت نویسنده کتاب که مدعی است داماد خواجه نظام الملک بوده و خود در جلسه بحث حضور داشته، پس از پایان جلسه، ملک شاه، خواجه

نظام الملک و بیشتر



---

۱- . ابوعلی حسن بن علی نظام الملک طوسی، سیاست نامه سیرالملوک، به کوشش: جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۵۱.

۲- . عبدالجلیل قزوینی رازی، کتاب النقض، به کوشش: سیدجلال الدین ارموی محدث، تهران، ۱۳۳۱، ص ۱۵۵.

حاضران، تشیع خود را اعلام داشتند.(۱)

غزالی هم در راه هم سازگری در جهان اسلام، برقراری پیوند دوستی و همکاری میان مقام خلافت و مقام سلطنت، گام های بلندی برداشت. البته او در اواخر عمر، همکاری با دستگاه قدرت را رها کرد. وی علاوه بر مقام استادی در نظامیه بغداد نیز بسیار مورد توجه دستگاه حکومتی سلجوقیان و مورد احترام خلافت بغداد بود، چنان که در این زمینه نوشته اند:

بیست سال در ایام سلطان شهید (ملک شاه) روز گذرانید و از وی به اصفهان و بغداد اقبال ها دید و چند بار میان سلطان و امیرالمؤمنین (خلیفه بغداد)، رسول بود در کارهای بزرگ.(۲)

این کوشش ها و کشش ها در راه هم سازگری های سیاسی و فرهنگی نه تنها سراسر جهان اسلام را فرانگرفت، بلکه حتی در چارچوب امپراتوری سلجوقی هم دیری نپایید. در واپسین روزهای زندگی ملک شاه، این یک پارچگی و مرکزیت بر هم خورد. بدین ترتیب، رقابت بر سر به دست آوردن قدرت در گوشه و کنار امپراتوری آغاز شد و به صورت توطئه هایی خودنمایی کرد که برای نمونه، از قتل خواجه نظام الملک و چند هفته پس از آن، قتل ملک شاه می توان یاد کرد. پس از کشته شدن این دو، با مبارزه فرزند بزرگ برکیارق و محمود، فرزند خردسال ملک شاه بر سر جانشینی، ناهم سازگری و آشفتگی به شیوه ای فراگیر چهره نمود. آشفتگی و جنگ بر سر تقسیم میراث ملک شاه در حدود ده سال، بازماندگان وی را سرگرم کرد و این رویدادها خود به خود بر ناتوانی و از هم پاشیدگی دولت سلجوقی افزود.

از جمله بخش های بسیار پرهرج و مرج امپراتوری سلجوقی، سوریه و فلسطین بود؛ جایی که به زودی پس از مرگ ملک شاه با یورش صلیبی های اروپا روبه رو شد. ناگفته نماند که حتی پیش از مرگ ملک شاه، میان وی و برادرش، تتش که از سال ۴۷۲ه . ق (۱۰۷۹م.) از سوی خود

ص: ۲۱۱

---

۱- . ایران و جهان اسلام، ص ۲۶، به نقل از: مقاتل بن عطیه، مؤتمر علماء بغداد قم، ۱۳۹۹ ه- . ق.

۲- . محمد غزالی، فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام، به کوشش: مؤید ثابتی تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۰.

او حاکم شـده بود، کشاکش در گرفت و کوشـش شاه در سال ۴۷۹ه . ق (۱۰۸۶م.) برای سـرکوبی او بی نتیجه ماند. در همان زمـان، رویـدادهای نـاهم سازگرایانه دیگری نیز رخ داد. سـران کرد و عرب در عراق شورش کردنـد. در طرابلس سوریه، قبیله شیعه مذهب بنی عمار، قلمرو مسـتقلی برای خود تشـکیل داد. فاطمیان کوشش کردند جنوب فلسطین را اشغال کنند. در شمال هم یک امیر نظامی ترک به نام کربغا که از سوی خلیفه عباسـی، اتابک موصل بود، به تدریج، به شهر حلب تجاوز کرد. تتش در جنگ های میان برکیارق و محمود، شرکت کرد و در سال ۴۸۸ ه- . ق (۱۰۹۵م.) به قتل رسید. دمشق نصیب دقاق و حلب از آن رضوان شد و بیت المقدس نیز به دست پسـران ارتق افتاد. به یک سـخن، هرج و مرج و بی نظمی و ناهم سازگری چنان بر سـر امپراتوری سـلجوقیان به ویژه در بخش غربی آن سایه افکنـده بود که در نظر مسافران آن روزگار چنین می نمود که هر شهر، فرمانروایی جداگانه دارد.(۱)

## یورش صلیبیان در پی ناهم سازگری اسلامی

در گیرودار پس از فروپاشـی حکومت سـلجوقیان، فرانک ها از سراسـر اروپا به بیت المقدس و انطاکیه یورش بردند. مسیحیان حضور مسلمانان در سرزمین بیت المقدس و



---

۱- . ایران و جهان اسلام، ص ۳۱.

آرام گـاه مسـیح را برنمی تابیدنـد و هنگـامی که بی نظمی، نابسامـانی داخلی و ناهم سازگری در قلمرو سـلجوقیان به ویژه در سوریه و فلسـطین حکم فرما شد، بهترین فرصت برای یورش بر بیت المقدس در اختیار پادشاهان و مقام های مذهبی اروپا قرار گرفت. در این میان، متولیان و وابستگان کلیسا برای گسترش نفوذ و قدرت خود در مورد ضرورت جنگ با مسلمانان و رهایی زیست گاه مسـیح و زیارت گاه مقـدس مسـیحیان، به تبلیغات دامنه داری دست زدنـد که بر خر سوار شدن، پای برهنه حرکت کردن، لبـاس خشن پوشـیدن و صـلیبی بزرگ برداشـتن پتر راهب در کوچه هـا و خیابـان های فرانسه و آلمان، تشـکیل انجمن پیانشرا در سال ۴۸۹ه . ق (۱۰۹۵م.) و سـخنرانی پرهیجـان و برانگیزاننـده پاپ وقت، اوربان دوم در برابر هزاران تن از مردم به پاخاسـته را می توان به عنوان نمونه یـاد کرد. هم زمـان بـا همین اوضاع و احوال بود که الکسـیوس کومننوس، امپراتور بیزانس کوشـش می کرد بـا پرداخت رشوه و فتنه انگیزی در جهـان اسـلام و وعـده فراهم آوردن وسایـل زناشویی برای برخی از زمام داران اسـلامی، از ناهم سازگری موجود در جهان اسـلام و ناسازگاری میان سـران سلجوقی بهره برد و آنان را بیش از پیش به جان یکـدیگر بیندازد تا بتواند انتقام فتح انطاکیه و بخش آسـیایی بیزانس را بگیرد که در سال ۴۷۹ ه- . ق به دست سلجوقیان افتـاده بود. همو بود که از اوربـان دوم درخواست کرد تـا در برابر ترک هـای اشـغالگر بیزانس به وی کمـک کنـد. در نـتیجه، حـدود دوازده هزار تن به رهـبری پـتر راهب و گوتیه تهی دست از فرانسه به سوی بیت المقـدس و انطـاکیه سـرازیر شدنـد. از دیگر کشورهاماننـد آلمان نیز هزاران تن به راه افتادند و بدان وسـیله خیزشـی مردمی که تا آن روزگار در اروپا نظیر نداشت، پدید آوردند و به باور ولز، در آن هنگام، توده مسیحیت، خویشتن را کشف کرد.(۱)

این گونه رخدادهای خونین، هشت بار تکرار شد و حدود دویست سال به درازا کشـید. یورش اروپا به جهان اسـلام و پیروزی مسـیحیان در نخستین جنگ صـلیبی بیشتر به سـبب ناهم سازگری، نابسامانی و در نتیجه، ناتوانی جهان اسلام بود. توین بی می نویسد:

از نظر اقتصادی و فرهنگی، جهان اسلام بر



---

۱- . ایران و جهان اسلام، ص۳۳.

فاتحان نیمه وحشی خود غالب شد و تمدن و هنر پیشرفته خود را بر زندگی ساده دهقانی اروپای لاتین تحمیل کرد، ولی با این جنگ ها، جهان غرب به ایالت های سیسیلی و اندلس که در دست اسلام بود، دست یافت.(۱)

پس از جنگ های صلیبی، دشمنی تاریخی و دیرپای جهان مسیحی گری نسبت به مسلمانان کم نشد و در هر فرصت ممکن بر ضد جهان اسلام به پا خاستند. نمونه ای از این فرصت جویی ها، کوشش اروپا برای همکاری با مغولان بر ضد قلمرو اسلام بود. درست در هنگامی که نیروی مسلمانان درگیر جنگ هفتم صلیبی بود، پاپ بی گناه چهارم و سن لویی، پادشاه فرانسه با مقام های مغولی که در اندیشه بستن پیمان بر ضد ایوبیان و یورش به بغداد بودند، تماس نزدیک داشتند. در سال ۶۵۹ ه- . ق نیز حاکم انطاکیه و پادشاه ارمنستان در یورش به دمشق، با هلاکو همکاری کردند و افزون بر کشتار مسلمانان، در مکان های مقدس اسلامی آن شهر نیز بی حرمتی هایی روا داشتند.(۲)

ص: ۲۱۴

---

۱- . آرنولد توین بی، آینده نامعلوم تمدن، ترجمه: فرهنگ جهان پور، اصفهان، ۱۳۵۵، ص۲۲۲.

۲- . ایران و جهان اسلام، ص۳۴.

## نقش مغولان در هم سازگری و ناهم سازی

هنوز جهان اسلام از ناهم سازگری درون مرزی آشفته بود و هنوز گرفتار پی آمدهای جنگ های صلیبی بود که سرانجام توطئه الناصر، خلیفه عباسی به تحقق پیوست و جامعه اسلامی دچار یورش برون مرزی دیگری این بار از سوی مغولان شد که به باور ابن اثیر، تاریخ بشریت، چنین «الحادثه العظمی و المصیبه الکبری» هرگز سراغ نداشته است.(۱)

این یورش گران بی آنکه به مسئله هم سازگری اسلامی و باورهای مسلمانان درباره مرکز و نهاد خلافت توجه کنند، آن مقام ظاهری، میان تهی و ناتوان را همراه با مدعی بغدادنشینش در سال ۶۵۶ ه- . ق (۱۲۵۸ م.) از میان برداشتند. هر چند هنگام یورش هُلاکو به بغداد، مقام خلافت نقش چشم گیری در جهان اسلام نداشت، ولی این نکته را نیز نباید از یاد برد که هنوز جامعه اسلامی به نداشتن یک خلیفه هر چند بی اراده، خو نگرفته بود و هنوز به آن مقام، حرمتی معنوی می گذاشت. به نوشته رشیدالدین، حسام الدین (منجم اردوی هُلاکو) در مورد پی آمدهای ناشی از قتل خلیفه هشدار داد که اگر هلاکو به بغداد یورش برد و خلیفه عباسی، المستعصم را بکشد، اسبان دیگر نمی زایند؛ سربازان بیمار می شوند؛ خورشید دیگر نمی تابد؛ باران دیگر نمی بارد؛ باد صرصر (سخت و سرد) خواهد وزید؛ جهان از زلزله درهم کوبیده خواهد شد؛ گیاهان نخواهند رویید و خان مغول در همان سال خواهد مرد. در مقابل، خواجه نصیرالدین محمد طوسی که هلاکو در این زمینه با او رایزنی کرده بود، با آوردن نمونه های انکارناپذیر تاریخی مانند کشته شدن دیگر خلفای عباسی از جمله محمد امین در سال ۱۹۸ ه- . ق/ ۸۱۳ م. روشن ساخت که پیش بینی های حسام الدین روی نخواهد داد.(۲)

در مورد یورش و فرمان روایی مغولان و نقش آنان در ادامه یافتن تمدن و فرهنگ اسلامی یا وقفه در آن و



---

۱- . علی بن محمد ابن الاثیر، تاریخ الکامل، ۱۳۰۳ ه- . ق، ج ۱۲، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲- . رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش: بهمن کریمی، تهران، ۱۳۳۸، ج ۲، ص۶۸.

هم سازگری و یک پارچگی یا ناهم سازگری و از هم گسستگی در جهان اسلام، نظریه های گوناگونی بیان شده است. عباس اقبال با وجود آنکه بخشی بلند از کتاب خویش را به گسترش هنر، صنعت، علم و فرهنگ اسلامی به ویژه ادب فارسی در روزگار دراز حکومت ایلخانان اختصاص داده است، آن دوره را «یکی از ناگوارترین ادوار تاریخی ممالک اسلامی به طور عموم و مملکت ایران به طور ویژه به شمار آورده است و اهمیت فرهنگی دوره مغول را وابسته به دوره درخشان نهضت علمی و ادبی دوره عباسی می داند».(۱)

از میان خاورشناسان بیگانه که در این زمینه تحت تأثیر سخنان ابن اثیر و دیگر نویسندگان اسلامی قرار گرفته اند ادوارد براون انگلیسی است. وی آثار ویران گری ها و کشتارهای مغولان را حتی تا روزگار ما دیده و بر آن باور است که اسلام نه از نظر سیاسی و نه از نظر اجتماعی هرگز از آثار یورش مغول ها رهایی نیافت. یورش مغولان سراسر خاور زمین اسلامی را ویران کرد تا جایی که آن خطه هرگز سروسامان نگرفت و اسلام پس از آن رویداد، هرگز شکوه آغازین خویش را باز نیافت.(۲)

گفته ابن اثیر در مورد یورش فاجعه آمیز مغولان را باید در چارچوب زمان حمله بررسی کرد؛ چه اینکه او در روزگاری که مغولان، مسلمان شدند و خود در راه گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی گام برداشتند، زنده نبود. تمدن اسلامی با تمام ابعاد و نمودهایش در روزگار مغولان شکوفا شد. پس از یورش مغولان، سرزمین هایی به قلمرو اسلام پیوست و میلیون ها مردم ساکن آن سرزمین ها در جرگه مسلمانان درآمدند و به شکوفایی تمدن اسلام کمک های شایان کردند. تمدن، فرهنگ، علوم، صنایع، هنر و ادب اسلامی پس از یورش و خرابی های مغولان به شیوه هایی ویژه گسترش یافت و با آمیزش فرهنگ های دیگر بارورتر شد. تمدن و فرهنگ اسلامی هرگز از هم نپاشید و یک پارچگی و وحدت نسبی خود را همچنان نگاه داشت. با

ص: ۲۱۶

---

۱- . عباس اقبال، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، تهران، ۱۳۴۷، ج ۱ از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری ص۴۷۹ به بعد.

۲- . ایران و جهان اسلام، ص۴۱.

این حال، هم سازگری به شیوه ای که سراسر جامعه اسلامی، زیر یک پرچم و پیرو یک مرکز قدرت سیاسی قرار گیرد، نه پیش از مغولان، نه در روزگار فرمانروایی آنان و نه پس از آن. شکل کامل نمودار نشد و اتحاد اسلام همچنان به صورت آرزویی در دل نیک اندیشان جامعه اسلامی باقی ماند.(۱)

هر اندازه جامعه اسلامی به شیوه ای کمّی رو به گسترش می رفت، ناهم سازگری های زاییده رقابت حکومت های اسلامی و تفاوت های فرهنگی، فکری و اقتصادی موجود در منطقه های مسلمان شده بیشتر خودنمایی می کرد. در عین حال، ضرورت اتحاد اسلام و جلوگیری از دشمنی و برادرکشی بیشتر احساس می شد.

پادشاهان عثمانی در ادعای خلافت جز فزون خواهی و بهره کشی از خلق های ستم دیده مسلمان و فرمان روایی مادی و معنوی بر جهان اسلام، آرمانی نداشتند. از سوی دیگر، پادشاهان صفوی در ایران قد برافراشتند که از روحیه پیکارجویی و نیروی نظامی برخوردار بودند. با وجود پیشینه سنّی گری در ایران، صفویان بنابر ملاحظات سیاسی، مذهب خود و خانواده و قلمرو خود را شیعه اعلام کردند. آنان حتی آماده نبودند در راه آرمان پادشاهان سنّی عثمانی گامی بردارند. ازاین رو، میان مرکز قدرت عثمانی و بخش خاوری جهان اسلام مانند هندوستان و آسیای میانه جدایی افکندند. آنان حتی در راه ستیز با عثمانیان، با دولت های اروپا همکاری کردند.(۲) صفویان در نامه نگاری های خود بارها از این موضوع سخن گفته اند که باید «با هم از دو جانب بر دشمن مشترک خویش سلطان عثمانی حمله کنیم.»(۳) البته دولت عثمانی نیز همین کارها را بر ضد صفوی ها انجام می داد. در سال ۹۳۳ ه- . ق / ۱۵۲۶م. امپراتوری مغولی هندوستان در سرزمین پهناور سنّی نشین، ولی وابسته به فرهنگ و تمدن ایران بنیاد گرفت. سران آن نیز که خود را از بازماندگان



---

۱- . همان، ص۴۴.

۲- . همان، ص ۵۲، به نقل از: نصرالله فلسفی، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، ۱۳۴۲.

۳- . احمد تاج بخش، ایران در زمان صفویه، تبریز، ۱۳۴۰، ص۲۴۳.

چنگیز مغول و تیمور لنگ می دانستند، نمی خواستند به هیچ یک از امپراتوران عثمانی و صفوی وابسته باشند.

در دهه های آغازین سده ۱۰ ه- . ق / ۱۶م. ، شمار مسلمانان در جنوب خاوری آسیا و افریقای باختری رو به فزونی می رفت و سه امپراتوری نیرومند اسلامی: عثمانی، صفوی و مغولی هند در پهنه سیاست جهان به شیوه ای چشم گیر خودنمایی می کردند تا جایی که هاجسن بر خلاف صاحب نظرانی که اسلام را در سده های پیشین نابود شده و از هم پاشیده انگاشته اند، به این باور رسیده است که در سنجش جهانی، مسلمانان در سده ۱۶ م. به اوج قدرت سیاسی خود رسیدند. البته جهان اسلام با وجود این گسترش و قدرت همچنان از هم سازگری وهم سازگرایی هایی که بتواند جامعه اسلامی را به صورت نیرویی واحد در آورد، بی بهره بود. پیشروی های سلحشورانه عثمانی ها که پیش از پیدایش دولت صفویان در ۹۰۷ ه- . ق / ۱۵۰۱م. به شیوه ای چشم گیر در اروپا ادامه داشت، پس از ناکام ماندن یورش سلطان سلیمان به وین در سال ۹۳۶ ه- . ق/ ۱۵۲۹م. رفته رفته باز ایستاد. اگر چه عثمانیان پس از آن نیز در سده های ۱۰ و ۱۱ ه- . ق/ ۱۶ و ۱۷م. به پیروزی هایی دست یافتند، ولی جنگ های پی درپی با ایران، آنان را آرام نمی گذاشت. از دست رفتن برخی از سرزمین های ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی؛ جنگ های بعدی در زمان شاه عباس یکم برای باز پس گرفتن استان های از دست رفته ایران و حتی اشغال بغداد، کرکوک و موصل به وسیله او؛ جنگ های مرزی ایران با ازبک های شیبانی در آسیای میانه و حمایت عبدالله خان شیبانی از عثمانی با تسخیر خراسان و هرات؛ پیکارهای بابر، پادشاه گورکانی هندوستان با ازبک ها به پشتیبانی از شاه ایران و دشواری ها و شورش های درون مرزی دیگر، هرچه بیشتر به ناتوانی و آسیب پذیری حکومت های اسلامی یادشده می افزود.(۱)

ص: ۲۱۸

---

۱- . ایران و جهان اسلام، صص ۵۶ و ۵۷.

## آغاز برتری غرب بر جهان اسلام

درست در زمان پراکندگی داخلی جهان اسلام، جنبش رنسانس در اروپا اوج گرفت و فلسفه یونان که دوباره زنده شده بود، اهمیت یافت. دانش های تجربی و نظامی راه رشد پیمود و اروپاییان با به کارانداختن کشتی های بزرگ در اقیانوس ها و پیاده کردن نیروی نظامی در کرانه های کشورهای اسلامی، راه های بازرگانی سنّتی مورد بهره گیری آن کشورها را از ارزش و کارآیی انداختند.

در این میان، نیاموختن دانش های نو و نوآوری های باختر زمین و بهره نگرفتن از آنها به عثمانی ها و ایرانیان محدود نبود. این کاستی ها در دیگر بخش های جهان اسلام از جمله در کشورهای عربی نیز دیده می شد.(۱) این نکته نیز انکارناپذیر است که امپراتوری نیرومند عثمانی که تا سده ۱۱ ه- . ق / ۱۷م. تا قلب اروپا را زیر سلطه یا نفوذ خود داشت و از نظر جغرافیایی میان اروپا و منطقه های خاوری جهان اسلام فاصله افکنده بود، نمی گذاشت پیشرفت های علمی اروپا بدان منطقه ها راه یابد. این در حالی بود که برای خودکفایی علمی، اقتصادی و فرهنگی خود و جلوگیری از گسترش استعمار باختر زمین در سرزمین های اسلامی نیز گامی مؤثر برنمی داشت. در نتیجه، جهان اسلام به جای کوشش در آموختن و آموزش دادن دانش ها، هنرها و پدیده های نوین، همچنان از تازه های باختر زمین احساس نفرت می کرد و آنها را از آثار کفر و الحاد به شمار می آورد. مسلّم است که این برخوردها جز واپس ماندگی و ناتوانی بیشتر در زمینه های نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، اثری نداشت و هر چه زمان می گذشت، بر نیرو و مقام باختریان و در نتیجه، بر اقدامات تجاوزکارانه آنان افزوده می شد و کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری به تدریج در دام استعمار و استثمار آنان می افتادند.

در مقابل، غرب نیرومند با در دست داشتن دانش و صنعت و قدرت نظامی در برابر جهان اسلام متمدن، ولی افتاده به سراشیبی شکست، چنین برخورد کرد. کشورهای اروپایی مانند اسپانیا، پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه و سپس روسیه برای اجرا کردن نقشه های



---

۱- . محمد شفیق غربالی، الموسوعه العربیه المسیره، قاهره، ۱۹۶۵م. صص ۱۱۵۲ و ۱۱۵۳.

استعمارگرانه خود افزون بر بهره جویی تجاوزکارانه از آب های آزاد از جمله اقیانوس هند و خلیج فارس، به برقراری پیوندهای اقتصادی و بازرگانی با دولت های اسلامی از طریق امضای قراردادهای دوستی و بازرگانی پرداختند تا بدین وسیله ثروت های موجود در کشورهای اسلامی را با بهایی ناچیز به اروپا انتقال دهند.

تجاوزگری های هلند، پرتغال و انگلیس و رقابت های آنان در اندونزی در سده ۱۷ میلادی آغاز شد و کمپانی هند شرقی هلند در آن کشور در آغازین سال های این سده، دستاوردهای ارزنده آن کشور را به سود خویش قبضه کرد. در همان زمان، انگلیس و پس از چندی، فرانسه در هندوستان نیز کمپانی هند شرقی تشکیل دادند و به رقابت پرداختند. سلطه روس ها نیز از سده ۱۰ ه- . ق / ۱۶م. در آسیای میانه چهره نمود. آنان در آغاز کوشیدند تا با صفویان بر ضد بخارا و عثمانی ها هم پیمان شوند و از اواخر این سده به نقاطی از آسیای میانه تسلط یافتند. در اوایل سده یاد شده، پرتغال به جزیره هرمز یورش آورد و امیر هرمز را تابع و خراج گزار خویش ساخت و از آب های خلیج فارس بهره بازرگانی برد.(۱) در روزگار نادرشاه افشار نیز پیوند بازرگانی ایران با انگلیس، هلند، فرانسه و روسیه همچنان ادامه داشت.(۲)

در این میان، نقش استعماری روسیه در ایران به ویژه در پیوند ایران با همسایگانش بیش از دیگر قدرت های استعماری جلب نظر می کند. متأسفانه هر چه دولت های اسلامی بر اثر ناسازگاری های گوناگون ایدئولوژیکی، مرزی، فزون خواهانه و دیگر عوامل به ناتوان ساختن خود کمک می کردند، نفوذ غرب با هدف های استعمارگرانه در جوامع اسلامی، بیشتر و امید به هم سازگری و هم سازگرایی در جهان اسلام بیش از پیش به ناامیدی تبدیل می شد.

متأسفانه باید گفت گرچه سرچشمه های اصلی ایجاد تفرقه را باید در خارج از جهان اسلام جست وجو کرد، ولی بدون تردید، وجود زمینه های مناسب در داخل دنیای اسلام، بسترساز جذب این ویروس تفرقه است.



---

۱- . ایران و جهان اسلام، صص ۶۰- ۶۲.

۲- . رضا شعبانی، تاریخ اجتماع ایران در عصر افشاریه، تهران، ۱۳۵۹، ص۴۷۴.

با وجود مایه های وفاق و اتحاد مثل خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد، قبله واحد، حج و نماز و روزه واحد، متأسفانه عده ای از عناصر افراطی، جاهل یا خودفروخته و متأثر از تبلیغات و جنگ روانی دشمنان اسلام، به اختلافات فرعی و جزئی قابل چشم پوشی – که در همه مذهب ها و مکتب ها وجود دارد – دامن زده و دشمن اصلی خود را فراموش کرده اند.

خوش بختانه با پیروزی انقلاب اسلامی، روزنه امید و هم دلی یک بار دیگر میان مسلمانان جهان پدید آمد و امت ها همچون بنیانی مرصوص در مقابل دشمنان به ویژه غرب قد برافراشتند. در این میان، دانشمندان اسلامی باید در یک صف متحد در برابر دشمنان مشترک قرار گیرند و هرگونه تفرقه را با وحدت اسلامی پاسخ گویند. بی شک، مخالفان اتحاد با تحریف و دست اندازی در این ایده منطقی و الهی، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول با شکست روبه رو شوند. بنابراین، مسلمانان از هر مذهب و ایده ای باید با بهره مندی از آیات و روایات و آرای اندیشمندان اسلامی و توجه کردن به مصیبت ها و آسیب های وارد شده بر پیکر جهان اسلام، به دلیل اختلافات قومی و فرقه ای، هشیاری بیشتری داشته باشند گام مؤثرتری در نهادینه سازی اتحاد ملی و انسجام اسلامی بردارند. در تحقق همین ایده مهم، جمعیت تقریب شکل گرفت و قدم های ارزنده ای برای نزدیکی مذاهب اسلامی برداشت که امید است با افزایش فعالیت های آن، شاهد نزدیکی و هم سویی تمام مذاهب اسلامی در صفی واحد و بنیانی مرصوص باشیم و طومار تفرقه و جدایی را برای همیشه از میان امت اسلامی برچینیم. در سال های اخیر نیز شاهد بودیم هر جا که روحیه اتحاد و هم نوایی میان مسلمانان به وجود

آمـده، موفقیت های چشم گیری در عرصه های نظامی، سیاسـی، اقتصادی، نصـیب آنان شـده است. امیـد می رود این همـدلی روز به روز تقویت شود.

نکاتی چند برای ایجاد انسجام و همگرایی در جهان اسلام(۱)

به کار بردن واژه اتحاد ملی برای داخل کشور و انسجام اسلامی برای جهان اسلام از سوی رهبر فرزانه انقلاب، بیان گر نکته ای مهم و ظریف است و آن اینکه، امکـان اتحـاد و شـرایط ایجـاد آن در داخل کشور بیشتر فراهم است، ولی در جهان اسلام بیشتر باید بر هم بستگی، هماهنگی و مشترکات تأکید ورزید. ازاین رو، هر واژه ای متناسب با بار معنایی، با ظرافت و دقت در جای خود استفاده شده است. منظور ما از جهان اسلام، کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی است. البته جوامع اسلامی به جهان اسـلام منحصـر نیسـت؛ زیرا مسـلمانان بسیاری در دیگر کشورهـا نیز زنـدگی و فعـالیت می کننـد و بـه نـوعی اسـلام، در دل کشورهای غیراسلامی راه یافته یا در حال شکل گیری است.

امروزه دشمنان برای ایجاد تفرقه و اختلاف در کشورها و جوامع اسلامی، برنامه ها و عملیات های گوناگونی را در دستور کار خود دارند. آنها در گام نخست، برای ترویج سـکولاریسم و ممانعت از پیوسـتن دین و سـیاست در کشورهای اسـلامی با تمام قوا می کوشـند. از سوی دیگر با نقشه های گوناگون، سـعی در جداسازی کشورهای اسـلامی از یکدیگر دارند. همچنین، می کوشـند در هدف گیری مسـلمانان نسبت به دشمن حقیقی، انحراف ایجاد کنند و آنها را به خودشان سرگرم سازند. در مقابل، ما نیز باید راه کارهای مناسبی برای رویارویی با این نقشه های حساب شده داشته باشیم که برخی از این راه کارها عبارتند از:

۱. تقویت رابطه کشورهـای اسـلامی و برقراری ارتبـاط دوسـتانه بـا دولت های آنان. در این راه می توان از اهرم های سیاسـی، اقتصـادی وماننـد آن کمـک گرفت. تقویت سازمـان کنفرانس اسـلامی و بـازار مشترک اسـلامی و حتی تلاش در راه یکسان سازی واحد پولی و مانند آن می تواند مورد



---

۱- . برخی از این نکات حاصل «نشست انسجام اسلامی، آسیب ها و راهکارها» می باشد که به همت معاونت پژوهش مرکز جهانی علوم اسلامی و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخارجه برگزار شده است.

توجه قرار گیرد.

۲. رابطه جوامع اسلامی و ملت های مسلمان با یکدیگر. برای تحقق این امر باید بر مشترکات و همچنین، تهدیدهای مشترک دشمنان توجه و تأکید کرد. امت ها و جوامع اسلامی مشترکات فراوانی دارند که افزون بر عقاید واحد مانند خدای واحد، پیامبر واحد، قبله و کتاب واحد، بسیاری از ابواب فقهی مشترک و مانند آن، می توان به مشترکات زیر نیز اشاره کرد.

الف) تمام مسلمانان با سکولاریسم و ماتریالیسم به شدت مخالفند و بر اصل هویت دینی خود پای می فشارند. این امر می تواند نقطه وحدت بسیار خوبی باشد.

ب) مسلمانان جهان از صهیونیسم و جنایت های بی شمار آن متنفر و خشمگین هستند. ازاین رو، می توان دفاع از مسلمانان ستمدیده فلسطین در برابر صهیونیست ها را در دستور کار قرار داد.

ج) دشمنان با تشکیل صلیبی گری جدید، می کوشند صفوف خود را واحد سازند. این امر به روشنی در نظریه های هانتینگتون درباره برخورد تمدن های اسلامی و مسیحی در طول تاریخ و جاری بودن آن در شرایط کنونی دیده می شود. افزون بر این، رییس جمهور امریکا پس از حادثه یازده سپتامبر به صراحت اعلام می کند، جنگ های صلیبی جدید آغاز شده است. اکنون که دشمن می کوشد صفوف خود را با پیوند به مسیحیت، واحد و یک پارچه سازد و در برابر جهان اسلام بایستد، بایسته است مسلمانان به هویت اسلامی خود بازگردند و با اتحاد و انسجام و یک پارچگی بیشتر، آرایش و تشکل جدیدی را به دست آورند و در برابر دشمنان ایستادگی کنند که در صورت تفرقه و تشتت و ملی گرایی افراطی و فرقه گرایی و مذهب گرایی، موفقیت از آن دشمنان خواهد بود.

د) تمام مسلمانان از امریکا و جنایت های بی شمار آن نفرت دارند. امروزه موج ضد امریکایی به چند کشور مسلمان منحصر نمی شود، بلکه بیشتر امت های اسلامی از شیطنت ها و سیاست های سلطه طلبانه امریکا آگاه هستند و از آن نفرت دارند. بر همین اساس، می توان بر این حس مشترک نیز به منظور ایجاد هم دلی میان مسلمانان تأکید کرد. جنایت های امریکا در عراق، افغانستان، لبنان و دیگر کشورها دل هر مسلمانی را به درد می آورد.

۳. رابطه نزدیک مسلمانان داخل کشور اعم از شیعه و سنّی با یکدیگر؛ متأسفانه، در میان پیروان اهل سنت، تصوری هراسناک از شیعیان ایجاد شده و آنان را آشتی ناپذیر جلوه داده اند، در حالی که همیشه تاریخ،

این شیعیان بوده اند که پرچم اتحاد و یک پارچگی را برافراشته و همگان را به وحدت فرا خوانده اند. از قرن چهارم، شیخ مفید این حرکت را سامان داد و پس از وی به تناوب، بزرگانی چون سیدجمال الدین اسدآبادی، آیت الله بروجردی، امام خمینی رحمه الله و اینک، رهبر فرزانه انقلاب این مهم را در دستور کار خویش قرار داده اند. بنابراین، باید با جلب اعتماد علمای اهل سنت و پرهیز از توهین به مقدسات و باورهای یکدیگر، این حس اعتماد و هم دلی را تقویت کرد.

رهبر معظم انقلاب به صراحت فرموده است: «کسی فتوا به برادرکشی نمی دهد و اگر این حرکت ادامه یابد، عامل آن از اسلام خارج است.» ازاین رو، جهان اسلام را باید علیه کسانی که برادرکشی می کنند، بسیج کرد. علمای مذاهب سنی داخل و خارج کشور نیز باید نظریه های خود را در پرهیز از برادرکشی به صراحت بیان کنند تا با این کار، گروه های افراطی و تکفیری منزوی شوند. سکوت عالمان دینی در این باره می تواند روز به روز برادرکشی را در میان مسلمانان افزایش دهد.

۴. رابطه و پیوند بیشتر با پیروان حقیقی و راستین دیگر ادیان الهی، بی شک، مهم ترین وجه مشترک دین مداران در نفی سکولاریسم و دین زدایی است که می توان با تأکید بر آن، این صفوف را متحدتر ساخت. افزون بر این، در بسیاری از درون مایه های دینی، اشتراکات فراوانی میان پیروان ادیان آسمانی وجود دارد. امروزه، نظام جهانی نیز به سرعت به سوی حرکت های الهی پیش می رود و از بی دینی و بی اعتقادی می گریزد. بنابراین، دین می تواند عامل هم دلی و یک پارچگی در برابر دین گریزان باشد.

راه های برون رفت از آسیب های تهدیدکننده جهان اسلام

موارد بسیاری را در زمینه آفت های تهدیدکننده انسجام اسلامی می توان برشمرد، که موارد زیر از مهم ترین آنهاست و اگر به آن توجه شود، قدم های ارزنده ای با هدف تحقق اتحاد ملی و انسجام و همگرایی اسلامی برداشته می شود.

۱. با پیروزی انقلاب اسلامی، جهان اسلام از حالت انفعالی در برابر جهان غرب و دشمنان اسلام خارج شده است. ازاین رو، بایسته است حرکت های تهاجمی و فعالانه در میان کشورهای مسلمان بیشتر شود. جهان اسلام، هیچ گاه نباید موضع تدافعی داشته باشد، بلکه باید بکوشد، با طرح و برنامه فعال، دشمنان را در موضع انفعالی قرار دهد و بخشی از نیروهای دشمنان را مصروف حرکت های انفعالانه سازد.

۲. معنا و مبنای انسجام اسلامی باید به روشنی تبیین شود. هیچ گاه اتحاد به معنای دست برداشتن مذاهب اسلامی از عقاید و باورهایشان نیست، بلکه منظور، ایجاد صف واحد و اتحاد و پیوستگی کامل در برابر دشمن مشترک است. به این امر باید به دقت توجه شود تا راه دست یابی به انسجام اسلامی هموارتر گردد.

۳. کمک های اقتصادی و رفع نیازمندی های یکدیگر، می تواند جهان اسلام را به هم نزدیک سازد. امروزه جهان غرب نیز با توجه به یافته های جدید اقتصادی و گرایش به نظریه نیوکارتل ها می کوشد از این راه، کشورهای گوناگون را با یکدیگر همراه سازد. سود بردن از چنین تجربه هایی بی دلیل نیست.

۴. در بعد سیاسی نیز جهان اسلام باید یک پارچه و موضع واحد داشته باشد. در این راه نیز می توان از تجربه چگونگی نزدیک سازی جهان غرب در موضع گیری های سیاسی بهره گرفت. کشورهای غربی با تمام تفاوت های فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش، آن گاه که می خواهند در برابر کشورهای اسلامی بایستند، همه تمایزها را کنار می نهند و در صفی واحد با مواضعی واحد به این کار اقدام می کنند. حال، چرا جهان اسلام از این وحدت و همگرایی فاصله دارد. آیا چیزی جز نقشه ها و برنامه ریزی ها و توطئه های دشمنان مانع آن است؟! چرا جهان اسلام با وجود کشورهای مسلمان بسیار و بهره مندی از اندیشه ها و دیدگاه های گوناگون نمی تواند به موضع واحدی حتی در برابر اسرائیل دست یابد.

۵. باید به نوعی کشورهای منطقه خلیج فارس را به منطقه ای بودن فراخواند و جبهه واحدی را در حساس ترین نقطه جهان اسلام ایجاد کرد. کشورهای منطقه باید بدانند، آنها مانند مسافران یک کشتی هستند و در صورت آسیب رسیدن به یک کشور منطقه به دیگر کشورها نیز زیان خواهد رسید. بنابراین، گذشته از عقاید مشترک، باید منافع مشترک نیز عامل اتحاد و همگرایی میان آنان باشد.

۶ . باید تعریفی درست، جامع و مانع از هویت اسلامی شود که مقبولیت همگانی داشته باشد. ازاین رو، هویت اسلامی را باید فراتر از یک مذهب و یک مرز جغرافیایی دانست و با تهیه منشور وحدت و توجه به این مسائل مهم و ظریف، از بحث های شعاری و ناکارآمد پرهیز کرد. در تحقق این امر مهم، اصلاح دیدگاه مسلمانان نسبت به اسلام ناب و راستین، می تواند عامل اتحاد و انسجام باشد. در کنار این باور باید با درک درست شرایط و

مقتضیات جوامع اسلامی، الگوی مناسب وحدت را معرفی کرد.

۷. اختلاف های جوامع اسلامی و پیروان مذاهب، بر سر مذهب یا ناسازگاری پیروان آنها نیست؛ زیرا آنها در بسیاری باورها، آموزه ها و ابواب فقهی با هم اشتراک دارند و در طول تاریخ همسازی خود را نیز به اثبات رسانده اند. این عوامل خارجی هستند که میان آنان تفرقه، تشتت و جنگ و خونریزی ایجاد می کنند. ازاین رو، بر عالمان، اندیشمندان و سیاستمداران اسلامی واجب است، دشمنان و ترفندهای تفرقه انگیز آنان را به پیروان مذاهب بشناسانند.

۸. پیروان برخی مذاهب باید از فرقه گرایی به جای هویت دینی، بپرهیزند. ایجاد گروه های تکفیری و عملیات انتحاری در کشورهای اسلامی که روز به روز نیز در حال افزایش است، بسیار نگران کننده است. سکوت مفتی ها در برابر این گونه کارها نیز ضربه بزرگی به وحدت و انسجام میان پیروان مذاهب وارد ساخته است. متأسفانه گروه های افراطی، تکفیری، فرقه گرا و سلفی با حرکت های تند و نادرست و شوم خود در برادرکشی، خود را منتسب به تمام اهل سنت می دانند و مفتی های اهل سنت، هنوز آن طور که باید و شاید آنها را از خود نرانده اند. در سایه این سکوت، بسیاری از شیعیان و حتی مراجع عظام و علمای اعلام به شهادت رسیده اند. بر همین اساس، بایسته است علمای مذاهب اسلامی هر چه سریع تر در این باره موضع و فتوای واحدی را بیان کنند، همان گونه که رهبر فرزانه انقلاب برادرکشی را محکوم کرد و عامل آن را خارج از اسلام دانست.

رهبر معظم انقلاب در این باره می فرمایند:

یک گروه متعصبِ متحجرِ بی خبر از حقایق عالَم و بی خبر از معنویت را در مقابله با فِرق اسلامی به راه می اندازند - در عراق یک جور، در لبنان یک جور در مناطق دیگر یک جور - برای اینکه اختلاف ایجاد کنند.

برادران مسلمان چه در ایران، چه در عراق، چه در پاکستان، چه در لبنان، چه در فلسطین، چه در دیگر مناطق عالَم، از هر مذهبی که هستند، این را می دانند که نظر ما این است و نظر علمای حقیقی اسلام این است که: «آلودن دست به خون برادر مسلمان جزو گناهان غیرقابل بخشش است». کسانی دست خود را به خون برادران مسلمانشان می آلایند به عنوان پیروی از اسلام؟ به نام پای بندی به

اسلام؟! این خروج از اسلام است.(۱)

از سوی دیگر برای ایجاد اتحاد و هم دلی، تفکر سنتی و افراطی که به نام شیعه فعالیت می کند، باید از توهین به باورهای اهل سنت دست بردارد و هیچ گاه موجودیت خود را در گرو رویارویی با اهل سنت نداند. این افراطی گری نیز توطئه حساب شده دشمنان است که برخی افراد ناآگاه و ناتوان از تحلیل را به کام خود فرو برده و موجب نفاق و جداسازی صفوف واحد مذاهب اسلامی شده است. ایران اسلامی به عنوان الگوی وحدت و هم دلی، باید نمونه حقیقی همزیستی مسالمت آمیز میان پیروان مذاهب، به دور از هرگونه افراط و تفریط باشد. برای الگوسازی مطلوب، باید بی اعتمادی تاریخی مذاهب به همدیگر که بر اثر اقدام های افراطی برخی پیروان این مذاهب ایجاد شده است، از بین برود و گام های تازه و محکم تری برای ایجاد اتحاد و هم دلی برداشته شود.

۹. رفع ابهام در مفهوم و راهبردهای کلان وحدت در بیرون از جمهوری اسلامی ایران نیز ضروری است. متأسفانه بسیاری از کشورهای اسلامی، تنها از دیدگاه سیاسی به وحدت و انسجام اسلامی می نگرند و بر همین اساس، بسیار ساده و سطحی با آن برخورد می کنند، در حالی که حضرت امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب آن را به عنوان اصل و اساس و ضرورتی برای بقای دین می دانند و تنها از جنبه سیاسی به آن توجه ندارند. هر چند نگاه سیاسی به این مسئله نیز در جای خود ارزنده و مفید است، ولی هدف، بسیار متعالی تر و عمیق تر و همراه با مصالح دین و امت اسلامی است و تئوری این مهم باید در جهان اسلام فراگیر شود.

۱۰. نهادینه سازی مجمع دارالتقریب در جهان اسلام، از ضرورت های اجتناب ناپذیر است که گام هایی در این راه برداشته شده(۲) ولی جهت دهی و توجه به واقعیت ها و شرایط موجود در کشورهای اسلامی، شبهه زدایی از ساحت مذاهب گوناگون، نشست های مستمر و تعیین راهبردهای درست و سازنده با هدف تنش زدایی در جهان اسلام، نزدیک سازی فتواهای عالمان دینی در پرتو موازنه فقهی و مانند آن ضروری است و باید به طور جدی در دستور کار مجمع تقریب قرار گیرد.



---

۱- . ۱۴/۳/۱۳۸۶.

۲- . در فصل بعدی به تفصیل به آن می پردازیم.

## فصل پنجم: اندیشه تقریب؛ راهی برای ایجاد هم بستگی میان مذاهب اسلامی

### اشاره

ص: ۲۲۸

## منشور تقریب

اندیشه بنیادی و اساسی حسن البناء و اخوان، وحدت اسلامی و اتحاد امت بود. بناء در طرح موضوع وحدت اسلامی می کوشید ثابت کند که اسلام مرزهای جغرافیایی و تفاوت های نژادی را به رسمیت نمی شناسد و تمامی مسلمان ها را ملت واحد می داند. در نتیجه، اخوان المسلمین به امت اسلامی ایمان دارد و برای وحدت همه مسلمانان و استوار کردن برادری اسلامی می کوشد و اعلام می کند که وطن آنها همه جا و در همان جایی است که یک مسلمان وجود دارد.(۱)

از نظر بناء و اخوان، نهاد سیاسی اسلامی باید بر این مبنا تشکیل شود که به مؤمنان به عنوان امت واحدی بنگرد. حتی اگر آنها به کشورهای گوناگون تقسیم شوند، باید به سبب هم بستگی معنوی شان به مثابه یک «امت» متحد بمانند. در ماده دوم قانون اساسی یا اساس نامه جمعیت اخوان المسلمین (مصوب نهایی در سال ۱۳۶۷ ه- . ق) در بیان یکی از اهداف این جمعیت آمده است:

ایجاد وحدت و یگانگی بین جمیع افراد انسانی بر پایه اصول و مبادی منبعث از قرآن کریم و نزدیک ساختن بینش ها و نظریات مختلف مذاهب اسلامی.

در ماده ۷۳ نیز گفته شده است:

کوشش برای وحدت کشورهای اسلامی، آزاد ساختن سرزمین های اسلامی از دست اجانب و برپایی حکومت اسلامی در هر کشور.(۲)

در بندهایی از قسم نامه یا آیین نامه این جمعیت آمده است:

ایمان دارم که تمامی مسلمان ها به خاطر ایمان اسلامی مشترک بیش از یک ملت واحد



---

۱- . حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، چ ۲، ص ۱۷۵.

۲- . سیداحمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص۱۱۵.

نبوده و اسلام نیکی کردن به همه را به پیروانش فرمان داده است. پیمان می بندم کوشش خود را در راه تقویت پیوندهای برادرانه میان تمامی مسلمان ها و محو اختلافات جوامع و فرق و از میان بردن بی تفاوتی های آنها نسبت به یکدیگر به کار بندم.(۱)

## جمعیت دارالتقریب

مهم ترین و مؤثرترین حرکتی که پس از سید جمال و مکتب عروه الوثقی و پیروان اولیه او نظیر عبده و کواکبی و در ادامه راه آنها برای ایجاد اتحاد اسلامی صورت گرفت و بر خلاف مکتب اتحاد اسلامی عروه الوثقی، شکل نهادی و سازمان یافته به خود داشت، حرکتی بود که جماعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه در جهت تقریب و هم بستگی مذاهب اسلامی انجام داد. این حرکت بر خلاف حرکت رهبران اولیه اتحاد اسلامی؛ یعنی سید جمال و پیروانش، بیشتر جنبه دینی و اجتماعی داشت و جنبه سیاسی آن دست کم در آن دوره مورد نظر نبود. با این حال، از دردهای ریشه ای و موجود سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی جامعه اسلامی به ویژه در زمینه جهل و غفلت داخلی و استعمار خارجی حکایت می کرد و می توانست در درازمدت به راه حل اصولی و اساسی برای اتحاد سیاسی اسلام تبدیل شود. در واقع، مکتب سیدجمال در عین حال که به اهمیت نقش علما در این راه توجه داشت، ولی مرکز ثقل طرح اتحاد اسلامی او، با توجه به بعد سیاسی آن، زمام داران ممالک اسلامی بودند. در مقابل، جمعیت دارالتقریب به طور اساسی بر علمای مذاهب اسلامی متمرکز بود.

استاد محمدتقی قمی در بیان چگونگی پیدایش و رشد این جمعیت می گوید:

فکری اصیل و خالص که روی آن تحقیق شده بود، به صورت دعوتی اصلاحی و دینی بر عالم اسلامی طلوع می نماید. فکری که بزرگ ترین درد و گرفتاری مسلمانان را که عبارت از تفرق و پراکندگی است، درمان می سازد و این دعوت، نقطه نهضت و مبدأ تحول فکری برای عالم



---

۱- . علی السمان، رویارویی مسلک ها و جنبش های سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷م. ، ترجمه: حمید نوحی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۵۷، صص ۳ - ۱۷.

اسلام گردد هنگامی که احتیاج به اجتماع کلیه فرزندان اسلام دارد تا بتواند در این جهان پر اضطراب رسالت خود را منتشر سازد.(۱)

اهمیت این دعوت هنگامی روشن می شود که به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر روابط شیعه و سنّی در آن ایام از قول آقای قمی توجه کنیم:

در آن روز که فکره تقریب پیدایش یافت، همانند امروز نبود، بلکه تعصب، سخت بر مردم حکومت می کرد و هر کس چنین فکره ای را ترویج می نمود، با آن به مبارزه برمی خاستند و توده مردم هیچ انتظار نداشتند که چیزی از تقریب بین شیعه و سنّی بشنوند؛ زیرا که شیعه در نظر بعضی از سنّی ها عده ای غلوکننده با قرآنی مخصوص جلوه گر بود و سنّی در نظر بعضی از شیعیان عبارت بود از عده ای نواصب که به اهل بیت بد می گویند و قائل به جسمیت خداوند می باشد.(۲)

با اعلام پیدایش دارالتقریب، شعله های تعصب و آشوب از هر طرف برخاست. شیخ شلتوت انواع بازتاب های پدید آمده پس از تأسیس جمعیت را این گونه شرح می دهد:

در آغاز، محیط عمومی پر از سرزنش ها وتهمت های آمیخته به افترا و سوءظن فرقه ها نسبت به یکدیگر گردید و تشکیل جماعت تقریب از مذاهب مختلف اسلامی (مذاهب چهارگانه تسنن و دو مذهب شیعه امامی وزیدی) پیروزی آشکاری بود که کینه توزان را برانگیخت و دعوت تقریب از جانب افراد متعصب و خشک هر دو دسته مورد هجوم و حمله قرار گرفت.(۳)



---

۱- . هم بستگی مذاهب اسلامی، ترجمه: بی آزار شیرازی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷، ص۴۲.

۲- . همان، ص۴۳.

۳- . همان، ص۳۰.

شیخ شلتوت می افزاید:

سنّی ها خیال می کردنـد که دارالتقریب می خواهد آنها را شـیعه کند و شـیعه ها تصور می کردند که ما تصـمیم داریم آنها را سنّی نماییم. اینها و سایرین که در حقیقت هـدف رسالت تقریب را در نیافته بودند یا نمی خواسـتند دریابند، می گفتند تقریب می خواهد مذاهب را الغا کند یا آنها را در هم ادغام نماید و نیز عده ای کوته فکر و کوته نظر و کسانی که سوءغرض داشتند و یـا منافع خود را در تفرقه و تشـتت می دیدنـد و یا روحشان مریض و آلوده به هوا و هوس و تمایلات خاص بود، با این فکره به پیکار برخاستند. اینان و کسانی که قلم های خود را در معرض اجاره سیاست های تفرقه انگیز (بیگانگان) قرار می دهند،

همچنان که با هر نهضت اصلاحی به مبارزه برمی خیزند و از هر اقدام اصلاحی که باعث وحدت مسلمین می شود، جلوگیری به عمل می آورند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم با آن به نبرد پرداختند و هر کدام به سهم خود با این نهضت مبارزه کردند و تا آنجا که می توانستند، محیط را برای کوبیدن این دعوت آماده کردند.(۱)

در مقابل، در راستای تقویت تقریب بین مذاهب آن گاه که شیخ شلتوت، رئیسالازهر شد، گام های مهمی برداشت. از جمله در یکی از جلسه ها پیشنهاد کرد که تسنن و تشیع را در جمع مشترک بدانیم و به جای تعبیر به فرقه یا طایفه، همه آنها را مذاهب اسلامی بنامیم.(۲) درپی گسترش همکاری و هم بستگی میان علمای مذاهب اسلامی، فتوای شیخ شلتوت مبنی بر جواز پیروی از مذاهب امامی صادر شد. وی درباره آرزوی خود می نویسد:

آرزو داشتم می توانستم از اجتماعاتی که در دارالتقریب برپا می شود، تعریف کنم که در آن، مصری در کنار ایرانی، لبنانی، عراقی و پاکستانی و غیره قرار می گیرد و حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی با امامی و زیدی دور یک میز می نشیند و با ندایی توأم با دانش و ادب و پاکی و فهم و برادری و مؤدب و همکاری و محبت، یکدیگر را می خوانند.(۳)

استاد محمدتقی قمی، معاون دبیر کل جمعیت و رئیس دانشکده حقوق الازهر و رئیس تحریر مجله رساله الاسلام نیز می نویسد:

نخستین و بهترین کار این است که ما دست از اختلافات بشوییم و این تعصبات را فراموش نموده، تنها به خاطر آوریم که ما همگی مسلمانیم و دین و پروردگار و کتاب و پیامبر و اهدافمان در زندگی یکی است. دشمنان اینان، دشمنان ما هستند، نه به این



---

۱- . کمال حاج سید جوادی، اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ، تهران، نشر میثاق، ۱۳۵۸، ص۳۰۵.

۲- . هم بستگی مذاهب اسلامی، صص ۸ - ۴۷.

۳- . همان، ص۲۸.

جهت که ما شیعه یا سنّی هستیم، بلکه به حکم اینکه همه ما مسلمانیم و در اهداف و اصول اسلام اتفاق داریم و اصول و هدف های اسلام تمام مسلمانان را زیر یک پرچم جمع می نماید.

او در بیان سبب تألیف کتاب دعوه التقریب می نویسد:

مسلمانان را به سوی کلمه ای که میان تمام آنها یکسان است، دعوت می کند تا برای دینشان باشند، نه برای روش خاصشان و به اصول اهتمام ورزند، نه به فروع و دشمنی ها را فراموش کنند و از تعصبات بکاهند و دریابند که جهان در انتظارشان به سر نمی برد و خداوند معذرت آنها را از این تخلف نمی پذیرد.(۱)

محمدتقی قمی در نخستین جلسه دارالتقریب در سخنانی خطاب به اعضا که از مذاهب مختلف اسلامی بودند، درباره هدف مجمع می گوید:

میان برادران دینی که به یک خدا و یک پیغمبر و یک دین معتقدند و دارای یک نماز و یک قبله هستند، آشنایی و حسن تفاهم



---

۱- . همان، ص۲۱.

ایجاد کند و بدبینی ها را از میان بردارد و برادری و یگانگی را جای گزین اختلافات سازد.(۱)

کاشف الغطا نیز درباره هدف این جمعیت می گوید:

جمعیت تقریب می خواهد که میان طوایف اسلامی قرابت و هم بستگی برقرار سازد و دشمنی استوار میان آنان را از میان بردارد و آنها را به سوی فرمان خدا دعوت نماید که به رشته اسلام بپیوندند و تفرقه و پراکندگی را کنار بگذارند تا مبادا که عظمت و شوکتشان به باد رود و پست ترین و فرومایه ترین کسان بر آنان مسلط گردند.(۲)

## موانع تقریب در جهان اسلام

### ۱. فرقه سازی به وسیله بیگانگان

متأسفانه در حال حاضر، مسلمانان به صورت فرقه ها و طایفه های مختلف درآمده اند، به گونه ای که می بینیم «یک امت به فرقه های گوناگون و هر فرقه ای به شعبه های متعدد تقسیم شده و هر یک از دیگری دور گشته اند، به جانبی سیر می کند و گویی پیروان دو دین هستند که با هم همکاری و وصلت و تبادل فکری نمی کنند. هر دسته ای تمام کوشش خود را به افکار خود مشغول داشته [است] و در راه آن تعصب می ورزد و حق را در انحصار خود می داند و دیگران را باطل می شمارد».(۳)



---

۱- . همان، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- . همان، ص۹۳.

۳- . عبدالکریم بی آزار شیرازی، اسلام؛ آیین هم بستگی، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۴، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

دلیل این همه تعصب از دیدگاه قمی، دبیر کل و مؤسسه دارالتقریب، تعصب نژادی و تعصب مذهبی است. در این میان، شهوت ریاست و سیاست و سیاست های بیگانه در شدت و ضعف آن مؤثر است. ایشان در مورد تعصب فرقه ای یا اختلاف طایفه ای هم می گوید:

اگر شهوت ریاست نبود، این تعصب از حدود معقول خود تجاوز نمی کرد و به صورت مشکلی درنمی آمد، ولی سیاست آن چنان از آن بهره برداری نموده که مسلمان از برادرش بیش از دشمن می گریزد و بیش از دشمن، کینه و دشمنی برادر را در دل می گیرد.(۱)

سیاست های بیگانگان نیز در فرقه سازی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان نقش مهمی دارد، به گونه ای که آقای قمی می گوید:

دست سیاست ها به روی ما همچنان سایه می گستراند و سیاست خود را در ما اعمال می کند و جمع ما را متفرق و پراکنده می سازد و شوکت ما را در هم می شکند و اگر در گذشته فرقه هایی ایجاد نمود و آنها را به دروغ به اسلام نسبت داد، مسلما در آینده، ما را با سیاست زیرکانه تر و تلخ تری نشان خواهد داد.(۲)

### ۲. عصبیت و مذهب

شیخ شلتوت نیز تفرقه و پراکندگی مسلمانان را در دو عامل عصبیت و مذهب می دید. به نظر او در اسلام، عصبیت وجود ندارد و با وجود کثرت مذاهب اسلام و اختلاف روش ها و آرای آنها، همگی از یک منبع و اصل واحد که کتاب خدا و سنّت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهباشد، فیض گرفته و از آن جوشیده اند. به نظر او اختلاف میان



---

۱- . همان، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲- . همان، ص۱۵۳.

ارباب مذاهب گوناگون اسلامی فقط از جهت روش های اجتهادی و استنباطی مخصوص و تحت تأثیر گرایش های مختلف قرار گرفتن و دریافت های گوناگون آنان است.(۱) از همین طریق است که شکاف هایی در صفوف اسلامی ایجاد می شود و دشمن استعمارگر نیز از همین شکاف ها نفوذ می کند و حتی می کوشد به این اختلافات دامن زند و شکاف ها را وسیع تر کند تا بتواند در وحدت مسلمانان خلل وارد کند و آنها را پراکنده گرداند و اتحاد و یگانگی آنها را به تفرقه بدل سازد و دشمنی بین افراد امت حاصل کند.(۲)

### ۳. بدعت، جهل، خرافه و تقلید

دور شدن مسلمانان از آموزه های اصیل اسلامی و پیدایش جهل و خرافه، بدعت و تقلید و انحراف نیز در ارتباط با توطئه ها و دسیسه های دشمنان اسلام از عواملی است که در تجزیه جامعه اسلامی و فاصله گرفتن مذاهب اسلامی مؤثر است. به نظر شیخ سلیم، دشمنان:

گاهی با دروغ و گاهی با بدعت و زمانی با ایجاد اختلاف، میان طوایف اسلامی، آلوده ساختند و به وسایل مختلف، آموزش مسائل دینی را به عهده گرفتند و دامنه آن را بر اهلش تنگ ساختند و اهل علم را به نزاع و اختلاف در آنها مشغول کردند و مسائل مجهول و مشکوک را رونق دادند.(۳)

### ۴. عوامل داخلی استعمار

در این میان، از فعالیت بعضی عوامل داخلی استعمار و نیز کسانی که به عنوان مبلّغ فعالند، نباید چشم پوشید. قلیبی تونسی در این باره می نویسد:



---

۱- . همان، ص۱۳۹.

۲- . همان.

۳- . همان.

برای دین چیزهایی ادعا می کردنـد که موجب ویرانی دین بود. نصایحی به مردم می کردند که باعث تفرقه میان مسـلمین بود. کینه آنان را نسـبت به دسته دیگر از برادران اسلامی برمی انگیخت بی آنکه کاری به مخالفین دین و دشمنان اسلام و مسلمین و استثمارکنندگان داشته باشند.(۱)

به یقین، این روش، نوعی همکاری با اسـتعمار است که به ویران ساختن باقی مانـده جهان اسـلام کمک می کند و امید به هم پیوسـتگی صـفوف مسلمانان را از بین می برد. بدین ترتیب، آتش فتنه های فرقه ای را شعله ور می سازند و نوای امتیاز خواهی های طایفه ای و فرقه ای را میان مسلمانان سر می دهند و به بی خبری و نادانی مردم و تحریف و تغییر حقایق کمک می کنند. متأسـفانه دشـمنان در پرتو اختلاف افکنی، زمینه را مساعـد دیدنـد و «در سـیاست و تاریخ و علم و روایت و نظریات فلسـفی و قضایای پنهانی رخنه کردند و کرانه های شک و تردید را به رویشان گشودند و آنها را به جدل و دشمنی سرگرم ساختند».(۲)

## نتایج و آسیب های نفی تقریب

با این همه خودمشـغولی ها، به تدریج، نیروی مسـلمانان تحلیل رفت و خردهایشان به سـستی گرایید. اعتماد به نفسـشان از بین رفت و «وطنشـان قطعه قطعه شـد و به عنـوان غنیمت میـان آنـان تقسـیم گردیـد. گـاهی در صورت اسـتعمار و گـاهی به عنوان حمایت و گاهی به صورت میانجی گری و زمانی به نام بازکردن بازار».(۳)

ص: ۲۳۸

---

۱- . اسلام؛ آیین هم بستگی، ص۵۱.

۲- . هم بستگی مذاهب اسلامی، ص۸۷.

۳- . همان، ص ۸۱ .

این وضع و حال امروز مسلمانان و درد کهنه آنان است از آن زمان که از هم بریده و پراکنده شدند و به قول قرآن مجید: «کل حزب بما لـدیهم فرحون». اساسا کاخ فرهنگ اسـلامی، محور و مبنای وحدت مسـلمانان در قرون گذشـته بود، ولی اکنون این کـاخ فرو ریخته است. اگر «ما مجـددا دل های خود را می گشودیم و فرهنگ اسـلامی را مجموعه ای می دانستیم که قسـمتی، قسـمت دیگر را تکمیـل می کنـد و بر این اساس، با هم تفاهم داشتیم و به خاطر می آوردیم که این فرهنگ، فرهنگ اسـلامی است و قبل از هر چیز برای اسلام بنا گشته، نه برای فرد یا فرقه ای یا برتری نژادی بر نژاد دیگر، مسلما بنای باشکوه این قصر را (با آن مجد و عظمتش) تجدید می نمودیم».(۱)

به طور کلی، اگر «همه پیرامون یک فرهنگ اسـلامی رو آورند و هر فکری که در اسلام برخاسته، از خود بدانند، این وحدت، خود، عهده دار یکی کردن صـفوف آنان و ایجاد یگانگی میان ملل مختلف خواهد بود و پوشیده نیست که این وحدت، عزت و مجد و عظمت ما را بازخواهد گردانید و تا این فرهنگ اسلامی برقرار است، رسیدن ما به این هدف میسر است».(۲)

## آثار منفی دشمنی در میان مسلمانان

آثـار منفی این دشـمنی هـا در میـان مسـلمانان بسیار غم انگیز است، به گونه ای که نمود آن در دفـاع نکردن منسـجم از ملت مظلوم فلسـطین، عراق و لبنان تجلی می کند. در همین راستا، گسترش سلطه صهیونیسم و فاجعه از دست دادن ممالک اسلامی چون انـدلس، قفقـاز و بخارا قابل تأمل است. بنابراین، ضـرورت وحـدت مسـلمانان بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. قلیبی تونسی دراین باره می نویسد:



---

۱– . همان.

۲– . همان، ص ۸۲ .

اکنون حالت مسلمانان خطرناک تر از حد تصور است و بازگشت به اتحاد و هم بستگی برای رهایی و خلاصی از استعمار لازم تر از هر چیز است.(۱)

و محمد علی علویه پاشا هم می گوید:

مسلمانان کنونی هیچ راهی برای اصلاح و درمان دردشان نیست جز اینکه به آنچه خداوند آغازشان کرد و آنان را امتی واحد قرار داد، برگردند، بی آنکه جدایی میان ملت های اسلامی و مشاجره و کشمکش میان طوایف وجود داشته باشد و بی آنکه شیعه نسبت به سنّی و سنّی نسبت به شیعه، تصورات بیهوده نموده و به یکدیگر دشمنی و سوءظن بورزند و باید که بر دین و عقیده خویش بیندیشند و گفته های قرآن و آنچه را که از روایت نقل شده، مراعات نمایند.(۲)

## مشترکات مذاهب اسلامی و برقراری مفاهمه میان مذاهب

محمد علی علویه درباره اصول و فروع مشترک میان همه مسلمانان می گوید:

اصول اسلام یکی است و تمام مسلمانان به خداوند و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان دارند و همگی معتقدند که قرآن و رسالت محمد صلی الله علیه و آله، حق است و هرگاه در امری اختلافی پیدا نمودند، باید آن را به پیشگاه خدا و پیامبرش عرضه دارند و نیز قبله (نماز همگی) یکی است و در اصول و پایه های اساسی اسلام، اختلافی میان آنان وجود ندارد.(۳)

ص: ۲۴۰

---

۱- . اسلام؛ آیین هم بستگی، ص۵۵.
۲- . هم بستگی مذاهب اسلامی، صص ۸۷ و ۸۸ .
۳- . همان، ص۸۸.

بسیاری از آیات قرآن بر این اتحاد و اخوت و هم بستگی دینی تأکید دارند. باید دانست که قرآن، «مسلمانان را در بسیاری از اصول و فروع، جمع و ارتباط داده و آنان را به محکم ترین روابط؛ یعنی توحید و رسالت و قبله و امثال آن از ارکان و دعایم پیوند می دهد و اختلاف نظر در بعضی مطالب که از قرآن استنباط می شود، اختلاف اجتهادی است و این نباید موجب دشمنی گردد». جناب کاشف الغطا می گوید:

آنچه ما در تحقیقات عمیق گشتیم و با فروع دلایل عقلی و نقلی پیش رفته و هوا و هوس و تعصبات را کنار گذاشتیم، هیچ گونه موجبی برای دشمنی و پراکندگی میان گروه های مسلمین نیافتیم.(۱)

استاد محمد محلوف به قواعد پنج گانه ای در فروع می پردازد که دین اسلام بر آن استوار است و مسلمانان را به وحدت و الفت و اتفاق و هم بستگی فرامی خواند:

اول نماز [است] که همه مسلمین در پنج نوبت می خوانند، در تعداد رکعات نماز، جهت قبله همه با هم متفقند و اسلام با وضع نماز جماعت و نمازهای عمومی مانند عید استسقا، جمعه و غیره، مسلمانان را به سوی وحدت و الفت و اتفاق مصالح و برابری در برابر تربیت الهی و بدون فرق میان بزرگ و کوچک، غنی و فقیر، امیر و وضیع تشویق می کند.(۲)

ایشان در توصیه ای حکیمانه درباره بحث های مجادله آمیز در مسائل پیچیده کلامی می گوید:

برخی از بحث های نظری و عقلی، ما را از برادری اسلامی خارج می سازد و میان ما جدایی می افکند و ما را امتی پراکنده می گرداند و اهدافمان را از یاد می برد و بر ماست که از آن دوری گزینیم و در بوته فراموشی بگذاریم.(۳)



---

۱- . همان، ص۹۵.

۲- . اسلام؛ آیین هم بستگی، ص۴۳.

۳- . همان، ص۴۸.

ابوزهره هم در همین زمینه می گوید:

یک مسلمان به مسلمان دیگری که با او در انگیزه فکری اختلاف دارد، به دیده دشمنی که در کمین او نشسته است، می نگرد، نه مخالفی که هر دو در جست وجوی حقایق شریعت الهی اند.(۱)

آقای محمد تقی قمی، مؤسس دارالتقریب بر ضرورت افزایش شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر تأکید دارد:

ما از این رنج نمی بریم که چرا حقوق ما محترم نیست و چرا برای ما حقوقی قائل نیستند، بلکه از این شکوه داریم که چرا این خرافات و اوهام را به ما نسبت می دهند و چرا پیشوایان اسلامی اجازه این همه تبلیغات سوء را علیه شیعه داده اند؟ و چرا نویسندگانی که خواسته اند درباره شیعه چیزی بنویسند، اگر مغرض نبوده اند، به جای تحقیق و بررسی عقاید شیعه از مصادر و مآخذ معتبر، از مصادر دشمنان شیعه اقتباس کرده و انعکاس بدی از شیعه در افکار عمومی مجسم نموده اند.(۲)

ایشان معتقد بود چون عقاید شیعه به درستی شناسانده نشده است و این عقاید چیزی جز عقاید عموم مسلمانان نیست، تنها راه علاج و رفع اختلاف، معرفی و شناسایی طرفین است و باید تلاش کنیم که شیعه را به درستی بشناسانیم.(۳)

اصولاً روی آوردن به دلیل، برهان، علم و اطلاع، عقل و دانش، راه و وسیله مناسبی در حل اختلافات و برقراری پیوند و اتحاد اسلامی است. هرچند که باید از آن فراتر رفت و به الفت درونی و معنوی و ایمانی رسید. استاد علامه محمد جواد مغنیه، از علمای بزرگ شیعه در جهت روی آوردن به روش عقلی، علمی و برهانی می فرمود:

عالم آن نیست که به رأی خود و معتقدات



---

۱- . عبدالکریم بی آزار شیرازی، توحید کلمه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۳ ه .ق، ج ۱، ص۱۴۸.
۲- . هم بستگی مذاهب اسلامی، ص۱۱۷.
۳- . همان، ص۱۲۲.

نیاکان خود اطمینان داشته و بتواند خوب محاوره و گفت وگو کند، بلکه عالم کسی است که واقع را از ذات و عواطف خویش جدا سازد و آزاد و مطلق فکر کند و هیچ تعصبی نسبت به رأیی بر علیه رأی دیگر به خرج ندهد، بلکه به هر گفته ای به عنوان تردید و سؤال نگاه کند ولو گویندگان آن زیاد و پیشینیان به آن ایمان داشته باشند.(۱)

ایشان در سخنی دیگر می گفت:

به طور قطع، اطلاع هر فرقه ای بر آنچه نزد فرقه دیگر وجود دارد، یکی از مهم ترین وسیله ها برای گشودن راه تقریب و هم بستگی میان برادران شیعه و سنّی است، چه بدانند و چه ندانند.(۲)

محمد محمد مدنی، مدیر مجله رساله الاسلام نیز در همین راستا می گفت:

مسلمانان امت واحدی را تشکیل می دهند که زیبنده نیست میان آنها تفرقه و جدایی افتد، بلکه باید هر فرقه ای، نظریات سایر فرق را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد؛ چه همگی با هم برادرند و برای معرفت و شناخت حقیقت و عمل به آن باید پشتیبان و راهنمای یکدیگر باشند و این هم بستگی علمی در صورتی پایدار است که مسلمانان همگی متحد شوند و در اصول مشترک بوده و در غیر مسائل اصولی برای اظهار دلیل و نظر آزاد باشند و خوش بختانه میان سنّی و شیعه امامی و زیدی فرقی در اصل جوهری و اصول ایمان نیست.(۳)



---

۱- . اسلام؛ آیین هم بستگی، ص۱۰۵.

۲- . همان.

۳- . همان، ص۸۲.

در مقابل، علمای بزرگ دیگر اهل سنّت نیز در جهت هم بستگی با شیعه و فقه جعفری، آرای مهمی بیان می دارند، به ویژه شیخ شلتوت که می گفت:

من فراموش نمی کنم که در دانشکده حقوق اسلامی به تدریس و تحقیق فقه مقارن پرداختم و آرا و نظریات تمام مذاهب اسلامی را در یک مسئله به میان آوردم و در میان آنها مذهب شیعه بهتر بود و در بسیاری از موارد مذهب شیعه را به خاطر قوی بودن دلیل ترجیح می دادم و نیز فراموش نمی کنم که در بسیاری از مسائل طبق مذهب شیعه فتوا می دادم.(۱)

استاد محمد مدنی، عالم سنّی هم معتقد است که شیعیان:

به تمام اصول اسلام ایمان دارند و هیچ یک از اهل قبله نمی تواند حکم به کفر آنها کند و اختلاف آنها با اهل سنّت در ماورای اصول و ضروریات دینی است و فقه آنها منسوب به اهل بیت برگزیده پیغمبر می باشد که به نام فقه جعفری مشهور است، منسوب به امام جعفرصادق علیه السلام، فرزند امام محمد باقر علیه السلام.(۲)

همچنین شیخ عطیه صقر، یکی از همراهان شیخ محمد فحام، رئیس الأزهر در سفرش به ایران گفته بود که افتراق مسلمانان به نام شیعه و سنّی بر حسب اسم و اسم گذاری صورت گرفته است؛ زیرا:

تمام مسلمانان اهل سنّتند و عمل به دستور[های] پیغمبر را واجب می دانند و همگی شیعه و دوستدار خاندان پیغمبرند و ما از صمیم قلب خاندان پیغمبر را دوست می داریم و کسی که کمترین نقصی برای علی علیه السلام قائل شود، او را دشمن می داریم.(۳)

این خاندان میان تمام ما مشترکند و اختلاف مذاهب فقهی خواه از اهل سنّت یا شیعه نباید



---

۱- . همان، ص۹۵.

۲- . همان، ص۷۸.

۳- . همان، ص۳۴۸.

به اختلاف اصول و قواعد اولیه تعبیر شود؛ زیرا یکی از امتیازات دین اسلام این است که بر اصول استوار است، نه فروع.(۱)

در همین راستا، کاشف الغطا معتقد است شیعه، امامت را اصلی از اصول دین؛ یعنی در ردیف توحید و نبوت می داند و بر این باور است که امام بایـد از جانب خـدا و پیامبر برگزیده شود و امت را در آن اختیاری نیست همچنان که امت در نبوت و تعیین پیامبر دخالتی ندارند.(۲) به گفته کـاشف الغطا، برادران سنـی ما آن را از اصول دین نمی شـمارند و به اجماع، انتخابی یا یک قضیه سیاسی می دانند که به اصول و فروع دین ارتباطی ندارد. با این حال:

آیا شـیعه ای می یابید که بگوید هر کس به امامت اعتراف نداشـته باشد، مسـلمان نیست؟ هرگز یا اینکه کسی را از اهل تسنن می یابید که بگوید هرکسی به امامت قائل باشد، از اسلام خارج است؟ نه، هرگز.(۳)

بنـابراین، «قول به امامت و عـدم آن به جامعه اسـلامی و احکام آن بسـتگی نـدارد و خون و عرض و مال (هر دو دسـته) محترم است و حفظ احترام و برادری و دیگر حقوقی که مسلمانان نسبت به برادر دینی خود دارد، لازم و واجب است».(۴)

برای دست یـابی به اتحـاد و هم بسـتگی اسـلامی بایـد راه تعقل و تـدبیر را پیمود و در راه مصالـح متعالی اسـلامی از بسـیاری دغدغه های جزئی چشم پوشـید. سـخن شیخ عبدالمجید سلیم در نامه تاریخی خود به کنگره جهانی اسلام در کراچی پاکستان نیز قابل توجه است که می گفت: «بزرگان آن مجمع به رابطه برادری با یکدیگر مرتبط شده اند. نه تمایلات سیاسی، نه مطامع اقلیمی و نه اهـداف اسـتعماری، هیـچ کـدام علت چنین اجتمـاعی نیست، بلکه تنهـا عامـل این گردهم آیی، اتحاد و نزدیکی و جست وجوی حق و خیر و سلامت و عافیت و اصلاح بین مردم



---

۱- . همان، ص۳۳۹.

۲- . همان، ص۹۴.

۳- . همان.

۴- . همان.

است».(۱)

البته اتحاد و ائتلاف قلوب بزرگ ترین فایده را دارد. راه اصلاح نیز بر دو اصل متوقف است:

۱. فرزندان این امت باید با دلایل قوی و بصیرت تام به این مطلب ایمان بیاورند که اسلام مایه عظمت و سرچشمه سیادت و قدرت آنهاست و به آن علت که از آموزه ها و مبادی آن عدول کرده و منحرف شده اند، انواع زیان و بدبختی متوجه سرزمین آنها و اوضاع و احوال خود آنها شده است.

۲. مسلمانان و افراد این امت باید کینه های دیرین را فراموش کنند و میراث دشمنی هایی را که جز عامل ضعف و زبونی و ذلت و ترس و تسلط دشمنان بر آنها نبوده است، از خود دور سازند.

امت اسلامی باید بداند که در پرتو اتحاد، فواید درخشانی را به دست می آورند. امور جامعه اصلاح می شود و امت اسلامی به عنوان امت واحد که کرامت خود را می شناسد، در صحنه گیتی ظاهر می شود و مردمان را به راه و روشی استوار که پیروانش به صحت و اصالت آن یقین دارند، فرامی خواند.

شایسته نیست که اختلافات موجب فراموشی برادری و اخوت اسلامی شود و رابطه ای را که به مقتضای ایمان، ما را به هم پیوند داده است، قطع کنیم.



---

۱- . استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۲، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.

## اقدامات دارالتقریب

### ۱. گشودن باب اجتهاد و جواز پیروی از دیگر مذاهب اسلامی

شیخ محمد مصطفی مراغی بزرگ، اولین یاور تقریب در مرحله تمهید و رئیس سابق الازهر، در مقاله ای به نام «اجتهاد در شریعت اسلام» درباره اجتهاد و تقلید و ضرورت باز بودن باب اجتهاد، بحث کرد و نتیجه گرفت:

اجماع محققین بی اساس است و می توان از غیر چهار پیشوای معروف (تسنن) چنانچه به نقل صحیح باشد و مرادشان فهمیده شود، پیروی کرد.(۱)

### ۲.پیدایش فقه مقارن

پیدایش فقه مقارن به پیشنهاد شیخ محمد عبده بود. سپس دارالتقریب و الازهر به آن شکل رسمی تر بخشیدند و کرسی فقه مقارن را همراه با داخل کردن فقه شیعه در آن دانشگاه به وجود آوردند. شیخ شلتوت در این باره می نویسد:

ما به یاری خداوند تصمیم گرفته ایم فقه اسلامی را در دانشکده حقوق اسلامی به تمام مذاهب فقهی که اصول آنها معروف و روشنان آشکار است، تدریس نماییم و بدون شک، مذهب شیعه امامی و زیدی در میان آنها خواهد بود.(۲)

### ۳. ایجاد ارتباط و هم بستگی میان رؤسای شیعه و سنّی

این کار را به طریق مختلف از جمله نامه نگاری، اعزام نماینده و ملاقات انجام دادند. از جمله نامه نگاری های رؤسای سابق الازهر، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ شلتوت با حضرت آیت الله العظمی بروجردی در همین راستاست. سفر شیخ محمد فحام، رئیس الازهر به ایران را نیز در همین زمینه باید ارزیابی کرد. ایشان در این سفر خطاب به علمای ایران گفت:

سال ها آرزو داشتم که از این کشور دیدن کنم؛ زیرا کتاب های بسیاری را که در فلسفه، فقه و ادبیات مطالعه کرده ام، به این موضوع



---

۱- . هم بستگی مذاهب اسلامی، ص۲۷۴.

۲- . همان، ص۵۸.

پی برده ام که تمام اساتید ما همه از ایران برخاسته اند، چنان که فخر رازی، جرجانی، جوبیری و ابوالفرج اصفهانی و سیبویه و... همچنین بسیاری از علما و شعرا همه از این کشور بوده اند.(۱)

در این دیدار، آقای فلسفی پیشنهادهایی از جمله مبادله کتاب های علمی و فقهی میان شیعه و سنّی، مبادله دانشجویان مراکز علمی شیعه و سنّی، ایجاد کرسی فقه جعفری در الازهر و برنامه ریزی جهان اسلام برای جوانان را ارائه داد.

### ۴.شرکت و همکاری با کنگره های اسلامی در راه هم بستگی

بعضی از کشورها مانند پاکستان، کنگره هایی برای دفاع از کیان اسلامی و رفع سوءتفاهم ها برگزار کردند که دارالتقریب با آنها همکاری نزدیک داشت. اعضا با شرکت در این همایش ها به این نتیجه رسیدند که حل مسائل اختلافی جهان اسلام را به جماعت دارالتقریب بسپارند. در همین تصمیم گیری ها، به پیشنهاد شیخ محمد شریعت از اعضای کنگره، رسیدگی به وضع قبرستان بقیع و آرام گاه اهل بیت علیهم السلام و اصحاب در کنار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به دارالتقریب واگذار شد که در پی آن، دیواری به دور قبرستان بقیع کشیده شد.(۲)

### ۵.انتشار مجله رساله الاسلام

این مجله، کرسی آزاد و بی طرفی بود که در طول سال های انتشارش، حق را معیار کار خود قرار داده بود



---

۱- . همان، ص ۳۴۵.

۲- . همان، ص۲۸۳.

و برای هدف بزرگ تقریب؛ یعنی نزدیک ساختن مسلمانان به هم گام برمی داشت. علما و متفکران جهان اسلام می توانستند نظرهای خود را از طریق این مجله به یکدیگر برسانند و تبادل افکار کنند و به معرفی صحیح و اصلاح اسلام و مذاهب اسلامی بپردازند. شیخ شلتوت در معرفی این مجله می گوید:

[مایل بودم] نقش مجله رساله الاسلام را شرح می دادم که چگونه وظیفه رسالت خود را به خوبی انجام داد و مرکز نشر آرا و افکار دانشمندان مذاهب مختلف بود که با مقالات و بحث های خود آن را یاری می کردند. به طوری که همه منتظر انتشار آن بودند و شماره های آن زینت بخش کتاب خانه های شیعه و سنّی بود و از فرهنگ و معارف آن غربی ها همانند شرقی ها بهره مند می گردیدند.(۱)

### ۶. معرفی مذاهب در کشورهای دیگر و جواز پیروی از مذاهب مختلف

در فتوای تاریخی شیخ شلتوت در سال ۱۳۷۸ ه .ق در سال روز میلاد امام صادق علیه السلام، بنیان گذار فقه جعفری به صراحت آمده است:

آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معیّنی ننموده، بلکه هر مسلمانی می تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته، پیروی نماید و کسی که مقلّد یکی از این مکتب های (چهارگانه) باشد، می تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد)، منتقل شود. مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعا پیروی از آن مانند پیروی از مکتب های اهل سنّت جایز می باشد.(۲)

شلتوت از مسلمانان خواست که از تعصب ناروا



---

۱- . همان، صص ۳۱ و ۳۲.

۲- . همان، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

بپرهیزند. وی درباره بازتاب های این فتوا در کشورهای اسلامی پس از پخش شدن نسخه هایی از آن می گوید:

فتوایی که آوازه بلند آن در کشورهای اسلامی طنین افکند و چشمان افراد پاک و با ایمان که هدفی جز حق و تقریب و مصلحت ملت نداشتند، روشن گشت و از طرفی هم پرسش ها و جدل ها درباره آن شروع شد و من به درستی این فتوا ایمان داشتم و با عزمی راسخ، هر لحظه برای آن کسانی که درباره آن توضیح می خواستند، نامه می فرستادم و آن را تأیید می کردم و به اشکالات معترضین پاسخ می گفتم(۱) و نیز در مقالاتی که منتشر می شد و در سخنرانی ها آن را تأیید می نمودم تا اینکه به یاری خدا این فتوا در میان مسلمانان در شمار اصول مسلّم به صورت یک حقیقت پا بر جا درآمد، ولی افراد خشک و کوته فکر که همچنان در انحطاط فکری و اختلافات طایفگی و نزاع سیاسی به سر می بردند، درباره آن به القای شبهه و تصورات بیهوده پرداختند.(۲)

نظارت بر کتاب ها و جلوگیری از انتشار و پخش کتاب های تفرقه انگیز، جمع آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و احادیث مورد اتفاق شیعه و سنّی، فراهم ساختن تفسیری وزین و مورد قبول همه فرقه های اسلامی را هم می توان از دیگر اقدامات دارالتقریب برای تقریب اسلامی نام برد.

راه کارهای دارالتقریب برای مقابله با توطئه های دشمنان

به واسطه غفلت مسلمانان، دشمنان اسلام و استعمارگران از همه امکانات مسلمانان از جمله نیرو و توانایی های جسمانی و انسانی، منابع زیرزمینی و روی زمینی، ثروت ها و دارایی های آنان بهره گرفتند

ص: ۲۵۰

---

۱- . همان، ص۳۱۳.

۲- . همان، ص۲۷.

و زورگویی و سلطه گری و ذلت را بر جامعه اسلامی تحمیل کردند. ابوزهره، استاد دانشگاه الأزهر می گوید:

آنها همه این کارها را از راه ایجاد تفرقه بین ما و فریفتن بزرگان ما انجام می دهند تا آنجا که امور امت اسلام دچار پراکندگی و هرج و مرج گردیده و رهبری آن به دست نادانان از امور دین واگذار شده است.(۱)

اختلافات قومی و مذهبی در پرتو این توطئه ها رخ می نماید و قومی درصدد برمی آید که قومیت خود را زنده و آشکار کند و گروهی نیز در پی تحمیل فرقه و نحله خود برمی آید. باید دانست دشمنان اسلام «اجازه نمی دهند که ما متحد شویم؛ زیرا زمام امور تمام امت های اسلامی را در دست دارند و از این روی نمی پذیرند که مسلمانان همگی بر سر سفره اسلام جمع آییم؛ چرا که پایان چپاولگری و استعمار خویش را در اجتماع و اتحاد ما می بینند».(۲)

ابوزهره، استاد دانشگاه الأزهر در سخنی دیگر می گوید:

دشمنان اسلام در پراکندگی و ایجاد دره ای عمیق بین مسلمانان و بی خبری از احوال یکدیگر بسیار کوشیدند و حال بر ما واجب است که به یکدیگر نزدیک شویم و بدانیم که وحدت ما در تمسک به ضد آن چیزی است که دشمنان ما اعمال کردند، متصور است.(۳)

به نظر ابوزهره، مسلمانان باید به دشمنان اسلام توجه و تمایلی نشان ندهند و به آنان اجازه ندهند که



---

۱- . توحید کلمه، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- . همان، ص ۱۲۹.

۳- . همان، ص ۱۶۵.

بر مسلمانان حکم برانند یا گوشه ای از سرزمین آنها را تصرف کنند.(۱) همچنین رئیس دولت یا پادشاه سرزمین های اسلامی بایـد از اطمینـان و اعتماد به غیرمسـلمان در امور سیاسـی خودداری ورزد.(۲) در کنـار این دو نکته، مسـلمانان بایـد آتش نزاع هـایی را که میـان خودشـان شـعله ور می شود، خاموش کننـد و هیـچ گروهی بر دیگری سـتم روا نـدارد.(۳) همچنین بایـد به تحکیم مودّت و دوستی میان خود قیام کنند:

همه مسـلمانان باید تجاوز هر قدرتی را بر هر نقطه از سرزمین اسلامی، تجاوز بر مسلمانان در شرق و غرب عالم بدانند و معتقد شونـد که تمام مسـلمانان را در هر وجب از خاک سـرزمین اسـلام تجاوز کنـد، به همه مسـلمانان تجاوز کرده است و هر کس وجبی از خاک کشوری مسلمان را اشغال نماید، خاک تمام مسلمانان را اشغال کرده است.(۴)

افزون بر همه اینها، مسلمانان باید در راه دور شدن از خواری بکوشند:

با افرادی که مسـلمانان را به خواری می کشند و موجب ضعف آنها می شوند، به جنگ برخیزند تا برادران خود را از بند ذلت رهـا کننـد و بـه حـوزه آزادی و حریـت برساننـد. [آن گـاه] همراه بـا سـایر مؤمنـان قـدرتی تشـکیل دهنـد و سـخن پروردگـار راهنمایشان باشد و مسلمانان را از کسانی که در دین برگزیده آنان، فتنه برمی انگیزند، دور نمایند.(۵)

ص: ۲۵۲

---

۱- . همان، ص۱۷۳.

۲- . همان، ص۱۷۵.

۳- . همان، ص۱۷۶.

۴- . همان، ص۱۷۷.

۵- . همان، ص۱۷۹.

این مورد ایجاب می کند که تمامی کشورهای اسلامی برای بیرون راندن تجاوز کار به انواع ذلت و خواری ها را بر مسلمانان وارد می کند و در هر گوشه ای از سرزمین اسلامی، متحد و پشتیبان یکدیگر باشند.

در زمینه وحدت اقتصادی، شیخ ابوزهره با تأکید بر نقش و اهمیت اقتصاد و مسائل اقتصادی در جهان امروز، تعاون و همکاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی را پیشنهاد می کند و موارد زیر را خواستار می شود:

۱. همگی برای بهره گیری از ثروت و سرمایه های اسلامی بکوشند و جدا و پراکنده از یکدیگر نباشند و از کارشناسان مسلمان در این مهم یاری جویند. اگر کسی یافت نشود که شایسته انجام این کار باشد و به متخصص دیگر نیاز باشد، باید از دولت هایی که به منابع و ثروت ممالک اسلامی چشم طمع ندارند یا قدرت سیطره جویی در آنها نیست، یاری گیریم.

۲. باید شرکت های تجاری و صنعتی با سرمایه های مسلمانان ایجاد شود.

۳. میان کشورهای اسلامی، ارتباط ارزی (پولی واحد) برقرار شود تا معاملات تجاری به آسانی صورت گیرد. البته ارز ملی و کشوری کشورها نسبت به آن سنجیده شود و صرافی های گوناگون به وجود آید، ولی فعالیت آنها مبنی بر بهره گرفتن نباشد (ایجاد مراکز غیر انتفاعی تبدیل ارز)، بلکه برای آسان سازی معاملات تجاری بین کشورهای اسلامی عمل کند.

۴. همه موانع گمرکی میان کشورهای اسلامی برطرف شود و مالیات های ظالمانه ای که تعاون و همکاری میان مسلمانان را به تعویق می اندازد و مسئله وحدت را از بین می برد، حذف شود.

۵. کشورهای اسلامی در معاملات تجاری و صنعتی حق اولویت داشته باشند. کالایی که در یکی از کشورهای اسلامی یافت می شود، از جای دیگر وارد نشود، گرچه از کیفیت پایین تری برخوردار باشد و کالایی که یکی از کشورهای اسلامی به آن نیازمند است، به جای دیگر صادر نشود.

۶. باید دروازه های ورود و خروج تمام کشورهای اسلامی باز باشد تا تمام سرزمین های اسلامی رو به آبادی رود. برخی از ممالک اسلامی به دلیل زیادی جمعیت ناتوانند و در پاره ای دیگر، جمعیتی که از زمین آن استفاده برند، وجود ندارد. هرگاه مرزها آزاد شوند و مسلمانان در هر نقطه ای از سرزمین اسلامی با یکدیگر

انس گیرند و به کار پردازند، وحدت اقتصادی تحقق می پذیرد و تمامی مسلمانان از منابع ثروت کشاورزی، صنعتی، معدنی و انسانی یکدیگر بهره مند می شوند. به این ترتیب، سرزمین هایشان آباد می شود و ثروت و نعمت تعمیم می یابد و ندای پروردگار را اجابت کرده ایم که فرمود: «وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ». (مائده: ۲)

## پیش تازی علما در ایجاد وحدت

شرف الدین در کتاب المراجعات، فکر اتحاد اسلامی را بیان کرد و به عنوان منشور اتحاد اسلامی و منشور وحدت و برادری شناخته شد.(۱) شیخ آقا بزرگ درباره ایشان می نویسد:

شرف الدین، یکی از بزرگ ترین منادیان اتحاد اسلامی و هماهنگ سازی پیروان مذهب اسلامی بود. او مسلمانان را به قرار گرفتن در صف واحد و گفتن سخن واحد (وحدت کلمه) پیوسته فرامی خواند. او همه توانایی ها و امکانات خویش را در این مقصود نهاد و نخستین کتاب خود را در این باره نوشت؛ یعنی کتاب الفصول المهمه فی تألیف الامه. و از همان تاریخ تا آخر عمر خود بیشترین اهتمام خویش را مصرف این هدف می داشت و برای تحقق بخشیدن به آن کوشش بسزا می کرد.(۲)

شیخ شرف الدین، آثار و نتایج ارزشمندی برای وحدت کلمه برمی شمارد:

آری، هنگامی که وحدت کلمه پیدا شد و عزم ها متحد گشت و دل ها با هم پیوند یافت و تصمیم ها یکی شد، می توان در راه اعتلای امت اسلامی قیام کرد و مسلمین را در جهان به مقامی که باید برسند، رسانید.(۳)

ایشان با اشاره به وضع کنونی امت اسلامی و پراکندگی و تجزیه آنها، مسلمانان را از تفرقه بر حذر



---

۱- . محمدرضا حکیمی، شرف الدین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰، ص۱۱۴.

۲- . استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۲۶۳، به نقل از: نقباء البشر، ج۳: ص۱۰۸۱.

۳- . شرف الدین، ص ۱۱۶.

می دارد:

اگر امت اسلام به صورت کنونی باقی بمانند؛ یعنی گروه هایی باشند پراکنده و ملت هایی با هم دشمن، همه سرگرم کارهای بیهوده و غافل از مصالح عالیه... چنین قومی همواره اسیر ذلتند و بی سامانی تا بدان جا که هر کس رسد، در آنان طمع بندد و هر جهان خواری، آنان را طعمه خویش خواهد و هر تیراندازی، آنان را آماج سازد و هر تازه به قدرت رسیده ای از آنان باج طلبد.(۱)

یکی از نتایج مهم دوستی و الفت میان مسلمانان، نیرومندی جبهه مسلمانان است. به اعتقاد امین عاملی، این مسئله «در این عصر که دولت های درنده غرب با استفاده از ضعف حاصل از اختلاف و غفلت و بی حالی مسلمانان، دهان های خود را گشوده اند و دندان هایشان برای پاره کردن دول اسلامی پدیدار شده است»،(۲) بسیار ضروری است.

همچنین با نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر امید می رود که «بسیاری از اختلافات دینی و نزاع های مذهبی از بین برود. اگر به پاره ای گوش فرادهند و اگر حق را به جانب او یافتند، او را تأیید نمایند.»(۳) «با الفت مسلمانان امید می رود که همه دشمنی هایی که از نسبت دادن برخی معایب و بدی ها و اعتقادات باطل به یکدیگر حاصل می شود، پایان یابد».(۴)

ص: ۲۵۵

---

۱- . همان.

۲- . توحید کلمه، ج۱، ص۱۸۶.

۳- . همان، ص۱۸۷.

۴- . همان، ص۱۸۸.

از این نکته ها برمی آید که تلاش برای ایجاد وحدت در ابعاد سیاسی، مادی، معنوی و اخلاقی بر مسلمانان لازم است و باید پراکندگی های خود را به اجتماع تبدیل کنند. شریعت اصفهانی در بیدارباشی به مسلمانان می گوید:

بیگانگان در میان مسلمانان، اختلاف، نفاق، دشمنی و نفرت برانگیختند و این اعمال را با وسایلی دور از ذهن که ساده لوحان بدان دست نمی یافتند و تحت عناوین گوناگون و واسطه های جورواجور انجام می دادند.(۱) سپس گروه ها و قبایل گوناگون را به قیام بر ضد یکدیگر و دشمنی و مبارزه با یکدیگر تحریک می کردند تا جایی که جز انسان کُشی، غارت اموال و ناتوانی هر دو سوی مبارزه و (افزایش بیشتر) نیروی دشمن نیرومند، پی آمدی نداشته است.(۲) سپس بیگانگان در کار آنان به بهانه آشتی گری دخالت کرده، سلطه خویش را بر هر دو سوی متخاصم برقرار ساختند. چه بسیاری از کشورهای اسلامی و شهرهای بزرگ استقلالشان را (بدین شیوه) و همین دلایل از دست داده اند.(۳)

ص: ۲۵۶

---

۱- . عبدالهادی حائری، هم گامی ایران و لیبی بر ضد امپریالیسم دو سند تاریخی، مشهد، نشر آزمون، چ ۱، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- . همان.

۳- . همان، ص ۵۰.

ایشان، پرهیز از ستیزه جویی و اختلاف را به مسلمانان یادآور شده است و می نویسد:

امروز روزی است که کفر و اسلام در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. روزی است که بر هر مسلمانی واجب است که به اسلام که بی کس مانده، یاری رساند. روزی است که باید به مسلمانان کمک رسانید و به فریاد آنان پاسخ داد. بنابراین، ای مسلمانان! دست از اختلاف و ستیزه جویی بردارید؛ که این تنها علت نابودی شما و دین شما خواهد بود. پیوند دوستی و آشتی میان خویشتن برقرار سازید و بهانه ای برای دخالت بیگانگان پدید نیاورید تا بدان وسیله سرزمین های شما را زیر پای کفر و بدکیشی لگدمال سازند.(۱)

آن گاه ایشان سخن خود را متوجه ایرانیان می سازد تا با کنار گذاشتن اختلافات داخلی و گریز از سلطه روسیه و انگلیس، به خود آیند:

ای ایرانیان! ادامه اختلاف های موجود در میان شما سبب از دست رفتن دین و دنیای شما خواهد شد و به زودی با نگاهی به گذشته، نخواهید توانست اثری از دین خویش بشناسید و یا خبری پیرامون آن بشنوید. نه پرستش گاه و مسجدی یافت خواهد شد و نه خداشناسی و ایمانی به جای خواهد ماند.(۲)

### آرزوی تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی

امروز، اتحاد اسلامی، تنها وسیله نجات اسلام و مسلمانان، از چنگال جهان خواران عصر است. امروز معلوم شده است که هیچ قدرتی، مرام و دستگاه فکری و فلسفی وجود ندارد که به فکر سعادت کامل انسان باشد، جز اسلام و رهنمودهای انسان ساز و جامعه ساز آن. اینک زمان آن است که مسلمانان اختلاف را کنار بگذارند و عزت خویش را بیش از پیش بازیابند و ذخایر و معادن خود را از تصرف دشمن خارج سازند. اگر مسلمانان متحد شوند، می توانند اصالت میراث تمدنی و دینی خویش را بازیابند. اگر اتحادی پدید آید، اسلام رونقی مضاعف



---

۱- . هم گامی ایران و لیبی، ص۵۳.

۲- . همان، ص۵۴.

می یابد. سید عبدالحسین شرف الدین می گوید:

آری، ما بایـد در اندیشه تشـکیل «اتحاد جماهیر اسـلامی» باشـیم و در این راه به جان بکوشـیم. این آرمان مقدس، حضورهای سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی و اقدام های جهانی گوناگون می طلبد. باید متفکران مؤمن بیندیشند و برای همه این مسائل برنامه ریزی کنند و زمینه و فرهنگ و اقدام را فراهم آورند.(۱)

شرف الدین در راستای تحقق ایده اتحاد اسلامی، این سخن تاریخی خود را در اجتماع مصریان گفته است:

شیعه و سنّی را از روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسـی) از هم دور کرد و اکنون بایـد سیاست (و مصالـح سیاسـی اسـلام و مسلمانان)، آنان را کنار هم گرد آورد.(۲)

بسـیاری از اختلافات شـیعه و سنّی، پایه درستی ندارد، بلکه سرچشـمه آنها، دروغ ها و اتهام ها و تبلیغاتی است که در شـرایط زمانی خاصی مطرح شده است و قدرت های سیاسی گذشته آنها را اشاعه داده اند.(۳)

افزون بر اختلافات مذهبی، سیاست مداران حتی از ایجاد اختلاف میان اقوام و ملل نیز کوتاهی نمی کردند؛ چه اینکه حیات و مانایی خود را در پرتو اختلاف ملی می دیدند. آیت الله طالقانی به درستی از این توطئه ها چنین یاد می کند:

در دوره شـرک طاغوتی که همه ما از هم می هراسـیدیم، همه از هم وحشت داشتیم، جرئت دم زدن نداشتیم، دردهای خود را در دل پنهان می کردیم و لب هایمان را از گفتن می بستیم، چنان اختلاف، نفاق و بـدبینی از داخل خانواده تا محله و روسـتا و شهر همه از هم هراسان و گریزان بودیم. از برکت اسلام و انقلاب عظیم اسلامی و در هم شکستن



---

۱- . مشعل اتحاد، ص ۶۵، به نقل از: شرف الدین، فصل ۴۵.

۲- . «فَرَّقَتْهُما السِّیاسهُ فَلْتَجْمَعْهُمَا السِّیاسهُ». همان، ص ۵۷، به نقل از: شـرف الدین در سفر دوم خود به مصر، حدود سال ۱۳۳۸ ه . ق.

۳- . همان، به نقل از: النص و الاجتهاد، مقدمه، ص۶۲.

بت ها و طاغوت ها بحمـدالله چشم گشودیم و اکنون همه با هم برادر و خواهریم. این نعمتی را که قرآن تـذکر داده، برای این است که بالاترین نعمت حیات و زنـدگی است. محبت، پیوسـتگی، هم فکری، هم قدمی، خوش بینی، نیک اندیشـی نسـبت به یکدیگر است و عکس این زندگی، زندگی شرک، کفر و طاغوتی است.(۱)

بحمـدالّله با پیروزی انقلاب اسـلامی و احیای کلمه «لا اله الا اللّه» در میهن اسـلامی، تمام این ترفنـدها، نقش بر آب شد و همه مردم از هر نژاد و قوم و مذهبی به یک پارچگی ملی و اتحاد مذهبی دست یافتند.

در مکتـب تشیع و تسـنن، خـدا یکی است. پس بنـدگان و تربیت شـدگان خـدا نیز بایـد بـا هم یکی باشـند و از دودسـتگی و پراکنـدگی دست بردارند. در جامعه ایده آل قرآنی، مردم با شـعار «ایاک نعبد و ایاک نسـتعین»، روزی چند بار در نماز، روح بی نیـازی از تمسـک به نیروهـای مـادی را بـاز می شناسـند. از سوی دیگر، از نتایـج مهم توحیـد اسـلامی، کنار رفتن مرزها و تفاخرهـای قومی و امتیازهـای نژادی و یـک پـارچه شـدن قومیت های گوناگون زیر یک پرچم و ایجاد برابری و برادری میان همه آنهاست.

اقبال لاهوری درباره ارتباط و وحدت فرد و ملت که در اسلام بسیار اهمیت دارد، چنین می سراید:

ص: ۲۵۹

---

۱- . مشعل اتحاد، ص ۸۲، به نقل از: سخنرانی آیت الله طالقانی در کردستان.

فرد را ربط جماعت، رحمت است

جوهر او را کمال از ملت است

تا توانی، با جماعت یار باش

رونق هنگامه احرار باش

فرد می گیرد ز ملت احترام

ملیت از فرد می یابد نظام

در زبان قوم گویا می شود

برده اسلاف پویا می شود

وحدت او مستقیم از کثرت است

کثرت اندر وحدت او وحدت است

لفظ چون از بیت خود بیرون نشست

گوهر مضمون به جیب خود شکست

فردِ تنها، از مقاصد غافل است

قوتش آشفتگی را مایل است(۱)



---

۱- . کلیات اقبال لاهوری، ص۵۸.

## پایانه

### نتایج و آموزه ها

تاریخ پر فراز و نشیب اسلام و ضربه هایی که بر اثر تفرقه بر مسلمانان وارد آمده، برای کسانی که با کوتاه بینی برخی از اختلاف جزئی و سلیقه ای را بهانه می کنند، بسیار عبرت آموز است. پس باید به دور از اختلاف های سلیقه ای، به وحدت امت اسلامی اندیشید.

تأکید بر شعارهای وحدت بخش و تقویت نقطه های وفاق و وحدت از شیوه های بسیار والای حضرت امام خمینی رحمه الله بود. ایشان در سخنی می فرماید:

ما همه باید توجه کنیم و همین تابلو بزرگی که سرتاسر ایران هست و منعکس است درآن: الله اکبر، آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی همان در نظر ما باشد و سرمشق ما باشد... دولتمردان - توجه داشته باشند که سند پیروزی ما همین وحدت کلمه و همین توحید کلمه بوده است.(۱)

بنابراین، باید با از میان بردن زمینه های تشنج و تفرقه از تقسیم مردم و مقامات و شخصیت های مورد توجه مردم به گرایش های متضاد و جبهه های چپ و راست پرهیز کرد. به راستی در کجای قرآن و سنّت چنین مجوزی آمده و در کجای تاریخ انقلاب، حضرت امام خمینی رحمه الله، چنین تقسیم بندی را تأیید یا زمینه سازی کرده است؟

جای شگفتی است که انسان ستمگر و ناآگاه امروز هزاران تفاوت و مرز و دسته و جبهه و جنوب و شمال و صنعتی و در حال توسعه و مانند آنان ایجاد می کند و تخرب و تشکل و دسته بندی را نشانه بلوغ سیاسی و



---

۱- . صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

اجتماعی می شمرد، ولی وقتی به مسئله دین داری و تعهد دینی می رسد و یک انسان غیرتمند دینی به مرزهای توحید و شرک و کفر اشاره می کند، فریاد برمی آورد که این موضع گیری ها، خلاف خرد جمعی و ناقض وحدت جامعه بشری و دهکده جهانی است. پس باید از افتادن به دام مرزبندی های جاهلی، استعماری و دشمن پسند که در قالب تبلیغات ملی گرایانه رخ می نماید، پرهیز کنیم.

امام خمینی رحمه الله در اولین بند از وصیت نامه سیاسی الهی خود نوشته است:

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر بگیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیه این جانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به ویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هر راه ممکن، افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این فراز از وصیت نامه خود، خط مقدمه حمله دشمن و اولین نقطه نفوذ او را مشخص کرده و مسلمانان را متوجه این نقطه خطر ساخته است. ایشان همواره در مورد جنگ تبلیغاتی روانی دشمن برای از هم پاشیدن وحدت و یک پارچگی و به فراموشی سپردن انگیزه دینی - که رمز پیروزی بودند و راه دوام و پایداری انقلاب اسلامی - هشدار می داد.

برای خنثی کردن تبلیغات دشمن، نخست باید خط تبلیغاتی او و هدف هایش را شناخت. امام، خط تبلیغاتی دشمن را در بند اول وصیت نامه شان چنین ترسیم می کند:

دشمن مصمم است تا ایمان تزلزل ناپذیر مردم را از آنان بگیرد و اراده خدایی آنان را سست کند و چشم انداز وسیع و الهی آنان را در محدوده مرزهای ملی و جغرافیایی و قومی و نیز در قالب های مادی و حیوانی کنترل کند. او تصمیم دارد تا به گمان خود، ناسیونالیسم افراطی را تبلیغ کند. متأسفانه برخی نیز به جای تأکید بر اسلام و

انقلاب اسلامی و امت اسلامی، بر تمدن های منطقه ای و ملی و قومی خود تکیه می کند که این بخشی از نیرنگ تبلیغاتی دشمن است تا هویت اسلامی و دینی را از انقلاب ما بگیرد.

باید دانست یکی از حربه های بسیار کارآمد، مؤثر و کم هزینه همیشگی استعمارگران و دشمنان اسلام برای تحقق سلطه و گسترش قدرت پوشالی خود بر کشورهای مختلف اسلامی، عملیاتی کردن نظریه «تفرقه انداز و حکومت کن» در قالب فرقه سازی و دامن زدن به آتش اختلافات مذهبی، قومی، قبیله ای و گروهی است. در دوره کنونی که به برکت انقلاب اسلامی از یک سو، هویت یابی و بیداری جهان اسلام با سرعت زیاد مراحل نهایی خود را سپری می کند و از دیگر سو، توطئه های پیچیده دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی همچون جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، تهاجم فرهنگی، بحران سازی سیاسی به منظور توقف، مهار و واژگونی نظام اسلامی ناکام مانده است، مهم ترین حربه آنان برای رسیدن به اهداف پلیدشان، بهره گیری از همان حربه مؤثر و قدیمی؛ یعنی تفرقه افکنی است.

امام خمینی رحمه الله چه زیبا از این توطئه دشمن پرده برمی دارد و مسلمانان را به برادری و اخوت و به هم پیوستگی فرامی خواند:

جامعه را می شود تشبیه کرد - افراد جامعه و خود جامعه را - به قطرات و نهرها و سیل و دریا. قطره باران یکی یکی وقتی که ملاحظه بکنید، هر قطره ای وقتی از قطره های دیگر جدا باشد، یک برگ را هم تر نمی کند. یک قطره باران به قدر اینکه یک برگی را تر بکند، نیست. اگر هم فرض کنید که میلیون ها قطره باشد، این قطره ها از هم جدا باشند، هیچ اتصالی با هم نداشته باشند، اگر چنانچه میلیاردها قطره وجود داشته باشد و اینها قطره قطره باشند، باز کاری از آنها نمی آید. هر قطره ای تا اجتماعی نباشد، کاری از آن نمی آید. حالا اگر اتصال با هم پیدا کردند، یک وقت اتصالشان یک مقداری است. مثلاً در یک جایی که قطرات آمده اند، یک مقداری از این قطرات با هم اتصال پیدا کرده اند ولیکن به مقدار دیگری یا اتصال ندارند یا اتصال پیدا کرده اند، لیکن آنها دیگر به این قطراتی که با هم متصل شده اند، اتصال نداشته باشند، آن یک جویی را، یک

نهری را تشکیل می دهد، آن هم یک نهری را تشکیل می دهد یا اگر با هم اتصال پیدا نکرده باشند، به همان قطره باقی می مانند. از این نهر یک کاری برمی آید، اما کار اساسی نیست. از این اتصالی که بین قطرات پیدا شده است و یک نهری از آن درست شده است، می شود که یک زمینی را مثلاً آبیاری کنند و به او کشتی بکنند، لیکن محدود است. انتفاع از آن. آن نهر هم همین طور و آن قطرات اگر باشد که هیچی. اما اگر چنانچه این نهرها به هم متصل شد و یک سیلی و رودخانه ای راه انداخت، قدرتش زیاد می شود.(۱)



---

۱- . صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳۰.

ایشان در سخنی دیگر می فرماید:

یـک نفر به انـدازه یـک نفر قـدرت دارد، این یـک نفر وقتی پهلویش نفرها واقع شـد، جمعیت از آن، مثل یک قطره است که وقتی که قطره های دیگر به آن متصل شد، سیل پیدا می شود. وقتی سیل ها با هم متحد شدند، دریا درست می شود. این قطره ها خیال نکنند، انسان ها خیال نکنند که خوب، از من که کاری برنمی آید، نخیر. از شما و من و همه و شما هر کدام به اندازه خودمان، به انـدازه یک نفر کار ازمان می آیـد و به انـدازه آن قـدری که از ما کار می آید، مسـئول هستیم؛ یعنی امروز وضـع طوری است، به طوری حساس است وضع مملکت ما که اگر ما قصور بکنیم در ادای تکلیفمان، مسـئولیم. همه باید با هم، همه اقشار باید با هم (فعالیت کنند). ننشینید.(۱)

رسول گرامی اسـلام با هجرت به مـدینه و نوشـتن اولین منشور شـهروندی میان اقشار متخاصم و متعارض، وحـدت کلمه ایجاد کرد. ایشـان می خواست تمام دنیا را در سایه کلمه توحیـد قرار دهـد. با این حال، دنیاطلبان جاهلی و دانشـمندان سوداگر یهود راه وحدت و اتحاد را بر مسلمانان بستند.

در دو سـده های اخیر نیز، قـدرت های جهانی جهانخوار، آتش افروز این معرکه خطرناکنـد که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان وحشت دارند و با تمام نیرو به صورت مستقیم یا به واسطه مزدوران آگاه و ناآگاه خود به اختلاف دامن می زنند تا بر مقدرات مسلمانان جهان مسلط شوند و ذخایر بی پایان آنان را چپاول کنند.(۲)

خـدای سـبحان پس از آیاتی که به تفرقه افکنی دشـمنان اشاره می کند، به مؤمنان هشدار می دهد و برانگیزه الهی آنان تأکید می کند و می فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا. (آل عمران: ۱۰۳)



---

۱- . همان، ج ۷، ص ۱۰۶.

۲- . همان، ج ۱۹، ص ۳۲۱.

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، ولی میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید.

این دو موضوع برای پایداری جامعه اسلامی واجب است و با فرو ریختن هر یک، چیزی به نام امت اسلامی وجود خارجی نخواهد داشت.

تأکید حضرت امام بر حفظ انگیزه الهی و وحدت از هر راه ممکن بود. به همین دلیل، مردم را به تقوای خداپسند و فراخور توانایی جامعه اسلامی توصیه می کرد.

«وحدت» از اصولی ترین شعارهایی است که امام خمینی رحمه اللهو مقام معظم رهبری در طول ۲۵ سال اخیر بر آن تأکید کرده اند. مقام معظم رهبری، شعار «وحدت و امنیت ملی» را در سال ۱۳۷۹ هم به عنوان شعار سال تعیین کرد. به نظر ایشان، «وحدت ملی» از امینت مهم تر است؛ چون امنیت ناشی از وحدت است. مراد از «وحدت ملی» آن نیست که همه یک سلیقه و یک طرز تفکر پیدا کنند، بلکه به معنای آن است که شخصیت ها، گروه ها و احزاب اسلامی در عین حفظ سلیقه و نگرش خویش در برابر دشمنان انقلاب، نسبت به یک سلسله اصول، وحدت و اشتراک پیدا کنند. این اصول، وفاق همه مردم حول محور نظام اسلامی، قانون اساسی و مهم ترین اصل آن؛ یعنی ولایت فقیه و در یک کلمه، اصولی است که امام خمینی رحمه الله به عنوان اصول انقلاب اسلامی تعیین کرده است.

«وحدت حوزه و دانشگاه» از نمونه های اساسی وحدت ملی است. مراد از وحدت حوزه و دانشگاه نیز آن نیست که دانشگاه و حوزه دست از برنامه های خویش بردارند، بلکه دانشگاه و حوزه را باید ارکان یک مؤسسه به نام «مؤسسه علم و دین» دانست که با همکاری هم، با یک هدف واحد؛ یعنی منافع ملت حرکت می کنند. همچنین در نظر مقام معظم رهبری، «وحدت شیعه و سنّی» جزو «وحدت ملی» به شمار می آید. وحدت شیعه و سنی برای جمهوری اسلامی یک تاکتیک نیست، بلکه یک اصل مهم قرآنی و اسلامی است. در گذشته، اختلاف فرقه های اسلامی در حد اختلاف فکری و علمی مطرح بود که البته اهل سیاست از آن به نفع خویش سود می بردند، ولی پس از انقلاب اسلامی، این اختلاف از نظر کمّی و کیفی به صورت توطئه ای جهانی از سوی استکبار و ایادی وی در آمده است.

مقصود از وحدت شیعه و سنّی در اندیشه مقام معظم رهبری، رفتار عقلایی مسلمانان شیعه و سنّی در برابر دشمن مشترک است. معنای وحدت آن نیست که عالمان شیعی

و سنّی از اصول فکری خویش دست بردارنـد، بلکه مراد، هماهنگی، یک نوایی و هم صـدایی در برابر اسـتکبار جهانی است. معنای وحدت شیعه و سنّی آن است که این دو گروه هم سو حرکت کنند، به یکدیگر یاری رسانند و سرمایه های خویش را علیه یکدیگر به کار نبرند.

به اعتقاد مقام رهبری، شیعه و سنّی محورهای مشترک زیادی دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مهم ترین عامل وحدت است، به گونه ای که حتی وفاق مسلمانان درباره آن از توحید بیش تر است. همچنین اهل بیت پیامبراعظم صلی الله علیه و آله، حج و حاکمیت اسلامی از محورهای مشترک نزد شیعه و سنّی به شمار می آید.

مقام معظم رهبری، توحید، ولایت خدا و رسول و الوالامر، وصایت قرآن، تقوا و ارزش های اخلاقی، اصل عدالت و قسط برای همه حتی کافران در جامعه اسلامی و سیره و روش امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد طاهرینش را از مبانی وحدت اسلامی برشمرده است.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی با علم به نیات شوم دشمنان اسلام، سال جاری را به شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» آراست و در آغازین روز سال نو در این زمینه فرمود:

با نگاه به حوادث و مسائل جهانی به روشنی درمی یابیم که دشمنان ملت ایران، درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند. یکی ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت، از بین بردن یک پارچگی ملت ایران و از دست ملت، این نیروی عظیم را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن و دومی، ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود.

مسئله دیگر، مسئله اتحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاش های موذیانه گوناگون خود سعی می کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیاندازد، به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش های صنفی، وحدت کلمه ملت را از بین ببرند. علاوه بر این، در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند. اختلاف مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنّی را در هر نقطه ای ازدنیا که ممکن باشد، به

وجود بیاورند و عظمت و ابهت ملت ایران را در میان ملت های دیگر که روز به روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده، از بین ببرند.(۱)

مقام معظم رهبری همچنین در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۶ در اجتماع باشکوه زائران و مردم شریف مشهد در جوار حرم مطهر رضوی با اشاره به استعدادها و توان مندی های کم نظیر ملت ایران و خواست عمومی مردم برای ساختن کشوری با ایمان، آباد و پیشرفته، درخشندگی های نظام مقدس جمهوری اسلامی در عرصه های سیاسی، علمی، صنعتی و امکان سرآمد و الگو شدن ایران اسلامی در کوتاه مدت و موانع موجود در این مسیر را یادآور شد. آن گاه در ادامه به تبیین حیله های دشمنان خطرناک درونی و برونی پرداخت و برنامه های اصلی استکبار جهانی و دشمنان بیرونی را در سه موضوع جنگ روانی، جنگ اقتصادی و مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی کشور بررسی کرد. ایشان درباره جنگ روانی فرمود:

یک بخش جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور، اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، شیعه و سنّی اختلافات جناحی، اختلافات صنفی در قالب های صنفی را ترویج می کنند... ثانیا بین ملت ایران و ملت های دیگر مسلمان اختلاف بیندازند... به همین مناسبت، به عناصر سیاسی داخلی هم دوستانه نصیحت می کنم مراقب باشند طوری حرف نزنند، طوری موضع گیری نکنند که به مقاصد دشمن در این جنگ روانی کمک شود. به دشمن کمک نکنند. امروز هر کس که مردم را مأیوس کند و به خود، به مسئولین و به آینده بی اعتماد کند، به دشمن کمک کرده. امروز هر کس که به اختلافات دامن بزند - هر نوع اختلافاتی - به دشمن ملت ایران کمک کرده. کسانی که قلم دارند، بیان دارند، تریبون دارند، جایگاهی دارند، باید مراقب باشند. نباید بگذارند دشمن از آنها استفاده کند... توصیه من این است: این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی - این را رعایت کنید. اتحاد ملی؛ یعنی یک پارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی؛ یعنی ملت های مسلمان



---

۱- . پیام رهبری.

با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت های اسلامی محکم تر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است تکیه کنیم، نباید خودمان را سرگرم فروعی کنیم که مورد اختلاف است.

در پایان دفتر سخنان رهبر فرزانه انقلاب را دگرباره ورق می زنیم و آنها را چراغ راهمان می سازیم. با گزین گویه ها نیز شیرازه نوشتار را به هم می رسانیم.

وحدت(۱)

قرآن، ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و هم بستگی خودتان را از دست بدهید، آبرو و هویت و قدرت شما نابود خواهد شد. امروز متأسفانه در دنیای اسلام این نابسامانی ها مشاهده می شود. امروز توطئه علیه دنیای اسلام، توطئه بسیار سنگینی است. اگر در این دوران، علیه اسلام توطئه های سازمان یافته با شدت بیشتری کار می کند، بیداری امت اسلامی است که دشمنان را به هراس انداخته است. استکبار جهانی، طمع کاران در کشورهای اسلامی و مداخله جویان در میان دولت ها و کشورهای اسلامی از وحدت امت اسلامی در هراسند.(۲)

## تقوا، ملاک وحدت

اسلام تأکید کرده است که قومیت ها، ملاک تشخص و هویت نیستند؛ «ان اکرمکم عندالله اتقیکم.» اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند. نگفته است برادرانی که سنّی اند یا شیعه اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان «انما المؤمنون اخوه» هستند. هر کسی به این کتاب و به این قرآن و به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛



---

۱- . نک: تجلی پیام در افق رسانه ملی، اداره کل پژوهش و آموزش سیما، زمستان ۱۳۸۵، صص۳۵۲-۳۵۹.

۲- . ۶/۲/۱۳۸۴.

اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است.(۱)

## وحدت؛ یک اصل اسلامی

امروز وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است. امروز اگر بخواهید به قضایا خیلی سیاسی نگاه کنید، وحدت برای شما لازم است. البته نباید به وحدت به چشم تاکتیک نگاه کرد؛ وحدت یک اصل اسلامی است: «واعتصموا بحبل الله جمیعا.» یعنی اعتصام به حبل الله، جمیعا و مجتمعا لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تک تک ممکن نمی شود: «ولاتفرقوا».(۲)

شعار وحدت مسلمین که شعار درست و ضروری هم است - یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا ـ بگوییم مصلحت ما ایجاب می کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم - مسلمانان، به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است.(۳)

## اهمیت جماعت در اسلام

محورها و جهت گیری های عید اسلامی، همین است. لذا شما می بینید در دو عید فطر و قربان، نماز آن هم به جماعت، تشریع شده است. نماز جماعت، مظهر همان دو جهت است؛ هم توجه به معنویت، توجه به خدا و ذکر و خشوع و هم وحدت، تجمع و بر گرد یک محور مشترک فراهم آمدن.(۴)

## اصل عدالت برای همه

پیام اسلام، پیام وحدت و امنیت و برادری است. امیرالمؤمنین علیه السلام، یک جمله ابدی دارد که درباره همه انسان هاست. می فرماید: این انسانی که



---

۱- . ۱۸/۲/۱۳۸۳.

۲- . ۱۱/۷/۱۳۶۸.

۳- . ۲۶/۱/۱۳۶۹.

۴- . ۲۱/۱۱/۱۳۷۵.

در مقابل توست یا برادر دینی توست، یا شریک خلقتی توست. و به هر حال، یک انسان است. همه انسان ها باید با هم متحد و مهربان باشند؛ مخصوص یک دسته و یک گروه هم نیست. لذا در اسلام، به مسلمانان دستور داده شده است که حتی کسانی که از لحاظ دین و عقیده، بر خلاف شما هستند، با آنها هم خوبی کنید. «لاینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین.» «والحکم الله و المعود الیه القیامه.» این هم کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است شما با انسانی روبه رو هستید که یا با شما هم عقیده است و برادر شماست، یا هم عقیده نیست و در خلقت با شما شریک است.(۱)

برادرانی که به برکت اسلام و بدون در نظر گرفتن مرزها، برادر یکدیگرند و چنان که در روایت آمده است: «اَلْمُؤمِنُ اَخُ الْمُؤمنِ لِاَبیهِ وَ اُمِّهِ؛ مؤمن، برادر پدر و مادری مؤمن است».(۲)

## سیره ائمه علیهم السلام

این بزرگواران، از تفرقه و تشتت و جدایی و بغض متنفر بودند؛ اهل وحدت و عامل جمع و شمع انجمن بودند. امروز هم پیروان و علاقه مندان آنها، باید این را تأمین کنند. ما به عنوان عایله تشیع، باید با همه وجود احساس و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لا اله الا الله و محمد رسول الله» هستیم. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که همه ائمه بزرگوار ما علیهم السلام همیشه عامل جمع و وحدت بوده اند.(۳)

## گزین گویه ها

۱. بدون وحدت کلمه، حرکت دسته جمعی امکان ندارد.

۲. من گمان نمی کنم در طول ده سال گذشته که امام عزیزمان این همه بیانات حکمت آمیز ایراد کردند، چیزی را به اندازه وحدت مورد تأکید قرار داده باشند.

۳. اگر وحدت ملی خدشه دار شد، دیگر حرف زدن از



---

۱- . ۱۸/۷/۱۳۷۵.

۲- . ۵/۷/۱۳۶۸.

۳- . ۴/۳/۱۳۶۹.

وحدت یک سخن افسانه گون است.

۴. امنیت ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می افتد و ایجاد ناامنی می شود.

۵. وحدت مردم؛ یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش.

۶. یکی از عواملی که وحدت ملی را خدشه دار می کند، مفاهیم مشتبهی است که دائما در فضای ذهنی مردم پرتاب می شود. هر کس هم به گونه ای معنا می کند؛ یک عده از این طرف، یک عده از آن طرف؛ جنجال و اختلاف غیرلازم درست می شود.

۷. وحدت مردم، اتحاد قلبی مردم، اتحاد روحی مردم، محبت مردم، وفاق مردم حول نظام اسلامی، حول احکام مقدسه اسلام، حول قانون اساسی - که قانون اساسی هم منطبق بر احکام اسلامی است - حول قوانین کشور - که لااقل اغلب آنها منطبق بر قوانین اسلامی است؛ اگر نگوییم همه اش منطبق است - وحدت ملی را تشکیل می دهد.

۸. کسانی که اهل دینند، بیشتر از همه از آزادی دفاع می کنند.

۹. روزنامه ها باید کاری کنند که دل ها را به هم نزدیک کرده و جناح ها را به هم نزدیک کنند.

۱۰. ما نمی گوییم اختلاف سلیقه های مردم و جریان های سیاسی از صحنه سیاست کشور برداشته شود. این نه ممکن است، نه مفید، ولی این اختلاف نظرها نباید به جدال و شقاق منتهی شود.

۱۱. هیچ کس نباید توقع داشته باشد که اگر کسی طرف مقابل اوست، به کلی از فکر و عقیده و سلیقه و خواست و - اگر خدای نکرده هوایی هست - هوای خود، صرف نظر بکند و دربست تسلیم بشود. این، نشدنی است. اگر ما بخواهیم التیام و جمع ایجاد کرده و از تفرق و ضررهای تفرق پرهیز کنیم، در مواردی احتیاج به تنازل است. این، یک وظیفه است.

۱۲. علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملی، وحدت مسئولان، مراعات جناح های مختلف سیاسی و گردآمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معیّن کرده و مورد قبول این ملت است.

۱۳. یک جبهه واحد وجود دارد و آن، جبهه انقلاب و اسلام است. در داخل این جبهه، هر اختلاف سلیقه ای هم باشد، اصل احترام به اسلام، احترام به قرآن، پاسداری از انقلاب، پاسداری از راه امام بزرگوار، پاسداری از عزت و استقلال این کشور، تلاش برای آسوده کردن خاطر

ملت و از بین بردن مشکلات، بر جای خود مستحکم و محفوظ است.

۱۴. وحدت حوزه و دانشگاه؛ یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو، ملت شاهد – ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرئت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده حرکت کنند – حرکت نمایند.

۱۵. نه می خواهیم بگوییم که شیعه، سنّی شود؛ یا سنّی، شیعه شود و نه می خواهیم بگوییم که شیعه و سنّی به قدر توان و مقدورات خودشان، برای تحکیم عقاید خودشان کار علمی نکنند. اتفاقا کار علمی، بسیار خوب است و هیچ اشکالی ندارد. کتاب های علمی بنویسند؛ در محیط های علمی، نه در محیط های غیرعلمی، آن هم با لحن های بد و غلط. بنابراین، اگر کسی می تواند منطق خود را ثابت کند، ما جلوکار او را نباید بگیریم. اما اگر کسی می خواهد با حرف، با عمل و با شیوه های گوناگون، اختلاف ایجاد کند، این را ما فکر می کنیم که در خدمت دشمن است. هم سنّی ها باید مراقب باشند و هم شیعه ها. «وحدت ملی» را که ما گفتیم، شامل این هم می شود. ما نمی گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می گوییم شیعه و سنّی باید همیشه سر عقل باشند؛ همچنان که بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوءاستفاده کند.

۱۶. اگر کسی مخلصاًلله احساس می کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ و الاّ او می رود کتاب «احقاق الحق» را می آورد و به رخ این می کشد و این هم می رود کتاب «تحفه اثنی عشریه» را می آورد و به رخ آن می کشد. هر دو هم به قدر کافی کتاب پر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته اند. اگر ما بخواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است. «رحم الله معشر الماضین.» ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده اند، ما امروز می خواهیم تکلیف خودمان را بیننا و بین الله نگاه کنیم و بیننا و بین الله، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.

ص: ۲۷۳

۱۷. منظور ما از وحدت، هماهنگی و یک نوایی و هم صدایی است.

۱۸. حرف ما در هفته وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنّت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد.

۱۹. اینکه ما بگوییم در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنّی بود، حرف غلطی است. امروز این حرف، در حقیقت به معنای نفی کردن و از بین بردن معارف و فقه و محصول فرهنگی همه فرق مسلمین است. روی هرچه دست بگذارند، می گویند در صدراسلام نبوده، پس این غلط است، این خودش حرفی شبیه توطئه است.

۲۰. معنای اتحاد بین ملت های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام، هم سو حرکت کنند، به یکدیگر کمک کرده و در داخل این ملت ها، سرمایه های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند.

۲۱. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست، بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دو آن باید تأمین بشود: اول اینکه فرق گوناگون اسلامی (فرق سنّی و فرق شیعه) که هر کدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند حقیقتا در مقابله با دشمنان اسلام، هم دلی و هم دستی و همکاری و هم فکری کنند. دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را به هم مقایسه و منطبق کنند.

۲۲. ما کشورهای اسلامی، با هم اصطکاک منافع نداریم. یک مجموعه اسلامی، یک بلوک اسلامی، برای همه خوب است، نه برای یک جمع خاص.

۲۳. در بین فرق اسلامی یک نقطه وجود دارد که در آن نقطه، هیچ اختلاف بین آنها نیست. حتی در عقیده توحید هم که متفق علیه است، ممکن است کسانی تفسیر و حرفی داشته باشند که آن دیگری قبول نداشته باشد، اما در این نقطه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن، محبت و ارادت به نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

۲۴. مسلمین باید در عمل به کلمات ائمه علیهم السلام و اهل بیت پیغمبر، اتفاق کلمه کنند. این یکی از مسائل

وحدت است.

۲۵. مسئله غدیر هم می تواند مایه وحدت باشد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه های نرفته و گره های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.

۲۶. امروز وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است.

۲۷. شعار وحدت مسلمین که شعار درست و ضروری هم است، یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم.

۲۸. نماز جماعت، مظهر همان دو جهت است؛ هم توجه به معنویت، توجه به خدا و ذکر و خشوع و هم وحدت، تجمع و بر گرد یک محور مشترک فراهم آمدن.

۲۹. در اسلام، به مسلمانان دستور داده شده است که حتی کسانی که از لحاظ دین و عقیده بر خلاف شما هستند، با آنها هم خوبی کنید.

۳۰. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که همه ائمه بزرگوار ما همیشه عامل جمع و وحدت بوده اند.

آن روز دور نیست که در سایه اتحاد امت اسلامی، کشورهای مظلوم و مسلمان عراق، لبنان، افغانستان، فلسطین و دیگر سرزمین های اسلامی، صبح ظفر را به نظاره نشینند و از خنکای آن، کالبد جهان اسلام را طراوتی تازه بخشند.

همچنین دیر نیست که با آمدن منجی موعود امواج توفنده مسلمانان مستضعف، با اخوت تمام به سوی صبح رهایی گام بردارند و قبله گاه نخستین را سجده گاه نماز خویش سازند. پس با موعودیان به انتظارت می مانیم ای یگانه سبز.

## کتاب نامه


۱. ابن الاثیر، علی بن محمد، تاریخ الکامل، ۱۳۰۳ ه- . ق.

۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، امالی، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ه . ق.

۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، قاهره، دارالجیل، ۱۴۱۰ه . ق.

۴. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، فرق الشیعه، ترجمه: محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۲۵.

۵. افتخاری، اصغر، وفاق ملی و جامعه شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۶. اقبال، عباس، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، تهران، ۱۳۴۷.

۷. سمان، علی، رویارویی مسلک ها و جنبش های سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷م. ، ترجمه: حمید نوحی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۵۷.

۸. بارتولد، و.و. ، خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، ترجمه: سیروس ایزدی، تهران، ۱۳۵۸.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۱۳ ه . ق.

۱۰. بلخی (مولوی)، جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح: رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۱۱. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، اسلام؛ آیین هم بستگی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۴.

۱۲. -------------------------، توحید کلمه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۳ ه . ق.

۱۳. پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۴. تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، ۱۳۴۰.


ص: ۲۷۶

۱۵. توین بی، آرنولد، آینده نامعلوم تمدن، ترجمه: فرهنگ جمال پور، اصفهان، ۱۳۵۵.

۱۶. حاج سیدجوادی، کمال، اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ، تهران، نشر میثاق، ۱۳۵۸.

۱۷. حائری، عبدالهادی، ایران و جهان اسلام، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۱۸. ---------------------- ، هم گامی ایران و لیبی بر ضد امپریالیسم (دو سند تاریخی)، مشهد، نشر آمری، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۱۹. حاضری، مهدی، امام خمینی و وفاق اجتماعی، تهران، بی نا، ۱۳۷۹.

۲۰. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۷۶ ه . ق.

۲۱. حسنی ندوی، القادیانی و القادیانیه، تحقیق: ابوالحسن علی، جده، الدارالسعودیه لنشر، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه .ق.

۲۲. حکیمی، محمدرضا، شرف الدین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

۲۳. ------------------- ، مشعل اتحاد، تهران، مؤسه انجام کتاب، ۱۳۶۰.

۲۴. خامنه ای، سیدعلی، حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲۵. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۲۶. راهبردهای اسلامی خدمتگزاری به مدیران نظام اسلامی، رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۸۲.

۲۷. شعبانی، رضا، تاریخ اجتماع ایران در عصر افشاریه، تهران، ۱۳۵۹.

۲۸. شفیق غربالی، محمد، الموسوعه العربیه المسیره، قاهره، ۱۹۶۵ م.

۲۹. صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ق.

۳۰. صدیقی، حکیم، نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی.

۳۱. طوسی، ابوعلی حسن بن علی نظام الملک، سیاست نامه، به کوشش: جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۸.

۳۲. عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۳۳. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی غرب،

ص: ۲۷۷

تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.

۳۴. غزالی، محمد، فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام، به کوشش: مؤید ثابتی، تهران، ۱۳۳۳.

۳۵. فضل الله، رشیدالدین، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۳۸.

۳۶. فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، ۱۳۴۲.

۳۷. فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات فیضیه، چاپ دوم، ۱۳۵۱.

۳۸. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجه البیضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۱ ه . ق.

۳۹. -----------------، الوافی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ه . ق.

۴۰. قانع، احمدعلی، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

۴۱. قزوینی رازی، عبدالجلیل، کتاب النقض، به کوشش: سیدجلال الدین ارموی (محدث)، تهران، ۱۳۳۱.

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

۴۳. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، اسلامیه، ۱۴ ه . ق.

۴۵. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران.

۴۶. موثقی، سیداحمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۴۷. موسوی، سید شرف الدین، مباحثی عمیق در وحدت امت اسلامی، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات صادق، ۱۳۶۲.

۴۸. نخجوانی، هندو شاه بن سنجر، تجارب السلف، به کوشش: عباس اقبال و توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۵۷.

مقاله

۱. آرمان تمدن بزرگ اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۸۴.

۲. نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری (فصل وحدت)، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۲.

۳. شایان فر، سلمان، وحدت و امنیت ملی از دیدگاه

ص: ۲۷۸

مقام معظم رهبری، نشر نذیر.

۴. کلیه سخنرانی ها و مکتوبات مقام معظم رهبری از خرداد ۱۳۶۸ تا مهر ۱۳۸۵.

۱. فرزادی، مختار، مقاله «نقش قانون گذاری در ایجاد وحدت و اتحاد دل ها»، روزنامه خراسان، ۱۳/۷/۱۳۷۸.

۲. قدیر، ناصر، مقاله «از وفاق ملی تا عمل به وعده ها»، روزنامه راه مردم، ۱۴/۸/۱۳۸۴.

۳. اسماعیلی، حسین، مقاله «استراتژی الفت»، روزنامه جام جم، ۲۱/۴/۱۳۷۹.

ص: ۲۷۹

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹